

# مدیریت شهری

فصلنامه پژوهشی، علمی، آموزشی، برنامه‌ریزی و مدیریت شهری  
سال اول، بهار ۱۳۷۹  
۹۸ صفحه، ۳۰۰۰ ریال

- ✓ پارادایم جدید مدیریت شهری
- ✓ شهروندی و مدرنیته
- ✓ روش تلفی و تصمیم‌گیری
- ✓ منشور آتن و منشور ۲۰۰۰
- ✓ رانت اقتصادی و توسعه شهری
- ✓ پست مدرنیسم و شهرسازی
- ✓ نیازسنجی شهری
- ✓ شهرداری‌ها، شوراهای اسلامی شهر و برنامه سوم توسعه
- ✓ مراکز پژوهشی شهری



# دعوت به همکاری فصلنامه تحلیلی، پژوهشی، آموزشی

## مدیریت شهری

دفتر برنامه‌ریزی عمرانی وزارت کشور با هدف جلب مشارکت فکری جامعه علمی، از صاحب‌نظران و دانش‌پژوهان رشته‌های شهرسازی و علوم اجتماعی و سایر رشته‌های ذیربط و همچنین کارشناسان مسائل برنامه‌ریزی و مدیریت شهری و مدیران شهری کشور دعوت می‌کند تا با ارسال مقاله‌های علمی در زمینه «برنامه‌ریزی و مدیریت شهری» به غنای محتوای فصلنامه علمی، پژوهشی «مدیریت شهری» کمک نمایند.

• بر اساس سیاست‌های پژوهشی فصلنامه «مدیریت شهری» ارسال مقاله‌های علمی (تالیف، تحقیق، ترجمه) در بخش‌های زیر از اولویت اساسی برخوردار است:

- ۱ - اندیشه، مباحث نظری برنامه‌ریزی و مدیریت شهری
- ۲ - روش‌شناسی، مباحث، روش‌شناسی پژوهش‌های شهری و علم‌شناسی فلسفی (فلسفه علم) برنامه‌ریزی شهری
- ۳ - پژوهش، نتایج و یافته‌های پژوهش‌های تجربی و مطالعات استادی در زمینه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری (فارسی و لاتین)
- ۴ - نقد و نظر، نقد و بررسی علمی مسائل نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری ایران / نقد و بررسی ادبیات تخصصی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری (فارسی و لاتین) / نقد و بررسی نظریه‌های برنامه‌ریزی و مدیریت شهری
- ارسال مطالب علمی در بخش‌های زیر نیز مورد نظر فصلنامه علمی، پژوهشی «مدیریت شهری» است:
  - ۱ - مراکز علمی تخصصی، معرفی مراکز آموزشی و پژوهشی مرتبط با برنامه‌ریزی و مدیریت شهری (ملی و جهانی) / معرفی سازمان‌های بین‌المللی تخصصی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری
  - ۲ - ادبیات تخصصی و معرفی تحلیلی کتاب‌ها، نشریه‌ها، مجله‌ها و گزارش‌های کارشناسی جدید مرتبط با برنامه‌ریزی و مدیریت شهری (فارسی و لاتین)
- رعایت نکات زیر در تهیه مقاله‌ها و مطالب مورد نظر فصلنامه علمی، پژوهشی «مدیریت شهری» ضروری است:

- ۱ - استفاده از کاغذ A4 / با فاصله یک خط / ترجیحاً تایپ شده یا خوانا
- ۲ - درج نام و نام‌خانوادگی پدیدآورنده (مؤلف و مترجم) / میزان تصحیلات / رشته تحصیلی / سمت سازمانی
- ۳ - ارسال تصویر متن اصلی لاتین (برای مطالب ترجمه شده)
- ۴ - ارسال چکیده مقاله یا مطالب، حداقل در «۱ سطر (فارسی و ترجیحاً لاتین)
- ۵ - رعایت معیارها و اصول مآخذ در داخل متن به‌صورت:
  - ۱ - ذکر منابع و مآخذ در داخل متن به‌صورت:

الف - برای مآخذ فارسی (نام‌خانوادگی پدیدآورنده، سال انتشار، صفحه)

ب - برای مآخذ لاتین (Author, Year, Page)
  - ۲ - درج پی‌نوشت‌ها (با توجه به شماره ترتیبی مندرج در متن) در پایان مقاله
  - ۳ - تنظیم فهرست منابع و مآخذ به ترتیب الفبایی (فارسی و لاتین) و با شماره‌گذاری ترتیبی بعد از پی‌نوشت‌ها به‌صورت زیر:

الف - برای فارسی «نام‌خانوادگی و نام پدیدآورنده، عنوان اثر، نام، نام‌خانوادگی، مترجم، محل انتشار، ناشر، سال انتشار»

ب - برای مآخذ لاتین (Author, Title, Publication, Year)
  - ۴ - استفاده از الگوی زیر هنگام تکرار منابع در متن:

الف - برای مآخذ فارسی (همان، صفحه) (پیشین، صفحه)

ب - برای مآخذ لاتین (Opp.cit., Page) (Ibid, Page)
  - ۶ - ارائه معادله‌های مهم و برجسته لاتین در متن، با استفاده از پراکنش
- مقاله‌ها و مطالب دریافتی پس از تأیید هیأت داوران علمی فصلنامه علمی، پژوهشی «مدیریت شهری» (مشکل از اساتید دانشگاه و صاحب‌نظران ذیربط) با رعایت اولویت و ترتیب زمانی دریافت درج خواهند گردید.
- به پدید آورندگان مقاله‌ها و مطالب درج شده در فصلنامه علمی، پژوهشی «مدیریت شهری» حق‌التحریر مناسب با رعایت ضوابط معمول پرداخت خواهد شد.
- مطالب و مقاله‌های دریافتی مسترد نخواهد شد.
- فصلنامه علمی، پژوهشی «مدیریت شهری» در ویرایش، کوتاه‌سازی و پیرایش مقاله‌ها و مطالب آزاد است.



کتابخانه ملی افغانستان  
ملفوظات سهری



طرح روی جلد بهمن رضوانی  
(امیدان یوخلنه در یک قرن پیش)

۴ پارادایم جدید مدیریت شهری  
سید محمود طالب خرمی

۵ منشور آتن و منشور ۲۰۰۰ (دولت‌محیط در اندیشه‌های شهرسازی قرن بیستم)  
سید محمدصادق لنگانی

۱۱ شهروندی و مدرنیته (جامعه‌شناسی شهروندی مدرن)  
مورین رولنه، ترجمه هاشم‌اکبر عرب

۲۵ آشنایی با روش ذهنی و کاربرد آن در تصمیم‌گیری  
جیمز لوستی، جلیلیان

۳۵ رانت اقتصادی (بهره مالکانه) در طرحهای توسعه شهری  
منصوره مرادی

۴۰ ساماندهی صنایع و خدمات شهری  
یوسف مهدی‌زاده

۴۹ نیاترسنجی شهری-معرفی نظریه لئونارد، فی، دهل  
احمدحسین سلیمی

۶۶ پیشت-مدرنیسم در شهرسازی  
حسن شفیعی

۷۰ فرهنگ اسلامی و توسعه پایدار شهری  
محمد تقی‌زاده

۷۳ برنامه‌ریزی اوقات فراغت  
شیرما میگلانگ، ترجمه حسن رشت

۷۵ شهرداری‌ها و شوراهای اسلامی شهرها در لایحه برنامه سوم توسعه  
حبیب‌الله طاهرخانی

۷۷ معرفی مراکز بین‌المللی مطالعات شهری و منطقه‌ای  
میرزا یزدانی

۸۵ رهیافتی به جامعه‌شناسی شهری / مدیران نوین بخش عمومی در اروپا  
برنی کتاب

۱. صاحب آراشه شده فرماید که: «مستند نیست»  
 ۲. «مستند» عبارت از کتب و اشیاء و غیره می باشد که از آنجا که  
 ۳. صاحبی بخواهد باز کرده و بگوید: «بله»  
 ۴. «بله» می گوید: «بله» یا «نه» یا «شاید»

# یادداشت سردیر

بی‌می‌گیرد:

۱- ارتقاء سطح دانش تخصصی مدیران و کارشناسان ارشد نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری کشور (شاغل در وزارت کشور، استانداری‌ها، شهرداری‌ها و سازمان‌های وابسته و شوراهای اسلامی شهرها).

۲- فراهم کردن زمینه‌های لازم برای میادله اطلاعات، اندیشه‌ها، ایده‌ها و تجربیات اعضای جامعه علمی تخصصی و نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری کشور.

۳- تقویت ادبیات مدیریت شهری به منظور فراهم نمودن مبنای دانش علمی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری کشور اما در مورد مخاطبان فصلنامه با توجه به اهداف بیتیانی و راهبردی انتشار آن می‌توان به این مخاطبان اشاره کرد:

۱- مدیران و کارشناسان ارشد اجرایی شاغل در وزارت کشور، استانداری‌ها و شوراهای اسلامی شهرها.

۲- افراد حرفه‌ای و متخصص شاغل در مهندسان مشاور، پژوهشگران، دانشجویان و اساتید دانشگاه‌ها و کارشناسان دستگاه‌های اجرایی مرتبط با موضوع مدیریت شهری.

در مورد بخش‌های اصلی فصلنامه نیز با توجه به اهداف و مخاطبان آن بخش‌های زیر پیش‌بینی شده است:

۱- مباحث نظری، روش‌شناختی و علم‌شناسی فلسفی، برنامه‌ریزی و مدیریت شهری (اندیشه و روش‌شناسی)

۲- یافته‌های پژوهش‌های تجربی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری (پژوهش)

۳- نقد و بررسی علمی مسائل برنامه‌ریزی و مدیریت شهری ایران (نقدونظر)

۴- نقد و بررسی آراء و دیدگاه‌ها در زمینه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری (دیدگاه و گفتگو)

۵- معرفی مراکز علمی پژوهشی بین‌المللی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری (مراکز علمی)

۶- بررسی جدیدترین کتابها و مجله‌های تخصصی خارجی در زمینه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری (بررسی کتاب)

انتشار مستمر فصلنامه به همکاری و پشتیبانی اساتید و متخصصان عرصه‌های مختلف برنامه‌ریزی و مدیریت شهر نیاز جدی دارد که در فراخوان عمومی منتشره در روزنامه‌های مجورهای همکاری اشاره شد، ولی مجدداً بر این درخواست تأکید می‌شود. همچنین همکاران ستادی و صف وزارت کشور در این راه همراه خواهند بود. امید آن که مدیریت شهری بتواند مخاطبان ویژه خود را بیابد و با تعریف و تدقیق مفهوم مدیریت شهری و مهیا کردن دانش نظری برای پاسخگویی به نیازهای کنونی مدیریت شهری بتواند در تحقق اهداف توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور مؤثر واقع شود.

در شماره اول تلاش شده است تا مجموعه‌ای از مباحث روش‌شناختی و تجربی در زمینه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، مسائل نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری ایران، از آراء و دیدگاه‌های برنامه‌ریزی و مدیریت شهری و مشخصات مراکز علمی پژوهشی شهری بین‌المللی گردآوری و معرفی شود.

انتشار کتاب‌ها و نشریه‌های تخصصی در زمینه‌های مختلف شهرسازی و مدیریت شهری توسط مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری وزارت کشور در سال‌های اخیر، حرکتی بسیار موفق و کارآمد در آموزش و برنامه‌ریزی کادر مدیران شهری در شهرداری‌ها و استانداری‌ها ارزیابی شده است. همچنین در سال گذشته پس از چند سال کار علمی و پژوهشی در مرکز مطالعات و با پیگیری‌های جدی شاهد انتشار ماهنامه «شهرداری‌ها» بودیم که، پس از توقف دوره انتشار آن در سالهای ۴۹-۱۳۳۵، با مدیریت جدید در حوزه معاونت هماهنگی امور عمرانی حضوری مستمر و موفق داشت. این نشریه به اذعان مدیران شهرداری‌ها، استانداری‌ها و اساتید دانشگاه‌ها و متخصصان و مشاوران عرصه‌های شهرسازی، توانست در یک سال انتشار به مباحثی بپردازد که پیش از این از سوی هیچیک از نشریات تخصصی به آنها پرداخته نمی‌شد.

اکنون فرصت برای پرداختن به عرصه دیگری از مفاهیم و دانش برنامه‌ریزی و مدیریت شهری فراهم شده است. خلاصه‌ای و کمبود داده‌های علمی و پژوهشی در زمینه مباحث مدیریت شهری، برداشت‌های متعدد از مفهوم مدیریت شهری و لزوم پیراستن و روشن کردن این مفهوم برای برنامه‌ریزان و مدیران، وظیفه وزارت کشور در هدایت و پشتیبانی از شهرداری‌ها و نبود مجله علمی و تخصصی برای طرح مباحث علمی در زمینه مدیریت شهری از جمله دلایلی بود که انتشار فصلنامه علمی و پژوهشی مدیریت شهری را الزامی ساخت. به ویژه تحولات سیاسی و اجتماعی کشور پس از انتخاب سید محمد خاتمی به ریاست جمهوری و افزایش مطالبات شهروندان و حرکت جدی کشور به سمت جامعه مدنی، ضرورت توجه جدی و اساسی به مدیریت‌های محلی و منطقه‌ای را پیش روی مدیریت وزارت کشور نهاد.

افزایش اختیارات مدیران محلی به ویژه مدیریت شهرداری‌ها از راهکارهای تحقق جامعه مدنی است و همزمان با آن افزایش حضور مردم در تصمیم‌گیری‌های محلی و مشارکت جدی و همه‌جانبه آنان در اداره امور شهرها و تحقق مدیریت شهری، در معنای مردم سالارانه آن از خط مشی‌های اساسی مدیریت شهری در برنامه پنج ساله سوم توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور است. بنابراین با توجه به اهمیت و ضرورت موضوع، حوزه معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور با انتشار فصلنامه مدیریت شهری اهداف ذیل را

شهروندان در برنامه ریزی، سیاست گذاری، نظارت و هدایت درست و منطقی «زندگی شهری» (Urban Life) در نظر گرفته شده است. به عنوان دو نمونه برجسته از توجه به پارادایم جدید مدیریت شهری می توان به مفاد «برنامه مدیریت شهری» (UMP) سازمان ملل متحد و مصوبات اجلاس سال ۱۹۹۶ «هابیتات ۲» (Habitat II) در استانبول ترکیه اشاره کرد.

در برنامه مدیریت شهری (UMP) که برنامه همکاری های فنی بین المللی است و باید با مشارکت سازمان ملل متحد (UNO) و کارگزاران بین المللی و بانک جهانی (WB) اجرا شود، توجه عمده برنامه معطوف به تقویت بنیه شهرهای بزرگ و کوچک برای بهبود مدیریت رشد اقتصادی شهری، توسعه اجتماعی شهری و کاهش فقر شهری است. هابیتات ۲ و بانک جهانی که از دست اندرکاران فعال این برنامه هستند پنج حوزه عملیاتی را برای اجرای UMP تدارک دیدم. این ها حوزه هایی هستند که حیطه وظایف نظام مدیریت شهری جهانی و محدوده فعالیت های ارکان اصلی آن را (شهرداری ها و شوراهای شهر) شکل می دهند. این حوزه های عملیاتی مدیریت شهری عبارتند از:

- مدیریت زمین شهری (Urban Land Management)
- مدیریت زیر ساخت های شهری (Urban Infrastructure Management)
- مدیریت امور مالی شهرداری ها (Municipal Finance Management)
- مدیریت محیط زیست شهری (Urban Environment Management)
- کاهش فقر شهری (Urban Poverty Aliviation)

تجارب جهانی اجرای UMP نشان می دهد که دفاتر منطقه ای UMP در افریقا، کشورهای عرب، آسیا و اقیانوسیه، امریکای لاتین و منطقه کاراییب از راهبردها، ابزارها و مهارت علمی، فنی و تخصصی متخصصان، بخش خصوصی، سازمان های غیر دولتی (NGO) و هم چنین شهروندان استفاده کرده اند و در زمینه اجرای برنامه UMP رویکرد مشارکتی اتخاذ نموده اند (UNCHS, 1996: 333).

در آخرین اجلاس سازمان ملل متحد در زمینه سکونت گاه های انسانی که با عنوان هابیتات ۲ (Habitat II) در ۱۹۹۶ برگزار گردید، دو طرح عمده برای بهبود زندگی شهری و مدیریت شهری جهانی ارائه گردید. این دو عبارتند از:

الف - افزایش کیفیت معیارهای عملکردی مدیریت شهری

ب - تشویق مردم به مشارکت در امور شهری

تجربیات جهانی ارائه شده از سوی کشورهای شرکت کننده این اجلاس نشان می دهد که بسیاری از این کشورها، خصوصاً کشورهای شمال و پیشرفته - متوجه اهمیت مشارکت شهری شهروندان برای اجرای UMP هستند.

در پرتو آنچه گفته شد می توان ملاحظه کرد که پارادایم (سرمشق) جدید مدیریت شهری جهانی مبتنی بر دو پروژه اصلی

## پارادایم جدید مدیریت شهری

سید محمود نجاتی حسینی  
دانشجوی نكترای جامعه شناسی

پارادایم جدید مدیریت شهری دارای دو دستور کار است: پروژه توسعه شهری و «پروژه مشارکت شهری» این ها در عین حال ابزارهای کلیدی نظام مدیریت شهری نیز هستند.

طی دهه های اخیر در برنامه مدیریت شهری (UMP) و «هابیتات ۲» سکونت گاه های انسانی (Habitat II) به این پارادایم توجه خاص صورت گرفته است و به ویژه برافزایش کیفیت معیارهای عملکردی مدیریت شهری در حوزه مدیریت زمین شهری، توسعه اجتماعی شهری، امور مالی شهرداری ها و کاهش فقر شهری و تشویق مردم به مشارکت در امور شهری تأکید شده است.

رشد فراینده شهرنشینی، گسترش روند شهرگرایی و پیچیده شدن نظام جامعه شهری نیاز از جمله عوامل موثر بر توجه نظام مدیریت شهری به پروژه توسعه شهری بوده است. بنابراین مبنا خطوط راهنمای پروژه توسعه شهری متوجه رفع نیازهای فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و سیاسی شهرنشینان شده است.

در پروژه مشارکت شهری نیز نظام مدیریت شهری به تقویت حص اعتماد و همکاری میان شهروندان و مدیران شهری، حل مشکلات شهری از طریق شهروندان و نیز تقویت احساس تعلق شهروندان به جامعه شهری چشم داشته است.

به لحاظ اهمیت آگاهی نظام مدیریت شهری جامعه (شهرداری ها و شوراهای شهر) از چند وجوه پارادایم جدید مدیریت شهری و سودمندی کارکرد آن، نوشتار حاضر به بررسی جنبه های جامعه شناسی این پارادایم می پردازد.

### پارادایم جدید مدیریت شهری

طی چند دهه اخیر - به ویژه از دهه ۱۹۹۰ تاکنون - پارادایم (سرمشق) جدیدی از مدیریت شهری مورد توجه فزاینده سازمان های بین المللی، حکومت های محلی (شهرداری ها)، مقامات محلی (شوراهای شهر) و شهروندان قرار گرفته است. در این پارادایم نقش ها و کارکردهای شهری (Urban Role And Function) جدیدتری برای دخالت دادن نظام مدیریت شهری (شهرداری ها و شوراهای شهر) و

پیوسته به یکدیگر است.

الف - پروژه توسعه شهری (Urban Development Project)

ب - پروژه مشارکت شهری (Urban Participation Project)

از دیدگاه جامعه‌شناسی شهری (Urban Sociology) این دو پروژه در عین حال ابزاری کلیدی برای نظام مدیریت شهری (شهرداری‌ها و شوراهای شهر) هستند و از آنها می‌توان برای بهبود زندگی شهری و تقویت نظام مدیریت شهری سود جست. در ادامه به اختصار به بررسی دو پروژه توسعه شهری و مشارکت شهری می‌پردازیم.

### پروژه توسعه شهری

به نظر می‌رسد توجه فزاینده‌ای که نظام مدیریت شهری جهانی (شهرداری‌ها و شوراهای شهر) به پروژه «توسعه شهری» طی چند دهه گذشته - به‌ویژه دهه ۱۹۹۰ - داشته است، ناشی از پیامدهای پیش‌بینی نشده و نامناسب سه پدیده شهری مهم است:

الف - رشد فزاینده شهرنشینی (Urbanization)

ب - گسترش روند شهرگرایی (Urbanism)

پ - پیچیده شدن نظام جامعه شهری (Urban Society system)

روی هم این سه پدیده شهری (Urban Phenomena) موجب شکل‌گیری پروژه توسعه شهری شده است. بحث مختصری درباره این سه پدیده شهری کمک بسیار زیادی به آگاهی از ماهیت پروژه توسعه شهری می‌کند.

### شهرنشینی و شهرگرایی

در یک نگاه کلی شهرنشینی ناشی از انتقال از زندگی روستایی (زندگی مبتنی بر طبیعت) به زندگی شهری (زندگی مبتنی بر فرهنگ) است. شهرنشینی در خاستگاه اولیه آن (غرب) محصول صنعتی شدن، نوسازی، توسعه و رشد سرمایه داری است (Wolcott et al, 1995: 332-3). شهرنشینی به‌ویژه طی چند دهه اخیر موجب افزایش بی‌سابقه جمعیت شهری، ایجاد تغییرات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، حقوقی شهری و رشد شهری شده است (UNCHS, 1996: 13). شهرنشینی هم چنین با شهرگرایی پیوند داشته است.

روند شهرگرایی از دیدگاه جامعه‌شناختی دارای سه ویژگی اساسی است:

- شکل‌گیری روابط جدید میان مردم و محیط زیست شهری.
- شکل‌گیری جنبه‌های جدیدی از سازمان اجتماعی.
- شکل‌گیری شیوه‌های جدیدی از تفکر و رویه‌های جدید زندگی شهری (Mann, 1998: 71-2).

ویث (Wirth)، یکی از جامعه‌شناسان شهری، در این باره معتقد به ویژگی‌های زیر برای روند شهرگرایی است:

- وجود ساختار فیزیکی جدید که در برگرفته جمعیت، تکنولوژی و نظم بوم شناختی است.

- وجود نظام جدیدی از سازمان اجتماعی که در برگرفته ساختار اجتماعی (Social Structure) و الگوهای شایع روابط اجتماعی (Social Relations) است.

- وجود مجموعه منظم جدید از استاندارها، عقاید، آداب و رسوم و رفتارهای جمعی که همراه یا نظارت اجتماعی (Social Control) است (Ibid).

شهرنشینی و شهرگرایی - به‌ویژه در جهان سوم - پیامدهای پیش‌بینی نشده و نامناسبی داشته است، از این رو مدیریت شهری را با مشکلاتی روبرو نموده است.

### شهرنشینی و شهرگرایی و مدیریت شهری در جهان سوم

شهرهای جهان سوم (جهان توسعه نیافته و در حال توسعه) آسیب پذیرترین شهرهای جهان هستند. از این رو پیامدهای شهرنشینی و شهرگرایی در شهرهای جهان سوم نیز در مقایسه با شهرهای کشورهای پیشرفته بسیار حادتر است؛ و به تبع آن مشکلات نظام مدیریت شهری در جهان سوم نیز بیشتر و جدی‌تر است.

یکی از مشکلات شهری جهان سوم، رشد فزاینده جمعیت شهری است. به عنوان نمونه در حالی که جمعیت جهان از ۲ میلیارد نفر (در سال ۱۹۴۵) به ۵/۵ میلیارد نفر (در ۱۹۹۹) رسیده است بخش عمده افزایش جمعیت مربوط به جهان سوم است. جمعیت شهری جهان سوم از ۳۰۰ میلیون نفر (در سال ۱۹۵۰) به ۱/۷ میلیارد نفر (در سال ۱۹۹۹) رسیده است.

یکی دیگر از مشکلات شهری که ناشی از شهرنشینی و شهرگرایی در جهان سوم است بزرگ شدن اندازه شهرها و پیچیده شدن ساختار شهری و روابط شهری است. به گفته یکی از صاحب‌نظران مسائل شهری، سراج الدین (Seragaldin)، در حال حاضر مهم ترین مسائل و چالش‌های نظام مدیریت شهری در جهان سوم چاره‌اندیشی در قبال رشد نابرابری‌های شهری، کمبود یا نبود منابع شهری، فشار زیاد برای رفاهیت‌های شهری، تقاضای زیاد برای سهم بیشتر از درآمدهای شهری و بروز سایر مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و حقوقی شهری است (Massey et al, 1999: 132-5). به این چالش‌ها و مسائل باید پیچیده شدن نظام جامعه شهری در جهان سوم را نیز افزود که بی‌نهایت با شهرنشینی و شهرگرایی پیوند داشته است.

### پیچیده شدن جامعه شهری و چالش‌های نظام مدیریت شهری

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد شهرنشینی و شهرگرایی به پیچیده‌تر

پایامدهای ناشی از پیچیده‌تر شدن نظام جامعه شهری است. از جمله پیامدهای زندگی در جامعه شهری می‌توان به مسائل محیط زیست شهری (تظیر آلودگی هوا، آلودگی آب، آلودگی صوتی، آلودگی دیداری)، ترافیک و حمل و نقل شهری، ایمنی شهری، خدمات شهری، ساخت و ساز شهری، حاشیه نشینی شهری، بافت‌های سنتی، شبکه‌های ارتباطی و نظایر آن اشاره کرد.

به نظر فاینشتاین (Fainstein) و کمپبل (Campbell) توسعه شهری عملاً پاسخی است به صنعتی شدن فزاینده زندگی شهری و پیامدهای منفی ناشی از رشد شهری. اینان معتقدند که سازوکار اصلی توسعه شهری تجدید ساختار شهری است. توسعه شهری چه از حیث نظری و چه از نظر تجربی با برنامه ریزی شهری، سیاست شهری (Urban Policy) و تصمیم‌گیری شهری (Urban Decision - Making) و در مجموع با نظام مدیریت شهری (شهرداری‌ها و شوراهای شهر) سروکار دارد (1997, 2-17).

بنابراین پروژه توسعه شهری را می‌توان مبنای تجدید ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، و حقوقی شهری تلقی کرد که هدف آن در درجه اول بهبود شرایط زندگی شهری با مشارکت همه جانبه شهروندان است. در درجه بعد بهبود فرآیند شهرنشینی و روند شهرگرایی، ترمیم محیط زیست شهری، سامانمند کردن اقتصاد شهری و تقویت جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی زندگی شهری هدف پروژه توسعه شهری است (UNCHS, 1998, 422). بر مبنای این اهداف، خطوط اصلی پروژه توسعه شهری که در دستور کار نظام مدیریت شهری و ارکان اصلی آن یعنی شوراهای شهر و شهرداری‌ها، قرار گرفته عبارتند از:

- رفع نیازهای اقتصادی شهروندان (فراهم نمودن اشتغال و خدمات شهری مناسب)
- رفع نیازهای فرهنگی و اجتماعی شهروندان (فراهم نمودن تسهیلات فرهنگی و اجتماعی)
- رفع نیازهای زیست محیطی شهروندان (فراهم نمودن محیط زیست پایدار و سالم)
- رفع نیازهای سیاسی شهروندان (فراهم نمودن زمینه‌های مشارکت شهری) (Ibid).

قطعه‌نامه شماره ۱۵/۱۱ کمیسیون سکونت‌گاه‌های انسانی سازمان ملل متحد (UNCHS) در اجلاس سال ۱۹۹۵ (نایروبی، کنیا) انتظاراتی را که از توسعه شهری پایدار (Sustainable Urban Development)

می‌رود به شرح زیر فهرست نموده است:

- فراهم کردن زمینه‌های رشد اقتصادی شهر
- تقویت منابع تجدید شونده شهری
- تدارک دیدن زمینه‌های حفظ و پایداری محیط زیست شهری

شدن نظام جامعه شهری انجامیده است. در حال حاضر یکی از چالش‌های اساسی نظام مدیریت شهری جهانی - به‌ویژه در جهان سوم - چاره‌اندیشی علمی برای رویارویی با پیامدهای ناشی از پیچیده‌تر شدن نظام جامعه شهری است. برای شناخت این پیچیدگی مناسب است تمایزات اساسی جامعه شهری و جامعه روستایی نشان داده شود.

مان (Mann)، یکی از جامعه‌شناسان شهری معاصر، از طریق نشان دادن تمایزات اساسی میان جامعه شهری و جامعه روستایی، با استفاده از صفات کیفی و کمی، شکل‌گیری و پیچیدگی جامعه شهری را بررسی کرده است (1996, 7-27, 28-88) (رک جدول ۱ و ۲).

جدول ۱ - ویژگی‌های کیفی جامعه شهری و تمایز آن از جامعه روستایی\*

ویژگی	جامعه	شهری	روستایی
شکل	بازو گشاده، صنعت	کشاورزی، دامداری، ماهیگیری	
محیط زیست	طبیعه محیط زیست اجتماعی	طبیعه محیط زیست طبیعی	
اندازه	بزرگ و گف	کوچک و خرد	
فرآیند جمعیت	رشد	کم	
هشگونی و ناهشگونی جمعیت	ناهشگونی ویژگی‌های اجتماعی	هشگونی ویژگی‌های اجتماعی	
تفکک و فشرده‌شدن اجتماعی	گسترده	محدود	
تسریک	تسریک اجتماعی و جغرافیایی	تسریک اجتماعی و جغرافیایی	
کنش متقابل اجتماعی	روابط رسمی، حاکماتی و غیر فردی	روابط غیررسمی، مبادی باطنی و فردی	

\* بر مبنای داده‌های mann, pp. 7-27

جدول ۲ - ویژگی‌های کمی جامعه شهری و تمایز آن از جامعه روستایی\*

ویژگی	جامعه	شهری	روستایی
مطابق جمعیت	کم	زیاد	کم
نسبت	نسبت	نسبت	نسبت
توزیع	توزیع	توزیع	توزیع
نسبت	نسبت	نسبت	نسبت
نسبت	نسبت	نسبت	نسبت
نسبت	نسبت	نسبت	نسبت
نسبت	نسبت	نسبت	نسبت
نسبت	نسبت	نسبت	نسبت
نسبت	نسبت	نسبت	نسبت
نسبت	نسبت	نسبت	نسبت

\* بر مبنای داده‌های mann, pp. 28-27

## جامعه شهری، توسعه شهری و نظام مدیریت شهری

از دیدگاه جامعه‌شناسی شهری پروژه توسعه شهری ابزار کلیدی نظام مدیریت شهری برای چاره‌اندیشی علمی در رویارویی با

تجربیات جهانی نشان می‌دهد که از دهه ۱۹۸۰ میلادی به بعد در برنامه‌های توسعه و هم‌چنین توسعه شهری توجه فزاینده‌ای به «رویکرد مشارکتی» (Participatory Approach) صورت گرفته است. تا جایی که در حال حاضر مشارکت شهری رمز موفقیت پروژه توسعه شهری و هم‌چنین یکی از معیارهای ارزیابی عملکرد نظام مدیریت شهری و ارکان آن (شهرداریها و شوراهای شهر) است (UNCHS, 1996: 322).

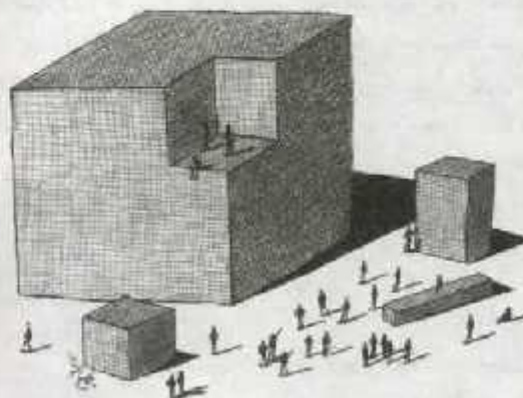
عمده‌ترین نتایج و پیامدهای مشارکت شهری نیز عبارتند از:  
- آگاهی مردم از مهارت‌ها و توانایی‌های خود  
- تقویت حس اعتماد و اطمینان نسبت به مدیران شهری

- تقویت حس همکاری میان شهروندان و مدیریت شهری  
- بروز خلاقیت‌های شهروندان و ارائه طرح‌ها و پیشنهادات  
- حل مشکلات شهری از طریق شهروندان  
- احساس تعلق بیشتر به جامعه شهری (Ibid, 327).

مشارکت شهری برای نظام مدیریت شهری و توسعه شهری کارکردهایی گوناگون دارد. از جمله این کارکردها می‌توان به افزایش دسترسی به اطلاعات شهری، تعیین شقوق توسعه شهری، تعیین الویت‌ها و نیازهای شهروندان و کوشش جمعی برای اجرای پروژه توسعه شهری اشاره کرد (Ibid, 323).

مشارکت شهری در اجرای پروژه توسعه شهری دارای چندین سطح گوناگون است. راجر (Roger) دست‌کم به پنج سطح قائل است:  
الف - مشارکت شهری خود جوش (حضور خود جوش مردم)  
ب - مشارکت شهری فعال (همکاری مردم و مجریان پروژه)  
پ - مشارکت شهری منفعل (حضور فیزیکی صرف مردم)  
ت - مشارکت شهری کارکردی (قرار گرفتن مردم در جریان پروژه)  
ث - مشارکت شهری نامؤثر (حضور مردم در نهادها بدون حق رأی)  
ج - مشارکت شهری مشورتی (مشاوره دادن به مجریان پروژه) (Ibid, 323).

از دیدگاه جامعه‌شناسی، مشارکت شهری دارای الزاماتی است که آگاهی از این الزامات برای شناخت مشارکت شهری و هم‌چنین اتخاذ «رویکرد مشارکتی شهری» (Urban Participatory Approach)



- فراهم کردن زمینه‌های تقویت فرهنگ شهری  
- ایمن کردن زندگی شهری و کاهش اثرات بلایای طبیعی  
- تقویت بنیه مالی شهرداری‌ها  
- تحکیم ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی شهری (Ibid, 423).

اجرای پروژه توسعه شهری یک «فعالیت جمعی» است، بنابراین نقش «مشارکت شهری» (Urban Participation) یکان‌های تشکیل دهنده جامعه شهری یعنی افراد، خانوارها، گروه‌ها، سازمان‌ها، نهادها و بخش‌های خصوصی و عمومی مهم و ضروری است.

بنابراین «پروژه مشارکت شهری» دومین ابزار کلیدی نظام مدیریت شهری و ارکان آن - شهرداری‌ها و شوراهای شهر - برای اجرای پروژه توسعه شهری و بهبود زندگی شهری است.

## پروژه مشارکت شهری

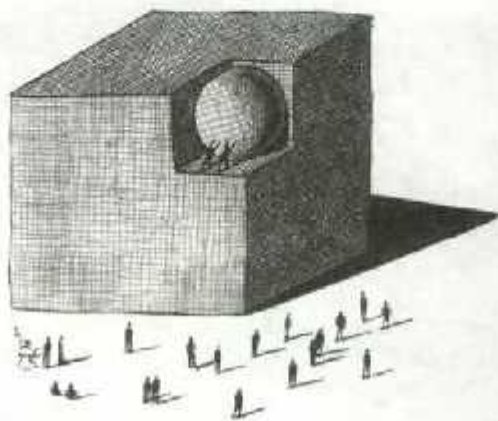
همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد در پارادایم (سرمشق) جدید مدیریت شهری جهانی، اجرای پروژه‌های توسعه و مشارکت شهری جایگاه خاصی یافته است. رکن اصلی اجرای پروژه توسعه شهری نیز مشارکت همه جاذبه یکان‌های سازنده جامعه شهری (افراد و گروه‌های شهری) است. در ادبیات جدید توسعه نیز با توجه به اهمیت نقش مردم در جامعه از «مردم» به عنوان ثروت واقعی هر جامعه یاد می‌شود (UNDP, 1999: 7-20). اصطلاح تخصصی «توسعه از پایین به بالا» نیز ناظر به نقش مشارکتی مردم است. به طوری که ملاحظه می‌گردد نقش مشارکتی مردم (افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها) در فرایند توسعه از جمله توسعه شهری واقعی‌انکارناپذیر است. نظام مدیریت شهری جهانی نیز نمی‌تواند این واقعیت را نادیده بگیرد.

«مشارکت شهری» را می‌توان به معنای شرکت و حضور جدی، فعال، آگاهانه، ارادی و سازمان یافته و مؤثر یکان‌های سازنده جامعه شهری یعنی افراد، خانوارها، گروه‌ها، نهادها، سازمان‌ها و بخش‌های عمومی و خصوصی شهری در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی زندگی شهری برای نیل به اهداف جمعی جامعه شهری دانست.

## الگوهای زمینه‌ای مشارکت شهری

با توجه به طیف وسیع پروژه شهری و حیطه وظایف گسترده و متنوع نظام مدیریت شهری و ارکان اصلی آن - شهرداری‌ها و شوراهای شهر - زمینه‌های زیادی برای جلب مشارکت شهری وجود دارد.

با توجه به تجربیات جهانی و هم چنین با در نظر داشت وظایف نظام مدیریت شهری (و شهرداری‌ها و شوراهای شهر) در اکثر کشورهای جهان می‌توان زمینه‌های مشارکت شهری را شامل امور ایمنی، امور امنیتی، امور ورزشی، امور فرهنگی، امور رفاهی، امور اقتصادی، امور گردشگری، امور آموزشی، امور شهرسازی و نظایر آن دانست.<sup>۱</sup>



## الگوهای بخشی مشارکت شهری

این الگوها ناظر به ابعاد گوناگون جلب مشارکت شهروندان و رویه‌های مشارکت‌گسری است. با توجه به ماهیت پروژه توسعه شهری و هم چنین ماهیت فرایند مدیریت شهری، الگوهای بخشی مشارکت شهری می‌تواند شامل مشارکت در سیاست‌گذاری شهری، برنامه‌ریزی شهری، تصمیم‌گیری شهری، نظارت بر برنامه‌ها و طرح‌های شهری، ارزیابی نتایج فعالیت‌های شهری، تأمین مالی هزینه‌های شهری و مشارکت در تأمین نیروی انسانی لازم برای اجرای پروژه توسعه شهری است.

## پیش شرط‌های اصلی تحقق مشارکت شهری

یکی از مهم‌ترین الزامات مشارکت شهری وجود پیش شرط‌های لازم برای تحقق مشارکت شهری است. مهم‌ترین این پیش شرط‌ها عبارتند از:

- وجود فرهنگ مشارکتی شهری (که از طریق آموزش و ترویج فرهنگی انجام می‌شود).

- فراهم شدن ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حقوقی شهری مناسب و متناسب با مشارکت شهری در سطوح محلی (شهری و روستایی)، منطقه‌ای (استانی) و ملی (که از طریق انجام اصلاحات ساختاری ملی صورت می‌گیرد).

سودمند است. این الزامات عبارتند از: عوامل مؤثر بر مشارکت شهری، الگوهای سازمانی مشارکت شهری، الگوهای زمینه‌ای مشارکت شهری، الگوهای بخشی مشارکت شهری و پیش شرط‌های اصلی تحقق مشارکت شهری. در ادامه به‌طور مختصر این الزامات را بررسی می‌کنیم.

## عوامل مؤثر بر مشارکت شهری

مشارکت شهری متأثر از عوامل گوناگونی است که باید در اتخاذ رویکرد مشارکتی شهری و برنامه‌ریزی‌های شهری مورد توجه قرار گیرد. از جمله این عوامل می‌توان به نیت و قصد مشارکت‌کنندگان، انگیزه آنان از مشارکت شهری، انتظارات مشارکت‌کنندگان از نتایج و پاداش‌های مشارکت

و سرانجام امکانات و شرایط مشارکت شهری اشاره کرد. مجموعه این عوامل - و سایر عوامل دیگری که می‌تواند وجود داشته باشد - بر شکل گرفتن مشارکت شهری و ماهیت مشارکت شهری مؤثرند.

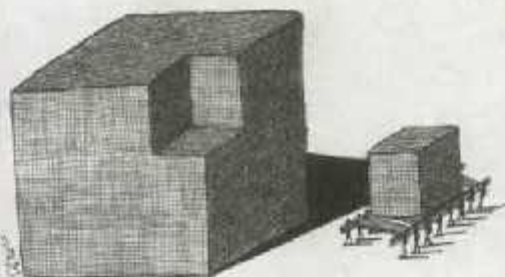
## الگوهای سازمانی مشارکت شهری

اگر چه طیف وسیعی از الگوهای سازمانی برای مشارکت شهری متصور است (همان گونه که راجر به آن اشاره کرده است)، با وجود این ماهیتاً می‌توان قائل به دو گونه الگوی سازمانی مشارکت شهری شد: الگوی سازمانی مشارکت شهری خودجوش؛ و الگوی سازمانی مشارکت شهری سازمان یافته. به نظر می‌رسد در پروژه توسعه شهری و برای نظام مدیریت شهری و ارکان آن (شهرداری‌ها و شوراهای شهر) دادن وزن بیشتر به الگوی سازمانی مشارکت شهری سازمان یافته (رسمی، برنامه‌ریزی شده و نهادی) اهمیت بیشتری دارد. دلیل اصلی این است که مشارکت خودجوش، داوطلبانه و سازمان نیافته هنگامی شکل می‌گیرد که «فرهنگ مشارکتی» Participatory culture قوی شکل گرفته باشد و مشارکت توانسته باشد تبدیل به «هنجار فرهنگی» (Cultural Norm) شده باشد. از آنجا که در جامعه شهری جهان سوم، پروژه بخش توسعه نیافته آن، فرهنگ مشارکتی شهری و هنجارهای فرهنگی شهری مربوط به مشارکت هنوز به‌طور شایسته شکل نگرفته است، نقش الگوی سازمانی مشارکت شهری رسمی و سازمان یافته اهمیت بیشتر دارد.

مدیریت شهری و پروژه‌های توسعه شهری و مشارکت شهری» به ویژه طی یک دهه اخیر چشم اندازی نسبتاً امیدوار کننده است.

جنبه تلخ این واقعیت این است که نظام مدیریت شهری در کشورهای جهان سوم به ویژه بخش توسعه نیافته و عقب مانده آن (جنوب) به لحاظ این که «نظام مدیریت سیاسی» (Political management) آنها بر تائیده پارادایم جدید مدیریت شهری نیست دشواری‌ها و مشکلات بیشتری فراروی خود دارند.

از این رو در جهان سوم نقش روشنفکران و «مدیران شهری» (Urban Managers) متمایل به «پارادایم جدید مدیریت شهری» بسیار حساس است. در کنار این‌ها نقش «شهروندان آگاه و مشارکت خواه» نیز بسیار مهم است. همچنین رهبران محلی (Local Leaders) اعضای شوراهای شهر (city council members) و دانش پژوهان علوم اجتماعی وظیفه خطیری در بسط و گسترش «فرهنگ مشارکتی شهری» خواهند داشت.



وجود نظام مدیریت شهری (شهرداری‌ها و شوراهای شهری) «مشارکت خواه، مشارکت جو و مشارکت گستر».

به عنوان یک نمونه برجسته از تجربیات جهانی برای تحقق پیش شرطهای مشارکت شهری می‌توان به تشکیل شوراهای شهر (City Council)، استغلال حکومت‌های محلی (Local Government) از حکومت‌های فدرال، انتخاب شهردار از سوی شهروندان و برگزاری انتخابات شهری (Urban Elections) گوناگون برای نظرخواهی از شهروندان اشاره کرد!

روی هم رویکردها و تجربیات جهانی نظام مدیریت شهری - به ویژه در جهان توسعه یافته و پیشرفته (شمال) - معطوف به فراهم کردن پیش شرطهای اصلی مشارکت شهری است. بنابراین اگر چه هنوز تا رسیدن به «وضع مطلوب» (Optimum quo) - البته اگر چنین وضعیتی قابل دسترسی باشد - راه درازی مانده است؛ با وجود این توجه جهانی به پارادایم جدید

## یادداشت‌ها

- ۱- برای آگاهی از وظایف شهرداری‌ها در ایران و جهان، نگاه کنید به: ایسانی جاجرمی، حسین و نوید سعیدی رضائی، دو مقاله در خصوص مدیریت شهری در ایران، تهران، وزارت کشور، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۷۵، صص ۲۴-۱۵.
- ۲- تشکیل شوراهای اسلامی شهر در ایران (۱۳۷۷) تنها بخشی از تحقق پیش شرطهای مشارکت شهری است. گام بعدی می‌تواند تبدیل «شهرداری‌ها» (Municipalities) از سازمان محلی (Local Organization) به «حکومت محلی» (Local Government) و تجدیدنظر اساس در حیطه وظایف محدود شهرداری‌های کشور باشد. تقویت حیطه اختیارات «شوراهای اسلامی شهر» نیز می‌تواند گام بعدی در این زمینه باشد.

## منابع

1. Fairstein, S. & S. Campbell, Readings In Urban Theory, Blackwell, 1997.
2. Mann, P.H., An Approach To Urban Sociology, R.K.P., 1998.
3. Massey, D. et al. City Worlds, R.K.P., 1999.
4. UNCHS, An Urbanizing World, OUP, 1996.
5. UNDP, Human Development Report 1999, OUP, 1999.
6. Would, A. Vatal, Urbanization In History, Clarendon Press, 1995, PP. 352 - 363

# شهر آتن و منشور ۲۰۰۰

دو نقطه مختلف در اندیشه‌های شهرسازی قرن بیستم

حمیده محمدزاده تیتکانلو  
دانشجوی دکتری شهرسازی

درس گرفتن از گذشته، نگاه به آینده و در واقع بهره‌گیری از تجارب دیگران برای پرهیز از تکرار خطاها و استفاده از نقاط قوت آنهاست. در مورد دو منشور یاد شده، نکته قابل توجه این است که منشور ۲۰۰۰ نیز شاید به صورت اندیشه‌ها و ایده‌های شهرسازی در فضای شهری سایر کشورها موثر افتد و امواج آن به کشور ما هم سرایت نماید. همان‌گونه که از منشور آتن تأثیر پذیرفتیم و سال‌های متعددی در تهیه طرح‌های جامع و دگرگونی یافت و ساختار شهرهای ایران از ایده‌های مطرح شده در آن بدون بررسی کافی و بدون انطباق با شرایط خاص خود، دنباله‌روی کردیم. ایده‌های منشور آتن به عنوان پاسخی به معضلات شهری جامعه صنعت زده غرب مطرح شد و حتی در همان جوامع صنعتی و پیشرفته هم توانست پاسخ کامل و متناسبی به مسایل شهری بدهد، اما ما از توصیه‌های آن در جامعه ما قبل صنعتی شهرهای خود استفاده کردیم و معضلاتی به وجود آمد که اینک شاهد آن هستیم.

حال که منشور ۲۰۰۰ در محیط پست - مدرن و فرا صنعتی غرب مطرح شده، لازم است که اولاً آن را شناخت، شرایط به وجود آورنده آن را درک نمود و راه حل‌های آن را که به صورت کاملاً کلی و مبهم مطرح شده، مورد تحلیل قرار داد. ثانیاً این سؤال را مطرح کرد که موقعیت جامعه ما چگونه است؟ آیا راه حل‌های پست - مدرن که مخصوص جامعه فرا صنعتی است، تا چه حد برای جامعه ما قابل استفاده است؟ سؤالات بسیاری از این دست قابل طرح است که خود مقاله جداگانه‌ای را طلب می‌کند. در اینجا هدف صرفاً شناخت و مقایسه دو منشور یاد شده است تا به درک بهتری از آنها برسیم.

برای مقایسه دو منشور (آتن و ۲۰۰۰) از تطبیق اصول موضوعی دو متن استفاده شده است. در مرحله اول شرایط منجر به صدور هر بیانیه یعنی وضع موجود شهرها و مسایل و مشکلات شهری مطرح گردیده و سپس اصول اساسی هر کدام به طور جداگانه بررسی شده است. در مراحل بعدی با مطالعه اصول یاد شده می‌توان به وجوه مشترک اساسی بین دو امر مورد مقایسه پی برد. همچنین با دقت در اصول و محتوای دو منشور و تحلیل آنها، وجوه تفارق و تمایز بین آنها مشخص خواهد شد. راه حل‌های ارائه شده از سوی طراحان دو بیانیه و نحوه نگرش آنها به پدیده‌های شهری (واجزا و عناصر سیستم شهری) از دیگر مواردی است که برای شناخت بیشتر و پی بردن به نقاط قوت و ضعف هر کدام مورد توجه نگارنده بوده است.

## شهرنشینی و مسایل شهری در نیمه اول قرن بیستم شرایط منجر به صدور منشور آتن

در ابتدا این سؤالات مطرح است که منشور آتن در چه شرایطی ارائه شد و طراحان آن بر چه مسائلی تأکید داشتند و از چه زاویه‌ای به

اصول و ایده‌های منشور آتن که در سال ۱۹۳۳ منتشر گردید به عنوان پاسخی به معضلات جامعه صنعت زده غرب مطرح شد و ما از توصیه‌های آن در جامعه ما قبل صنعتی شهرهای خود استفاده کردیم و معضلاتی به وجود آمد که اینک شاهد آن هستیم. حال که منشور ۲۰۰۰ در محیط پست - مدرن و فرا صنعتی غرب مطرح شده و مدعی مسئولیت نظم نوینی برای شهرهای عصر جدید است، لازم است که اصول آن را شناخته و شرایط به وجود آورنده آن را درک نماییم و همچنین راجع‌های کلی و مبهم آن را مورد تحلیل قرار دهیم و در شرایط فعلی پارادایم شهرسازی کشور، امکان استفاده یا عدم استفاده از اصول اساسی آن را بررسی نماییم. نوشتار حاضر مقدمه‌ای بر این امر است و هدف آن صرفاً مطالعه تطبیقی دو منشور فوق به عنوان شاهدی از دو وضعیت شهری متفاوت و به عنوان دو نقطه چرخش در اندیشه‌های شهرسازی آن هم به فاصله ۶۰ سال و اندی می‌باشد. بدین منظور از تطبیق اصول موضوعی دو متن استفاده گردیده است. نتیجه بررسی این فرض را که دو منشور اختلافات اساسی با یکدیگر دارند و دیدگاه‌های کاملاً متفاوت را بیان می‌کنند (و به دیگر سخن نشان دهنده بروز تحول اساسی در پارادایم شهرسازی هستند)، تأیید می‌نماید.

## مقدمه

این مقاله سعی دارد منشور آتن (۱۹۳۳) و منشور ۲۰۰۰ (۱۹۹۳) را به عنوان شاهدهایی از دو وضعیت شهری متفاوت و به عنوان دو نقطه چرخش در ایده‌های شهرسازی، آن هم به فاصله ۶۰ سال تجربه شهرنشینی، با یکدیگر مقایسه نماید. در ابتدا، ضمن تحلیل شرایط و وضع موجود شهرها در هنگام صدور بیانیه‌ها، هر یک از موارد مقایسه به طور جداگانه و به اجمال معرفی می‌شود و آنگاه نکته‌های مشترک و وجوه تمایز و تشابه آنها بررسی می‌گردد. موضوع قابل ملاحظه این که منشور آتن پس از ۶۰ سال و اندی که از طرح آن می‌گذرد در این نوشتار مورد مطالعه قرار می‌گیرد، اما منشور ۲۰۰۰ هنوز کاملاً اجرا نشده و مشخص نیست که در عمل چه خواهد شد. بنابراین یک تفاوت اولیه بین دو بیانیه مورد بحث همین است. یکی از اهداف انجام مطالعات تطبیقی در شرایط فعلی کشور

(۱۸۶۰-۱۸۶۳) چون شهرها محیط مساعدی برای پذیرش این تبلیغات و تحولات و سیاست‌های توسعه صنعتی بودند، سیاست‌های شهرگرایی، شهرنشینی و تمرکزگرایی با تأکید بیشتر از طرف دولت‌ها دنبال شد.

موفقیت سیاست‌های مذکور نیاز به مکان مناسب و بستر فیزیکی خاصی داشت. تحقق مصرف‌انبوه (برای پاسخ به تولید انبوه) تنها در بازارهای گسترده امکان داشت. بازارهایی که در بهنه سرزمین گسترده باشند. حمل و نقل در شهرها نیز باید با سرعت تولید هماهنگ می‌شد. تسهیل رفت و آمد برای برقراری ارتباط سریع بین مکان‌های تولید و مصرف و تأمین دسترسی به بازارها و کاربری‌های تجاری و خدماتی، در هر حال فضای شهری و کالبدی مناسب را می‌طلبید و ترکیب جدیدی از مکانیابی عناصر شهری و کاربری‌ها را اقتضا می‌کرد. منشور آتن نیز یکی از پاسخ‌های این گرایش بود. صحت این رابطه بین تحولات مذکور و منشور آتن را می‌توان با توجه به اصل چهارم آن دریافت. لوکوربوزیه در شرح آن چنین نوشته است: «وضع اقتصادی سازنده محرک‌های بزرگ زندگی است. محرک‌هایی که به نوبه خود تعیین‌کننده حرکت به سوی پیشرفت یا قهقرا هستند. وضع اقتصادی دارای عملکردی شبیه موتور است که بر حسب نیروی ضربه‌هایش به پیشتازی کمک می‌کند و...».

در شرح اصل چهارم و پنجم منشور آتن نیز نوشته‌اند که... لازم است بین کارخانه‌ها و دفاتر و بین فروشنده و خریدار تماس حاصل شود. این روابط احتیاج به دفاتر دارند و دفاتر هم به تأسیسات معین برای سرعت عمل در معاملات نیازمندند. چنین تجهیزاتی اگر به صورت مجزا باشند بسیار گران تمام می‌شود. همه چیز به گردآوری و تجمعی دعوت می‌کند که بتواند به هر یک از دفاتر بهترین شرایط برای کار را عرضه کند [در واقع همان بحث تمرکزگرایی و تخصصی شدن عملکردهای شهری که به نوعی در تفکیک عملکردهای عمده در منشور آتن منعکس شده است].

همچنین در توضیح اصل چهارم و هشتم، لوکوربوزیه می‌نویسد: سرعت‌های جدید و وسایل نوین، به وجود آوردن راه‌های جدید را می‌طلبید. صحبت از برنامه هماهنگ‌کننده‌ای است که باید به توزیع مجدد مؤسسات صنعتی و خانه‌های کارگری همراه آنها پاسخ گوید... در ادامه بحث و در ارتباط با وضعیت شهرنشینی در نیمه اول قرن بیستم، لازم به توضیح است که در اثنای این تحولات، شهرهای موجود با کالبدی که متعلق به قرون گذشته بود، نتوانستند با وضعیت جدید خود را سازگار نمایند و مشکلات عدیده‌ای بروز کرد که راه حل‌های عاجل و اساسی را طلب می‌کرد.

مسایل و مشکلات عمده شهرهای اروپایی که به اختصار مطرح می‌گردد، زمینه لازم برای رشد اندیشه‌های اصلاح طلبانه در برخورد

شهر می‌نگریستند. همچنین باید به این پرسش توجه شود که راه حل‌های منشور از چه دیدگاهی مطرح شده است.

اندیشه‌های مدرنیستی و آینده‌های نوگرایانه که از قرن هجدهم آغاز شده و بستر مناسب رشد خود را در قرن نوزدهم یافته بود، در قرن بیستم شتاب بیشتری به خود گرفت و زمینه تحقق بسیاری از آرمان‌های اتوئیست‌های قرون ۱۸ و ۱۹ فراهم شد. عصر جدیدی آغاز گردید که حاوی تحولات عظیمی در زمینه‌های مختلف علمی، فنی، اقتصادی و تکنیکی بود. اندیشه‌های نوگرا در صنعت و تکنولوژی، موجب تحول در کاربرد مصالح و شیوه‌های ساخت و ساز گردید و امکانات جدیدی را در معماری و شهرسازی فراهم نمود.

در عرصه هنر و اندیشه نیز تحولات یاد شده و تفکرات عقل‌گرایانه و عملکرد گرایانه منجر به پوریسم (تاب‌گرایی)، سادگی در اشکال، یکسان‌سازی و نهایتاً سبک بین‌المللی گردید. رخدادهای عرصه اقتصاد به اضافه عوامل مذکور، منجر به گونه‌شناسی جدیدی از انسان و سکونت‌گاه‌های او شد و شهرها می‌بایست مطابق با دگرگونی‌های جامعه تغییر کنند.

در زمینه تولید و توزیع و مصرف یعنی عرصه اقتصادی، تحولات عمیقی در جوامع غربی رخ داده و تاثیر زیادی بر شیوه‌های زندگی گذاشته بود. به دلیل این که طراحان منشور آتن اذعان دارند که دگرگونی‌های اقتصادی همچون موتور حرکت جامعه عمل می‌کند، لازم است در مورد تحولات مذکور توضیح مختصری داده شود.

به طور کلی مطابق با فرضیات تئوری تعدیل و تنظیم (Regulation Theory) در مورد سیستم اقتصادی و اجتماعی، طبیعت هر رژیم تولید و ذخیره‌سازی کالاها و خدمات، بستگی زیادی به الگوهای تولید و مصرف دارد. این رابطه به عوامل زیر وابسته است: ابداعات تکنولوژیکی، تشکیلات سازمان یافته، الگوهای مالکیت و سازوکارهایی که تعیین‌کننده مقدار و نحوه توزیع منابع قابل دسترس برای اهداف مصرفی هستند.

رژیم تولیدی «فوردیست» که در دهه‌های اول قرن بیستم شکل گرفت و اقتصادها را تا سال ۱۹۲۳ (شوگ نفتی) تحت تسلط شدید داشت، بر تولید انبوه، کالاهای استاندارد شده، تراکم، همسان‌سازی و تمرکزگرایی تأکید می‌کرد. در این میان سیاست‌های لازم برای تقویت طبقه متوسط (به عنوان مصرف‌کننده عمده و پر تعداد این کالاهای) اعمال می‌شد. سیاست‌های رشد و توسعه حاکم بر جامعه اروپایی پس از جنگ و سهم‌گسترش یابنده دولت در اقتصاد بخش عمومی منجر به گسترده‌گی فضای تولید و رشد بازارهای مصرف شد.

برای برقراری تعادل اقتصادی، رژیم تولید انبوه به مصرف انبوه نیاز داشت. مصرف انبوه هم نیازمند تغییر شیوه‌های زندگی و تحول بعد خانوار و الگوی خانوار و نیز تبلیغات گسترده بود (Filion, 1996).



با شهر صنعتی را فراهم نمود.

«مهم‌ترین عامل بحران شهرها در دوران مورد نظر سرعت تولید و سرعت حمل و نقل و مبادلات است. با ورود ماشین و وسائط نقلیه به عرصه زندگی، فعالیت انسان که در طول هزاران سال بر اساس حداکثر سرعت ۴ کیلومتر در ساعت یعنی مسافت و سرعت قدم انسان و اسب بود به یکباره دگرگون شد و تعادل زندگی به بی‌نظمی تبدیل شد. این سرعت‌های جدید، ویران‌کننده عادات قرون گذشته و رسوم و عادات خانوادگی و اجتماعی بود. با پدیده سرعت، شهرهای بزرگ، بزرگتر شدند و جمعیت آنها بیشتر و متراکم‌تر شد».

عامل دیگر بحران در شهرها، صنایع بودند. سرعت‌های مکانیکی راه را بر صنایع گشودند و صنایع نیز به دلیل نزدیک شدن به بازارهای مصرف و وجود کارگر ارزان قیمت در شهرها و حاشیه شهرها مستقر شدند و اختلاط کارخانه‌ها و مناطق مسکونی به عنوان یک معضل بزرگ شهر صنعتی مطرح گردید.

مشکلات معابر و بافت کالبدی شهر موجب ترافیک سنگین، استهلاک وسائط نقلیه و اتلاف وقت بسیار می‌گردید. این وضعیت با سرعت لازم برای رشد تولید و رساندن محصولات به بازار مصرف سازگاری نداشت. تراکم ساختمانی و ازدحام شدید جمعیت، آلودگی شدید محیط زیست شهری (به ویژه آلودگی هوا و صدا)، فقدان ریه‌های سبز و از همه مهم‌تر کمبود شدید مسکن و نامطلوب بودن مسکن موجود، از جمله معضلاتی بودند که حساسیت اصلاح طلبان و اندیشمندان هر جامعه‌ای را بر می‌انگیختند.

معماران نهضت معماری مدرن هم سعی کردند به سؤالات و مسایل شهری فوق پاسخ دهند و به شکل ریشه‌ای و اساسی برای بهبود بخشیدن به شرایط زیستی محیط شهری، اندیشه‌های خود را ارائه کنند.

بدین ترتیب، نهضت معماری مدرن از طریق کنگره‌های بین‌المللی معماری مدرن (CIAM) برای توضیح دادن به تفکر نوین در فرهنگ معماری - شهرسازی و راه یافتن به فضای اجرایی تلاش مستمری را انجام می‌دهد و این رویدادی تاریخی است که به تدریج بُعد جهانی به خود می‌گیرد. اروپای مرکزی پیشقدم می‌شود تا نگرش مدرنیست‌ها به ادراک و ساخت فضای کالبدی جدید را بپذیرد و به

اجرا در آورد. «منشور آتن، محصول چهارمین کنگره بین‌المللی معماری مدرن است که طی جلسات کاری آتن بنایه ریزی گردید و بعدها توسط لوکوربوزیه مدون شد و در سال ۱۹۴۱ در فرانسه منتشر شد. این کتاب معروف این مقطع خاص از روند پرماجرایی زندگی نهضت معماری مدرن می‌باشد. لحظه‌ای از زندگی حرفه‌ای - اجتماعی معماران و شهرسازی که بناهمه رسالتشان و با همه انعکاسی که اندیشه‌هایشان در محیط فرهنگی آن روز داشت، خارج از میدان فعالیت‌های طراحی - اجرایی قرار داشتند و با خرج انرژی و وقت خودشان به بحث در مورد روش‌های

معماری و مسایل شهری می‌پرداختند. در همین زمان بخش خصوصی و دولت‌ها، کارهای خود را به آن دسته از حرفه‌ای‌ها می‌سپردند که به چیزی جز اجرای فن خود نمی‌اندیشیدند و شیفته آن بودند که بتوانند در زمانی هر چه کوتاه‌تر فضایی هر چه بزرگتر از شهر را با مصنوعات خود پر کنند و از هر تفکری که منجر به شک در پاره ماهیت اقدامات و خاصیت معنوی فرآورد، هایشان می‌گردید، بپرهیزند» (لوکوربوزیه، ۱۳۴۵).

مراد از نقل جملات فوق این است که توجه داشته باشیم که آنچه بعدها به نام مدرنیسم اتفاق افتاد، دقیقاً همان چیزی نبود که نهضت مدرن خواستار آن باشد.

### اصول اساسی منشور آتن

#### الف - معرفی و تاریخچه منشور آتن

در سال ۱۹۲۸ گروهی از معماران لوگرا (مدرنیست) در قصر لاساراز در سوئیس گرد آمدند و تصمیم گرفتند تا برای رو در رو قرار دادن معماری با وظایف واقعی آن در قالب یک گروه متشکل گردند. بدین شکل کنگره‌های معماری مدرن (CIAM) شکل گرفت. پیرایی کنگره چهارم در آتن در سال ۱۹۲۳ منجر به راهکارهایی شد که به منشور آتن مشهور است. (چنانکه ذکر شد در سال ۱۹۴۱ لوکوربوزیه آن را مدون نمود و در پاریس منتشر ساخت).

معماران مدرن بر این امر مصر بودند که «ساختن»، فعالیت اولیه انسان است و به سیر تحول زندگی او پیوند خورده است. معماری به مثابه بیانی از روحیه یک دوره تاریخی است. معماران مدرن برای

مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

آنگاه ضمن شرح مشکلات شهری، به نحوه مقابله و پاسخگویی به معضلات پرداخته شده است. در اصول پایانی منشور ضمن نتیجه‌گیری از اصول قبلی، نکات آموزه‌ای (دکترینی) و همچنین شرایط لازم برای تحقق موارد یاد شده، بیان گردیده است. آنچه خواهد آمد، در واقع بیان فشرده و خلاصه اصول ۹۵ گانه با تأکید بر عناصر کلیدی و محوری آن است:

**اصول (۷-۱):** شهر بخشی از یک مجموعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به نام منطقه است و ضوابط تثبیت یافته روانی و ذهنی تحت نفوذ محیط هستند. محیط هم شامل شرایط جغرافیایی، اقلیمی، اقتصادی، سیاسی و اداری است.

اوضاع اقتصادی سازنده محرک‌های بزرگ زندگی است. وضع اقتصادی دارای عملکردی شبیه به موتور است که بر حسب نیروی ضربه هایش به پیش‌سازی کمک می‌کند البته هیچ کدام از عوامل یاد شده مطلق نیستند و همه چیز با هم تحرک را به وجود می‌آورد.

**اصول (۱۰-۸):** فرا رسیدن عصر ماشین، تحولاتی را در رفتار انسان‌ها، سرعت حرکت، توزیع جمعیت، شرایط سکونت، تراکم و ازدحام، فنون ساختمان‌سازی، وضع فضاهای طبیعی، اوضاع بهداشتی، بعد خانوار، و غیره ایجاد نموده است. این تحولات منجر به مسایلی شده است که تمام شهرهای موجود را در بر می‌گیرد.

**اصول (۱۴-۱۰):** اعمال کاربری‌ها فقط بر اساس سودجویی صورت گرفته است، تراکم بسیار بالاست، بهداشت محیط مسکونی در سطح بسیار نازل قرار دارد. نور و هوا به حد کافی به مسکن نمی‌رسد. میزان مرگ و میر بالاست. محله‌های پرجمعیت که ساکنان آن را طبقات کم در آمد تشکیل می‌دهند، در معرض سروصدای دود و غبار کارخانه‌ها، رطوبت شدید و یا به علت احداث خودسرانه، مورد تهدید سیل و یا طغیان رودخانه هستند. در این میان طبقات مرفه در بخش دیگری از شهر که چشم‌انداز بهتر و خطر کمتری دارد و از آفتاب بهتر و شرایط خاصی برخوردار است، مستقر شده‌اند.

**اصل (۱۵):** این وضع ناعادلانه توزیع مسکن را می‌توان با منطقه‌بندی (Zoning) و تکنیک فعالیت‌ها برطرف نمود. لازم است مقررات دقیق برای تامین حداقل امکانات زندگی برای افراد (مستقل از درآمد آنها) تدوین شود.

**اصول (۱۹-۱۷):** مخالفت باخانه‌های ردیفی در طول خیابانها به

جوابگویی و ارضای احتیاجات مادی و معنوی زندگی روزمره نیاز به فکر و اندیشه «نو» زامورد تأیید قرار می‌دهند. با دانایی و وقوف به تغییرات عمیقی که ماشینی شدن به وجود آورده است، قبول دارند که تغییر شالوده اقتصادی و اجتماعی جبراً موجب دگرگونی در پدیده معماری خواهد شد. آنان به قصد جستجو در راه هماهنگی عناصر حاضر در دنیای مدرن و بازگرداندن معماری به انجام وظیفه اصلی‌اش متحد شده‌اند، وظیفه‌ای که با نظام اقتصادی و اجتماعی پیوند دارد و در خدمت انسان است. مشکلات هر کشور خواستار پیوندی صمیمانه بین معماری و اقتصاد عمومی است. فکر «بازده» که مانند اصل مسلم در زندگی مدرن راه یافته، خواهان تولید کافی برای احتیاجات انسانی است. بازده واقعی، نمره کاربرد منطقی و مقرانی است که به گونه‌ای انتعاف‌پذیر و همانند مدل‌های اجرایی، در صنعت، در طرح‌های معماری مورد استفاده قرار گیرد (لوکوربوزیه، ۱۳۴۵).

به کارگیری الگوهای تولید صنعتی برای معماری یعنی تأثیر پذیری از نظام فوردیست و جماعات فوق که از قول لوکوربوزیه نقل گردید به روشنی بیان می‌کند که تحول نظام اقتصادی و اجتماعی آن دوره یعنی شرایط جامعه صنعتی که به نظام فوردیست معروف شد، منجر به تغییرات کلیدی می‌شود و معماری و شهرسازی باید با دنباله روی از این تحولات، خود را با آن هماهنگ سازند و به نیازهای چنین جامعه‌ای پاسخ دهند.

می‌توان نتیجه گرفت که نظام فوردیست، شهرسازی و تولید مختص به خود را طلب می‌کرد و اصول شهرسازی و معماری مدرن که در منشور آن منعکس شد، به طور قطع از نظام یاد شده تأثیر پذیرفته و به عبارتی دیگر در خدمت آن بوده است<sup>(۱)</sup>. نمونه‌ای از شواهد نکات یاد شده رابه خوبی می‌توان در این گفته لوکوربوزیه یافت: «... قانون اقتصادی ناخودآگاه بر اعمال و اندیشه‌هایمان حکم می‌راند. ما باید روح تولید انبوه بیافرینیم، روح ساختن خانه‌های تولید انبوه و روح زیستن در خانه‌های تولید انبوه» (جنکر، ۱۳۷۴).

## ب- اصول و محتوای منشور آتن

منشور آتن در ۹۵ اصل تهیه و تنظیم شده که موضوع‌های گوناگون شهری را چه به لحاظ فرم و چه از نظر عملکرد در بر می‌گیرند.

از آنجا که بررسی یکایک اصول ۹۵ گانه باعث اطاله کلام می‌شود و از سوی دیگر برخی از اصول مشابهت موضوعی دارند و بنابراین ضرورت این مقاله قابل جمع بندی و ادغام هستند، به ناچار دسته بندی و خلاصه شده‌اند تا قابلیت تطبیق و مقایسه بیشتر فراهم گردد. در متن اصلی و چهارچوب کلی منشور آتن ابتدا ویژگی‌هایی برای «شهر» مطرح شده و سپس وضع موجود شهرهای آن زمان

- مسه‌های ناسالم شهری باید تخریب شوند و به جای از آنها پارک ساخته شود.
- سطوح بار و سبز جدید باید در محدوده اهداف مشخص طرح جامع قرار گیرند.
- امتحان لازم برای گذراندن اوقات فراغت هدفی ایجاد شود و به توزیع آنها، دسترسی مناسب، مراکز پذیرایی و دسترسی به آب و غذا در طول مسیر توجه لازم به عمل آید.

**اصول (۴۵ - ۴۰):** این اصول در مورد کار و فعالیت در شهر توضیح می‌دهند و مشکلات و نارسایی‌ها را بر می‌شمارند. توسعه ماشین‌بیم پیوندهای میان واحد مسکونی و کارگاه و خانواده راز هم پاشیده است و همین مسأله شکل فضایی شهرها را تغییر داده است. توسعه صنعتی اساساً به وسایل دسترسی دهنده، تحویل مربع و آسان مواد اولیه و سهولت توزیع محصولات در بازارها وابسته است. رشد صنایع و آلودگی‌های ناشی از آن، از هم پاشیدگی سنت‌های کهن کار، موجب بی‌نظمی در محیط شهری شده است. فاصله کارگاه و خانه تغییر کرده و باعث اجبار کارگران به پیمودن مسیرهای طولانی گردیده و در نتیجه مشکلات ترافیک را چند برابر کرده است. همه این مشکلات ناشی از فقدان برنامه و نبود پیش‌بینی‌های لازم و سوء استفاده از اراضی و مکانیابی اتفاقی و بی‌برنامه فعالیت‌هاست.

**اصول (۵۰ - ۴۶):** راه حل‌های پیشنهادی برای حل مشکلات کار و فعالیت

- فاصله‌های بین مکان کار و محل سکونت باید (با طرح دقیق و توزیع مجدد همه مکان‌های فعالیت، انتقال صنایع و توسعه برنامه ریزی شده) به حداقل تقلیل یابد.
- بخش‌های صنعتی از بخش‌های مسکونی مستقل شود. محله صنعتی به صورت خطی رشد پیدا کند و بخش مسکونی مربوطه را هم به شکل خطی استقرار دهد و با طرح سبز از یکدیگر تفکیک گردد (برای اسکان مهاجران کارگر).
- صنایع دستی و صنعتگران هنرهای دستی (به علت شهری بودن ماهیت آنها) باید در نقاط متراکم مرکز شهر مستقر شوند.
- محلات تجاری و میدانی (خصوصی و دولتی) باید با برخورداری از ارتباطات و دسترسی مناسب، در نزدیکی ورودی‌های راه‌های حمل و نقل و برخی ایستگاه‌ها مکانیابی شوند.

**اصول (۵۸ - ۵۱):** این اصول در ارتباط با مشکلات و مسایل حمل و نقل و ارتباطات شهری در آن زمان مطرح شده‌اند: شبکه فعلی خیابان‌های شهری انشعاباتی هستند که از گذشته‌های دور باقی مانده‌اند و فاقد تنوع و انعطاف و تطابق هستند. راه‌های ارتباطی موجود برای پیاده‌ها و اربابه‌ها مناسبند و با وسائط نقلیه موتوری مطابقت ندارند.

این دلیل که تور آفتاب را فقط به تعداد کمی از خانه‌ها اختصاص می‌دهد و اشاره به توزیع ساختمان‌های عمومی وابسته به سکونت (مثل مدرسه یا درمانگاه) که به طور نامتعادل و بدون مطالعه صورت گرفته است.

**اصول (۲۲ - ۲۰):** حاشیه شهرها و مشکلات آنها و نتایج رشد بی‌رویه و بدون هماهنگی آنها و تحمیل هزینه‌های کلان بر اقتصاد شهر، موضوع این اصول است.

**اصول (۲۹ - ۲۳):** این اصول راه حل‌های منشور آتن را برای مشکلات مسکن پیشنهاد می‌کنند:

- مکانیابی تهیه برای محله‌های مسکونی با پیروی از شرایط اقلیم، توپوگرافی و در نظر گرفتن عوامل جلدانی.
- تراکم سکونتی متناسب با شرایط طبیعی زمین و گونه‌های مسکونی.
- مشخص کردن حداقل مساحتی که لازم است هر خانه از آفتاب بهره‌گیرد.
- احتراز از ردیف کردن خانه‌ها در طول خیابان‌ها.
- استفاده از امکانات فنی مدرن برای احداث ساختمان‌های بلند مرتبه (برای منظر بهتر، حرای سالم‌تر، نور بیشتر، امکان ایجاد فضاهای بازی و خدماتی در اطراف منازل).
- آزادسازی فضاهای باز و سبز، با ساختن ساختمان‌های بلندی که با فاصله از هم قرار دارند.

**اصول (۳۴ - ۳۰):** در این اصول در مورد اوقات فراغت، نیازهای موجود، کمبودها و مشکلات این بخش سخن به میان آمده است. فضاهای باز و سبز شهرها برای انجام فعالیت‌های فراغتی ناکافی هستند و در عین حال توزیع آن‌ها ناموزون و دسترسی به آنها با مشکلاتی رویه روست، احداث و ایجاد و توزیع مناسب این گونه فضاها، برای بهبود سکونت در شهر است. وظیفه شهرسازی تهیه مقرراتی است که هم سلامت روح و هم سلامت جسم را مدنظر بگیرد. ساعات فراغت را با ساعات کار تنظیم نماید. اوقات فراغت باید با گردش در طبیعت ارتباط داشته باشد. نگهداری و ایجاد فضاهای سبز «ضرورت» است و این یک رکن مهم از ارکان شهرسازی است. رابطه صحیح بین حجم‌های ساخته شده و فضاهای سبز و آزاد تنها فرمولی است که می‌تواند مسأله سکونت را حل کند.

**اصول (۴۰ - ۳۵):** راه حل‌های پیشنهادی برای پاسخ به نیازهای فراغت:

- هر محله باید از مطیع سبز لازم (که طرح جامع آن را دقیقاً مشخص می‌کند) برخوردار باشد.

فرم شهر یا عملکرد آن که ارضای نیاز شهروندان باشد مطابقت ندارد. این وضع ناشی از توسعه ماشین و ازدیاد بی وقفه منافع خصوصی است.

- شهرها دائماً در حال تغییر شکل هستند اما این توسعه بدون کنترل و انضامی صورت می‌گیرد.
- در حیطه دستگاه شهری همه چیز باید در مقیاس انسانی تعیین شود (اشاره به اندازه‌های طبیعی انسان).
- نکات کلیدی شهرسازی، چهار عملکرد است که طرح‌های جامع شهری شامل آن می‌گردد: ۱- عملکردها را تعیین خواهند کرد در این میان «سکونت» در رأس تگرانی‌ها قرار دارد و نقطه حرکت برای هر نوع ارزشیابی خواهد بود.
- منطقه‌بندی (Zoning) و مقررات آن نظم جدیدی را به وجود می‌آورد. ترافیک که عملکرد چهارم است باید فقط یک هدف اصلی داشته باشد، یعنی به عملکرد دیگر را به نحو احسن به هم مربوط کند.
- وسائط نقلیه مشارکت باید طبقه بندی و تکنیک شود و برای هر کدام مسیری مناسب با ویژگی‌های وسائط نقلیه تعیین گردد.

**اصول (۸۹ - ۸۲):** با استفاده از راه حل ارتفاع، مشکل ترافیک مدرن حل می‌شود و فضاهای آزادی که به دست می‌آیند برای فعالیت‌های تفریحی و تفرج و خدمات عمومی اختصاص خواهند یافت.

- شهر باید در مجموعه منطقه حوزه نفوذش مطالعه شود.
- شهر به عنوان یک واحد تعریف شده، مثل مؤسسه‌ای است که کاملاً باید با برنامه ریزی و هماهنگی رشد کند و مقررات طرح جامع بر آن اعمال شود و بر اساس برنامه (نه اتفاق) توسعه یابد. برنامه‌ای که باید بر پایه تحلیل دقیق متخصصان بنا شود.
- برنامه باید بر هماهنگی مشعر، منابع طبیعی، انسان‌ها، وضع جغرافیایی، داده‌های اقتصادی، نیازهای اجتماعی و ارزش‌های معنوی را پیوند دهد. منابع زمین باید تجزیه و تحلیل شود و محدودیت‌ها بازنشاس شوند. ارزش‌های محیط طبیعی نیز باید درج‌بندی شود.

**اصول (۹۴ - ۹۰):** به کارگیری ذخایر تکنیک مدرن برای انجام این وظایف سنگین.

دوران ماشین فنون جدیدی را که علت بی نظمی شهرها هستند با خود آورده و در هر حال باید راه حل مسأله را از همین فنون خواست. معمار باید برای پاسخگویی به وظیفه چند جانبه‌ای که به او محول می‌شود از متخصصان مختلف استفاده کند. برای این که طرح جامع تحقق یابد، وجود قدرت سیاسی روشن بین، مصمم، توانا و نیز اوضاع اقتصادی و مالی مناسب ضرورت دارد.

در اصل ۹۲ ادعا شده است که معماری بر سرنواشت شهر مدیریت دارد و معماری وظیفه دارد که شهر را خلق کند و بهبود

بعد نامناسب خیابان‌ها استفاده از سرعت‌های جدید را صانع می‌شوند. عدم تطابق سرعت‌های پیاده و سواره و تداخل آن‌ها باعث عدم ایمنی برای پیاده‌ها و ترمزهای زیاد و مکرر برای رانندگان و خطر اتلاف وقت سواره و استهلاک اتومبیل می‌شود.

• فواصل بین تقاطع‌های خیابان‌ها کوتاه است (۵۰، ۱۰۰ متر) که باید به ۲۰۰ تا ۴۰۰ متر برسد.

• عرض خیابان‌ها کافی نیست.

**اصول (۶۴ - ۵۹):** راه حل‌های مسابیل حمل و نقل شهری

- لزوم مطالعات تحلیلی دقیق و آمارگیری در مورد ترافیک کل شهر و منطقه (ساخت جامع وضع موجود).
- طبقه بندی راه‌های عبور و مرور بر اساس عملکرد و وسائط نقلیه و سرعت آن‌ها و جدا کردن سرنواشت سواره پیاده و وسائط سبک و سنگین.
- تغییر سطح مسیرها در چهارراه‌های مهم شهر (اختلاف سطح معابر در تقاطع‌ها).
- تکنیک خیابان‌ها بر حسب عملکردهای آنها (مثلاً خیابان‌های تفریحی - با سرعت کم یا متوسط).
- پیاده باید بتواند برای خود راه‌هایی برگزیند که متمایز از سواره باشد (اهمیت راه پیاده به همان اندازه است که در مورد ساختمان سازی، ساختن رو به شمال فاشانه منوع شده است).
- جدا کردن خطوط بزرگ رفت و آمد با فضاهای سبز.

**اصول (۶۵ - ۶۰):** طراحان مشهور آن در مورد میراث تاریخی و

نحوه برخورد با بافت قدیم، حفظ ارزش‌های معماری به عنوان میراث انسانی را تا آنجا مجاز می‌شمارند که حفاظت از بناهای قدیمی مستلزم از خودگذشتگی انسان‌هایی که درون بافت قدیم هستند و با شرایط غیربهداشتی درگیرند، نباشد. آنان همدردی اجتماعی را بر زیبایی ارجح می‌دانستند. در هیچ مورد نباید پرستش زیبایی‌های شاعرانه محلات قدیمی بر سالم زیستن در خانه‌های مسکونی (که رفاه و صحت و سلامت اخلاق و روان ساکنان به آن پیوند دارد) ارجحیت یابد. به هیچ وجه نباید اجازه داد که از سبک‌های گذشته تقلید شود. چون انسان از راهی که رفته هرگز باز نگشته است.

تقلید از گذشته همان تن دادن به دروغ است و به معنای بالا بردن ارزش «بدل» تا حد «اصل» است. چون هیچ‌گاه نمی‌توانیم شرایط کار قدیم را تجدید کنیم. پس باید فنون و روش‌های زمان خود را به کار بگیریم.

**اصول (۷۱ - ۶۵):** شامل نکات دکترینی است که می‌تواند در تحلیل شرایط و در مقایسه نهایی وضع موجود دو منشور مفید باشد.

**اصول (۸۱ - ۷۱):** وضع موجود شهرها نشانگر بی نظمی است.

بخشد.

که از اصول منشور آتن نتیجه‌گیری می‌شود.

در اصول پایانی منشور که نکات دکترینی بیان شده است، می‌توان دیدگاه‌ها و فرضیه‌های اساسی طراحان آن را استنباط کرد: آنها علت بی‌نظمی و مشکلات راز توسعه ماشین و فن می‌دانند و راه حل را هم برای خدمت به آن ارائه می‌کنند. چگونه می‌توان عامل مشکل ساز را به عنوان راه حل همان مشکل به کار گرفت؟ نکته دیگر اینکه، وظیفه چند جانبه و گسترده‌ای را به معماران محول می‌کنند و آنان را خالق شهر و مدبر آن می‌شناسند (اصل ۹۲). در حالی که یکی از عوامل مخرب منشور آتن همین تصور است. معماری که مدیریت نمی‌داند و نمی‌تواند مجموعه ابعاد شهرسازی را ببیند و شهر را مجموعه‌ای از ساختمان‌های جداگانه می‌داند، چگونه می‌تواند شهر را خلق کند و بهبود بخشد.

شهر سیستم بسیار پیچیده‌ای است و آموزش معماری حتی در بالاترین حد کیفی نمی‌تواند درک این پیچیدگی در مجموعه سیستم‌های شهری را به دانشجوی معماری منتقل نماید، پس چگونه معماران می‌توانند مدبر و حاکم بر سرنوشت شهر باشند. این نکات و نکات مشابه که انتقادهای زیادی را پراکنیخت، در سال‌های بعد و در بیانیه‌هایی همچون منشور ۲۰۰۰، به صورت «اهمیت به نظرات مردم» و «مشارکت مردم و گروه‌های ذینفع و ذیصلاح» منعکس شده است.

باید اذعان داشت که برخی اصول منشور آتن دارای زمینه و دیدگاه انسان دوستانه است و دید جامعه‌گرایانه در تعدادی از پیشنهادات آن به چشم می‌خورد (مثلاً اصل ۹۵) و با اصول مربوط به بافت قدیم و میراث تاریخی و بحث همدردی اجتماعی و یا اصول مربوط به مسکن و اوقات فراغت که احساس مسئولیت طراحان منشور را برای پاسخ به نیازهای خیل عظیم نیازمندان به مسکن انبوه و ارزان قیمت در اروپای پس از جنگ نشان می‌دهد.

در نقد منشور آتن نباید فقط به نکات منفی اشاره کرد بلکه لازم است آن را در شرایط زمانی خاص خودش بررسی کنیم. یکی از راه‌های ارزیابی این است که اطلاعات و تصاویر مستند از شهرهای صنعتی اوایل دهه ۲۰ (قبل از کنگره‌های سیام) با اطلاعاتی که در نیمه دوم قرن بیستم از همان شهرها در دست است مقایسه گردد. این نوشتار قصد ارزیابی منشور آتن و عملکرد آن را ندارد و هدف از بررسی آن در نهایت مقایسه با منشور ۲۰۰۰ و بحث در مورد شرایطی است که در شهرسازی نیمه دوم قرن حاکم گردید. بنابراین برای رعایت اختصار به ذکر نکاتی چند در مورد مسایل شهری موجود می‌پردازیم.

«امروزه شهرهای مختلف در جهان بویژه شهرهای بزرگ به صورت مصرف کنندگان شتابان منابع طبیعی در آمده و زراعت‌های

**اصل (۹۵):** منافع خصوصی مشروط و تحت لوای منافع عمومی خواهند بود. حقوق فردی هیچ رابطه‌ای با منافع خشک خصوصی ندارد. منافع خصوصی که اقلیتی را جاق و مرقه نگهداشته و بقیه اجتماع را به زندگی متوسط با پایین محکوم می‌کند، باید محدودیت‌های قاطعی را بپذیرد و در هر جا زیر سلطه منافع همگانی قرار بگیرد. چون هر فرد نسبت به لذت‌اندازی اساسی حق دارد و باید حداقل رفاه در کانون خانواده و برخورداری از زیبایی‌های شهری برای همه افراد فراهم باشد.

## نقد منشور آتن

### شهرتشیینی و مسائل آن در نیمه دوم قرن بیستم

#### الف - شرایط معاصر با صدور منشور ۲۰۰۰

نقد منشور آتن و آثار کالبدی آن می‌تواند همان شرایطی باشد که منجر به صدور منشور ۲۰۰۰ یا تلاش برای صدور بیانیه‌های مشابه می‌گردد.

باتوجه به اصول ۹۵ گانه که به طور خلاصه و فشرده در قسمت قبل مطرح شد، تصور فرم کالبدی شهری که بر اساس طرح جامع و مبتنی بر این اصول شکل گرفته باشد، آسان است. همان شکل‌های آشنای سبک بین‌الملل، آسمانخراش‌ها، بزرگراه‌ها و آزاد راه‌های طولانی، پل‌ها، محلات مسکونی که همه شبیه هم هستند، حومه‌های گسترده و عملکردهای تفکیک شده در ذهن مجسم خواهد شد.

در منطق شهرسازی مدرن که منطق نمونه سازی و استاندارد گرای است، همان‌طور که کالاها به شکل استاندارد و به صورت انبوه تولید می‌شوند، شهر هم مثل کالاهای صنعتی قابل تکرار است. شهر مثل ابزاری است که اجزای آن باید به طور دقیق در جای خود قرار بگیرد.

عملکرد سکونت از عملکرد آمد و شد کاملاً مستقل است و بهای زیادی به سرعت و نظم اتومبیل داده می‌شود. حتی مقیاس‌های زیبایی هم بر اساس دید سواره مطرح می‌شود و محور شهرسازی، بر اساس ماشینیزم شکل می‌گیرد.

در مورد میراث تاریخی یا دید موزه‌ای به عناصر پالرش معماری برخورد می‌شود. مشکل مهم مدرنیست‌ها بریدن از تاریخ و قطع کامل با گذشته است. مشکل دیگر این است که طرح‌های خود را جهان شمول می‌دانند و مسایل خاص هر مکان و هر فرهنگ را نادیده می‌گیرند.

مکانیزاسیون، استانداردگرایی، تمرکزگرایی، عملکردگرایی و عدم توجه به مسایل فرهنگی خاص هر جامعه از دیگر موارد عمده‌ای است

فاصله طبقاتی بین محلات فقیرنشین و مرفه نشین، بیکاری در شهرهای بزرگ، جرایم رویه قزونی، گسترش بیماری‌های عصبی و روانی و صدها مشکل دیگر همچنان وجود دارد. اگر مشکل کمبود مسکن که در آن زمان بسیار حاد بود، با ساختمان‌های مرتفع منشور آن‌ها تا حدودی حل شد اما مشکلات پیش‌بینی نشده دیگری را به وجود آورد که معماران مدرن آن را فراموش کرده و یا نادیده گرفته بودند. اغلب راه حل‌های شهرسازی مدرن به صورت تیغ دولبه عمل کرد و مثال ساختمان‌های متراکم و مرتفع یکی از این راه‌ها بود. اندیشه‌های جدید در مورد این که عصر صنعت و دوره مدرن در غرب به سر آمده و شرایط جدیدی در حال شکل‌گیری است از دهه ۵۰ شروع شد و در دهه ۶۰ به طور جدی مطرح گردید.

به طور مثال «ملوین ویر» با نگرش به آینده، مفهوم جدیدی برای سال‌های بعد از مدرن مطرح می‌کند. او بحث برنامه ریزی در محیط و شرایط شانس و تصادف و عدم قطعیت را پیش می‌کشد و مابواری عصر صنعت را پیشگویی می‌کند. او عقیده دارد که عمر شهر صنعتی رو به سر آمدن است و در همین زمینه به برخی از علائم این تحولات و به نشانه‌هایی از آینده اشاره می‌کند (Weber, 1968).

ادعای عدم قطعیت در علم و تئوری بی‌نظمی که توسط برخی دانشمندان علوم پایه در این دهه‌ها عنوان شد، خط پایانی برای تمام «بزرگ باورها» در زمینه علوم مختلف بود و این نکته به علوم شهری نیز سرایت کرد.

معماری و شهرسازی مدرن با اصولی که در منشور آن مطرح کرد، در عمل قادر نشد که با شهر، تاریخ، مردم و مصرف‌کنندگان پیوند محکمی برقرار سازد و لازم بود که اندیشه‌های نو به مرحله بعد از مدرن برسند و به شیوه‌ها و سبک‌های دیگری روی بیاورند.

پست مدرنیسم در چنین شرایط و احوالی در دهه ۷۰ مطرح شد. در واقع پست - مدرنیسم آن چنان که «چارلز جنکز» می‌گوید، مرحله‌ای از رشد است و می‌خواهد فنون مدرن را با عوامل دیگری که شهرسازی مدرن نادیده گرفته بود ترکیب کند تا این پیوند بین مردم و شهر مستحکم شود. به گفته او، پست - مدرن همان ادامه مدرنیسم و فراتر از آن رفتن است (جنکز، ۱۳۷۴).

از آن تاریخ تا کنون اندیشمندان مختلف با بررسی و نقد و قانع شهرسازی قرن بیستم، پیشنهادات مختلفی برای شهرسازی قرن بیست و یکم ارائه داده‌اند که اساس آن بر عدم قطعیت و شرایط متغیر است.

در حال حاضر در اثر انقلاب الکترونیک شاهد بحران در ساختارهای انقلاب صنعتی هستیم، تحولی که از آن با عنوان موج سوم یاد می‌شود (نافلر، ۱۳۷۱). با تحلیل تعارضات قدیم و جدید می‌توان نیروهایی را که تمدن جدید را شکل می‌دهند مورد بررسی قرار داد. بر

قوی تولید زیاده و ضایعات هستند. رشد و توسعه شهر نشینی و شهرگرایی پس از انقلاب صنعتی و بعدها به دنبال نظریه‌های توسعه اقتصادی منجر به ظهور شهرهای جهانی و ابر شهرها در گوشه و کنار جهان گردید.

اکثر دانشمندان و صاحب نظران عرصه «توسعه» معتقد بودند که شرط لازم برای توسعه اقتصادی، صنعتی شدن است و صنعتی شدن سریع نیز فقط با وجود الگوهای سکونت شهری آن هم در شهرهای بزرگ امکان پذیر است. الگوهای رشد صنایع به صورت تولید انبوه و با هدف کسب حداکثر سود، به دنبال دستیابی به بازارهای وسیع مصرف بودند و شیوه زندگی شهرنشینی بهترین تأمین کننده و فراهم آورنده این بازار مصرف قلمداد می‌شد.

در حال حاضر روند شهر نشینی چنان گسترش یافته که می‌رود تا همه جا را فتح کند و کره زمین را به «جهان شهری» (Urban World) تبدیل نماید. اما آثار سوء حاصل از شیوه‌های زندگی شهری سالهاست که معضلات عذیده‌ای برای محیط زیست و انسان‌ها به بار آورده است. این اثرات نه تنها حیات گیاهی و جانوری و نوع بشر را به خطر انداخته بلکه آینده بسیار نامطلوبی را برای نسل‌های بعدی به دنبال خواهد داشت (محمدزاده تیتکانلو، ۱۳۷۶).

پس از گذشت ۶۰ سال واندی از اجرای منشور آن‌ها و پیشنهادهای مدرنیسم، مشکلات اساسی شهرها همچون آلودگی محیط (زباله، هوا، صدا)، عدم ایمنی، مشکلات دسترسی، بی هویتی محیط شهری، از هم پاشیدگی حس همبستگی محلی و حسن شهروندی، تنهایی رو به گسترش انسان در میان ازدحام جمعیت شهری، زوال مراکز عمده شهری، زغنه نشینی و حومه‌های پر دردسر،



با «مشارکت» آنان کار کنند (چیزی که منشور آن کاملاً نادیده گرفته بود).

در مجموع با وجود نظراتی مشابه آرای فوق، می‌توان علی‌رغم بی‌نظمی و شرایط عدم قطعیت، به آینده‌پیش‌بینی‌ها و پیشنهادات شهرسازان امیدوار بود و به طور مشروط این نظرات را مورد بحث قرار داد. منشور ۲۰۰۰ در جستجوی شکل دادن به بیانیه شهرسازی برای جامعه‌فراصعتی در قرن آینده است که پیشنهادات خود را بر اساس نگاه به گذشته و درس گرفتن از تجربیات، توجه به وضع موجود و پیش‌بینی آینده (با در نظر گرفتن عدم قطعیت) ارائه می‌نماید.

هر چند مقیاس مباحث منشور آن بسیار گسترده‌تر و تعداد اصول آن (۹۵ اصل) خیلی بیشتر از اصول ۷ گانه منشور ۲۰۰۰ است و هر چند معلوم نیست تا چه حد این منشور بتواند نظر شهرسازان را جلب کند و تا چه حد قابل تبدیل به اصول کاربردی باشد، اما از آنجا که در آغاز قرن بیست و یکم هستیم و مسایل فعلی شهرهای ما ضرورت نگرش جدیدی را ایجاب می‌کند، بیانیه‌هایی از نوع منشور ۲۰۰۰ می‌توانند مورد توجه قرار گیرند و با موارد مشابه مقایسه شوند. منشور ۲۰۰۰ در کنفرانس «طراحی شهری، تجدید شکل شهرها» در سال ۱۹۹۳ در فیلادلفیای ایالات متحده آمریکا ارائه گردید. هدف آن مطرح کردن بهترین اندیشه‌های طراحی، روشهای موفق عملی و شیوه‌های نوین مطابق با تحولات جدید است<sup>(۳)</sup>. تهیه کنندگان بیانیه خود اشاره می‌کنند که این بیانیه «منشور آن جدید» برای سازماندهی طراحی شهری در آینده است. آنان معتقدند زمانی که منشور آن فراموش شود، طراحی شهری براساس فرضیات متناسب با زمان بود اما حالا قدیمی شده است، مثلاً دیگر ماشینیزم به عنوان

اساس نظریات دانشمند بلژیکی (پریگوگین) در زمینه تکامل، حتی می‌توان از میان آشفتنگی و هرج و مرج کنونی به جستجوی نشانه‌های نظم و تکامل آینده پرداخت.

منشور ۲۰۰۰ با امید به آینده در جستجوی نظم نوینی برای شهرهای عصر جدید است. بیانیه‌های مشابه نیز برای طراحی شهرهای زنده و فعال و «انسانی» و «مردمی» در آینده وجود دارد. در این جا، قبل از پرداختن به منشور ۲۰۰۰، به اختصار به دو نمونه اشاره می‌گردد:

در سال ۱۹۸۷ آلن جیکوبز و دونالد ایلیارد، در بیانیه‌ای به نام «به سوی مانیفست طراحی شهری» علیه ارزش‌های منشور آنن و فلسفه معماری مدرن بحث کردند و ارزش‌هایی را که سنتز عقاید مامفورد، ویلیام وایت، جین جیکوبز و ویکتور گروئن بود، ارائه دادند. آن دو معتقدند که شهر مکانی عمومی با تنوع محیطی است و باید فرصت‌های متنوع در اختیار شهروندان قرار دهد. برای خلق و ایجاد چنین شهرهایی باید تراکم افزایش یابد. به نظر آنان، میدان شهر مهم‌ترین عنصر است (نه جاده و راه). کاربری‌ها باید طوری مرتبط با هم طراحی شوند که فضای شهری و خیابان را تعریف کنند و... (Fink, 1993). آنان از مسایلی صحبت کردند که به نظر می‌رسد یکی از منابع الهام برای طراحان منشور ۲۰۰۰ باشد.

نمونه دیگری از پیشنهادات مشابه که در سال ۱۹۹۵ ارائه گردید، «ده پیشنهاد برای طراحی شهرهای زنده» (بحرینی، ۱۳۷۶، ص ۵۹) است که اساس آن بر مشارکت می‌باشد:

فرآیند / عرصه عمومی / حس مکان / مقیاس / فرهنگ / زمان / تاریخ / فعالیت‌ها / انتخاب / متخصصان

عوامل ده گانه فوق برای شهرسازی مطلوب پیشنهاد شده است و طراحی شهری را محصول فرآیندی می‌داند که مردم از طریق آن محیط خود را شکل می‌دهند. جوهر هر شهر (در مقابل روستا یا حومه)، در عناصر و فضاهای عمومی و تأسیسات آن است. حس مکان به این امر اشاره دارد که شخصیت مکان از کلیه حس‌ها تشکیل می‌شود و نباید فقط محدود به حس بینایی باشد. بو، صدا، اقلیم و حس امنیت نیز به همان اندازه حس بامرء در ادراک فضای شهری اهمیت دارد. در پیشنهادات ده گانه فوق بر مقیاس‌های متفاوت (شهر، ناحیه، محله) و تنوع عملکردها تأکید شده است. تنوع فرهنگ‌ها و هویت از اهمیت خاصی برخوردار است. فعالیت‌ها اساس زنده بودن شهر هستند و باید زمینه لازم برای فعالیت‌ها و رویدادهای شهری در فضاهای عمومی فراهم گردد. اصل تنوع برای افزایش حق انتخاب شهروندان بسیار مهم است. همچنین بهبود کیفی زندگی شهری نیاز به دخالت در ساختار و فرآیند شهر دارد و این نقش متخصصان را مهم نشان می‌دهد اما این‌ها در صورتی موفق خواهند بود که با نظر مردم و



انسان باید بهتر از این با سیستم های طبیعی ترکیب شود و ابزارهایی که جاناتان بارنت (J. Barnett) تحت عناوین Environmental-Zoning یا Performance-Zoning پیشنهاد می کند برای رسیدن به این ترکیب و انسجام مناسبند. حفظ منابع تجدیدناپذیر مثل نفت و گاز و زغال به معنی کاهش بار گرما و بار سرما در ساختمان ها و کاهش استفاده از این سوخت ها در حمل و نقل است.

هدر رفتن آب و آلودگی آن با تجدید کاشت و توسعه فضاهای سبز امکان پذیر می شود.

حفظ مناظر طبیعی آثار مثبتی بر کیفیت آب، هوا و خاک دارد و آشیانه های امنی برای حیوانات و گونه های گیاهان تأمین می کند.

مثال: در طراحی مجسدهای مسکونی و اداری در جنگل استرلینگ واقع در ۲۰ مایلی شمال نیویورک، در سال ۱۹۹۳، چندین ارم خوشه ای از ساختمانهای مذکور طراحی شد که ۷۵٪ جنگل را به شکل کاملأ سر سبز حفظ می کرد و برای زندگی حیوانات جای امنی بود. ناصه کار و مکان به حداقل رسیده بود و با افزایش ارزش زمین مصرف، مستقیماً یک خیابان اصلی طی می شد (محل، ۵-۳۳۴).

یکی از مسائل مهم رابطه انسان و طبیعت، سوانح طبیعی است و شهرسازی باید تا آنجا که ممکن است در کاهش آثار زلزله، طوفان و آتش سوزی مؤثر باشد.

نکته مهم دیگر این است که طبیعت را در داخل شهر به وجود بیاوریم و شهروندان را با سیستم های طبیعی نزدیکتر و آشناتر کنیم تا با آن مثل دوست رفتار کنند.

مثال: در تگزاس (Kath) صحبت از راه های عمومی شهری است که به شکل راه های سبز (Green Ways) برای ایجاد پیوند بین طبیعت و زندگی عمومی در شهر ایجاد می شود.

**اصل (۳):** جوامع (شهری) باید ویژگی هایی (Character) متمایز و مختص به خود داشته باشند. استانداردیزه کردن در تولید و بازگانی و ساختار مالی و تولیدی، این گرایش را داشت که ویژگی های شهری را هم یکسان کند.

محوطه های شهری و ساختمان های موجود در شهرها اغلب شبیه به هم هستند ولی بهتر است با توجه به فرهنگ ها و مردم گوناگون، متفاوت از یکدیگر باشند.

هویت و شخصیت شهر با فرهنگ، منطقه، سنت ها، عملکردها و ویژگی های شکلی (Formal) ناشی از تصمیمات گذشته و تاریخ هر سرزمین از جایی به جای دیگر، باید متفاوت باشند. هویت مستقل برای مناطق و شهرها بسیار اهمیت دارد. تفاوت های منطقه ای ناشی از اقلیم، توپوگرافی، پوشش گیاهی و خاک است و تفاوت های فرهنگی می تواند ناشی از نژاد، سن، زبان و نظایر آن باشد.

هدف اصلی شهرسازی نمی تواند مطرح باشد و یا ساختمان های بلند مرتبه با شکل و فرم مشابه نمی تواند راه حل مسکن باشد. امروزه انتظار نداریم که دولت ها و حکومت ها شهرها را بسازند و تأمین مالی بکنند. ما (طراحان منشور) در شهرهای آمریکایی حس «محله و همبستگی محلی را از دست داده ایم و مردم از مجموعه های شهری احساس امنیت نمی کنند. این وحشت روز افزون، مسئولیت شهرسازان را افزایش می دهد و باید پاسخ آن را بیابند. امروزه ما شهرنشینان از چهل در مورد موقعیت خود در شهر و اثرات تخریبی بر محیط ها و سیستم های طبیعی رنج می بریم.

## محتوا و موضوع منشور ۲۰۰۰

**اصل ۱:** مکان های شهری باید تأثیرات مثبت روی زندگی مردم داشته باشند.

این اصل ممکن است بدیهی به نظر بیاید اما باید در نظر گرفت که امروزه (در آمریکا) بسیاری از مردم مراکز شهری را ترک می کنند و از زندگی در شهرها امتناع می کنند. یعنی شهر جاذبه های خود را از دست داده است و حتماً در این مکان مشکل مهمی وجود دارد که چنین اتفاق می افتد.

ویژگی مثبت شهرها این است که راه های متنوع کسب در آمد، تحصیلات، نمایش و ارائه فرهنگ به دیگران و اطلاع از فرهنگ های دیگر و فرصت های تفریح و فراغت را برای شهروندان فراهم نماید. در میان این نمایش ها و عرضه داشت ها (Exposure)، ابعاد انسان بودن را حس می کنیم. جنبه منفی این نمایش ها (Exposure)، آسیب پذیری است (Vulnerability). شهرسازی هم باید فرصت های ارائه و نمایش فرهنگ های متنوع و فعالیت های مختلف را فراهم آورد و هم خطرات و تهدیدات مرتبط با آن را کاهش دهد. این کار امکان ندارد مگر با ترکیب نظارت رسمی یا مراقبت غیر رسمی، ایجاد احساس مالکیت و حس اینکه مکان های شهری استفاده های مشخص دارند.

مثال: در طراحی مجدد پارک برایت در نیویورک (Bryant P.) سعی کردند راه های ورودی را طوری طراحی کنند که از داخل خیابان دیده شود. فعالیت های پارک را هم افزایش دادند با ترکیب فعالیت های مختلف و در معرض دید قرار دادن زوایای پارک. کنترل بر عملکرد پارک را افزایش دهند. این مثالی از طراحی فضاهای زندگی است - Charter 2000, 1993, P. 324.

**اصل (۲):** شهرنشینی باید در سازگاری و هماهنگی با سیستم های طبیعی باشد.

در عصری که با مشکلات بسیار زیست محیطی روبرو هستیم به نظر می آید که پارادایم «تناسب اکولوژیکی» ضرورت دارد. فرهنگ

انتخاب برای دوچرخه و پیاده باید بیشتر قابل دسترسی باشد. به علاوه ایمنی آن ها هم لازم است تامین شود.

**اصل (۶):** فرآیند ساخت و ساز می تواند شکل های مختلف را در برگیرد و شامل اشخاص با سلیقه های مختلف باشد.

همکاری بین متخصصان، مشارکت شهروندان و گروه های نماینده در برنامه ریزی و طراحی روبه گسترش است اما اشتغال تعداد بیشتر مردم در مراحل بیشتری از فرآیند شهرسازی، غالباً هزینه ها را افزایش می دهد و در کارها تأخیر ایجاد می کند.

مدل های جدیدی برای تسهیل فرآیند ساختن و بازسازی لازم است، در حالی که گروه های علاقمند و ذینفع هم باید مدنظر باشند.

**اصل (۷):** استفاده مجدد و حیات بخشی دوباره به فضاهای شهری موجود، به اندازه توسعه فضاهای جدید اهمیت دارد.

سرمایه گذاری در ساختارهای موجود، هزینه های توسعه را کاهش می دهد. به علاوه بهسازی فضاهای موجود می تواند کارایی آنها را بیشتر کند و اثرات این بهبود به تمام شهر گسترش یابد. این جریان بسیار فراتر از محافظت تاریخی است، راهبرد حفاظت باهدف خلق مکان های خوب و هزینه های منطقی است. گسترش فیزیکی بی رویه شهر و توسعه حومه های پراکنده غالباً کارایی ندارد و دسترسی سریع به طبیعت اطراف شهر را کاهش می دهد.

مثال: در میسوری، کانزاس سیتی، یک فرودگاه بزرگ به جای حومه شهر، در داخل شهر توسعه مجدد یافت تا به عنوان کاتالیزور (Catalyst) در شهر عمل کند. در نتیجه ساخت مسکن، ایجاد شغل و ارتباط با خدمات تجاری و اجتماعی همراه با هم و در مرکز شهر اتفاق افتاد. (نیویورک تایمز، ۱۴ آوریل، ۱۹۹۳).

مثال: تورنتو، کانادا، طرح بازسازی شهری با شهری کردن مجدد تورنتو مثال قابل توجهی است از توسعه مجدد و سرمایه گذاری در بافت موجود. پلان طرح شامل تراکم های افزایش یافته در امتداد کریدورهای موجود حمل و نقل، برای بالا بردن کارایی حمل و نقل و کاهش وابستگی به اتومبیل شخصی است. (Progressive Arch. Jan. 1993)

نویسندگان و هماهنگ کنندگان منشور ۲۰۰۰ پس از ذکر اصول یاسد شده و ارائه مثال های مذکور، در پایان اعلام می کنند که پیشنهادات خود را با الهام از کوشش های موازی با این حرکت، یعنی نوشته ها و آثار این افراد تهیه کرده اند:

Peter Calthorpe, M. Corbett, A. Duany, E. Plater-Zyberk, S. Polyzoides, E. Moule & D. Kelbaugh.

تفاوت ها ممکن است ناشی از فعالیت های خاص باشند مثلاً منطقه ای از شهر که اختصاص به تئاتر و مراکز هنری دارد.

تفاوت های استانداردهای طراحی و راهبردهای (Strategy) توسعه می تواند ناشی از شرایط متفاوت اقتصادی و سیاسی باشد. تفاوت های شکلی حاکی از برنامه ریزی هندسی (Geometry) و مربوط به نظم و تنظیم، سنت های معماری و غیره است. بنابراین در مجموع با در نظر گرفتن عوامل متعددی که ذکر شد می توان هویت جوامع شهری را متمایز نشان داد.

**اصل (۴):** شکل های جدید شهری باید به نیازهای در حال تحول اجتماعی و رفتارها پاسخ دهد.

همان گونه که جامعه تغییر می کند، الگوهای جدید ساختمانی هم باید به این تغییرات جواب بدهد. مثلاً ارتباط جدید بین خانه و اشتغال و یا خانه برای سالمندان فعال. تفکر سنتی کاربری زمین (Land Use) که بر جدایی عملکردها تأکید می کرد، نیاز به تغییر در جهت همبستگی و پیوندها دارد.

با افزایش تراکم، اختلاط کاربری های مختلف با مسکونی و اهمیت دادن به راه های پیاده می توان در این جهت عمل کرد.

توسعه شهری با توجه به حمل و نقل (transit-oriented) می تواند وابستگی به اتومبیل ها را کاهش دهد و مردم را به استفاده از سایر وسائط تشویق کند. یعنی مردم بیشتر به وسائط عمومی رو بیاورند و همبستگی بیشتری ایجاد شود.

مثال: مجموعه ای از توسعه مختلط و چند استفاده، با خیابان هایی که هم برای پیاده و هم ماشین طراحی شده می تواند حمل و نقل گسترده را حمایت کند. شبکه ای از چنین توسعه ای با تمرکز روی محیط زیست حومه ای، ترانزیت را از سیستم های اشباع شده و مراکز شهری بیرون می کشد، حمل و نقل گسترش یافته را حمایت می کند و تعادل بین سکونت و فرصت های شغلی را در منطقه برقرار می سازد (Calthorpe, 1991).

**اصل (۵):** فرصت های انتخاب نوع حرکت باید متنوع و برای همه قابل دستیابی باشد.

وابستگی به اتومبیل شخصی در امریکای شمالی منجر به آلودگی های گسترده شد، حومه ها گسترش بی رویه یافتند (پدیده Sprawl) و نگرش صمیمی به مکان های شهری از دست رفت. گذشته از اتومبیل شخصی، باید حرکت به صورت های دیگر امکان پذیر باشد، هم با دوچرخه، هم پیاده و هم با سیستم قطار سبک (Light Rail)، اتوبوس های کوچک و بزرگ و سرویس های متنوع حمل و نقل. حرکت و جابه جایی کارآمد به سایر تصمیم گیری ها نیز ارتباط دارد؛ مثلاً تراکم مسکونی و فاصله بین کار و تجارت و مسکن هم باید متناسب با الگوهای متنوع حمل و نقل باشد. فرصت های



۲- مقایسه شرایط و مسائل شهری و مشکلات موجود در زمان طرح دو منشور

منشور ۲۰۰۰	منشور آتن
<ul style="list-style-type: none"> <li>• حل نسبی مشکل مسکن، اما ارائه شدن آپارتمان‌های جدید همچون ریسایی و تنوع مسکن</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• اولویت مشکل مسکن، به مسکن و بی‌مسکنی در شرایط بعد از جنگ جهانی</li> </ul>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• فضاهای سبز کم‌تر از گذشته اما مشکل عدم امنیت پارک‌ها و نواحی‌ها، جدی است.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• فقدان ریه‌های سبز شهری و فضاهای گذران اوقات فراغت</li> </ul>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• مشکل ترافیک و دسترسی همگانی وجود دارد و تلاش دیگر نه به خاطر کمبود فاصله بین نقاط (که در منشور آتن بحث می‌شد) بلکه به دلیل گسترش فیزیکی بی‌حد و حساب (Sprawl) شهرها و حومه‌ها است.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• تراکم شدید ترافیک و تلف وقت بسیار</li> </ul>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• آلودگی‌های محیط زیست شدیدتر شده است (از باران‌های اسیدی تا سوزناخ شدن لایه ازن)</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• آلودگی شدید هوا، صدا</li> </ul>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• افزایش بهره‌کشی و جرم و جنایت و طلاق و خودکشی و بیماری‌های روانی در شهرها</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• فقر بهداشتی شدید در محلات شهر صنعتی</li> </ul>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• شباهت محلات و شهرها به یکدیگر و یکنواختی آنها و از دست رفتن حس مکان</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• دخالت کاربایی‌های صنعتی و مسکنی</li> <li>• دخالت رفت و آمد سواره و پیاده</li> </ul>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• فاصله طبقاتی محلات، هنوز وجود دارد</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• فاصله طبقاتی محلات شهری</li> </ul>

نگاه دوباره به ارزش‌ها و ابعاد معنوی زندگی انسان.  
 - تأکید بر پایداری زیست محیطی که از ارکان اصلی تصمیم‌گیری در فرآیند شهرسازی است.  
 - رواج مؤثر و فراگیر تکنولوژی اطلاعاتی در روند طراحی.  
 - توجه به تاریخ و میراث فرهنگی و ضرورت تداوم تاریخی.  
 - تأکید بر مشارکت مردم در فرآیند تصمیم‌گیری.  
 - کوچکتر شدن مقیاس طراحی شهری باهدف انسانی شدن فضاها.  
 - ارجحیت توسعه فضاهای شهری موجود و بهسازی یافت‌های شهری.  
 - افزایش تراکم شهری و مخلوط کردن فعالیت‌ها و کاربری‌ها.  
 - تنوع و کثرت گرایی و رد استانداردگرایی.

### مقایسه دو منشور (آتن و ۲۰۰۰)

تا این جا هر دو منشور اصول و محتوای آن‌ها مورد بحث قرار گرفت. همچنین به مسائل شهری موجود در زمان ارائه آن‌ها و راه حل‌هایی که پیشنهاد می‌کنند اشاره گردید. اینکه ضرورت دارد نتیجه مطالعه جداگانه هر کدام از منشورها در کنار یکدیگر قرار گیرند و مقایسه شوند.  
 جداول شماره ۱ تا ۴ به همین منظور تنظیم گردیده‌اند:

#### ۱- وجوه مشترک منشور آتن و منشور ۲۰۰۰

- وضع موجود زندگی در شهرها مورد قبول هیچکدام نیست.
- هر دو گروه دیدگاه‌های خود را نقطه عطفی در تاریخ شهرسازی می‌دانند.
- هر دو منشور سعی دارند که به سؤالات و مشکلات شهری موجود پاسخ دهند و پیشنهادهایی برای فرآیند توسعه ارائه نمایند.
- محفلات شهری که این دو منشور راه‌حل‌های آن را پیشنهاد می‌کنند (مثلاً مشکل دسترسی) با یکدیگر شباهت ماهوی دارند.

### ۳- نحوه نگارش نسبت به مسأله «شهر» در دو منشور

### ۴- مقایسه فرضیه‌های اساسی دو منشور (دیدگاه کلی طراحان)

منشور آتن	منشور ۲۰۰۰
۱- منشور آتن به منظور گسترش و توسعه به شهر منبسط و در واقع ترسیم یک واحد مسکونی داخل منطقه را به شهر در نظر می‌گیرد.	۱- سه مفروضه شهر، ناحیه و محله را در منطقه شهر در نظر می‌گیرد. همچنین شهر را در سیستم اتونومی خود قابل مطالعه می‌داند و آن را در پیوند تشنگ با محیط زیست می‌بیند. هدف از این نظام برای خطی را به‌طور پر اهمیت می‌داند.
۲- هدف کلی منطقه نابین و تشنگ، تأمین و به شهر خارت شهر را همچون ابزار و مقایسه می‌داند که هر کدام از آن‌ها باید در جای مناسب قرار بگیرد. از همین زاویه است که به تفکیک چهار عملکرد عمده شهر می‌اندیشد.	۲- هر شهر باید صورت خاص خود را با توجه به وظایف محلی، محلی، تاریخی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نشان دهد.
۳- در مدل‌های خود را برای همه شهرها و جوامع قابل تعمیم می‌داند و تعاریف موردی شهرها را ارائه می‌دهد.	۳- با دیدگاه تعمیم‌پذیر و غیر منطبق به نوع معماری فردی است. توجه می‌کند.

### نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث مطرح شده و به ویژه مقایسه وجوه و ابعاد مختلف، شرایط و مشکلات موجود در زمان مطرح شدن دو منشور و نحوه نگارش به مقوله شهر و فرضیه‌های اساسی آن‌ها، به روشنی می‌توان گفت که هر دو منشور حاصل تحول در اندیشه‌های شهرسازی بوده و در نقاط چرخش پارادایم برنامه ریزی شهری مطرح گردیده‌اند. به دلیل یافتن وجوه تفارق اساسی و برخی موارد مشترک، مطالعه تطبیقی دو منشور دارای توجیه علمی است. از آنجا که فرضیه‌های اصلی طراحان منشورهای آتن و ۲۰۰۰ دارای تفاوت اصولی و گاه در تقابل با یکدیگر هستند، می‌توان با قاطعیت آن‌ها را دو نقطه عطف در تاریخ شهرسازی قرن بیستم دانست.

جدول ذیل نتیجه مقایسه نهایی نحوه برخورد دو منشور با عناصر و پدیده‌های شهری و عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و کالبدی است و وجوه اساسی متمایز کننده آن‌ها را نمایان می‌سازد. مهم‌ترین عامل بحران در زمان طرح هر منشور، اولویت‌ها و اجبارها، تأثیر عوامل اقتصادی، نظریه شهرسازی حاکم بر اندیشه‌های طراحان، الگوی مسکن، تراکم، طبیعت، عملکردهای شهری، نقش متخصصان معمار و شهرساز، نقش دولت، نقش بخش خصوصی و بالاخره سیاست توسعه شهری از جمله مواردی هستند که در این جدول و در مقایسه نهایی مورد توجه قرار گرفته‌اند. این موارد پاسخ‌های متفاوت دو منشور را نشان می‌دهند و فرض مطرح شده در عنوان این مقاله را تأیید می‌کنند.

### فرضیه‌های اصلی طراحان منشورهای مورد مقایسه

منشور آتن	منشور ۲۰۰۰
- مانعیت‌زم	- تلاش برای اتونومی
- ساختمان‌های بلند مرتبه‌مناسب‌ترین شکل برای پاسخگویی به تقاضای انبوه‌مسکن است.	- شکل‌های متنوع مسکن با تراکم‌های مختلف
- دولت‌ها و حکومت‌ها نیروی اصلی شهرسازی هستند.	- مکانیسم‌های خصوصی بیشتر در شهرسازی تأثیر دارد تا دولت‌ها.
- چهار عملکرد عمده در شهرسازی هست که باید قاطعانه تقسیم کرد.	- چهار عملکرد عمده به‌اضافه سایر موارد و مسائلی همچون حس همبستگی محلی.
- تلفیق طایفه تاریخی و نگاه به پیش رو	- رد جذابی کارگری‌ها و پیشنهاد اختلاط عملکرد
- استانداردیزه کردن محیط شهر و بناها، شبکه بین‌المللی و یکسان بودن فضاهای شهری.	- هویت مستقل برای مناطق و شهرها با در نظر گرفتن تفاوت‌های قومی، نژادی، فرهنگی (کثرت گرایی) و با ارزش گذاشتن به میراث تاریخی و استفاده به‌مورد ارزش‌های گذشته و ترکیب آن با فنون جدید.
- شهرسازی به عهده معماران است و فقط افراد متخصص صلاحیت کار شهرسازی را دارند.	- مشارکت مردمی در فرآیند شهرسازی به عنوان یک اصل مهم پذیرفته می‌شود.



# شهروندی و مدرنیته: جامعه‌شناسی مدرن شهری

نویشته: موریس روشه

ترجمه: ناصرالدین غراب

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

این مقاله به مرور بحثی از موضوعات اصلی در جامعه‌شناسی جدید شهروندی می‌پردازد. این رشته به مسائلی چون شکل‌گیری اجتماعی حقوق و تکالیف عضویت و هویت در دوران مدرنیته، قدرت، نظریه‌پردازی و تغییر در این شکل‌گیری‌ها توجه دارد. کار در این رشته در سال‌های اخیر بر اساس انتقادات به تحلیل کلاسیک تی. ایچ. مارشال در باب شهروندی، گسترش یافته است. موضوع مهم در این کار، یعنی پاسخگویی به ناهنجاریات اجتماعی ساختی در دوران مدرنیته، در واقع نقد مفروضات «کارکردگرایی ملی» (که شامل تحلیل مارشال را تشکیل می‌دهد) و نیز توسعه‌یافته تعقیباتی و چشم‌انداز «ما بعد ملی» در جامعه‌شناسی شهروندی در دوران مدرنیته بوده است. این برنامه شامل منطقه و تحقیق در باب شهروندی فراملی است که به معنای چون «مهاجرت‌پذیری» کار در سطح بین‌المللی، با اختلال اشکال منطقه‌ای، جهانی مثل اتحادیه اروپا، سیاست حقوق بشر و سیاست محیط جهانی به دنبال دارد. این برنامه خصوصاً در ارتباط با حقوق بشر در اتحادیه اروپا و در «ملی» مرور آثار نظری از نویسندگان معاصر که در زمینه مسایل شهروندی «ما بعد ملی» قلم می‌زنند، مثل رالف دارندورف، یورگن هابرماس، بریان ترنر و آلبرت میهن، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

## مقدمه

جامعه‌شناسی معاصر شهروندی (Citizenship)، مستلزم مطالعات درباره ساخت‌ها و فرآیندها در شکل‌گیری اجتماعی حقوق و تکالیف، عضویت و هویت، خصوصاً ساخت‌ها و فرآیندهای مرتبط با تفاوت‌ها و روابط قدرت و نابرابری در دوران مدرنیته است. علاقه پژوهش‌های بین‌المللی جامعه‌شناسی در زمینه شهروندی در سال‌های اخیر در نشست‌های انجمن‌های بزرگ جامعه‌شناسی در سطح ملی و بین‌المللی و در گردهمایی‌های تخصصی نشان داده شده است. دسته‌ای از تحقیقات نظری، تجویزی و تجربی در گستره موضوعات مربوط به این حوزه با اشکال متنوعی از حقوق و عضویت‌ها سروکار دارند. دو دسته از برجسته‌ترین آن‌ها در پژوهش‌های اخیر شامل: (۱) حقوق اجتماعی و مسایل مربوط به طبقه، فقر و محرومیت اجتماعی و (۲) روابط مبتنی بر جنسیت است. این دسته از پژوهش‌ها و سایر تحقیقات، پیشرفت‌های کیفی در

پارادایم معروف مارشال (T.H. Marshall) حوزه جامعه‌شناسی شهروندی را دسته‌بندی می‌کند و آن‌ها را به نمایش می‌گذارد. رهیافت مارشال، یک مدل سه وجهی از نهادها (مدنی، سیاسی و اجتماعی) و حقوق شهروندی، یک مدل تکاملی از تغییرات اجتماعی و پیشرفت‌های هم‌پسته در شهروندی، یک رابطه متناقض اما در نهایت هماهنگ بین توسعه شهروندی و سرمایه‌داری و یک نظریه تجویزی شهروندی که حقوق را بر تکالیف و نااندازه‌ای حقوق اجتماعی را بر حقوق سیاسی و مدنی مقدم می‌شمارد، ارائه می‌دهد. بخش اعظم تحقیقات جامعه‌شناسی جدید شهروندی نقدهای مربوط به تفسیر اصلی مارشال از این پارادایم را بسط می‌دهد. مانند آن‌هایی که بر نقش جنبش‌های اجتماعی و کشمکش‌های اجتماعی در توسعه حقوق فائق (Turner, 1986) نیاز به استمرار چنین منازعاتی در آمدن بر جهت‌گیری‌های ذاتی مرد سالارانه در شهروندی مدرن و ساخت حقوق و تکالیف آن (مثل تحقیقات اجتماعی فمینیستی) تأکید می‌کنند. این نقدها به توسعه، بهبود و شکل‌گیری مجدد آن پارادایم کمک می‌کند و بنابراین به آن اعتباری مجدد و هم‌زمان می‌بخشد. منتهی این موضوع را نمی‌توان به سادگی برای یکی از مسائل غامض اصلی در جامعه‌شناسی شهروندی که اساساً با شهروندی و حقوق سروکار دارد، یعنی آنچه که به اصطلاح باقت نامیده می‌شود، بیان «ما بعد ملی» موضوع توجه بسیاری از (Post-National) داشت. این تحقیقات در سال‌های اخیر را به خود جلب کرده و بحث اصلی این مقاله نیز همین است.

مارشال وجود «دولت ملی» (Nation-State) را مطابق با تحلیل اصلی‌اش از شهروندی و حقوق و تکالیف آن مفروض می‌پنداشت. تصور «فرهنگ ملی» مستقل و از درون به هم پیوسته، اقتصاد سرمایه‌داری ملی و حکومت ملی - در بردارنده سیاست اقتصادی داخلی کارآ و دولت رفاه‌گستر، یعنی فرض آنچه که می‌تواند - نه تنها «کارکردگرایی ملی» نامیده شود تحلیل مارشال (Roche, 1982, ch.2,9) را پی‌ریزی می‌کند. بلکه هر قسمت اعظم جامعه‌شناسی جدید شهروندی که شامل بیشتر آثار در باب حقوق اجتماعی و مسائل مربوط به جنسیت است نیز تأکید می‌کند. منتهی پیداست که این تصور خدشه‌بردار است. جامعه‌شناسی معاصر، اگر بخواهد درباره مدرنیته و ماهیت و چشم‌انداز جوامع پیشرفته غربی واقع بین باشد، باید حداقل دو مجموعه از مسایل را نشان دهد.

از یک سو باید صورت‌بندی‌های (Formations) فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و نیروهای اجتماعی را در سطوح فروملی (Sub-National) و فراملی (Trans-National) مانند سطوح ملی نشان دهد. از سوی دیگر باید روابط متقابل میان دولت‌های ملی جوامع را، هم به‌طور جداگانه و هم در سطح انجمن‌های بین‌المللی و گروه‌های منطقه‌ای

- جهانی (به عنوان مثال مسایل ساختی سیاست‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) نشان دهد، البته درون محیطی از فرآیندها و صورت‌بندی‌های اجتماعی که در سطح فراملی و فرامیلی به وجود آمده‌اند. مهم‌تر از همه باید محدودیت‌های تمامیت و قدرت دولت ملی را، که روابط متقابل را فرا گرفته، نشان دهد. مباحث مربوط به این امر نمی‌توانند به تفصیل در اینجا بیان شوند، اما با توجهی که صرف مقولاتی چون «جهانی شدن»، «وابستگی متقابل»، «ما بعد فوردیسم» و «پست مدرنیسم» در تحلیل‌ها و نظریه‌های اخیر اجتماعی شده است، به کار می‌روند. در اینجا به عقیده من، شان عواملی که مورد اشاره واقع شدند، می‌تواند با اصطلاح ما بعد ملی حفظ شود. این اصطلاح چند نکته را نشان می‌دهد. اولاً مبین تمایز ساختی قلمروهای فراملی و فرو-ملی از قلمرو ملی است. ثانیاً بیانگر این اندیشه است که دوران تاریخی قرن نوزده تا اواسط قرن بیستم، یعنی زمانی که مصادف با شکل‌گیری ملت‌های غربی و شکل‌گیری امپراتوری‌های مافوق ملی بود، سپری شده است. ثالثاً آنچه را که دوره معاصر برای آینده در قرن بیستم و یکم نوید می‌دهد نشان می‌دهد؛ یعنی کاهش و تغییر کیفی در اهمیت و نقش دولت‌های ملی بخودی خود، به نفع فرآیندها و صورت‌بندی‌های اجتماعی فراملی و نیز فرامیلی، حداقل در بخش غربی جامعه جهانی (See also Roche 1992, ch.8,9, and 1995 a,b).

بنابراین جامعه‌شناسی معاصر شهروندی اگر خود را در مفروضات کارکردگرایی ملی یا پیرو دولت ملی محصور کند، نمی‌تواند در مقام مطالعه صورت‌بندی‌های اجتماعی حقوق و تکالیف، عضویت و هویت، هم جامع و هم معتبر باشد. قابل درک است که آنچه به عنوان «مساله بفرنج ما بعد ملی» مصطلح است، در سال اخیر در این حوزه به وجود آمده باشد. این مساله دستورکاری برای پژوهش‌ها و اکتشافات در باره طیف وسیعی از پدیده‌ها به همراه خود دارد. این پدیده‌ها شامل حقوق، عضویت و ابعاد جانی هویت است - مانند درون کوچی و برون کوچی، اجتماعات یهودی نشین و روابط اخلاقی در جوامع چندفرهنگی، حقوق انسانی و نهادی کردن، نقض و تحقق آن، حقوق کارگران و مصرف کنندگان در ارتباط با شرکت‌های چند ملیتی در اقتصاد جهانی، حقوق و سیاست‌ها و مسائل زیست محیطی جهانی و فراملی، توسعه و بازسازی اقتصادی، فرهنگی، سیاسی منطقه‌ای و شهری، نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای - جهانی و جهانی، توسعه منابع مشترک، «فضای عمومی» و «حوزه عمومی» در سطح جهانی و در سطح فراملی از طریق توسعه فرآیندها، بازارها و نهادهای فرهنگی و ارتباطات.

مقالات برجسته جدیدی در باب مسائل پژوهشی شهروندی «ما بعد - ملی» نوشته شده‌اند مانند مطالعه پایوک در مورد حقوق مهاجران بین‌المللی به عنوان اشکالی از شهروندی فراملی

(Boubock, 1994) و دو مطالعه دیگر درباره حقوق شهروندان در اروپا و پدیده «شهروندی اروپایی»، خصوصاً در مورد حقوق اجتماعی در اروپا و «شهروندی اجتماعی». در این جا یکی از مهم‌ترین آن‌ها یعنی مطالعه مبین بررسی خواهد شد (Meehan, 1993; Close, 1995; see also Rosh, 1992, ch.8). باید تأکید شود که چشم انداز «ما بعد ملی» و طرح‌های تحقیقاتی که در اینجا پیش بینی شده است، به دنبال یک کاسه کردن بازنشانی واقع بینانه ثبات و قابلیت سازگاری شکل دولت ملی در غرب و نیز احیای جنبش‌های ناسیونالیسم قومی و تلاش آن‌ها در بنیانگذاری دولت است (مانند مناطق ما بعد کمونیستی فدراسیون روسیه، اروپای شرقی و منطقه بالکان). هدف از بسط چشم‌انداز «ما بعد ملی» نادیده گرفتن وجود چنین پدیده‌ها یا تعریف و مشخص کردن آن‌ها بدون (مفهوم) مدرنیته نیست. هدف دیگر این است که فهم بهتری از متن تاریخی و اجتماعی که در آن چنین پدیده‌هایی روی داده‌اند و درک بیشتری از ماهیت ساخت‌ها و فرآیند دگرگونی‌ها در بستری که می‌بایست آن‌ها را متأخر سازد، به دست آید. هدف سوم این است که تا آنجا که امکان دارد، فهم مدرنیته به طور شایسته از درون محدودیت‌های چشم‌اندازها و مفروضات «کارکردگرایی ملی»، «پیرو دولت - ملی» و ملی‌گرا به دست آید.

این مقاله در جستجوی بررسی بعضی از موضوعات اساسی در جامعه‌شناسی معاصر شهروندی است که بر ابعادی از مساله غامض ما بعد ملی تأکید می‌کند و توجه خاصی به نمایان ساختن این مساله در سه مطالعه اخیر درباره شهروندی دارد. این سه مطالعه عبارتند از: مجموعه مقالات جمع آوری شده توسط بارت وان استینبرگ (Bart van Steenberg, 1993, hereafter «شرایط شهروندی» (1993, hereafter «شهروندی و نظریه اجتماعی» (Elizabeth Meehan, 1993, hereafter «شهروندی و جامعه اروپا» (1993).

مجموعه استینبرگ از سلسله انتشاراتی سایه (Sage) است که توسط براین ترنر با عنوان «سیاست و جامعه» اداره می‌شود. دو نویسنده معاصر و مهم دیگر در زمینه مسایل شهروندی یعنی باربلیت (J.M. Barbalet, 1988) و پت منان (G. Pateman, 1988) عضو هیئت سردبیری آن هستند. این مجموعه در ابتدا کار خود را با جستجوی منابع مهم جامعه‌شناسی جدید شهروندی آغاز کرد. در حال حاضر، علاوه بر مجموعه وان استینبرگ، مجموعه متعلق به ترنر همراه با دو مطالعه در باب رفاه، حقوق اجتماعی و شهروندی (Culpitt 1992 and Twine 1994) از طرف آن انتشاراتی به بازار عرضه شده است. اثر وان استینبرگ از کنفرانس مهمی که در مورد «کیفیت شهروندی» از سوی متخصصان اجتماعی دانشگاه اوترخت (Utrecht) در سال ۱۹۹۱ برگزار

موضوع است و فصل‌هایی از اثر او به ارتباط حقوق و سیاست جامعه اروپا با مسائل نابرابری مبتنی بر جنسیت اختصاص یافته است. این اثر به بررسی حقوق اجتماعی جامعه اروپا می‌پردازد و از چشم‌انداز «مابعد - ملی» نسبت به شهروندی حمایت می‌کند. بعداً به این مطالعه و خصوصاً به مباحث آن در باب موضوع اخیر باز می‌گردیم.

اول، موضوع جنسیت، ابعاد مهم جنسیت شهروندی و نابرابری اجتماعی مبتنی بر جنسیت و چشم‌اندازهای فمینیستی در باب آن در دو مجموعه‌ای که بررسی می‌شوند، خوب تشریح نشده‌اند. مقالات بریان ترنر و باری هیندس و معدودی از نویسندگان به اهمیت این نکته به اجمال توجه کرده‌اند و تنها یکی از دوازده مقاله ارائه شده، یعنی مقاله اورسلا فوگل (Ursula Vogel) در مورد «ازدواج و حد و مرزهای شهروندی» به این موضوع اختصاص یافته است. این امر بی

تردید ضعف این مجموعه‌ها را می‌رساند. «فوگل» معتقد است که دگرترین قانون طبیعی قرن هفده و قرن هیجده و اندیشه‌های دموکرات لیبرال قرن نوزده از این بحث می‌کنند که تاریخ شهروندی، جهان‌گرایی کاذبی را مطرح می‌سازد که در آن بایگاه زنان را به عنوان شهروندان درجه دوم از نظر نحوه برخورد و رفتار و مشروعیت نهادهای تبعیض‌آمیز ازدواج و مادری محقق می‌سازد، او اظهار می‌دارد که اگر نظریه‌های جدید سیاسی می‌خواهند به طور شایسته فرهنگ مساوات طلبانه شهروندی ارائه دهند.

ضروری است به مسائلی چون «هویت خاص و متفاوت زنان»، «مفهوم جامعه مدنی مبتنی بر ششاسایی عدم تعانس و کثرت گرایی» و «ازدواج غیر جنسی» (Genderless Marriage) بپردازند.

بر عکس، موضوع دوم یعنی ماهیت و آینده شهروندی اجتماعی و حقوق اجتماعی، به روشنی و به دقت در مجموعه وان استیبنرگن با مقالات ویلسون، آدریان سنز (Adriaansens)، فریزر (Fraser)، گوردون (Gordon) و دارندورف مورد بررسی قرار گرفته است. در همان حال این موضوع در مجموعه ترنر با مقاله تحریک‌آمیز ساندرز و به اجمال با مقاله هیندس و بارلیت بررسی می‌شود. در مجموعه وان استیبنرگن، برای داروند ورف و نیز برای ویلسون و آدریان سنز، یکی از رویه‌ها و منابع اصلی تضادها که مفهوم و سیاست شهروندی را در جوامع پیشرفته در اواخر قرن بیستم متاثر ساخته، پدیده «طبقه

شده بود، بیرون آمد. آن مجموعه در بردارنده بعضی از مقالات نظری و همه جاتی‌های است که در آن کنفرانس ارائه شده بود. پاره‌ای از مقالات کنفرانس که موضوع بحث آن‌ها در مورد سیاست اجتماعی و سیاست عمومی بود، قبلاً با عنوان مجموعه ارزشمند «کار و شهروندی» در چشم‌انداز همکاری‌های بین دولتی در اروپا انتشار یافته بود (See Coenen and Leisink (eds) 1993).

مقاله حاضر به سه بخش تقسیم می‌شود. بخش اول اساساً به بررسی دو مجموعه از مقالات بر حسب گزارش آن‌ها از سه حوزه اصلی تحقیقات شهروندی معاصر که در بالا معرفی شدند یعنی جنسیت، حقوق اجتماعی و «مابعد - ملی گرایی» می‌پردازد. بخش دوم کم و بیش به دو نمونه مختلف از تحلیل شهروندی مابعد - ملی نظری می‌افکند. در بخش دوم معانی ضمنی فرهنگ ملی و فرهنگ پست مدرن

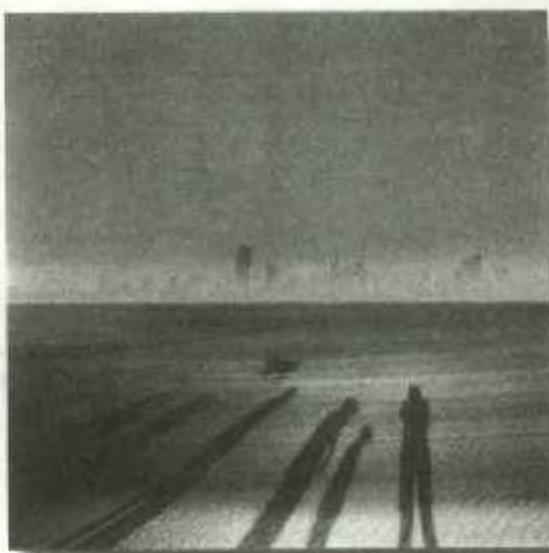
و حقوق بشر مرتبط با جامعه‌شناسی شهروندی با تأکید خاص بر مباحث بریان ترنر در باب آن، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در بخش سوم ماهیت و توسعه شهروندی اتحادیه اروپا با عنایت خاص به بررسی و تحلیل الیزابت میهن بررسی می‌شود.

## ۱ - شهروندی و مدرنیته: مسائل و موضوعات جاری

مجموعه‌های وان استیبنرگن و ترنر بازتابی اساسی از مباحث و کارهای نظری اجتماعی و جامعه شناختی حاضر با استفاده از آمار و ارقام در حوزه مطالعات شهروندی،

محسوب می‌شوند. مجموعه ترنر حاوی مقالاتی از باری هیندس (Barry Hindess) جی، ام بارلیت و پتر ساندرز (Peter Saunders) و سایر افراد است. مجموعه وان استیبنرگن که شاید غنی‌تر از دو مجموعه دیگر باشد، مقالاتی از رالف دارندورف (Ralf Dahrendorf)، یورگن هابرماس (Jürgen Habermas)، ویلیام جیلیس ویلسون (William Julius Wilson)، ریچارد فالک (Richard Falk) و بریان ترنر و سایر نویسندگان را در خود جای داده است. ما می‌نویسیم به طور مختصر این دو مجموعه را بر اساس گزارش آن‌ها در باب سه موضوع اصلی تحقیقات مذکور یعنی حقوق برابر مبتنی بر جنسیت، حقوق اجتماعی و مسئله یفرنج «ما بعد - ملی» مورد بررسی قرار دهیم.

قبل از این که به این موضوع‌ها بپردازیم لازم است توضیح دهیم که مطالعه الیزابت میهن در بردارنده گزارش اساسی در باب این سه



دولت‌های رفاه‌گستر و حقوق اجتماعی در دوران مدرنیته تأکید می‌کند و معتقد است میزان تأثیر این توسعه بر برابری پایگاه‌ها و نقیض «خشم طبقاتی» اندک بوده است (Barbalet, 1993). بر عکس پیتر ساندرز آنچه را که چشم انداز راست جدید (New Right) از شهروندی و بهزیستی در بریتانیای جدید است ابراز نمود. چشم‌اندازی که در واقع تصویری از محافظه‌کاری جدید آمریکا بود. او از اضمحلال دولت‌های رفاه‌گستر، ظهور مجدد اندیشه شهروندی و از ویژگی اخلاقی و نه آتومیک سرمایه‌داری و اقتصاد آن بحث به میان می‌آورد. او می‌گوید ظهور مصرف داخلی که به‌طور گسترده به بخش خصوصی واگذار شده است، شهروندی را بیشتر بهبود داده است تا این که آن را ضعیف کرده باشد (مثل مالکیت خصوصی داخلی) و «ناچریسم» بیشتر نمودی از این تحول بوده است تا علت آن (Sunders, 1993). اگرچه نقاط ضعف جامعه‌شناختی و تجویزی چشم‌انداز مبتنی بر بازار لیبرالی و فردگرایانه راست جدید به گونه‌ای بیان شد که آن را همچون زمین لگد کوب شده‌ای نمودار ساخت، با این وجود نباید مقاله ساندرز را کم اهمیت دانست.

از نظر این مقاله نقطه ضعف اصلی مباحث مربوط به شهروندی اجتماعی و حقوق اجتماعی در این مجموعه‌ها، مفروضات آن در باب وجود، ثبات، انسجام و جامعیت حکومت‌های ملی و دولت‌های ملی است. این امر در مباحث مربوط به مسایل اجتماعی، سیاست‌های اجتماعی و دولت‌های رفاه‌گستر کشورهای هلند، بریتانیا و آمریکا مشاهده می‌گردد. مالکیت و نقش اقتصاد سرمایه‌داری مولد رفاه، بهزیستی و یا بدبختی این ملت‌ها بسیار کم مورد توجه واقع می‌شوند. در واقع آن‌ها خارج از متن روابط وابستگی متقابل و ادغام خود با سایر ملل و اقتصاد جهانی مطالعه می‌شوند. این مسأله ما را به موضوع سوم، یعنی شهروندی در چشم‌انداز ما بعد - ملی سوق می‌دهد که در مجموعه وان استیونرگن به کمک مقالات دارندورف، هابرماس، فالک، ترنر و خوداستیونرگن و دو مقاله ترنر در مجموعه خود او نشان داده می‌شود.

دارندورف درباره مفهوم غیر مشروط حقوق شهروندان و تکالیف آن‌ها و از مفهوم دوجبه‌ای حقوق اولیه «بایداساسی» و حقوق ثانوی یا «قانونی» بحث می‌کند. او لی شامل حقوق بشر و حقوق مدنی و پیامدهای سیاسی دموکراتیک آنهاست و دومی شامل حقوق اجتماعی است که به مردم تا آنجا اختیار می‌دهد که بتوانند از حقوق اساسی خود بهره‌مند شوند (Dahrendorf, 1994). او به سه روند و منبع اصلی تضاد که احتمالاً از نگرش خاص جدیدی نسبت به حقوق اولیه و ثانویه شهروندی در سیاست‌های پایانی قرن بیستم نشأت می‌گیرد، اشاره می‌کند. اول، پدیده محرومیت اجتماعی ساختی است که قبلاً آن را متذکر شدیم. دوم، اشتیاق به خود مختاری که در کشورهای ما بعد

فقیر است که شامل گروه‌های قومی عقب‌نگه داشته شده، فقرای دائم و آنانی که مدت زیادی بی‌کار مانده‌اند و نظایر آن است (also Roch 1992 ch.3 and Passin). گرایش به سمت محرومیت اجتماعی گروه‌های حاشیه‌ای مسائلی در زمینه اخلاق، مشروعیت سیاسی و همچنین احتمالاً در زمینه حقوق و نظم در جامعه معاصر ایجاد می‌کند. همچنین تمایل و جالشی برای اکثریت و برای کل جامعه در جهت توسعه سیاست‌های مطرح و سیاستی که با ایده شهروندی زنده شد به وجود می‌آورد (Dahrendorf, 1994).

ویلسون از مسائلی اقتصادی و اجتماعی و حقوق فقرای محله‌های فقیرنشین درون شهری در آمریکا سخن به میان می‌آورد و به اروپاییان نسبت به بنیادهای این رویداد هشدارهایی می‌دهد. نظر او بر این می‌نست که مفهوم شهروندی اساساً به «مشارکت و انسجام اجتماعی» اشاره دارد. فقدان این امر در محله‌های فقیرنشین و طبقات بی بضاعت به بی‌سازمانی اجتماعی می‌انجامد. این موضوع در جای خود عدم اشتغال و بازسازی ساختار اقتصادی را به دنبال خواهد داشت. او در برابر ادعای جامعه‌شناسان جدید محافظ کار آمریکایی و تحلیل‌گران اجتماعی مبنی بر آن که انگیزه فردی و نظام بهزیستی عوامل مهمی در کم رنگ کردن شهروندی در محلات فقیرنشین است، پاسخ محکمی ارائه می‌دهد (Wilson 1994; also Rocha, 1992; ch.4,5,6). فریزر و گوردون صف آرایی ایدئولوژیکی محافظه‌کاران جدید با عنوان تحت‌اللفظی حقوق مدنی، مانند حقوق مالکیت، در برابر توسعه حقوق اجتماعی در آمریکا را نقد می‌کنند (Fraser and Gordon 1994). آدریان سنر با اشاره خاص به زندگی مردم هلند، تکالیف و حقوق کار و بهزیستی و مسائلی مشارکت شهروندی در یافت کنونی توسعه سرمایه‌داری ما بعد صنعتی را نشان می‌دهد. موضوع اخیر به افزایش بیکاری و اشتغال ناقص ساختی کشیده می‌شود.

او برای حل این مسایل و ایجاد «نظامی از شهروندی اجتماعی مطابق با مقاصد آن»، طیفی از اندازه‌ها مثل درآمد اصلی، تقسیم نوبتی کار و افزایش بخش غیر رسمی اشتغال، تعلیم و تربیت متناوب و الگوهای اشتغال، امکانات مراقبت از کودکانی که مشغول به کار هستند و بازنشستگی انعطاف‌پذیر و نظام‌های مستعری بگير را جستجو می‌کند (Adriaansens, 1994).

در مجموعه ترنر، هیندس و بارلیت مدل مارشال از توسعه حقوق اجتماعی را در چارچوب ظهور نابرابری‌های اجتماعی قرار می‌دهند. هیندس مفاهیم جدید و متنوعی از شهروندی را بررسی می‌کند و نتیجه می‌گیرد که آرمان برابری پایگاه‌ها در نهادهای سیاسی دموکراسی لیبرال معاصر و در شرایط متفاوت اجتماعی موجود در این جوامع تحقق پیدا نکرد، باند (Hindess, 1993). در قالب «جامعه‌شناسی کلان عاطفه» بارلیت بر ظهور نابرابری طبقاتی علی‌رغم توسعه

(Temporally) عمل می‌کند (Falk, 1994)

در دو بخش بعدی، سه موضوع در تحلیل شهرزندی ما بعد - ملی بررسی می‌شوند که عبارتند از: ارتباط حقوق بشر و فرهنگ پست مدرن برای شهرزندی جدید و گسترش کنونی اتحادیه اروپا به عنوان یک جامعه مدنی فراملی، حوزه عمومی و نظامی از حقوق شهرزندی.

## ۲ - شهرزندی ما بعد - ملی:

### (الف) حقوق بشر، شهرزندی و فرهنگ پست مدرن

همچنان که در مقدمه خاطر نشان کردیم، جامعه‌شناسی جدید شهرزندی با توجه به گسترش تعاریف انتقادی پارادایم مارشال در مورد تحلیل شهرزندی رونق گرفته است. نمونه جالبی از این تعاریف انتقادی را می‌توان در سه مقاله بریان ترنر در دو مجموعه بحث بررسی یعنی «فرهنگ پست مدرن و شهروندان جدید» (Turner, 1994) و «مسائل معاصر در نظریه شهرزندی» و «خطوط کلی نظریه حقوق بشر» (Turner, 1993a,b) یافت. بدین ترتیب آن‌ها گانون اصلی بحث ما در این قسمت خواهند بود. ترنر با توجه به پارادایم مارشال در این سه مقاله دو محور اصلی انتقادات را گسترش می‌دهد: اولاً اگر هر کس به دقت قلمرو فرهنگ در دولت‌های ملی جدید و بنابراین حقوق فرهنگی و ابعاد فرهنگی شهرزندی را بررسی کند، پارادایم مزبور برای او بسیار پیش پا افتاده جلوه می‌کند. یا بسط اندیشه تالکوت پارسونز (Talcott Parsons)، ترنر بیان می‌کند که باید تفسیر مارشال از شهرزندی، که در بردارنده اندیشه شهرزندی فرهنگی است، تغییر یابد. شهرزندی، جامعه جدید... دولت مدرن است. در این چشم‌انداز شهرزندی فرهنگی متشکل از آن دسته اقدامات اجتماعی است که هر شهروند شایسته رابه مشارکت کامل در فرهنگ ملی قادر می‌سازد (Turner, 1994, 158-9).

ثانیاً شهرزندی مبتنی بر دولت ملی است و بنابراین با برداشت‌های خاص گرایانه و اختصاصی از عضویت و حقوق در ارتباط است. همچنین با حد و مرزهای مراحل گذار در تاریخ مدرنیته پیوند دارد. بنابراین فی‌نفسه محدود می‌گردد به آنچه که می‌توان به نظریه اجتماعی و عمل سیاسی در حال ظهوری نسبت داد که در بردارنده «حقوق بشر» جهان گرایانه و غیر اختصاصی است و خارج از حد و مرزهای ملی تعریف می‌شود. این امر مرحله تاریخی نوینی را به وجود می‌آورد. مسائل جامعه‌شناختی حقوق بشر نیازمند این است که هم جایگزین و هم تکمیل کننده مسایل جامعه‌شناسی شهرزندی (ملی) گردد. به نظر می‌رسد اهمیت برداشت‌های جهان گرایانه از حقوق، هم برای توسعه و گسترش واقعی مدرنیته و هم برای پایه ریزی نظری واکش‌های جامعه‌شناسی نسبت به آن چیزی بود که ترنر دوست داشت آن را با شهرزندی (ملی و در نتیجه خاص گرایانه بالقوه) و

کمونیستی دیده می‌شود. ناسیونالیسم قومی و تک فرهنگی که با این اشتیاق همراه است، تهدیدی برای اقلیت‌ها و حقوق مدنی آن‌هاست و در نتیجه تهدیدی برای جامعه مدنی و حقوق اساسی شهرزندی در این کشورهاست. او خاطر نشان می‌کند که هم حقوق اساسی و هم حقوق ثانوی، خصوصاً اولی، در این شرایط نیاز به حمایت و تقویت دارند. دارندورف اظهار می‌دارد اگر دولت‌های ملی بیشتر واگرا (Heterogenous) به نظر آیند تا هم گرا (Homogenous) و اگر آن‌ها بایکدیگر جمع شوند، برای مثال در جامعه کشورهای مشترک المنافع اروپایی که از نظر قوانین نامتجانس هستند، امر فوق به احتمال بسیار زیاد شدنی است. چنین جوامع بین المللی بیشتر به عنوان «سکوهای پرتاب» به سمت آنچه که کانت (Kant) «جامعه مدنی جهانی» و «شهرزندی جهانی» می‌نامید، تلقی می‌شوند. سرانجام، تهدید جهانی در حال رشد نسبت به اکوسیستم نوع انسان و نیاز به کنترل رضاقضادی وجود دارد. این امر ممکن است از یک طرف به تضاد میان توسعه احتمالی حقوق همه ما به عنوان شهروندان جهانی در زیستگاهی قابل سکونت و از طرف دیگر به حقوق اساسی شهرزندی که در آن مدرنیته نوید آزادی و آرامش جامعه باز را می‌دهد، بینجامد.

پیداست که فرض حکومت ناهمگن و در حال حاضر مستقل از جامعه جهانی، در حالی که ایده «شهرزندی جهانی» در جامعه مدنی جهانی را تقویت می‌کند، غیر واقعی، خیالی و حتی اوتوپایی است. دارندورف، فالت و استینبرگن همگی این موضوع را معترف هستند. هیچ چیز نمی‌تواند همه مطلب را برساند جز این سخن فالت که می‌گوید: «آنچه در حال حاضر استنباط می‌شود که واقعی است، در دراز مدت زیاد دوام نمی‌یابد». این موضوع خصوصاً در ارتباط با بحران زیست محیطی مدرنیته خود را نشان می‌دهد. در حال حاضر دستیابی به تعهد و تنظیم زیستی جهانی یک ضرورت و نیاز زیست شناختی است. در بسط این دیدگاه، فالت طیفی از مواضع رانست به شهرزندی جهانی عنوان می‌دارد، همچون اصلاح گرایی ایده آلیستی، عمل گرایی و فقدان مسئولیت مدتی جهانی نخبگان اقتصادی «بخش خصوصی»، مدیریت محیط، وجدان سیاسی منطقه‌ای - جهانی و عمل گرایی فرا - ملی که در ارتباط با حقوق انسانی و جنبش‌های زیست شناختی است. به نظر او ضروری است که سیاست‌های کنونی بر حول «محور آمان‌ها» (که در حال حاضر ظاهراً غیرممکن است) و نیز بر «محور امکانات» (که در حال حاضر ممکن است)، پیش روند. فالت اظهار می‌دارد که شهرزندی سنتی به طور فضایی (Spatially) عمل می‌کند یعنی در ارتباط با دولت ملی است که در قلمرو سرزمینی خاصی تعریف شده است. اما شهرزندی جهانی همچنان که به آینده‌ای که شکل خواهد گرفت نظر دارد، به صورت موقتی و گذرا

حقوق شهروندی جمع کند. او اکنون آن را با حقوق بشر که عمده‌ای در مقابل شهروندی ملی تعریف می‌شود، ترکیب می‌کند. ترنر چنین بیان می‌کند:

«بر خلاف گفت‌وگوهای شهروندی، به نظر می‌رسد «حقوق بشر» جهانی‌تر است (از آنجا که توسط بیشتر ملل از طریق منشور ملل متحد پذیرفته شده است)، معاصرتر است (چرا که با دولت ملی مرتبط نیست) و پیشروتر است (چرا که با مدیریت مردم از طریق دولت پیوند ندارد).

اگر جامعه‌شناسی مطالعه ... (تحولات اجتماعی) ... است به عنوان

پیامدی از مدرنیزاسیون، ما می‌توانیم یکبارگی حقوق بشر را به عنوان مرحله تاریخی فراتر از یکبارگی شهروندی تصویر کنیم» (Turner, 1993: 178)

این دو موضوع به نظر من خوب تفسیر شده‌اند و متقاعد کننده هستند. از دیدگاه این مقاله، آن‌ها را می‌توان در همان حال که با مواردی برای بسط چشم‌انداز «مابعد - ملی» در مطالعه جامعه‌شناختی و بین رشته‌ای شهروندی در دوران مدرنیته مرتبط دانست، مورد مطالعه قرار داد. اگر چه متأسفانه، ترنر فرصت نیافت که به پیش بینی یا بسط چنین چشم‌اندازی در مقاله‌هایش در این مجموعه‌ها بپردازد.

ترنر به دو موضوع اساسی‌اش، دو موضوع دیگر را که مرتبط با توسعه ابعاد و پوشش‌های پست‌مدرن در فرهنگ و جامعه معاصر هستند اضافه کرد. پس ثالثاً، توسعه مزبور به علت تجلیل از تفاوت‌های جهانی، کثرت‌گرایی و چالشی که در مفاهیم نخبه‌گرایی و تک فرهنگی سستی (به عنوان مشخصه فرهنگی

دولت‌های ملی) ایجاد می‌کند، مفهوم شهروندی مبتنی بر دولت ملی را بیشتر از اعتبار می‌اندازد، حتی اگر چنان بسط باید که به شناسایی حقوق فرهنگی (که در چارچوب و حدود مرزهای ملی تعریف شده است) در یک «فرهنگ مشترک» بینجامد و توانایی و شایستگی آن را ترویج کند. رابعاً، خواه در نقش جایگزینی و خواه در نقش تکمیلی اندیشه شهروندی (دولت ملی)، توسعه چهره فرهنگی پست مدرن ممکن است با توسعه اندیشه حقوق بشر جهانی «یکی شود» (Turner, 1994: 166). به نظر من، در مقایسه با دو موضوع اولی ترنر، مباحث او در باب این دو مقوله اضافی، مختصر و غیر موجه است.

ایده «شهروندی فرهنگی» خصوصاً در قلمرو تعلیم و تربیت، بسیار بسط یافته است تا آنجا که می‌توان گفت پوشش‌ها و مسائلی که ترنر از آن‌ها یاد می‌کند، موضوعات جدیدی نیستند. برای مثال تضادهای حاکم بر ساخت‌های چند طبقاتی و چند (فرو) ملیتی (Multi-Sub) National) رویدادهای فرهنگی و اجتماعی داخلی و نیز طبقه متوسط و سلطه دانشگاه‌های آکسفورد و کمبریج در برنامه‌های آموزش «همگانی» در انگلستان و ولز به درستی شناخته شده و قدیمی هستند. این‌ها زمینه ساز اقدامات جدیدتر در بریتانیا و سایر جوامع غربی برای بهبود آموزش چند فرهنگی، ضد نژاد پرستانه و ضد تبعیض جنسی هستند. دولت‌های ملی دست‌اندر کار اصلاح هویت‌ها و آرمان‌های تک فرهنگی به دنبال نشان دادن این واقعیت هستند که آن‌ها به عنوان جوامع دموکراسی ذاتاً به کثرت‌گرایی و تفاوت‌ها پایبند هستند و به عنوان جوامع متجدد به طور فزاینده شبیه هم می‌گردند. در همان حال که در سرزمین‌های به لحاظ قانونی و مرزی محدود شده خود تفاوت‌های قومی و فردی را به نمایش می‌گذارند. بی تردید نظام‌های آموزشی همگانی تحت فشارهای دائمی برای نشان دادن این تحولات در برنامه‌های آموزشی و سازمانی خود هستند. دولت‌های ملی، توانایی تاریخی اصلاح و خلق مجدد قوانین و برنامه‌های آموزشی خود را دارند. هر چند این امر درون محدودیت‌هایی از گسترش تفسیرهای خاص از طرح «کارکردی ملی» نوگرا است، در حال حاضر بسیاری از آن‌ها، نه فقط در بریتانیای کبیر، در تلاش تجدید حیات نیروها و انرژی‌های نهفته انعطاف‌پذیر، از طریق «مدرنیزه کردن» (یا پست مدرنیزه کردن) هستند بلکه می‌خواهند برنامه‌های آموزش همگانی را به کمک معرفی عناصر چند فرهنگی و «مابعد - صنعتی» (اطلاعات فنی و حرفه‌ای) تفسیر دهند. با توجه به این امر، نظر تلویحی ترنر مبتنی بر این که دولت‌های ملی، اشکال ملی شهروندی و بخصوص اشکال ملی آموزش، اصولاً و عملاً در تضاد با «پست - مدرنیزه کردن» ساخت‌ها و صورت پندی‌های اجتماعی هستند، به نظر من قانع کننده نیست.

به عقیده من این اندیشه که گسترش حقوق بشر ممکن است با توسعه فرهنگ پست مدرن یکی گردد، اساساً خطاست. تفکر «حقوق بشر» کاملاً با پیشرفت مفهوم جهانی شده مدرنیزاسیون و همچنین با



تفکر شهروندی ترنر ارتباط دارد (Turner, 1986). حقوق بشر، بدو در اصول مدرنیته جدید و مدرنیسم، در قانون اساسی قرن هیجده روشنگری آمریکا و فرانسه و نیز در مدرنیسم رشد یافته دوره بعد از جنگ در سازمان ملل متحد و اعلامیه‌ها و عهدنامه‌های اتحادیه‌های منطقه‌ای در سطح جهانی، ارائه شده است. این‌ها عناصر مهم انسان گرایی مدرنیسم و روایت‌های یا شکوه‌اش از نوع انسان و فلسفه آن است. نظریه پردازی پست مدرن آشکارا به گونه‌ای به کار افتاده است که این مفاهیم به تدریج ضعیف شوند. شیوه‌های فرهنگی پست مدرن در زمینه منطقه گرایی، نسبی گرایی، تمایز، تکثر و نظایر آن، نسبت به آن شیوه‌هایی که به صورت شفاف با هم شکل نمودن و یکسان سازی افراد انسانی در تضاد نباشند، بی اعتنا و بی توجه است. ترنر، از یک سو، سخن بسیار موجهی برای دلایل خود در باب «همگرایی» بین حقوق بشر و فرهنگ پست مدرن دارد، از سوی دیگر، در ارائه دلیل محکمه پسندی در پیش‌بینی واگرایی و حتی تضاد بین آن‌ها با شکست مواجه شده است.

ترنر کمک نمود که توجه جامعه‌شناسی به موضوع شهروندی در دهه آخر حیات دوباره‌ای بیابد، اما به طور چشمگیری تضاد و تردید نسبت به این مفهوم را در مباحث خود به وجود آورد. او از اعتبار مفهوم شهروندی به عنوان جزء حیاتی نظریه جدید اجتماعی که همچون چشم‌اندازی نسبت به «حقوق اجتماعی، مسائل رفاه، عضویت سیاسی و هویت اجتماعی» و مانند «سکوی پرشی برای تحقیقات بین رشته‌ای» در باب این مسائل است، یاد می‌کند (Turner (ed), 1993). او از فرهنگ پست مدرن و پیشرفت حقوق بشر سخن به میان می‌آورد، پیشرفت چیزی که به وضوح آن را اثبات می‌کند و پیشرفت بر حسب چیزی که آن حقوق و فرهنگ را از فرهنگ ملی و حقوق شهروندی ملی جدا می‌کند و در برابر هم قرار می‌دهد. از دیدگاه او مشاهده این که چگونه این پیشرفت‌ها احتمال دگرگونی شهروندی ملی را ممکن می‌گرداند، به جای این که آن را تقویت کند آسان است. به هر حال اگر چه می‌توان استنباط کرد که نظریه ترنر به طور ضمنی نظریه‌ای جانشینی است، ولی او به صراحت بر نظریه تکمیلی تأکید دارد. به نظر من، به انواع گرایشات در کشف روابط تجویزی و جامعه شناختی بین حقوق بشر و شهروندی و فرهنگ پست مدرن که در مقالات جدید ترنر ارائه شد می‌توان انسجام و روشنی بیشتری بخشید، البته از طریق انتخاب و پذیرش منطقی تفکر شهروندی «مابعد - ملی» و با رعایت شأن آن در این مقاله. احتمالاً همگی آرزو داریم روزی رابینیم که حقوق بشر به طور موثر نهادی شده باشد و تصدیق می‌کنیم که اگر این مهم نمی‌تواند در سطح دولت ملی تحقق یابد، پس لازم است از طریق تنظیم و ایجاد نهادها در سطح فراملی تحقق یابد. همچنین اگر نمی‌بایست مسائل بفرنج فرهنگ پست مدرن

در سطح فراملی تبعاتی اخلاقی، سیاسی و اجتماعی داشته باشند، ضروری است که بر اساس نهادی کردن ضوابط جهان گرایانه مانند ضوابط حقوق بشر تنظیم و کنترل شوند. بر خلاف ماهیت و روال بعضی از مباحث ترنر، نباید نظریه و سیاست شهروندی نسبت به نظریه و سیاست حقوق بشر کوچک شمرده شود. نظریه و سیاست حقوق بشر باید به گونه‌ای بکار رود که به توسعه و بهبود نظریه و سیاست شهروندی بینجامد. برای نقد، مشروعیت نبخشیدن و سرانجام ابطال اقدامات حکومت ملی در سوءاستفاده از حقوق، بسط ایدئولوژیک اندیشه‌های انتزاعی نسبت به حقوق بشر تنها می‌تواند به طور موقت مفید باشد. برای تحقق آرمان توسعه جهانی جوامع مبتنی بر حقوق بشر به صورت واقعی عملی و ملموس تر، لازم است شیوه‌های نهادی کردن نوین و مرکب انواع حقوق و عضویت در سطح فراملی و فراملی و اشکال جدید «شهروندی مابعد - ملی» برای مدتی بسیار طولانی به بحث گذاشته شوند.

در اینجا ضروری است خاطر نشان کنیم که شهروندی قابل تقلیل به عضویت دولت ملی جدید نیست، و اساساً به عنوان «شهروندی ملی» قابل تعریف نیست. در طول تاریخ، شهروندی به طرق مختلف بدون وجود دولت ملی جدید از طریق دولت شهرها در امپراتوری‌های دارای ساخت‌های دوگانه یا چندگانه از عضویت، هویت قانونی و حقوقی قابل تعریف و تشخیص بوده است و می‌تواند در غیاب یک ملیت وجود داشته باشد، همچنان که در نمونه‌ای از مهاجرین این دوره و حقوق فراملی آن‌ها مشاهده می‌شود (Baubock, 1994). همان طور که سایر اندیشمندان و نویسندگان (برای مثال هابرماس و مین) معترف هستند، شهروندی اساساً بر پایه اجتماع سیاسی، جامعه مدنی و حوزه عمومی، چه با یک دولت ملی هم مرز باشد و چه نباشد، قابل تعریف و تشخیص است. جای تردید است که اگر قرار بود حقوق بشر و مفهوم «شهروندی جهانی» ترنر تا این زمان تحقق یابد تنها از طریق ایجاد شبکه‌های حیاتی از عضویت و حقوق در سطح فرا - ملی و مابعد - ملی امکان‌پذیر باشد، شاید امروزه آن را در شکل مابعد - ملی آن بیابیم. این امر به احتمال بسیار زیاد از طریق فرآیندهای انضمامی نهاد - سازی، به همان شکل که در اروپا شاهد آن هستیم، شدنی است. امروز در اروپا نظام‌های انضمامی‌ای از حقوق، جوامع مدنی و حوزه‌های عمومی در سطح فراملی منطقه‌ای - جهانی دیده می‌شود.

بی شک به «شهروندی جهانی» هرگز دست پیدا نخواهیم کرد، اگر عضویت در جهان مبتنی بر حقوق بشر را بدون چرخش انقلابی تفسیر کنیم. این بهبودی در صورتی حاصل خواهد شد که به طور مستمر فرآیندهای ریشه‌ای نهاد - سازی و مبارزه اجتماعی و سیاسی منطقه‌ای - جهانی، ملی و محلی به جریان انداخته شوند، هر چند فرآیندهای مذکور از طریق آرمان‌های جهان گرایانه هدایت شوند.

توانمندی فراوان برای برقراری ارتباطات درونی و حفظ استقلال سازمان یافته خود نسبت به هر زمان دیگری در دوره معاصر است و هم تحت ضرورت‌های اقتصادی و تاریخی برای اقدام در مسیر استقلال و یکپارچگی است. این تحلیل که اخیراً در مقاله دلورس وایت (Delors White) با عنوان «رشد، ضرورت و اشتغال» به صورت قوی ارائه شده است (Commission of the EC 1993)، در بردارنده این مطلب است که میزان اشتغال و در آمد ملل اروپایی، کیفیت محیط زیست و زندگی آن‌ها تا اندازه زیادی مرهون موفقیت آن‌ها در اقتصاد سرمایه‌داری جهانی، همچون ژاپن و آمریکا، است. این مقاله سپس عنوان می‌دارد که این موفقیت به احتمال زیاد با ایجاد بازار واحد و امکاناتی برای یکپارچگی بین المللی استراتژیک سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی دولت عضو که بازار واحد و اتحادیه اروپا آن را جدا از هر راه دیگری مهیا ساخته است، به دست آمده است. در این موقعیت نوین امکان ظهور شکل جدید شهروندی مابعد - ملی در سطح اروپا، که اساساً از درون ضرورت‌های مشروعیت در اتحادیه و ضرورت انسجام اجتماعی در آن بازار برمی‌خیزد، باید به‌طور جدی در تحلیل‌های اجتماعی دیده شود.

هایرماس، مانند میهن، «خوش بینی احتیاط آمیزی» نسبت به توسعه یکپارچگی اروپا و هویت و حقوق شهروندی در سطح فراملی در آینده دارد (Habermas, 1994). هایرماس معتقد است که بازار واحد به بسج روابط بین المللی مردم می‌انجامد. مهاجرت از اروپای شرقی و جهان سوم ویژگی‌های چند فرهنگی ملل اتحادیه اروپا را تشدید خواهد کرد. همچنین مسایل اجتماعی و نیاز به یافتن راه حل‌های جدید را به وجود خواهد آورد. او معتقد است اگر این مسایل خوب روشن شوند، تحقیقات برای دستیابی به راه حل‌های بیشتر مسایل اجتماعی معاصر اروپا و بسج سیاسی در پهنای اروپا، افزایش خواهد یافت. به خصوص پژوهش درباره سیاست‌ها و راه حل‌های مربوط به مسایل زیست محیطی ملل اروپا، تنها در سطح اروپایی صادق است. هایرماس نسبت به حوزه‌های عمومی در پهنای اروپا و گونه‌های جدید فرهنگ سیاسی اروپایی واحد که از طریق شبکه‌های ارتباطی به وجود می‌آیند خوش بین است. این شبکه‌ها به ایجاد بستری برای سیاست‌های دموکراسی پارلمانی اتحادیه اروپا و هر شکل دیگری از مجامع در مناطق اتحادیه اروپا خواهد انجامید. بالاخره هایرماس اروپا را همچون فرهنگ سیاسی ذاتاً جمهوریخواه چند فرهنگی می‌داند (Habermas, 1994).

کار الیزابت میهن با عنوان «شهروندی و جامعه اروپا» مهم‌ترین کوشش برای دیرینه نشان دادن کشف مبدأ، ماهیت و دورنمای شهروندی اتحادیه اروپاست. (See also Rocha 1992, ch8. Garcia(ed) 1993, close 1995)

شاید برقراری موازنه اصولی بین شهروندی جهانی و شهروندی ملی برای تحلیل‌ها و تحقیقات اجتماعی معاصر چندان سودمند نباشد. برقراری موازنه در صدد کشف راه‌هایی است که در آن دولت‌های ملی و نهادهای آن از یک سو به ایجاد فضای فراملی و از سوی دیگر به اعطای جایگاه (مشروعیت، وجوه اقتدار و غیره) به فرآیندهای نهاد - سازی و تنظیم کننده در سطح جهانی و منطقه‌ای - جهانی برای کار و انباشت در این فضا بینجامد. از آنجا که اروپای کنونی مکانی است که چنین فرآیندهای مابعد - ملی بیشتر از نقاط دیگر در آن به چشم می‌خورد، اکنون می‌توانیم به مسایل و دورنمای شهروندی اروپایی نظر بیاوریم.

### ۳- شهروندی ما بعد - ملی:

#### (ب) شهروندی اروپایی

نوشته ریمون آرون (Raymond Aron) در دهه ۱۹۷۰ این نکته را دربرداشت که به هیچ وجه موجوداتی به نام «شهروندان اروپایی» وجود ندارند. تنها شهروندان ایتالیایی، فرانسوی یا آلمانی قابل تشخیص هستند (Aron, 1974, Quoted Meehan 1993:1). آرون منکر این قضیه است که نوعی از شهروندی مافوق - ملی (Super-National) در چشم انداز مافوق دولت، هم به لحاظ تاریخی و هم به لحاظ جامعه‌شناسی، امکانپذیر است. در آثار تحت بررسی در این مقاله، هایرماس و میهن هر یک موضع متفاوتی دارند. هایرماس در مقاله تحریک آسبزش یعنی «شهروندی و هویت ملی» این واقعیت را منعکس می‌سازد که روندهای مردم سالاری تاکنون تنها درون مرزهای ملی عمل نموده‌اند، حال آن که قلمروهای سیاسی به واحدهای ملی قابل تجزیه است. او ادامه می‌دهد «پس این سوال مطرح است که آیا در آنجا می‌توان چیزی به عنوان شهروند اروپایی مشاهده نمود» (Habermas, 1994). بر خلاف آرون، هایرماس و میهن به این سوال پاسخ مثبت می‌دهند.

آرون نوشت که در طی دوران جنگ سرد، که بلوک‌های نظامی - ایدئولوژیکی و خصوصاً ناتو و پیمان و رشو بر روابط بین المللی تسلط داشتند آلمان بین آن‌ها تجزیه شد و اروپای غربی تابع آمریکا در ناتو بود. مطلب او درباره طرح جامعه اروپا در آن زمان قابل فهم است. منتهی لازم است تحلیل گران سیاسی و اجتماعی معاصر در جهان مابعد کمونیستی خود را در موقعیتی که به لحاظ تاریخی تغییر شکل یافته است، قرار دهند. پیمان نامه‌ها و بلوک بندی‌های اقتصادی (EC, ASEAN, NAFTA) در روابط بین المللی بر بلوک بندی نظامی و ایدئولوژیکی سلطه دارند. روسیه مابعد - کمونیستی و اروپای شرقی همراه با اتحاد مجدد آلمان، گواه فروپاشی سلطه نظامی - ایدئولوژیکی است. در این موقعیت جدید اروپای غربی هم دارای

حاوی اقدامات ضد فقر و سیاست‌های ضد نژاد پرستانه و ضد تبعیض را شامل می‌شود (e.g the White Paper on European Social Policy Commission of the EC 1994).

میهن علی رغم تصویر مثبت از موضوع شهروندی اذعان دارد که «مفهوم شهروند اتحادیه اروپا» ناقص است. (Meahan, 1993, 147). او به چند دلیل زیر اشاره می‌کند: اولاً، قدرتی که به شهروندی اتحادیه اروپا اعطا می‌شود، در سطح اتحادیه اروپا پرتادهای اتحادیه تکیه ندارد، بلکه بیشتر به موقعیت قبلی ملیت دولت عضو متکی است؛ بنابراین وابسته و تابع سطح شهروندی ملی است. ثانیاً، پایگاه شهروند اتحادیه اروپا موجب می‌شود بیشترین منابع به جایی اعطا شود که بیشترین وقت و نیرو را به خود اختصاص می‌دهد. بدین ترتیب در قلمرو قوانین اجتماعی، شهروندان به عنوان کارگر تلقی می‌شوند و نه به عنوان انسان دارای ارزش ذاتی. در

این قلمرو بیشتر وعده‌ها باید عملی گردند تا فرصت‌های برابر و سیاست‌های ضد تبعیض‌آمیز مرتبط با زنان، اقلیت‌های قومی، مهاجران در شرایط واقعی اقتصاد اروپا و بازار کار تحقق یابند. ثالثاً، در قلمرو حقوق سیاسی مساله معروف «دموکراسی ناقص» (Democratic Deficit) دیده می‌شود. این امر ضعف قانون اساسی پارلمان اروپا نسبت به شورای وزیران حکومتی به عنوان نمایندگی دولت‌های ملی و پنهان کاری آن شورا و فعالیت‌های کمیسیون آن را به عنوان قوه مجریه بوروکراتیک آن

شورا و نه به عنوان قوه مجریه خواسته‌های مردم (یعنی شهروندان اروپایی و شهروندان پارلمان) نشان می‌دهد. و بالاخره در قلمرو حقوق مدنی رابطه نسبتاً پنهانی بین مردم عادی و دیوان دادگستری اروپایی به عنوان بالاترین دیوان استیناف آنان و به عنوان نیروی قدرتمند بالقوه و تأثیرگذارنده در طیف وسیعی از عرصه‌های زندگی روزمره وجود دارد. در همین زمینه، فقدان اساسنامه شفاف در اتحادیه اروپا، فقدان مجموعه مشترکی از تپادهای قضایی، سیاسی و کیفری و فقدان قدرت قانون‌گذار که با همان دموکراسی ناقص مرتبط باشد، به چشم می‌خورد.

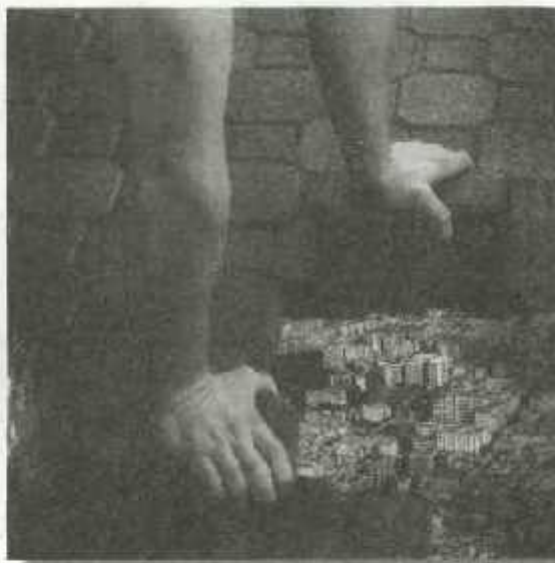
بنابراین اگر اندیشه شهروندی اروپایی به عضویت در مافوق - دولت اروپایی (Super-State) اشاره داشته باشد، در مقایسه با شهروندی ملی، افسانه است و احتمالاً چنین باقی خواهد ماند. در

سیاسی قلم می‌زند تا جامعه‌شناس، ولی رهیافت او بین رشته‌ای است. وی از سیاست‌های اجتماعی و طبقاتی آگاهی دارد و متأثر از چشم انداز فمینیستی است. کانون توجه او بیشتر حقوق اجتماعی اتحادیه اروپا و بنابراین ابعاد اجتماعی شهروندی است تا ابعاد مدنی و سیاسی. گرچه به این مورد تا اندازه‌ای توجه خاص داشته است. رویکرد او قابل درک است چرا که حقوق اجتماعی در اتحادیه اروپا بیشتر گسترش یافته است تا حقوق سیاسی. مطالعه او حساب شده است و به لحاظ نظری، مشروع و از زمره نقد واقع‌گرایانه است. مفهوم مورد نظر او از شهروندی، در حالی که در بردارنده دیدگاه‌های روشنگری و کلاسیک است، از نظریه‌های سیاسی و اجتماعی معاصر خبر می‌دهد و در همان حال به طرز قابل توجهی از اندیشه‌های هیتز (Heater, 1992)، تاسین (Tassin, 1992) و مواف (Mouffe, 1992) اقتباس می‌شود.

پژوهش اساسی او در مورد موضوعات مربوط به قانون در دیوان دادگستری اروپا است که به نظر او به بهبود جامعه مدنی واحد در سطح اروپا-گرایش یافته است (Meahan, 1993, 96).

گرچه میهن به درستی از بسیاری از نقاط ضعف شهروندی اتحادیه اروپا انتقاد می‌کند، ولی دیدگاه او اساساً درباره بعضی از قوانین اجتماعی ایجاد شده در اتحادیه اروپا مثبت است، او به طور کلی نسبت به نیروی نهفته عمومی برای بسط شهروندی در سطح اتحادیه اروپا در دراز مدت خوش

بین است. در حال حاضر بیشتر موضوعات و مسائل مربوط به شهروندان اتحادیه اروپا در زمینه حقوق اجتماعی است تا در زمینه حقوق سیاسی یا مدنی. این مسائل در قلمرو سیاست اجتماعی و حقوق اجتماعی با توسعه بازار کار در جامعه اروپا مرتبط است. در حد زبانی اعتقاد دیرینه‌ای برای تکمیل بخش اشتغال (یعنی «قانون ملی کار») در بازار مشترک از اواخر دهه ۱۹۷۰ وجود داشته است. حقوق اجتماعی بیشتر در دهه ۱۹۸۰ به کمک زمینه‌هایی گسترش یافت که احکام دیوان دادگستری اروپا و فضاهای سیاسی برای برابری جنسی و حقوق زنان به وجود آورده بود. در دهه ۱۹۹۰ و بعد از پیمان ماستریخت، بسط حقوق اجتماعی شهروندان کانون تصمیم‌گیری‌های سیاسی اتحادیه اروپاست که سببانی چون بهبود حقوق کارگران (منشور اجتماعی)، سیاست ضد بیکاری، خط مشی‌ها و برنامه‌های



تحلیل میهن از شهروندی اروپایی، متن و ماهیت در حال تغییر شهروندی مبتنی بر دولت ملی را نشان می‌دهد. این مفاهیم موضوعات با درک و استنباط ما از ضرورت توسعه و بسط چشم انداز شهروندی مابعد - ملی در ارتباط هستند.

این صورت می‌توان گفت میهن با آرون اتفاق نظر دارد. در عین حال باید خاطر نشان کرد که تنها او گفت که در جامعه اروپا آنچه در حال شکل‌گیری است، «نوع جدیدی از شهروندی» است. این نوع جدید، پیچیده و «نه ملی و نه جهانی» است. بیشتر شکل «چندگانه‌ای است که از طریق ترکیب پیچیده در حال رشدی از نهادهای جوامع مشترک، حکومت‌ها، مجامع اختیاری ملی و فراملی، مناطق و اتحادیه‌هایی از مناطق عرضه و نهادی می‌گردد، «نظم نوین قانونی» است که حقوق مطلق و مستقل دولت‌های عضو را از طریق شکل‌گیری حوزه عمومی نوین در پهنای اروپا و «جامعه مدنی» به طور قابل توجهی محدود می‌سازد (Meehan, 1993, 1 and Passim). این شکل چندگانه نوین از شهروندی بیش از پیش برای ما فرصت‌هایی برای عمل برحسب این حقیقت که ما بیشتر «هویت» ها داریم تا «ملیت» ها، به وجود می‌آورد و موجب می‌گردد به گسترش اشکال مشارکت و سیاست مرتبط با منافع و هویت خود بپردازیم (Meehan, 1993, 155. also see Garcia(ed)1993).

#### یادداشت

1. International sociological research interest in topic of citizenship, and related topics such as social rights and civil society, is exemplified in the attention given them at recent meetings of the American Sociological Association and the International Sociological Association and specialist international conferences. Relevant ASA 1990 papers by Rogers Brubaker, Roger Lawson and Donald Moon and Philippe Schmitter are published in Wilson (ed.) 1993 (Parts 1 and 2) and abstracts of ISA 1994 papers are available in ISA (1994). In the field of specialist citizenship conferences Soledad Garcia's collection of papers from a conference on aspects of European citizenship, including contributions from Helen Wallace, Robert Picht, Josep Llorens among others, is worth nothing (Garcia (ed.) 1993). However Utrecht University's 1991 'Quality of Citizenship' remains the leading example, and many of the papers given there are published in Coenen and Lelink (eds.) 1993 and van Steenberghe 1993.
2. Recent studies of citizenship in relation to themes of social exclusion and Lelink (eds.) 1993, Poley 1993, Wilson (ed.) Part 1, Scott 1994, Twine 1994.
3. Recent Analyses of gender inequalities and woman's rights in relation to the theme of citizenship include Pateman 1988, Vogel 1991 and 1994, Lister 1990, Dietz 1992, Walby 1994, also Roche 1995c.
4. The main statement of Marshall's analysis is contained in 'Citizenship and Social Class' in Marshall 1963. For accounts and critiques see Turner 1986, Brubaker 1988, and Roche 1992, ch. 1, 2.

#### نتیجه‌گیری

ما با وصف این که جامعه‌شناسی نوین شهروندی به مسائل قدرت، نابرابری و تغییر اجتماعی در صورت بندی اجتماعی حقوق و تکالیف، عضویت و هویت در دوران مدرنیته می‌پردازد، کار را آغاز کردیم. این مقاله به پاره‌ای از آثار مهم اخیر که به تحلیل‌های سیاسی و اجتماعی شهروندی پرداخته‌اند، نگرسته است. همچنین تلاش کرده است تا موضوعات مهم و نکات چشمگیر کارهای انجام شده در این حوزه را نشان دهد، خصوصاً آن‌هایی که مرتبط با مقوله جنسیت، رفاه و فرهنگ و نیز مرتبط با دگرگونی و تغییر جهت چشم اندازهای مبتنی بر الگوی دولت ملی (که بر اساس مفروضات «کارکردگرایی» ملی است (Roche, 1992) به سمت الگوی پیچیده‌تر، واقع‌بینانه‌تر و مناسب‌تر «مابعد - ملی» بوده‌اند.

به کمک مطالعاتی که به بحث گذاشته شدند، تحقیق حاضر به دنبال دسته بندی مسایل نابرابری مبتنی بر جنسیت و نقش دولت در زمینه حقوق زنان به عنوان شهروندان و تکالیف مردان به عنوان شهروندان بود. مجموعه‌های میهن و وان استیئرگن به درستی و به طور خاص به نکات جدید در زمینه جامعه‌شناسی سیاسی و سیاست اجتماعی تکالیف و حقوق شهروندان در جریان دگرگونی دولت‌های رفاه گستر، اقتصاد سرمایه‌داری ما بعد صنعتی در سطح ما بعد - ملی اتحادیه اروپا توجه دارند. مقالات برگزیده در هریک از این مجموعه‌ها (مانند تصویر هابرماس از انفصال شهروندی از دولت ملی در دوران مدرنیته، تفسیرهای دارن‌دورف، وان استیئرگن و فالك از مفهوم «شهروندی جهانی» و مناقشات ترنر در زمینه حقوق انسانی)، همراه با

می‌گیرند» (ساروخانی، ۱۳۷۰، ۵۸۱).

پیش‌بینی آینده و آینده‌نگری همواره دغدغه بشر و منشاء بیم و امید برای او بوده است. در گذشته وظیفه خبرآوری از آینده بر عهده جادوگران، پیشگویان، ستاره‌شناسان و فیلسوفان بود. بخش عمده‌ای از تعالیم پیامبران رانیز، تبشیر و تندبیر نسبت به آینده تشکیل می‌داد. با گسترش تدریجی سپهر دانش، آینده‌نگری هم بخشی از دل مشغولی‌های اندیشمندان گردید و روش‌هایی برای آن ساخته و پرداخته شد. این روش‌ها را می‌توان به ترتیب زیر برشمرد:

- ۱- روش تخیلی - فلسفی
- ۲- روش تاریخی - فلسفی
- ۳- روش فراگفتنی روند  
Extrapolation
- ۴- روش شبیه‌سازی  
Simulation
- ۵- روش بازیگری  
Monitoring
- ۶- روش صحنه‌سازی  
Scenario Creativity
- ۷- روش واکنش‌شناسی  
Cross Impact Analysis
- ۸- روش سروش یا دلفی  
Delphi
- ۹- روش هنجاری Normative یا آینده‌نگری

در میان این روش‌ها، باتوجه به اهمیت کاربردی، روش دلفی جایگاه خاص خود را دارد. این روش در عرصه‌هایی مانند سیاستگذاری و برنامه‌ریزی کلان و همچنین دستیابی به اجماع برای شناخت و حل مسائل پیچیده، ابزار دست سیاستگذاران و مدیران در کشورهای توسعه یافته است. در این مقاله تلاش می‌شود تا این روش معرفی گردد.

### پیشینه

قدیمی‌ترین ریشه‌های روش دلفی به معبد آپولون در شهر دلفی در یونان باستان باز می‌گردد. شهر دلفی در دامنه جنوبی کوه پارناسوس و بر فراز یکی از دهانه‌های بزرگ خلیج کورنت قرار دارد. از نظر منظر جغرافیایی، سیمای شهر دلفی و پیرامون آن به گونه‌ای بود که یونانیان قدیم راه این اعتقاد واداشت که در آن‌جا خدایان زندگی می‌کنند. ویل دورانت (۱۲۴، ۱۳۷۲) در کتاب تاریخ تمدن مجلد مربوط به یونان باستان می‌نویسد: «بالاخر از این صخره‌ها، قلعه‌های دو گانه کوه پارناسوس قرار دارد. یونانیان برای رسیدن به این قلعه‌ها صدها کیلومتر از روی صخره‌های دشوار بالا می‌رفتند. مه انبوه و دریایی که اشعه خورشید بر آن می‌تابد، به آن نقطه منظره‌ای زیبا و خوف‌انگیز می‌داد. از این رو یونانیان باور داشتند که آنجا خدایان و حشتناک سکونت می‌کنند. اینان زلزله‌های متعددی را که در آن نقطه

# آشنایی با روش دلفی و کاربرد آن در تصمیم‌گیری

حسین ایمانی جاجرمی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی

آینده‌نگری و پیش‌بینی تحولات از ابزارهای اساسی برنامه‌ریزان و مدیران است. روش دلفی که یکی از دستاوردهای جنگ سرد است، در ابتدا برای برآورد ساختن این نیاز پدید آمد اما رفته‌رفته با توجه به سازوکار انجام این روش که مبتنی بر انجام نظر سنجی از متخصصان است، برای حل مسائل پیچیده و تصمیم‌گیری در امور باارزش به کار آمد. در روش دلفی جدید این روش را فراتر از ابزاری در سطح ملی توسعه دادند که اجازه می‌دهد گروه‌های حل یک مسئله پیچیده بدون تنش متقابل و در درون یک مؤسسه یا یک گروه، به توافق برسند. هم‌اکنون روش دلفی ابهام‌ناپذیری بسیاری یافته و در رشته‌های متعددی مانند بازرگانی، صنایع، سیاست و همچنین برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای مورد استفاده است. این روش در ایران چندان شناخته شده نیست، حال آنکه باتوجه به پیچیده شدن امور طی سالهای اخیر تعلقی افرادی که کارشان تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی است، از روش دلفی بی‌نیاز نمی‌مانند. افرادی مانند مدیران سازمان‌های ملی، منطقه‌ای و محلی، شهرداران و اعضای شوراهای استانی شهر. این مقاله قصد دارد تا به شکلی مفصل‌مانی، مفاهیم و مبانی اساسی این روش را به خواننده معرفی کند.

### مقدمه

زمان نگارش این نوشتار، آغازین روزهای سده بیست و یکم و همچنین هزاره سوم میلادی است. همانند سده‌های آغاز تمدن و تفکر، انسانهای بسیاری در عرصه‌هایی مانند سیاست، برنامه‌ریزی، مدیریت و آموزش مشتاقند بدانند چه تحولات مهمی در سده و حتی هزاره جدید اتفاق خواهد افتاد. این اشتیاق آدمی را در معنای عام Futurism و در معنای علمی آینده‌نگری Prospective می‌نامند. در دایرة المعارف علوم اجتماعی در توضیح این مفهوم آمده است: «از مفهوم Prospective به معنای مقابل خود را نگرستن اخذ شده است و به معنای نگاه به آینده‌های نزدیک به منظور پیش‌بینی حوادث آن است. آینده‌نگری نه تنها در فلرو دانش بلکه در حیطه هنر نیز مطرح می‌شود. به زعم پی‌یر ماسه آینده‌نگری به معنای جستجوی طریقه‌ای نو در دانش است که در آن آینده را به عنوان نتیجه‌ای از اعمال کم و بیش آزاد و واکنش‌های کم و بیش قابل پیش‌بینی در نظر

شده است. برخی از این تعاریف عبارتند از:

- ۱- «روشی برای توسعه و بهبود اجماع گروهی است».  
(Anderson and others, 1975, 121)
  - ۲- «در این روش ما به دنبال توافق گروهی هستیم، زیرا این اعتقاد وجود دارد که چند کارشناس می‌توانند از یک نفر در امر پیش بینی صاحب نظرتر باشند» (سید جوادین، ۱۳۷۵، ۱۰۳).
  - ۳- «قرایندهای ارتباطی است که اجازه می‌دهد تا گروه برای حل مسأله‌ای پیچیده بدون کنش متقابل رو در رو یا مراجعه تک تک اعضای گروه، به توافق برسند».  
(Ghouchian, 1994, 95)
  - ۴- «روش دلفی برای حل مسائل و تصمیم‌گیری به کار می‌رود».  
(Sahkian, 1997)
  - ۵- «روش پیش بینی رویدادهای آتی است بر پایه نظر سنجی داوری‌های افراد متخصص درباره هر موضوع».  
(Javy and Julial, 1991)
- عناصر مشترک این تعاریف گرد این موضوع است که دلفی:
- ۱- روش (Method) یا فنی (Technique) علمی است.
  - ۲- برای پیش بینی آینده
  - ۳- بر پایه اجماع نظرات متخصصانی که بایکدیگر تماس رو در رو نداشته‌اند.

از این رو مشخص می‌گردد که در روش دلفی، همه افراد این شانس را ندارند تا در جریان تحقیق به عنوان پاسخگو وارد شوند و نیازی به نمونه‌گیری نیست. این موضوع از وجوه تمایز این روش با روشهای مرسوم مانند پیمایش (Survey) است. در این روش بر حسب موضوع که می‌تواند سیاست، آموزش یا محیط زیست باشد، باید به سراغ متخصصان رفت. افرادی که دانش و آگاهی کافی درباره موضوع دارند و نظرات آنان به عنوان صاحب نظر و متخصص مورد پذیرش دیگران است.

### اهداف و کاربردها

هدف اصلی روش دلفی رامی توان پیش بینی آینده دانست که بر پایه همگرایی اندیشه‌های متخصصان حاصل شده است. در این روش حدسیات فردی در مورد تکامل آینده باید تصحیح شود. پیدایش هنجار گروهی تخصصی نتیجه مورد نظر است. اهداف مهم دیگر این روش عبارتند از حل مسائل پیچیده و کمک به تصمیم‌گیری در مورد مسائل بغرنج. این روش با این هدف طراحی شده که برای حل مسائل پیچیده و مهمی به کار رود که پرداختن به آن از توانایی‌های یک نفر فراتر می‌رود. این روش در امور برنامه ریزی، مدیریت و مسائل اجرایی کاربرد دارد و رشته‌های متعدد دانش مانند بازرگانی، سیاست، صنایع، پزشکی، برنامه‌ریزی آموزشی، برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای

رخ داده و باعث ترس مهاجمانی چون ایرانیان و مردمان فوکیس و گل شده بود، دفاع خدایان از مقر خویش تلقی می‌کردند.

مومنانی از دیرباز به آنجا می‌رفتند تا از بادهایی که میان درمها می‌وزد، یا گازهایی که از نهاد زمین بر می‌خیزد، آواز و اراده خدایان را بشنوند. سنگ بزرگی که کنار منجر گازهایی زمین قرار داشت، به نظر یونانیان مرکز یونان و ناف عالم بود. نزدیک این سنگ بود که یونانیان در آغاز برای گالایا، الهه زمین، و بعدها برای آپولون معابدی ساختند.

حوادث جهانی که یونانیان در آن زندگی می‌کردند به اراده شیاطین، ارواح و خدایان بستگی داشت. پس لازم بود تا برای آگاهی از اراده خدایان، شیاطین و ارواح به سراغ غیبگویان، ستاره شماران، خواجگزاران، و خش‌ها و غیره رفت و درباره زندگی با آنان مشورت کرد. اهمیت ستاره شماران و غیبگویان تا اندازه‌ای بود که گاهی به خدمت خاندان‌ها، ارتش‌ها و دولت‌ها در می‌آمدند. در بسیاری از معابد یونان، و خشهای بسیار وجود داشتند. معززترین و مشهورترین آنها در روزگار قدیم و خش معبد ژئوس در دودونا، و در دوره بعد، و خش معبد آپولون در دلفی بود... یونانیان زنان را برای پذیرش وحی و الهام آماده‌تر می‌دانستند. از این رو، در معبد آپولون سه پیرزن خدمت می‌کردند. در این معبد از شکافی که در کف معبد قرار داشت گازی مرموز بیرون می‌آمد. مردم می‌گفتند که این گاز از لاشه اژدهایی به نام پوتون، که به دست آپولون کشته شده است بر می‌خیزد. زن غیبگو که برای پذیرفتن وحی آمادگی داشت پشت میز بلند سه پای می‌نشست و گاز مقدس را که بسیار بدبو بود، استنشاق می‌کرد و برگهای تخدیر آوری می‌جوید و به حال بیهودی می‌افتاد. سپس بریده بریده، سخنانی بر زبان می‌آورد که به وسیله کاهنان برای حاضران ترجمه می‌شد (همان، ۱۳۸۲). در تاریخ یونان آمده که اشخاص مشهوری مانند هراکلس و آریستو دموس شاه مسینا با و خش معبد دلفی به مشورت پرداخته‌اند.

اما پیشینه روش دلفی به عنوان ابزاری علمی برای پیش بینی آینده به دهه ۱۹۵۰ میلادی بر می‌گردد و یکی از دستاوردهای جنگ سرد (Cold War) است. آغاز کاربرد این روش به پژوهشی درباره مسائل پیچیده دفاعی برمی‌گردد که نور من دالکی و اولاف هلمر (Norman Dalkey & Olaf Helmer) در شرکت رند (RAND) که به عنوان خزانه فکر (Think tank) عمل می‌کرد، انجام دادند. روش دلفی از نیمه دهه ۱۹۶۰ به عنوان یک روش علمی مهم در جوامع علمی شناخته شده است.

### تعاریف و برداشتها

در منابع مختلف تعاریف و برداشتهای متعددی از روش دلفی

می‌توانند از آن استفاده نمایند.

«اگر چه فن دلفی در کاربردهای آغازین خود عمدتاً ابزار پیش بینی بود، در حال حاضر بیشتر به عنوان فرایندی (Process) برای بهبود ارتباطات و ایجاد توافق در حل هر مسأله پیچیده به کار می‌رود» (Ghaurichian, 1994). روش دلفی، روشی کاربردی است و بسیار مورد استفاده رشته‌هایی مانند بازرگانی و آموزش است. نگاهی به عناوین کتابهای مربوط به روش دلفی مانند:

Gazing Into Oracle: The Delphi Method and its Application to Social Policy and Health (1995).

حکایت از اهمیت کاربردی این روش می‌کند.

## اجرای روش

روش دلفی به دنبال دریافت نظرات متخصصان است. از این رویش از آغاز کار باید بر حسب موضوع، متخصصان شناسایی گردند. به این افراد، اعضای هیأت منصفه دلفی نیز گفته می‌شود.

به طور کل، اجرای روش دلفی به شرح زیر است:

الف) شرکت کنندگان انتخاب می‌شوند و از آنان خواسته می‌شود در پاسخ به مجموعه‌ای از پرسش‌های یک پرسشنامه بسته به موضوع، افکار، پیشنهادها، توصیه‌ها یا پیش‌بینی‌های بی نام و نشان خود را عرضه دارند.

ب) هر شرکت کننده باز خورد دوره اول مانند میانه (Median) پاسخ‌های همه شرکت کنندگان را دریافت می‌کند و دور دوم پاسخگویی برای مشخص ساختن شدت سازگاری یا ناسازگاری یا میانگین پاسخ‌های گروه آغاز می‌گردد.

پ) بار دیگر باز خورد به شرکت کنندگان بر حسب میانه پاسخ گروه و همچنین برای مشخص ساختن اینکه چرا برخی شرکت کنندگان با میانه پاسخ‌ها موافق نیستند، داده می‌شود.

ت) پس از بروز دلایل افکار اقلیت، شرکت کنندگان دوباره پاسخ می‌گویند.

ث) مراحل (ب) و (ت) می‌تواند تکرار شود، هر چند همگرایی (Convergence) افکار معمولاً بعد از یک دور از انجام این دو مرحله، خیلی افزایش نمی‌یابد.

از تحقیقاتی که با استفاده از روش دلفی انجام شده‌اند می‌توان به پژوهش اهل (Uhl) در سال ۱۹۷۱ درباره اهداف سازمانی، و تحقیقات هلمر و گوردون (Helmer & Gordon) درباره پیش‌بینی رویدادهای پنجاه سال آینده اشاره کرد. در اینجا به طور خلاصه مراحل انجام این تحقیق بیان می‌شود:

در سال ۱۹۶۳ گوردون و هلمر در دور اول تحقیق خود از متخصصان خواستند تا بر اساس پرسشنامه کتبی که برایشان ارسال

شده بود، رویدادهای پنجاه سال آینده را پیش‌بینی کنند. بر اساس پاسخ‌های دریافتی، فهرستی مشتمل بر ۴۹ مسأله و رویداد تهیه شد. در دور دوم این فهرست بار دیگر برای متخصصان ارسال شد و آنان از نظرات دیگران آگاه شدند. در این دور از شرکت کنندگان خواسته شد تا بنویسند هر یک از رویدادها و مسائل یا چه احتمالی به وقوع خواهد پیوست. پس از دریافت پاسخ‌ها مشخص شد که شرکت کنندگان در مورد چند مسأله (۱۰ مورد از ۴۹ مسأله) اتفاق نظر دارند. در دور سوم، نتایج دور دوم یعنی توافق نظر درباره ۱۰ رویداد بار دیگر برای شرکت کنندگان ارسال شد. از ۲۹ رویداد باقی مانده که اختلاف نظر درباره آنها وجود داشت، محققان خود ۱۷ رویداد مهم را انتخاب کردند و برای شرکت کنندگان فرستادند. از متخصصان خواسته شد که توضیح دهند چرا نظر آنان با نظرات اکثریت در مورد این ۱۷ رویداد فرق دارد. این اقدام سبب شد تا شرکت کنندگان در مورد این ۱۷ رویداد تعمق بیشتری کنند و آنها را به صورت جدیدی بازگو نمایند. از این طریق آنان نظراتشان را با نظرات میانه (Median) تطبیق دادند. در پایان دور سوم تفاوت نظرها بسیار کاهش یافت و از نظر آماری پراکندگی چارک‌ها (Quartile) محدودتر شد.

در دور چهارم نتایج دور سوم برای شرکت کنندگان ارسال شد و تلاش شد تا مانند گذشته اتفاق نظر بیشتری به دست آید. همچنین از شرکت کنندگان پرسیده شد که آیا آنان تک تک این رویدادها را قابل تحقق و مفید می‌دانند؟ نتایج این کار در تصاویر و متون مختلف بازگو شد (رفعی‌پور، ۱۳۶۴، ۱۱۰).

در نهایت شش مسأله مورد توافق عبارت بودند از: رشد جمعیت، نوآوری‌های علمی، اتوماسیون، برنامه‌های فضایی، پیش‌بینی‌های مربوط به امکان جنگ و ماهیت سیستم‌های سلاح‌های جنگی در آینده، یک وجه مهم در مراحل یا دورهای روش دلفی، قضاوت درباره نتایج، تخمین‌ها و نظرات متضاد درباره دور قبل است. هر یک از متخصصان شرکت کننده در این نظرخواهی کتبی، مکرر این امکان را دارد تا نظرات شخصی خود را با نظرات و عقاید دیگران مقایسه و در آنها تجدید نظر کند. در هنگام اجرای روش دلفی «افراد لزوماً یکدیگر را نمی‌شناسند و برخورد رو باروی باهم ندارند» (الوانی، ۱۳۷۶، ۱۳۰). ایجاد ارتباط میان افراد توسط شخص واسطه (Intermediary) انجام می‌شود. او وظیفه دارد تا در هر دور اطلاعات را خلاصه کند و به هر یک از شرکت کنندگان بدهد و پاسخ‌ها را دریافت دارد.

«این نکته هم قابل ذکر است که بسیاری از مطالعاتی که با فن دلفی انجام شده‌اند، از پرسشنامه استفاده کرده‌اند. مطالعات کمی هم هستند که این فن را برای کاربرد رایانه‌ای تطبیق داده‌اند و این امکان را برای شرکت کنندگان فراهم ساخته‌اند تا از طریق پایانه‌های جداگانه پاسخ گویند» (Ghaurichian, 1994, 96).

## کاستی‌ها

- ۱- مهمترین نواقص روش دلفی را می‌توان به شرح زیر برشمرد:  
۱- روش دلفی پایه نظری ضعیفی دارد و دانش کمی درباره متغیرهایی دارد که برفرایند آن مؤثرند.  
فقدان چارچوب نظری راعده‌ترین ضعف این روش دانسته‌اند. همین موضوع سبب شده تا برخی دلفی را فن (Technique) بدانند.  
۲- «فن دلفی تنها یک مرحله آغازین است و صرفاً می‌کوشد تا به اجماع دست یابد، و این اجماع ضرورتاً دقیق‌ترین نظر نیست» (Anderson and others, 1975, 122).  
۳- این روش کار زیادی می‌برد، کارهایی مانند ترسیم جدول، نگهداری اطلاعات و پست.  
۴- انجام این روش هزینه زیادی در بردارد.

- ۵- دقت پیش بینی روش دلفی برای کوتاه مدت و میان مدت کم است.  
۶- روش دلفی از نظر روش‌شناسی نیز دارای نقیصه مهمی است که آن را عملاً بی اعتبار می‌سازد، زیرا در این روش در اصل کوشش می‌شود که با نزدیک کردن مصنوعی عقاید متخصصان به یکدیگر از نظر آماری توزیع اطراف میانه محدود شود (رفیع پور، ۱۳۶۴، ۱۱۳). اما نتوانستن نام و پرسشنامه‌های بی نام، تاثیر هنجارهای اجتماعی و فشار به سوی هم‌رنگی و هم‌شکلی (Conformity) را خنثی نخواهد کرد.

## نتیجه

روش دلفی با وجود کاستی‌هایی که برای آن بر شمرده‌اند، در مباحث مربوط به سیاستگذاری، برنامه ریزی و مدیریت جایگاه ویژه‌ای دارد. در حال حاضر در کشور ما برنامه‌های کلان مانند برنامه ایران ۱۴۰۰ با برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تهیه و به اجرا گذاشته می‌شود. تدوین این برنامه‌ها عموماً شکل دیوان سالارانه (Bureaucratic) دارد و در مباحثی مانند شناسایی مسائل و اولویت بندی آنها کمتر از نظرات متخصصان خارج از دستگاه‌های دولتی استفاده می‌شود. به نظر نمی‌رسد بهره‌گیری از نظرات کارشناسان هم چندان منظم و علمی باشد. در اینجا است که روش دلفی به کار می‌آید و می‌تواند به عنوان ابزاری کار آمد و سودمند به خدمت درآید.

برای برنامه ریزی منطقی و واقع‌گرایانه (Realistic) روش دلفی مورد نیاز است. در سطوح مختلف برنامه ریزی و مدیریت اعم از کلان، منطقه‌ای و محلی می‌توان به تناسب از روش دلفی استفاده کرد. این روش تاکنون در ایران گمنام مانده و امید است با طرح مباحث جدید از سوی اندیشمندان و توجه مدیران و برنامه ریزان به ابعاد کاربردی آن، جایگاه شایسته خویش را باز یابد.

در برخی مطالعات مربوط به پیش بینی آینده مثلاً در زمینه محیط زیست، نیاز به استفاده از نظرات متخصصان در کشورهای مختلف است. در این مطالعات، کار ابعاد بسیار گسترده‌تر می‌یابد و نیازمند هزینه، زمان و سازمان کار پیچیده است. از این رو امکان استفاده از روش دلفی با توجه به هزینه‌ها و امکانات تا اندازه زیادی در اختیار سازمان‌ها و مراکزی است که از نظر مالی وضعیت مناسبی دارند. مانند ارتش و سازمان‌های بزرگ صنعتی و بازرگانی.

## امتیازها

برای روش دلفی امتیازهای متعددی بر شمرده‌اند. برخی از آنها عبارتند از:

- ۱- در این روش، فشار گروهی به حداقل ممکن کاهش می‌یابد و افراد بدون آن‌که تفکر گروهی بر نظرات و افکار آنان سایه افکند، می‌توانند آزادانه نظرات و افکار و تأملات (Reflection) خود را بیان کنند.  
۲- با حذف تنش متقابل رودر رو، این روش مانع از مشکلاتی مانند نفوذ افراد مسلط بر تصمیمات گروهی می‌گردد.  
۳- در این روش افراد فرصت می‌یابند با دیدی بیطرفانه به قضاوت و داوری بپردازند.  
۴- برای حل مسائل پیچیده، روش دلفی کمک می‌کند تا به اجماع گروهی به جای نظرات تک تک افراد دست یابیم.  
۵- ناشناخته ماندن شرکت کنندگان سبب تشویق تأملات و صداقت در بیان ایده‌ها و گزینه‌های نوین می‌گردد.  
۶- پیش بینی دلفی، یک روش تحلیلی نظام‌پذیر با عقاید و قضاوت‌های ارزشی و تحلیل آنهاست. دلفی، یک تحلیل پایان یافته باز است که ممکن است نتایج به دست آمده مورد قبول واقع شود و یا مورد پذیرش قرار نگیرد... دلفی دارای امتیازاتی است که تحلیل کمی سنتی فاقد آن است:

- از قضاوت سالم بهره‌مند است.  
- افق‌های تازه‌ای را در تصمیم‌گیری منطقی نشان می‌دهد.  
- به صورت زرادخانه برنامه ریزان است و وسیله‌ای مهم در آینده‌نگری می‌باشد (شکوهی، ۱۳۶۴، ۱۷۲).  
۷- مانع از دست دادن زمان و انرژی برای تصمیمات نامربوط یا مغرضانه که در بحث‌های گروهی معمول است، می‌گردد.  
۸- در این روش از آمار استفاده می‌شود و در اتفاق آرای آن نسبت به مسائل مختلف، جبر و زور تاثیر ندارد.  
۹- برای پاسخ‌گویی امکان ارزیابی مجدد نظریات و فرصت کافی برای بررسی آنها وجود دارد.



Study of Group Opinion, Santa Monica, Calif., RAND Corporation, 1969

Helmer, O., Social Technology, New York, Basic Books, 1966. Describes the original use of Delphi in forecasting.

Lihl, N.P., Encouraging Convergence of Opinion, Through the Use of the Delphi Technique, in the Process of Identifying an Institution's Goals, Princeton, N.J: Educational Testing Service, 1971.

Weaver, W.T., The Delphi Forecasting Method, Phi Delta Kappan, 1971.

International accounting problems in rank order of importance: a Delphi evaluation, Pontus Troberg  
Promotional media in the next decade, Walter Raven

Public libraries and long range planning: an exercise in Delphi technique forecasting carried out on behalf of PLRG in 1973-1974.

Quality of life in Mitchell's Plain: an exploratory study using the Delphi technique L.N.Hume

Curriculum Development Accountability: At the Local Level Weldon F. Zenger, 1985.

The Delphi Method, Curtis E. Sahakian, Published 1997.

Gazing into the Oracle: The Delphi Method and its Application to Social Policy and Public Health, Michael Adler (Editor), Eric Ziglio (Editor), 1995.

Outlook for Japanese and German Future Technology: Comparing Technology forecast Survey (Technology, Innovation and Policy) Kerstin Cuhls, Terutaka Kuwahara, 1994.

The Delphi Method: Techniques and Applications, Harold A. Linstone, Murray Turoff (Editor).

Innovative developments in distribution: the UK grocery industry, John Gattorna.

## منابع

۱ - استلندر، پتر، روش‌های تجربی تحقیق اجتماعی، ترجمه بیزان کاظم زاده، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس، ۱۳۷۱.

۲ - الوانی، سید مهدی، تصمیم‌گیری و تعیین خط مشی دولتی، تهران، انتشارات سمت، چاپ پنجم، ۱۳۷۶.

۳ - داوران، ویل، تاریخ تمدن (یونان باستان)، مترجمان امیر حسین آریان پور، فتح ا...، مجتبیایی، هوشنگ پیرنظر، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چ چهارم، ۱۳۷۲.

۴ - رفیع پور، فرامرز، جامعه، روش‌های آن، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۴.

۵ - ساروخانی، باقر، دایرة المعارف علوم اجتماعی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۰.

۶ - سید جوادیان، رضا، برنامه‌ریزی نیروی انسانی، تهران، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.

۷ - شکوهی، حسین، جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۲.

۸ - Anderson and others, Encyclopedia of Educational Evaluation, concepts and techniques for evaluating Education and Training Programmes, Jossey - Bass Inc. Publishers, San Francisco, 1975.

9 - Gheurchian, Nader: The First International Terminology of curriculum as referential dictionary, Tehran, the institute for research and planning in Higher Education, 1994.

10 - Javy, David & Jullai, Dictionary of sociology, Harper collins, 1991.

11 - Sahakian, Curtis E, The Delphi Method, the corporate partnering institute, 1997.

## منابع دیگر برای مطالعه

Cyphert, F.R. and Gant, W. L., The Delphi Technique: A Tool for Collecting opinions in Teacher Education, Journal of Teacher Education, 1970.

Dalkey, N.C., The Delphi Method: An Experimental

تهران، اردبیل و میانه، تلاش دارد تا توجه برنامه ریزان و طراحان شهری را به اثرات ضمنی و گاه زمانی طرح‌های توسعه شهری که منجر به تغییر مسیر توسعه اقتصادی و کالبدی شهر می‌شود معطوف نماید.

### مفهوم رانت اقتصادی

واژه رانت (Rent) به قیمت کالایی که عرضه آن ثابت است اطلاق می‌شود<sup>۱</sup>، مانند زمین، ساختمان و نیروی کار. زیرا عرضه زمین ثابت است، تغییرات ذخیره موجود ساختمان یا مسکن چنان کنداست که پاسخگوی تقاضای آن نیست و نیروی کار زمانی چنان تخصصی می‌شود که به سادگی جانشین مناسبی برای آن یافت نمی‌شود<sup>۲</sup>. اما سؤال این است که چرا باید مثلاً برای زمین که موهبتی است طبیعی و هزینه‌ای برای تولید آن صرف نشده و عرضه آن با افزایش قیمت زیاد نمی‌شود رانت پرداخته شود؟ پاسخ در واژه تخصیص نهفته است. نحوه استفاده از کالاهایی که دارای عرضه ثابت هستند به لحاظ تجاری و اقتصادی مهم است. بدون دریافت رانت ممکن است زمین و ساختمان به مصرف کنندهای که مزیت نسبی کمتری دارد اختصاص یابد. بنابراین وجود رانت اقتصادی برای تخصیص منابع ثابت به کاربری‌های مناسب ضروری است، چرا که باعث می‌شود تنها مصرف کنندهای که حداکثر سود را می‌برد از آن استفاده کند و نه کلیه مصرف کنندهای بالقوه.

### تکوین نظریه رانت اقتصادی

نظریه رانت توسط چهار نفر از متفکران اقتصادی در اوائل سالی ۱۸۱۵ پی ریزی شد و در رساله‌های جداگانه‌ای انتشار یافت. اولین کسی که این نظریه را انتشار داد «مالتوس» (Malthous) بود. پس از او «ادوارد وست» (Edward west) و «ریکاردو» (Ricardo) و «روبرت تورنتس» (Robert torrents) به ترتیب به بیان آن پرداختند. پس از آنان نیز متفکران دیگری به تکوین این نظریه پرداختند. در اینجا به معرفی سه نظریه که کاربرد بیشتری در مسائل شهری دارند (نظریه رانت ریکاردو، فون تونن و هورد) پرداخته می‌شود.

### نظریه رانت ریکاردو

طبق این نظریه «رانت آن قسمت از حاصل زمین است که در ازای استفاده از نیروی ذاتی و فناپذیر خاک به صاحب زمین داده می‌شود. سرمایه‌گذاری دراز مدت بازمین آمیخته می‌گردد و حاصلخیزی آن را افزایش می‌دهد» از نظر ریکاردو در یک منطقه تازه مسکون که در آن زمین حاصلخیز بسیار است کسی بابت رانت چیزی نمی‌پردازد. ولی هنگامی که با افزایش جمعیت مردم به سوی

## رانت اقتصادی (بهره‌مالکانه)

## در طرح‌های توسعه شهری

### منصوره مرآت‌نیا

کارشناس ارشد شهرسازی

طرح‌های توسعه شهری به دلیل تغییر جهت توسعه و کاربری‌های شهری و تراکم ساختمانی مناطق مختلف شهری نقش مؤثری در افزایش یا کاهش ارزش اراضی شهری برعهده دارند. به عبارتی با پیشرفتات این طرح‌ها بخشی از اراضی ساخته شده یا خالی شهری دچار رانت می‌گردند. بدون این که مالک هیچ گونه فعالیت اقتصادی یا هزینه‌ای برای ایجاد این ارزش افزوده مصرف نموده باشد، این پدیده عموماً آغازگر یک تغییر فعالیتهای باسالم اقتصادی در عرصه اراضی شهری و نهایتاً ایجاد مشکلات در جریان توسعه مطلوب شهری و ساخت و سازها به‌خصوص مسکن را فراهم می‌نماید. این مقاله بر آن است تا با مشخص میزان ارزش افزوده در طرح‌های توسعه شهری، ابعاد و اهمیت موضوع را به تهیه کنندگان طرح‌های توسعه شهری و تصمیم‌گیران عرصه مدیریت شهری برای اتخاذ راهکارهای قانونی، علمی و اجرایی ارائه گرداند.

### مقدمه

تهیه طرح‌های توسعه شهری به سبب کنترل و نظارت بر نحوه استفاده از اراضی شهری باعث ایجاد ارزش‌های مازاد یا رانت اقتصادی می‌شود. رانت اقتصادی به طور غیرعادلانه گروهی از صاحبان اراضی را منتفع و گروهی دیگر را متضرر می‌نماید. علاوه بر آن هزینه‌های اجرایی پروژه و بودجه لازم برای تملک اراضی بیش از حد انتظار افزایش می‌یابد و به سبب کمبود منابع مالی، تحقق طرح‌ها با مشکل مواجه می‌شود. توجه به رانت اقتصادی در حین طراحی و بافتن ابزار مناسب برای جذب و توزیع عادلانه آن در سطح شهر، برخی از علل عدم موفقیت طرح‌های شهری را مرتفع می‌سازد و تأمین بخشی قابل توجه از هزینه‌های طرح را میسر می‌گرداند.

گزارش حاضر ضمن بررسی مفهوم رانت و نقش آن در طرح‌های توسعه شهری همگام با مطالعه موردی این ارزش مازاد در شهرهای

زمین‌های درجه دوم گرانترند زمین‌های درجه اول مشمول رانت می‌شود، مقدار آن به اندازه اختلاف بین محصول دو زمین است که با مقدار مساوی کار و سرمایه تولید شده است.

### نظریه رانت «فون تانن» (Von Tunen)

این مفهوم ساده که رانت با افزایش مسافت تا بازار کاهش می‌یابد اساس نخستین مدل اقتصادی ساماندهی فضایی بود که توسط فون تونن در سال ۱۸۲۶ ارائه شد. هزینه حمل و نقل در این نظریه به عنوان دلیل وجود تفاوت رانت در بخش‌های متفاوت اراضی، جانشین تنوع حاصلخیزی در نظریه ریکاردو است. اگر چه تفاوت رانت اقتصادی ناشی از هر دو عامل نیز می‌تواند باشد، ریکاردو هزینه حمل و نقل کلیه اراضی را یکسان در نظر می‌گیرد و اساس تفاوت رانت را در تفاوت قابلیت زمین می‌داند؛ اما فون تونن قابلیت را مساوی و اساس تفاوت را ناشی از موقعیت و مکان اراضی می‌داند.

### نظریه رانت هورد

طبق این نظریه «با رشد شهر زمین‌های دورتر از مرکز شهر و بنابراین نا مرغوبتر مورد استفاده قرار می‌گیرند و تفاوت در مرغوبیت اراضی درجه یک و درجه دو منجر به ایجاد رانت اقتصادی (تنها در اراضی درجه یک) می‌شود». هنگامی که با افزایش تقاضا زمین‌های نامرغوبتر (درجه ۳) مورد استفاده قرار گیرند، در اراضی درجه ۲ رانت اقتصادی ایجاد می‌شود و رانت اراضی درجه یک افزایش می‌یابد. بدین ترتیب هر فعالیت برای اختیار مکانی در داخل شهر رقابت می‌نماید و کاربری هر زمینی به بالاترین پیشنهاد تعلق خواهد گرفت.

توسعه کاربردی نظریه رانت اقتصادی در شهرها، منجر به ارائه تعاریف و مدل‌هایی در زمینه تخصیص اراضی به کاربری‌های مختلف شهری، جایگزینی افسار مختلف اقتصادی - اجتماعی در سطح شهر و تحرک اجتماعی و جانشینی این افسار در طول زمان شد.

### ضرورت توجه به رانت در نظام اقتصادی شهر

چنانچه درآمدهای مبتنی بر رانت اقتصادی به طور عادلانه کسب و توزیع نشود به عنوان یک عامل باز دارنده رشد اقتصادی عمل می‌کند و نیروهای فعال جامعه را از زمینه‌های مولد به زمینه‌های کسب این گونه درآمد می‌کشاند. در نتیجه تولید و درآمد جامعه کاهش می‌یابد. درآمد افرادی که به دنبال کسب رانت هستند از محل توزیع مجدد ثروت از دیگران به خودشان تامین می‌شود و نه از مشارکت در تولید ثروت. بنابراین از یک سو مالیاتی که از طرف بخش جستجوی رانت از طریق به چنگ آوردن و ضبط قسمتی از درآمد

سایر بخش‌ها به بخش‌های مولد تحمیل می‌شود، باعث کاهش انگیزه فعالیت‌های مولد می‌گردد، از سوی دیگر اگر با استعدادترین افراد جامعه به کارکسب رانت مشغول شوند توان‌های ضعیف‌تر در بخش‌های نوآوری و تولید باقی می‌مانند و این امر توان جامعه برای کسب و بهبود تکنولوژی را تنزل می‌دهد (طیبیان، ۱۳۷۱: ۳).

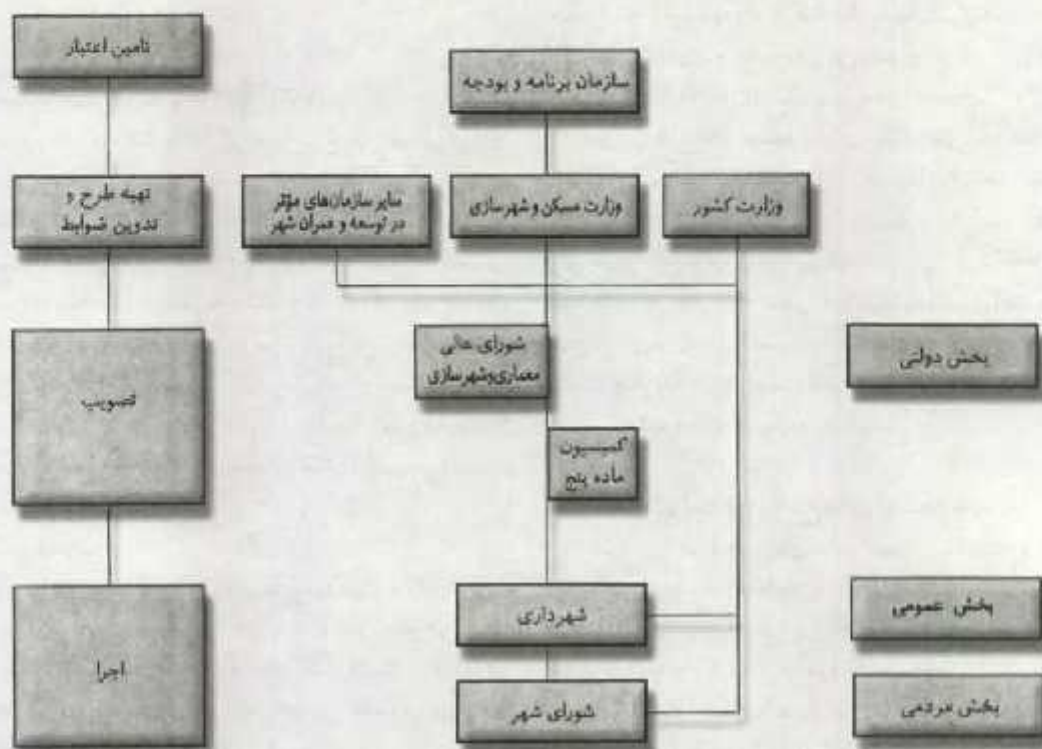
ارزیابی طرح‌های توسعه شهری نشان می‌دهد که یافتن ابزار مناسب برای جذب رانت حاصل از طرح‌های توسعه شهری و توزیع عادلانه آن در سطح شهر علاوه بر تأمین بخش عمده‌ای از نیازهای مالی طرح مانع بروز بی‌عدالتی اقتصادی بر اثر تهیه و اجرای این طرح‌ها و رفع علل عدم تحقق آنها می‌شود. برای اقتصادی نمودن طرح‌ها یکی از راه‌های اصولی، جذب اضافه ارزش‌های ناشی از توسعه (رانت) و هزینه آن در جهت عمران شهر و جبران خسارت وارده به گروهی از شهروندان خسران دیده است.<sup>۲</sup>

### هزینه‌ها و درآمدهای طرح‌های توسعه شهری

تجربه ۳۰ ساله طرح‌های جامع شهری نشان داده است که تهیه برنامه‌ای با عنوان «برنامه مالی» (Financial plan) همراه با طرح جامع ضروری است. برنامه مالی برنامه‌ای است که برای دوره‌ای معین تنظیم می‌شود و عبارت از برآورد جامع مخارجی است که برای فراهم آوردن خدمات عمومی و عمران شهری لازم است و با برای حفظ و نگهداری ساختمان‌ها و لوازمی که تولید کننده یا تسهیل کننده این خدمات هستند مورد استفاده قرار می‌گیرد. هزینه‌های عمران شهری راهبردهای بهبود سرمایه‌ای (Capital Improvement) نیز نام نهادند، زیرا عوامل سازنده عمران شهر در واقع سرمایه‌ای برای شهر محسوب می‌شوند. پس از برآورد هزینه‌های لازم، درآمدهای قابل حصول در همان دوره زمانی نیز برآورد و با هزینه‌ها مقایسه می‌شود. روشن است که تنها با برآورد هزینه‌ها و درآمدها می‌توان دانست که آرمان‌ها و اهداف طرح جامع برآوردنی است یا خیر. بنابراین سه رکن اساسی در تهیه و اجرای برنامه مالی طرح‌های توسعه شهری عبارتند از: سازمان اداره کننده امور شهری، هزینه‌های شهر، درآمدهای شهر (مزینی، ۱۳۶).

سازمان اداره کننده امور شهری: سازمان‌های اداره کننده امور شهری در ایران یا سازمان‌هایی که به نحوی در این امر دخالت دارند متعدّدند و شامل بخش دولتی، بخش عمومی (شهرداریها) و بخش مردمی هستند. در ایران بخش دولتی خود شامل چند وزارتخانه و سازمان می‌شود (وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان ملی زمین و مسکن، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، سازمان برنامه و بودجه)، بخش عمومی فقط شامل شهرداری‌ها و شوراهای شهر می‌شود و بخش مردمی شامل شوراهای اسلامی است.

# نمودار فرساخت و رابطه سازمان اداره کننده شهر یا بخش‌های دولتی، خصوصی و مردمی در ایران



رانت اقتصادی یا «ارزش مازاد» را «سود یا بازده ناشی از استفاده زمین برای محصول معین» تعریف می‌کنند. در این متن ارزش مازاد به عنوان «افزایش در ارزش سالانه» یا «افزایش در ارزش سرمایه مورد استفاده» تعریف می‌شود که عبارت از بخشی از افزایش ارزش زمین شهری در طول دوره مطالعه است. این مقدار پس از کسر تورم عمومی، هنوز افزون بر افزایش ناشی از سرمایه گذاری خصوصی در زمین است که بهره تعلق گرفته به هزینه‌های نگهداری، ریسک و فعالیت‌های مرتبط بازمین رانتیز شامل می‌شود.

موارد عمده ایجاد ارزش‌های مازاد زمین شهری عبارتند از: اجرای پروژه‌های عمومی و ایجاد زیرساخت‌های شهری، رشد درآمد شهری، گسترش ناحیه شهری، کنترل کاربری شهری، ایجاد کمیودهای ساختمانی زمین بوسیله فعالیت‌های انحصار گرانه، افزایش تراکم ساختمانی، سرمایه گذاری‌های خصوصی انجام شده روی املاک مجاور و بالاخره ارزش‌های مازاد ایجاد شده برای قطعات خاص شهری.

ارزش مازاد حاصل از افزایش تراکم ساختمانی، مجوز اضافه کردن تراکم به تراکم حداقل انتخاب شده به نوعی مانند اضافه کردن سطح زمین با تراکم ثابت است. بنابراین ارزش حاصل از بنای اضافه

هزینه‌های شهر، هزینه‌هایی که بر عهده شهر است عبارتند از: الف) هزینه‌های خدمات عمومی و عمرانی شهری که بر عهده شهرداری است (از قبیل احداث و اصلاح معابر، ایجاد فضاهای سبز و...)، ب) هزینه تأمین اراضی که طبق طرح توسعه و عمران به کاربری‌های فرهنگی، آموزشی و خدماتی اختصاص می‌یابد.

درآمدهای شهر: عواید شهرداری‌ها در ایران از ۵ منبع عمده تأمین می‌شود که عبارتند از: الف) بخش دولتی و کمک‌های بلاعوض، ب) عوارض و مالیات، ج) فروش اموال و داراییها و عواید متفرقه، د) فروش خدمات و کالاها، هاوام (همان، ۱۸۴).

از میان این منابع دو منبع نخست (کمک‌های بخش دولتی و درآمد حاصل از طریق عوارض و مالیات) نقش اصلی را دارند. به طوری که سهم سه منبع دیگر قبل از انقلاب ۱۸٪ کل در آمد شهرداری‌های ایران بوده و بعد از انقلاب تنها ۸/۵٪ افزایش داشته و به ۲۶/۵٪ رسیده است.

رانت اقتصادی (ارزش مازاد) در طرح‌های شهری و درآمدهای مبتنی بر آن

(بهرات) است. این مضرب بستگی به قیمت عرضه سرمایه بانرخ بازگشت سرمایه دارد. با توسعه شهر، زمین کشاورزی به شهر نزدیکتر و درآمد سالانه آن بیشتر می‌شود. چنانچه سطح شهر تا جایی گسترش یابد که قطعه مذکور رادر برگیرد و ضرورت تقسیم آن به قطعاتی برای کاربری شهری را ایجاد نماید. ارزش رانت سالانه آن اکنون به عنوان زمین شهری - افزایش می‌یابد. نقش چند عامل در این افزایش قابل توجه است. عامل اول بخشی از افزایش ارزش زمین را در بر می‌گیرد که ناشی از سرمایه‌گذاری‌های ضروری برای تغییر کاربری است مانند هزینه‌های آماده‌سازی، تفکیک زمین، ایجاد زیرساخت‌های شهری، هزینه تغییر مکان ساکنان فعلی و نظایر آن، عامل دوم ناشی از تغییر برتری‌های مکانی بخش‌های مختلف شهر است. بالاخره چنانچه ورود این اراضی به شهر با تهیه طرح جامع و تعیین محدوده توسعه برای شهر همراه باشد، عامل سومی که ناشی از محدود کردن عرضه زمین است افزایش ارزش اراضی داخل محدوده را تشدید می‌کند.

به این ترتیب رانت حاصل از افزایش محدوده شهر صرف‌نظر از هزینه‌های آن (عامل اول) را صرفاً ناشی از انتقال موادی تابع رانت به طرف بالا در نظر می‌گیریم، با فرض اینکه با توسعه محدوده شهر ارزش کلیه اراضی شهری به یک نسبت افزایش یابد.

### مطالعه موردی: بررسی ارزش‌های مازاد حاصل از طرح‌های شهری در سه شهر بزرگ، متوسط و کوچک (تهران، اردبیل و میانه)

هدف از این مطالعه آن است که با مقایسه هزینه‌های اجرای طرح‌های شهری و درآمدهای حاصل از تهیه این طرح‌ها، اهمیت جذب بخشی از درآمدهای مذکور نشان داده شود. به این منظور سه شهر تهران، اردبیل و میانه به‌عنوان شهر بزرگ، متوسط و کوچک انتخاب شده‌اند و سه نمونه از ارزش‌های ایجاد شده (یا صرفه جویی شده) مورد نظر در آنها که عبارتند از ارزش ناشی از افزایش تراکم ساختمانی، تعیین کاربری‌های انتفاعی و تعیین محدوده شهری برآورد می‌شود. مطالعات مذکور با استفاده از پیشنهادات طرح‌های جامع هر یک از این شهرها صورت گرفته و ارزش‌های مورد نظر بر اساس سطح پیشنهادی شهر، قیمت زمین، تراکم ساختمانی پایه و مجاز، تراکم ساختمانی پیشنهادی طرح و مساحت کاربری‌های تجاری در هر بخش شهر انجام شده است.<sup>۵</sup>

لازم به ذکر است که تشریح نحوه محاسبات صرفاً برای شهر میانه ارائه شده و در شهرهای اردبیل و تهران نیز با اندک تغییراتی (بسته به نوع اطلاعات مندرج در طرح جامع آنها) از همین شیوه محاسبه استفاده شده است. به عنوان مثال در شهر تهران این مطالعه

شده را کم و بیش می‌توان همسنگ قیمت زمین معادل آن دانست (مهندسین مشاور زیستا، ۱۳۷۱).

افزایش تراکم ساختمانی از سویی موجب حداکثر استفاده از ظرفیت مناسب اراضی، افزایش کارایی ناشی از فعالیت‌های شهری و برخورداری از چشم اندازهای طبیعی می‌شود؛ از سوی دیگر با محدودیت‌ها و نارسایی‌هایی همراه است که برخی از آنها عبارتند از: نارسایی معابر دسترسی، محدود کردن منظر شهری یا جریان هوا، مسائل ناشی از زلزله خیزی، مسائل اجرایی و خطرات احداث بنا برای ابنیه مجاور، مشکلات ناشی از نارسایی تأسیسات شهری.

چنانچه هزینه‌های اجتماعی و عدم مطلوبیت‌های ناشی از افزایش تراکم از ارزش ناخالص حاصل از صرفه جویی در زمین کسر شود ارزش مازاد یا بازده (رانت اقتصادی) حاصل از افزایش تراکم ساختمانی به دست می‌آید.

تثبیت و تعیین کاربری اراضی: تخصیص زمین شهری به کاربری‌های معین به نوعی محدود کردن عرضه زمین برای استقرار این کاربری‌هاست. در طرح‌های جامع موجود برای عملکردهای مختلف بر اساس شرایطی که معین می‌شود به جستجوی محل‌های مناسب پرداخته می‌شود و سپس یکی از مکان‌هایی که دارای شرایط مناسب است برای استقرار کاربری انتخاب می‌گردد. یکی از مشکلات این روش انحصاری کردن اراضی یاد شده است. در این شرایط مالک می‌تواند با استفاده از این انحصار اولاً قیمت ملک خود را بالا ببرد و ثانیاً تا هر زمان که بخواهد از استقرار عملکرد یاد شده جلوگیری نماید. با تثبیت کاربری‌های شهری در طرح‌های جامع برای کلیه اراضی شهری رانت انحصاری ایجاد می‌شود. رانت شهری به وسیله رقابت بهره دهی (سوددهی) تعیین می‌شود. بیشترین سوددهی در حداکثر دسترسی است. به همین دلیل اراضی گران یعنی نواحی مرکزی یا مجاور معابر به فعالیت‌های تجاری که بالاترین رانت را کسب می‌کنند، اختصاص می‌یابد.<sup>۶</sup> همچنانکه در نمودار نشان داده شده است، با تغییر کاربری‌های شهر (به کاربری‌های ارجح) ارزش زمین افزایش می‌یابد. تفاوت بین ارزش بازاری بالاتر و ارزش مصرفی جاری به عنوان «ارزش توسعه» شناخته می‌شود. بنابراین محاسبه رانت حاصل از تعیین، تثبیت و یا تغییر کاربری‌های شهر را می‌توان از حاصلضرب مابه تفاوت قیمت زمین مسکونی و تجاری در مساحت زمین بدست آورد. که پس از کسر هزینه‌های حاصل از تراکم فعالیت‌های تجاری مثل افزایش آلودگی، سروصدا و ترافیک به عنوان ارزش‌های مکسب در نظر گرفته می‌شود.

تغییر کاربری اراضی روستایی به اراضی شهری: ارزش اقتصادی یک قطعه زمین روستایی که در فاصله چند کیلومتری از مرکز شهر قرار دارد مضربی از ارزش (خالص) سالانه محصول کشاورزی آن

می‌کنیم و ارزش هر متر مربع آن را برابر با حداقل قیمت هر متر مربع زمین مسکونی در سطح شهر در نظر می‌گیریم. کل ارزش حاصل برابر ۴۸/۶ میلیارد ریال محاسبه می‌شود.

به طور کلی طرح جامع شهر میانه موجب ارزش‌های مازاد (به علت افزایش تراکم ساختمانی، تعیین کاربری‌های تجاری و افزایش محدوده) برای اراضی شهر می‌شود. مجموع این ارزش‌ها بر پایه قیمت‌های سال ۱۳۷۱ برابر ۱۳۷/۴۸ میلیارد ریال است. مجموع هزینه‌های اجرای طرح شامل هزینه‌های مستقیم عمرانی شهر و هزینه‌های تأمین اراضی کاربری‌های فرهنگی، آموزشی و خدماتی برابر ۱۵۴/۴۸ میلیارد ریال است. چنانچه از ۵۰ درصد درآمد حاصل از ارزش‌های مازاد فوق‌الذکر برای جبران و تعدیل اثرات نامطلوب ناشی از طرح و نیز برای حفظ انگیزه دخالت صاحبان اراضی در فعالیت‌های شهری صرف نظر کنیم، ۶۳/۷۴ میلیارد ریال از ارزش باقیمانده قادر به تأمین ۴۱ درصد از هزینه‌های عمرانی شهر است.

### شهر اردبیل

این شهر با حدود ۲۲۴ هزار نفر جمعیت در سال ۱۳۷۰ به عنوان یک شهر متوسط از درآمدی به ارزش ۲۳۳/۱ میلیارد ریال بابت پیشنهاد افزایش تراکم ساختمانی، ۱۴۸/۷ میلیارد ریال به ازای کاربری تجاری و ۱۶۲/۱ میلیارد ریال بابت افزایش محدوده شهر و در مجموع از ۵۴۲/۹ میلیارد ریال در طول دوره طرح جامع برخوردار خواهد شد. چنانچه تنها ۵۰ درصد از این مبلغ را به عنوان ارزش مازاد مدنظر قرار دهیم، ارزشی بالغ بر ۲۷۱/۹ میلیارد ریال برای شهر اردبیل فراهم خواهد شد. با استفاده از این مبلغ ۷۸ درصد از هزینه‌های عمرانی شهر که بر عهده شهروندان است تأمین خواهد شد.

### شهر تهران

این شهر با حدود ۶ میلیون نفر جمعیت در سال ۱۳۶۵، به عنوان شهر بزرگ مورد مطالعه قرار گرفته است. درآمدهای حاصل از افزایش تراکم ساختمانی مسکونی ۲۳/۵ و تجاری ۱۵۹۴۰ میلیارد ریال، ارزش اضافی حاصل از پیشنهاد کاربری‌های تجاری ۷۸۹/۵ میلیارد ریال و ارزش حاصل از افزایش محدوده شهر که در طرح ساماندهی تهران پیشنهاد شده و شامل مناطق ۲۱ و ۲۲ تهران است حدود ۳۴/۵ میلیارد ریال و در مجموع کل ارزش حاصل برای شهر بالغ بر ۱۶۷۸۷ میلیارد ریال برآورد شده است. هزینه‌های حاصل از اجرای این طرح که بر عهده سازمان عمران شهر خواهد بود در دو گزینه حداقل ۷۶۱۴ میلیارد ریال و حداکثر ۱۰۳۲۴ میلیارد ریال برآورد شده است. چنانچه تنها ۵۰ درصد از درآمد مذکور را به عنوان

به تفکیک مناطق بیست گانه (و بیست و دو گانه تا پایان دوره طرح) انجام شده است.

### شهر میانه

این شهر با حدود ۷۳ هزار نفر جمعیت در سال ۱۳۷۱ به عنوان یک شهر کوچک انتخاب شده و ارزش‌های ناشی از توسعه و عمران شهر در آن محاسبه شده است.

### ارزش اضافی ناشی از افزایش تراکم ساختمانی در داخل

محدوده پیشنهادی شهر میانه سه سطح متمایز تراکم ساختمانی در سه بخش شهر تعیین شده است، که در پایان دوره طرح از متوسط تراکم ساختمانی ۵۰، ۷۰ و ۱۲۰ درصد برخوردار خواهند شد. تراکم پایه در این سه بخش به ترتیب ۳۰، ۶۰ و ۱۰۰ درصد است. پیشنهاد افزایش تراکم ساختمانی بیش از تراکم پایه امکان صرفه‌جویی در مقدار زمین لازم برای احداث یک متر مربع ساختمان را فراهم می‌آورد. به عنوان مثال در بخشی که به سطح دو ویژه منسوب است، احداث هر متر مربع زیر بنا در تراکم پیشنهادی (۷۰ درصد) به ۱/۴۲ متر مربع زمین و در تراکم پایه (۶۰ درصد) به ۱/۶۷ متر مربع زمین نیاز دارد. بنابراین در این بخش با انتخاب تراکم پیشنهادی می‌توان ۰/۲۴ متر مربع در مصرف زمین مربوط به هر متر مربع زیر بنا صرفه‌جویی نمود. با توجه به اینکه متوسط ارزش هر متر مربع زمین مسکونی در این بخش ۴۰۰۰۰ ریال است، ارزش صرفه‌جویی شده معادل ۹۶۰۰ ریال (به ازای هر متر مربع) می‌شود که حاصل ضرب آن در کل سطح زیربنای قابل ساخت (تا پایان دوره طرح)، برابر با کل ارزش بالقوه حاصل از افزایش تراکم ساختمانی است. ارزش بالقوه آن از احتساب ۲۰ درصد سطوح مسکونی موجود که در طول طرح بازسازی می‌شوند به دست می‌آید. به همین ترتیب مجموع ارزش‌های صرفه‌جویی شده حاصل از افزایش تراکم ساختمانی در کلیه بخش‌های شهر میانه بالغ بر ۴۳/۷ میلیارد ریال محاسبه می‌شود.

### ارزش اضافی ناشی از تغییر کاربری مساحت کاربری‌های

تجاری شهر میانه در سال پایه مطالعات (۱۳۷۱) برابر ۸/۷۹ هکتار بوده است. مطالعات نشان داد که تا سال ۱۳۸۳ تخصیص ۱۱/۹۲ هکتار دیگر از اراضی شهر به کاربری تجاری ضرورت دارد. با احتساب ارزش حاصل برای هر متر مربع این اراضی، در مجموع ارزشی معادل ۳۵/۲ میلیارد ریال در طول دوره طرح برای شهر ایجاد خواهد شد.

### ارزش اضافی حاصل از ورود اراضی حاشیه‌ای به داخل شهر

بر اساس پیشنهاد طرح جامع حدود ۴۸۵/۵ هکتار به مساحت شهر میانه اضافه خواهد شد. برای محاسبه حداقل ارزش حاصل از تبدیل کاربری این اراضی به کاربری شهری، کل آن را مسکونی فرض

ارزش مازاد در نظر بگیریم. بازدهی به ارزش ۸۳۹۴ میلیارد ریال برای شهر فراهم می‌شود که حداقل ۸۱٪ و حداکثر ۱۰۰٪ هزینه‌های طرح را می‌پوشاند.<sup>۷</sup>

### جمع‌بندی و پیشنهادات

هدف از تهیه طرح‌های توسعه شهری دستیابی به توسعه اقتصادی و تأمین رفاه ساکنان شهر است اما به دلایلی، بسیاری از اهداف این طرح‌ها تحقق نمی‌یابد. مهم‌ترین آن‌ها محدودیت منابع مالی برای تأمین هزینه‌های طرح است. تهیه طرح‌های توسعه شهری به سبب کنترل و نظارت بر نحوه استفاده از اراضی شهری باعث ایجاد ارزش‌های نامکتسب یا ارزش‌های مازاد (رانت اقتصادی) می‌شود که چنانچه جذب و جهت‌دار نشوند، به‌طور غیر عادلانه منجر به متفجع شدن گروه معدودی از صاحبان اراضی و متضرر شدن کل جامعه شهری می‌شود. به علاوه با افزایش هزینه‌های اجرایی پروژه و بودجه لازم برای تملک اراضی، تحقق طرح با مشکل مواجه می‌شود. اما جذب و جهت‌دار نمودن رانت اقتصادی حاصل از این طرح‌ها، بخش عمده‌ای از هزینه‌های عمران شهر را تأمین و بسیاری از علل عدم تحقق طرح را برطرف می‌کند.

با توجه به اینکه منافع ناشی از ارائه خدمات شهری هر شهر مورد استفاده شهروندان آن است، خود آنان باید هزینه‌های شهر را پرداخت نمایند. پرداخت قسمتی از هزینه‌های هر شهر به وسیله منابع مالی دولت بدین معنی است که ساکنان روستاها و شهرهای کوچک دیگر که از خدمات این شهر استفاده نمی‌کنند با رمالی آن رانحمل کنند از طرف دیگر درآمد ساکنان بسیاری از شهرهای کوچک و میانه محدود است و امکانات محدودی برای پرداخت هزینه‌های شهر خود در اختیار دارند. عدم کمک مالی دولت به این شهرها برای ارائه خدمات مناسب شهری موجب اختلاف شدید بین شهرهای بزرگ و این شهرها از نظر تنوع و کیفیت و کمیت خدمات شهری می‌شود و بر روی مسأله توزیع جمعیت در شهرهای مختلف تأثیر منفی می‌گذارد. بنابراین برای تأمین مخارج هر طرح شهری هم باید از منابع داخلی و هم منابع مالی دولت استفاده کرد. ولی با بزرگتر شدن اندازه شهر باید سهم کمک‌های دولت کاهش یابد» (عابدین درکوش، ۱۳۷۲: ۱۸۴).

ضعف ساختار مالی و فنی شهرداری‌ها تأثیر مهمی بر عدم بهره‌وری اقتصاد شهری دارد. وابستگی بیش از حد لازم شهرداری‌ها به منابع مالی دولتی با تأثیر بر عملکرد شهرداری‌ها، توان و تعهد آنها را برای ارائه خدمات شهری از بین می‌برد و بازدهی کاربری منابع را تقلیل می‌دهد. اما جذب ارزش‌های اضافی ناشی از طرح‌های توسعه شهری امکان استقلال مالی شهرداری‌ها را فراهم می‌کند.

محدودیت منابع مالی و جبران آن با منابع دولتی در عمران شهری به دلیل ارتباط مستحکم بخش مالی و اقتصاد شهری، دارای اسرار کلان مالی است. این گونه محدودیت منابع بیش از آن که فعالیت‌های اقتصادی شهرها را محدود کند نقش عمده‌ای در تولید ناخالص داخلی دارد. رشد اقتصادی در کوتاه مدت بستگی به حذف و از بین بردن بخشی از این محدودیت‌ها دارد. رفع آن نیازمند تقویت بنیه سازمان‌های شهری و بالا بردن توان مالی و فنی دستگاه‌های وابسته به شهرداری از طریق تقسیم هر چه بهتر منابع و مسؤولیت‌ها بین دولت و سازمان‌های شهری است.

تخصیص بارهای از مسؤولیت‌ها به شهرداری‌ها مستلزم آن است که این دستگاه‌ها از اختیارات لازم در پاسخگویی به اولویت‌های شهری برخوردار باشند. شهرداری‌ها و سایر سازمان‌های شهری باید بتوانند به منابع درآمدی شناور و قابل قبول دسترسی داشته باشند و با اعمال نظارت و کنترل بر نرخ عوارض مبنای صحیح وصول انواع عوارض را تعیین نمایند. به عبارت دیگر شهرداری‌ها به نظام مدیریت مالی قوی‌تر نیازمندند. بودجه آنها باید به ابزاری نیرومند در تعیین اولویت‌ها تبدیل شود.

ارزش‌های مازادی که در نتیجه توسعه و عمران شهرها حادث می‌شوند مبحث گسترده و قابل توجهی در تهیه طرح‌های شهری است که تاکنون به حد کافی و به شکل عملی در برنامه ریزی و طراحی شهری مدنظر قرار نگرفته است. شناخت عوامل موجد این ارزش‌ها و آگاهی از اهمیت نسبی هر یک از آنها در تأمین هزینه‌های شهری تحولی نو در طراحی شهری محسوب می‌شود. با استفاده کاربردی از هر یک از این ارزش‌ها، جایگذاری هر کاربری با آگاهی از درآمدها و هزینه‌های اقتصادی - اجتماعی آن انجام می‌شود و درصد تحقق و امکان‌پذیری تحت اختیار برنامه‌ریزان و طراحان قرار می‌گیرد.

محدودیت و ویژگی مکانی اراضی باعث می‌شود تا فعالیت‌های مختلف برای اختیار مکانی در داخل شهر با یکدیگر رقابت کنند. در نهایت هر زمین به فعالیتی اختصاص می‌یابد که بتواند به بهترین نحو قابلیت‌های مکانی آن زمین را به کار گیرد. همین اصل در مورد اقشار مختلف ساکن در سطح شهر و نحوه انتخاب مسکن مناسب ایشان نیز صادق است. اقشار مختلف اجتماعی در برخورد با واقعیت‌های جامعه شهری جایگاه مناسب با توان اقتصادی و شأن اجتماعی خود را در سطح شهر می‌یابند و گروهی از ایشان که امکان تملک زمین یا وسعتی متناسب با توان خویش را در محدوده شهر ندارند ناچار به حاشیه شهرها رانده می‌شوند. این پدیده تأکیدی بر ضرورت درک روابط بین اقتصاد و اجتماع شهری با گسیختگی فضایی شهر است (مشهودی، ۵۹).

در حال حاضر مطالعات اقتصادی طرح‌های توسعه شهری بر حسب

وظیفه و صرفاً به منظور پیش بینی جمعیت آبی شهر انجام می‌شود. چنانچه موضوع ارزش افزایی و هزینه بری هر تصمیم در طرح ریزی شهری وارد شود، ارتباط تنگاتنگی بین مطالعات اقتصادی - اجتماعی و مطالعات کالبدی شهر ایجاد می‌شود و اثر تصمیمات اقتصادی بر کالبد شهر (و بر عکس) به روشنی ظاهر می‌گردد.

□ تلفیق جنبه طراحی و اجرایی موضوع هزینه‌بری و ارزش افزایی هر تصمیم در طرح ریزی، تشکیل تیمی از اقتصاد دانان و شهرسازان را برای تعیین ابزارهای مناسب و نرخ‌های عادلانه جذب اضافه ارزش‌ها و نحوه بازگشت آن به جامعه شهری ضروری می‌سازد.

جدول ۱ - مقدار صرفه جویی در مصرف زمین بر اثر افزایش تراکم ساختمانی بیش از تراکم پایه در بخش‌های مختلف شهر میانه

مقدار صرفه جویی (هکتار)	تراکم ساختمانی (تراکم پایه)	تراکم پایه (تراکم پایه)	تراکم متوسط (تراکم متوسط)			مقدار صرفه جویی (هکتار)	مقدار صرفه جویی (هکتار)
			تراکم متوسط	تراکم متوسط	تراکم متوسط		
۱۰۰۰۰	۵۰	۳۰	۲	۲/۲	۱/۲	۱۲۶۰۰۰	۱۴۹/۴۲۷
۲۰۰۰۰	۷۰	۴۰	۱/۲۳	۱/۲۷	۰/۲۴	۹/۶۰۰	۷۶۶/۹۹۷
۳۰۰۰۰	۱۴۰	۱۰۰	۰/۸۳	۱/۰	۰/۱۷	۷۲۱۰۰۰	۱۱۱۷/۰۷۷

جدول ۲ - هزینه‌ها و برخی از ارزش‌های حاصل از طرح جامع شهر میانه

هزینه طرح (۲۰۰۰ میلیارد ریال)	۱۱۱/۱۱۱
ارزش حاصل از اضافه تراکم	۲۲۲
ارزش حاصل از کالبدی تجاری	۲۲۲
ارزش حاصل از ورود ارز به اقتصاد شهر	۱۱۱/۱۱۱
جمع ارزش‌های حاصل	۲۲۲/۲۲۲

جدول ۳ - مساحت و قیمت اراضی تجاری و مسکونی شهر میانه

مساحت (هکتار)	قیمت (میلیارد ریال)	مساحت (هکتار)	قیمت (میلیارد ریال)
۱۱۱/۱۱۱	۱۱۱/۱۱۱	۲۲۲/۲۲۲	۲۲۲/۲۲۲

جدول ۴ - مقدار صرفه جویی در مصرف زمین با افزایش تراکم ساختمانی بیش از تراکم پایه در بخش‌های مختلف شهر اردبیل

مقدار صرفه جویی (هکتار)	تراکم ساختمانی (تراکم پایه)	تراکم پایه (تراکم پایه)	تراکم متوسط (تراکم متوسط)			مقدار صرفه جویی (هکتار)	مقدار صرفه جویی (هکتار)
			تراکم متوسط	تراکم متوسط	تراکم متوسط		
۱۰۰۰۰	۲۰	۱۰	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۲۰۰۰۰	۲۰۰۰۰
۲۰۰۰۰	۳۰	۱۵	۱/۲۳	۱/۲۷	۰/۲۴	۹/۶۰۰	۷۶۶/۹۹۷
۳۰۰۰۰	۴۰	۲۰	۰/۸۳	۱/۰	۰/۱۷	۷۲۱۰۰۰	۱۱۱۷/۰۷۷



جدول ۵- هزینه‌ها و برخی از ارزش‌های حاصل از طرح جامع شهر اردبیل

هزینه طرح (۴۰ درصد هزینه‌های جاری شهر اردبیل)	۲۵۰۰۰۰ ریال
ارزش حاصل از تصفیه آب آشامیدنی	۲۲۰۰۰۰ ریال
ارزش حاصل از تأسیسات بهداشتی	۱۵۰۰۰۰ ریال
ارزش حاصل از دوره آموزشی به محدوده شهر	۱۲۰۰۰۰ ریال
جمع ارزش‌های حاصل	۵۲۰۰۰۰ ریال

جدول ۶- مساحت و قیمت اراضی تجاری و مسکونی شهر اردبیل

مساحت کاربری‌های تجاری (مترمربع)		میانگین ارزش هر متر مربع زمین در سال ۱۳۸۰ (ریال)		میانگین قیمت اراضی تجاری و مسکونی (ریال)	
مجموع	میانگین	مسکونی	تجاری	در مجموع محدوده با تراکم ۲۵٪	تجاری با تراکم ۵۰٪
۸۱۹۰۰۰	۸۰۰/۱۰۰	۲۹۰۰۰	۲۱۰۰۰۰	۱۸۲۵۰۰	۷۲۲۵۰۰

جدول ۷- انواع تراکم ساختمانی برای کاربری‌های تجاری در مناطق بیست و دوگانه تهران

انواع زمین‌های تجاری	۲۱۸۰	۲۲۸۰	۲۳۲۰	۲۵۶۰
تراکم متوسط	مناطق ۱ و ۲			
تراکم متوسط				مناطق ۱ تا ۳
تراکم متوسط				مناطق ۱ تا ۳
تراکم متوسط	مناطق ۱ و ۲ و ۳	مناطق ۱ طبقه	مناطق ۱ و ۲	

جدول ۸- هزینه‌ها و برخی از ارزش‌های حاصل از طرح جامع ساماندهی تهران

۱) با احتساب صرفاً اعتبارات بستگانه به عنوان هزینه مستقیم	۲۶۱۴ میلیارد ریال
۲) با احتساب کل اعتبارات شهرداری به عنوان هزینه مستقیم	۱۰۳۲۴ میلیارد ریال
صرفه‌جویی در تراکم ساختمانی مسکونی	۲۲/۵۰۶ میلیارد ریال
صرفه‌جویی در تراکم ساختمانی تجاری	۱۵۹۴۰ میلیارد ریال
کاربری تجاری جدید	۷۸۹/۵ میلیارد ریال
ورود اراضی به داخل محدوده شهر	۳۴/۲۹ میلیارد ریال
جمع	۱۶۷۸۷/۸ میلیارد ریال

p



V

ارزش اراضی تجاری صرفه جویی شده بر اثر افزایش تراکم ساختمانی در هریک از مناطق بیستگانه تهران

مناطق	ارزش صرفه جویی شده	قیمت زمین تجاری	ارزش صرفه جویی شده بالقوه	ارزش صرفه جویی شده بالفعل
۱	۱۷/۸۳	۱۶-۷	۴-۵	۹۹
۲	۸۷/۸۱۲	۱۷۳۳	۵۶۹	۲۳۳
۳	۱۸/۷۷	۱۹۴۳	۲۲۰۶	۱۱۰۷
۴	۳۳۸/۲۸	۱۰۵۸	۳۵۵۵	۲۱۳۲
۵	۹۱/۸۸	۱۱۳۳	۱۰۸۱	۷۰۶
۶	۱۵/۵۰	۱۸۷۸	۲۸۸	۱۳۷
۷	۵۳۱۰۰	۱۸۰۵	۹۵۲	۸۵۹
۸	۲۵/۸۱	۱۱۳۲	۸۵۲	۸۱۱
۹	۲۱/۸۲	۸۹۱	۶۴۰	۲۰۷
۱۰	۳۲/۳۸	۹۰۲	۳۰۴	۹۷
۱۱	۸/۱۷	۹۸۲	۹۰	۸۲
۱۲	-۷/۹۷۷	۹۴۲	-	-
۱۳	۱۳/۳۳	۱۰۹۸	۱۵۰	۷۷
۱۴	۹۷/۵۳	۹۸۱	۹۴۰	۸۶۱
۱۵	۸۹/۳۲	۱۸۲	۶۱۸	۳۳۵
۱۶	۱۶۵۰۰۷	۹۳۱	۱۵۳۷	۲۳۸
۱۷	۹۱/۸۶	۹۰۵	۸۳۱	۳۹۱
۱۸	۱۱۹/۸۵	۵۰۶	۲۰۸	۳۹۰
۱۹	۱۸۳۶/۵۱	۵۲۰	۸۷۸۵	۲۳۲۸
۲۰	۵۳۱۰۵	۹۶۶	۵۱۴	۲۲۶
مجموع			۲۲۷۷۷	۱۵۹۱۰

ارزش بالفعل برای هریک از مناطق بیستگانه به جز مناطق ۴ و ۵ و ۱۹ که افزایش سطح زمین تجاری برای آنها پیشنهاد شده است با فرض شرکت ۴۸ درصد از سطح زمین تجاری موجود در بازسازی محاسبه شده است. در این برآورد فرض شده است که نرخ تخریب واحدهای مسکونی یکسان است.

## یادداشت‌ها

- ۱- تفاوت رانت با قیمت در این است که اغلب قیمت‌ها با هزینه منافع مرتبط هستند اما در رانت چنین هزینه‌ای وجود ندارد.
- ۲- پرداخت به یک عامل را که عرضه آن نسبت به اندازه پرداخت لازم برای استفاده از آن بدون کشتن رانت اقتصادی گویند (طیبیان، ۱۳۷۱).
- ۳- نمونه‌هایی از این مورد در ایران عبارتند از: عوارض صدور جواز ساختمان، حق پذیره لینه تجاری، مصوبه مورخ ۱۳۶۶/۲/۷ شورای عالی شهرسازی با عنوان «ضوابط منطقه بندی و تعیین تراکم‌های ساختمانی و کاربری اراضی در طرح‌های توسعه شهری: مصوبه مورخ ۱۳۶۹/۱۰/۳ شورای عالی شهرسازی با عنوان «ضوابط و مقررات مربوط به تأمین فضاهای عمومی و خدماتی شهرها، اقدامات شهرداری‌ها (نظیر دریافت مقادیری با عنوان خودباری)».
- ۴- در تئوری ریکاردو نیز رانت ناشی از قابلیت متفاوت اراضی است که مقدار آن بسته به درجه اختلاف بین مرغوبیت اراضی تعیین می‌شود.
- ۵- از آنجا که ارائه آمار و اطلاعات خام در متن گزارش ضروری نبوده است تنها به بیان نتایج حاصل از مطالعات پرداخته شده است. برای خواننده علاقمند برخی آمار پایه که نتایج براساس آنها به دست آمده است در جدول‌های زیر (شماره‌های ۱ تا ۸) ارائه می‌شود.
- ۶- هزینه‌های تأمین کاربری‌های خدماتی مابه تفاوت قیمت روز منطقه‌ای محاسبه می‌شود؛ زیرا براساس تبصره ۸۴ قانون بودجه، وزارت مسکن و شهرسازی ملزم به خرید این اراضی به قیمت روز و واگذاری آنها به سازمان‌ها با قیمت منطقه‌ای است.
- ۷- باید توجه داشت که برآورد هزینه‌های شهری با احتساب سرانه بهینه که برای شهرهای مختلف و باامتیازهای مختلف اقتصادی پیشنهاد شده صورت گرفته است. چنانچه سرانه خدمات عمومی و تسهیلات شهری با توجه به توان اقتصادی شهر معین شود، احتمالاً تمام هزینه‌های حاصل از طرح شهری توسط ارزش‌های ایجاد شده تأمین خواهد شد.

## منابع

- ۱- طیبیان، محمد، رانت اقتصادی به عنوان مانع توسعه، نشریه برنامه و توسعه، دوره ۴، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۱.
- ۲- عابدین درکوش، سعید، درآمدی بر اقتصاد شهری، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
- ۳- مشهودی، سهراب، برنامه‌ریزی و طراحی باز شهری، نشریه معماری و شهرسازی، شماره ۳۵.
- ۴- مزینی، منوچهر، مدیریت شهری و روستایی در ایران، مشکلات و امکانات آن، وزارت مسکن و شهرسازی.
- ۵- مهندسین مشاور زیستا، گزارش طرح جامع شهر اردبیل، جلد ۴، وزارت مسکن و شهرسازی، اداره کل استان آذربایجان شرقی، ۱۳۷۱.

# ساماندهی صنایع و خدمات شهری

جواد مهدیزاده

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

تشویق استقرار صنایع در شهرها و مراکز جمعیتی به منظور برخورداری از زیر ساخت های ارزان شهری براساس قانون حداکثر سود و حداقل هزینه در جهت توسعه اقتصادی شهر

**ب - نظریه جداسازی صنایع (شهرسازی کارکردی)**

جداسازی مناطق صنعتی از سایر مناطق مسکونی، خدماتی و غیره براساس ملاحظات زیست محیطی و ضوابط منطقه بندی کاربری (منطقه بندی یازدارنده)

**ب - نظریه گزینش صنایع و نظارت بر آن (دیدگاه توسعه پایدار)**

ایجاد آشتی میان صنعت و شهر در جهت تأمین رفاه عمومی، توسعه پایدار، حفظ کیفیت محیط شهری، براساس نظام مراقبت و ضوابط منطقه بندی مختلط

در حال حاضر، در پرتو رواج دیدگاه سوم، رویکرد عمده در زمینه مکانیابی ساماندهی صنایع و خدمات شهری، مبتنی بر اهداف، راهبردها و معیارهایی است که بیشتر به توسعه هماهنگ، تنوع کاربری ها، آشتی شهر و طبیعت، حفاظت محیط، نزدیکی کار و مسکن، زیباسازی محیط و مانند اینها معطوف است. از این نظر در زمینه ساماندهی صنایع، به جای جداسازی فعالیت ها و تدوین ضوابط خشک یکتواخت، توصیه می شود که از طریق افزایش آگاهی عمومی، تقویت نظارت زیست محیطی، تدوین ضوابط انعطاف پذیر، تقویت طراحی شهری، ایجاد تمهیدات فنی و کالبدی، توسعه مشارکت، بهبود مدیریت شهری و غیره هر چه بیشتر زمینه های لازم برای ایجاد هماهنگی و سازگاری مطلوب میان شهر، صنعت و شهروند فراهم گردد.

## اهداف تحقیق

با توجه به تحولات نظری در عرصه شهرسازی و ساماندهی صنایع شهری از یک طرف، و با در نظر گرفتن مسائل و مشکلات موجود در شهرهای کشور، از طرف دیگر، اهداف این تحقیق به قرار زیر تدوین شده است:

### الف - اهداف بنیادی و راهبردی

- تعریف و تدوین مفاهیم و مبانی ساماندهی صنایع (با توجه به تجارب جهانی)

- تعیین نقش مدیریت شهرسازی، زیست محیطی، توسعه صنعتی و شهرداری ها در مکانیابی و ساماندهی صنایع شهری

- ارزیابی تجارب ساماندهی صنایع در شهرهای کشور

- تدوین اهداف و راهبردهای کلان ساماندهی صنایع شهری

### ب - اهداف کاربردی

- اصلاح و تکمیل قوانین و مقررات مربوط به ساماندهی صنایع و خدمات شهری

از دوران انقلاب صنعتی به بعد توسعه شهری و همواره با توسعه صنعتی ملازم بوده و در نتیجه گسترش شهرها با افزایش انواع مشکلات زیست محیطی، اجتماعی و کالبدی - فضایی ناشی از استقرار صنایع در شهرها همراه شده است. در حال حاضر، یکی از مهم ترین مشکلات موجود در شهرهای کشور، به استقرار نامناسب فعالیت های صنعتی در میان سایر کاربری های شهری مربوط می شود که حل آن پایه برنامه ریزی و مدیریت در زمینه مکانیابی و ساماندهی صنایع نیاز دارد.

اما موضوع مکانیابی و ساماندهی صنایع و خدمات شهری، پدیده ای پیچیده و چند بعدی است که از بلعیت روابط متنوع و گاه متعارض صنعت و شهر ناشی می شود. از جمله می توان به معارضات زیر اشاره کرد:

- تعارض میان عملکرد تولیدی صنایع و عوارض زیست محیطی آن
- تعارض میان اهداف اقتصادی توسعه صنعتی و اهداف رفاه عمومی
- تعارض میان منافع خصوصی و منافع جمعی در فعالیت های صنعتی
- تعارض میان توسعه کالبدی صنایع و کیفیت سیمای شهر

بنابراین فرایند مکانیابی و ساماندهی صنایع و خدمات فنی شهری، موضوعی صرفاً اقتصادی یا زیست محیطی یا کالبدی - فنی نیست، بلکه نوعی برنامه ریزی محیطی و فضایی محسوب می شود که با عوامل مختلف اقتصادی - اجتماعی، زیست محیطی، کالبدی - فضایی و مدیریتی سروکار دارد.

صنایع و خدمات فنی، از یک سو، مورد نیاز حرم شهر و شهروندان است و برای تحرک و توسعه شهر مفیدند، و از سوی دیگر، خسارت نسبتاً جدی به شهر و شهروندان وارد می سازند. بنابراین سامان دادن به روابط متقابل شهر و صنعت و تعیین این که چه صنایعی و با چه شرایطی می توانند یا نباید در شهر مستقر شوند و چه صنایعی نباید یا نمی توانند در شهر حضور داشته باشند، همیشه موضوعی بحث انگیز و پیچیده بوده است.

## چارچوب نظری

نظری اجمالی به تجارب مکانیابی و ساماندهی صنایع در جهان نشان می دهد که به طور کلی، سه دیدگاه عمده در زمینه نحوه رویکرد به استقرار صنایع در شهرها پدید آمده است:

**الف - نظریه جذب صنایع (دیدگاه اقتصادی)**

- طبقه بندی انواع صنایع شهری و غیر شهری (صنایع مجاز و غیر مجاز)

- گونه بندی شهرهای کشور از نظر ساماندهی صنایع  
- تدوین ضوابط عمومی ساماندهی صنایع و خدمات فنی  
- تدوین ضوابط اختصاصی ساماندهی صنایع (سه رشته نمونه)

## روش های بررسی

با توجه به ماهیت و ابعاد گسترده موضوع تحقیق، شیوه اصلی پژوهش در این مطالعات براساس مبانی «تحقیق موردی» و فرایند «ترکیب روش ها» استوار شده که اهم آنها عبارتند از: روش اسنادی، روش تطبیقی، روش تاریخی، روش میدانی.

براساس روش های فوق، به منظور گردآوری داده های لازم، به طور عمده از منابع زیر استفاده شده است:

الف - منابع مربوط به مبانی برنامه ریزی و طراحی شهری

ب - اسناد طرح های جامع شهری در ایران

پ - قوانین و مقررات محیط زیست، شهرسازی، شهرداری و ...

ت - اسناد و گزارش های شهرداری ها

ث - مدارک تحقیقات پیشین

ج - یافته های میدانی (مشاهده و مصاحبه)

با توجه به ویژگی های شیوه «تحقیق موردی» اطلاعات مورد نیاز به صورت موضوعی استخراج و دسته بندی شده و براساس تحلیل نظری، تحلیل تاریخی و تحلیل تطبیقی مورد استنتاج نهایی قرار گرفته است.

## مراحل اصلی بررسی

فرایند مطالعات «طرح تدوین ضوابط ساماندهی صنایع و خدمات شهری» از سه مرحله اصلی تشکیل شده که به طور خلاصه در قالب زیر آمده است.

## نظری به تجارب جهانی در زمینه ساماندهی صنایع

در دوران «انقلاب صنعتی» مکان گزینی صنایع به طور عمده براساس عوامل طبیعی، ملاحظات اقتصادی و امکانات حمل و نقل انجام می شد. اما با ظهور عوارض منفی توسعه صنعتی در شهرهای اروپا، از اواسط قرن نوزدهم جنبش ها و اقداماتی در جهت نظارت بر توسعه صنایع و حفظ سلامت و بهداشت شهرها آغاز گردید. از اوایل قرن بیستم، موضوع ساماندهی صنایع شهری جایگاه مهمی را در برنامه ریزی و طراحی شهری پیدا کرد.

## نظریه ایجاد «شهر صنعتی»

یکی از نخستین نظریه پردازان در زمینه شهرسازی مدرن «تونی

گارتنیه» فرانسوی (۱۹۴۸-۱۸۶۹) است که در سال ۱۹۱۷ طرح معروف «شهر صنعتی» را منتشر کرد. طرح «شهر صنعتی» اولین نظریه مدون و کل نگر در زمینه مکانیابی صنایع و طراحی شهری است که نوعی «منطقه بندی صنعتی» با گرایش به مفاهیم محیط زیست ارائه می دهد. در این طرح، مکانیابی صنایع، براساس انواع عملکرد صنایع و اثرات بیرونی آنها تعیین شده است.

طرح شهر صنعتی گارتنیه از نظر نحوه رویکرد به مکانیابی صنایع دارای دو نکته اساسی و تأثیرگذار بوده است. یکی اندیشه «جداسازی» مناطق صنعتی از سایر کاربری های شهری است که بعدها در «منشور آتن» و الگوی طرح های جامع شهری مورد پذیرش وسیع قرار گرفت، و دیگری پیشنهاد استفاده از «کمربند سبز» به منظور ایجاد حائل میان مناطق ناسازگار است. که امروزه جای استواری در برنامه ریزی و طراحی شهری پیدا کرده است.

## مراحل فرایند مطالعات تدوین ضوابط ساماندهی صنایع شهری

<ul style="list-style-type: none"> <li>• بررسی مفاهیم مربوط به مکانیابی و ساماندهی صنایع</li> <li>• بررسی مفاهیم مربوط به انواع صنایع و خدمات</li> <li>• بررسی مفاهیم مربوط به آلودگی و مزاحمت</li> <li>• بررسی مناسبت مربوط به طبقه بندی صنایع و خدمات</li> <li>• بررسی مبانی و رونق های مکانیابی و ساماندهی صنایع</li> <li>• بررسی مناسبت مربوط به طبقه بندی صنعتی</li> </ul>	<p><b>مرحله اول:</b></p> <p><b>مطالعات پایه</b></p> <p><b>و تجارت جهانی</b></p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• تحولات ساماندهی صنایع در شهرهای ایران</li> <li>• مقررات و تشکیلات ساماندهی صنایع از نظر مدیریت شهری</li> <li>• مقررات و تشکیلات ساماندهی صنایع از نظر مدیریت زیست محیطی</li> <li>• مقررات و تشکیلات ساماندهی صنایع از نظر مدیریت شهری</li> <li>• مقررات و تشکیلات ساماندهی صنایع از نظر مدیریت شهرسازی</li> <li>• پیشینه مطالعات پژوهشی در زمینه ساماندهی صنایع</li> </ul>	<p><b>مرحله دوم:</b></p> <p><b>تجارب ایران در ساماندهی صنایع</b></p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• ارائه تعریف پایه پیشنهادی</li> <li>• تدوین اهداف و راهبردهای ساماندهی صنایع</li> <li>• معرفی و گروه بندی انواع صنایع مجاز و غیر مجاز</li> <li>• ارائه ضوابط عمومی ساماندهی انواع صنایع شهری و غیر شهری</li> <li>• ارائه ضوابط اختصاصی ساماندهی براساس گونه بندی شهرهای کشور</li> <li>• ارائه ضوابط اختصاصی ساماندهی تصویر گاه های خودرو</li> <li>• ارائه ضوابط اختصاصی ساماندهی واحدهای قناری</li> <li>• ارائه ضوابط اختصاصی ساماندهی واحدهای درودگری</li> </ul>	<p><b>مرحله سوم:</b></p> <p><b>نتایج و پیشنهادات</b></p>

استقرار واحدهای صنعتی به کار می‌رود. البته تدوین و به کارگیری این استانداردها به تکامل روش‌های اندازه‌گیری، ابزارهای دقیق و کارکنان ماهر نیاز دارد، که به نوبه خود تابع امکانات و میزان کارایی مدیریت شهری و مدیریت زیست محیطی صنایع است.

استفاده از «استانداردهای خروجی» آزادی عمل بیشتر و معیارهای دقیق‌تری برای جدا کردن صنایع مجاز و غیرمجاز از یکدیگر به دست می‌دهد و امکانات بیشتری برای ایجاد آشتی میان مکان‌های اشتغال و مکان‌های سکونت و استفاده بهینه از اراضی شهری و نواحی صنعتی فراهم می‌سازد. در سال‌های اخیر، پیشرفت‌های علمی و فنی در زمینه تکنولوژی صنایع و کنترل اثرات زیانبار آن، باعث بهبود استانداردهای خروجی صنایع در جهان شده است. اما لازم به یادآوری است که در کشورهای جهان سوم به دلیل فراهم نبودن زیرساخت‌ها و شرایط لازم، هنوز تدوین و کاربرد استانداردهای خروجی صنایع با موانع زیاد روبرو است. بنابراین مکانیابی و ساماندهی صنایع در این کشورها هم چنان به اتخاذ سیاست‌های بازدارنده نیاز دارد.

#### دیدگاه‌های جدید در مکانیابی و ساماندهی صنایع شهری

به طور کلی، همراه با پیدایش تحول در بنیادهای فنی، اقتصادی و اجتماعی توسعه شهری، معیارهای مکانیابی صنعتی، نیز، در معرض تغییر قرار گرفته است. با پیشرفت‌های جدید در زمینه تکنولوژی صنایع، تکنولوژی ارتباطات و کنترل، توسعه امکانات حمل و نقل، سازماندهی واحدهای صنعتی، رشد طراحی شهری و معماری صنعتی و ... محدودیت‌های مکان‌گزینی صنعتی، به تدریج کاهش یافته و از چارچوب سنتی خود خارج شده است. امروزه به جای سیاست‌های افراطی طرد صنایع از شهرها، بیشتر از سیاست‌هایی حمایت می‌شود که در راستای تعدیل مشکلات ناشی از صنایع و انطباق دادن هر چه بیشتر فعالیت آنها با نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فضایی شهرها قرار دارد. از جمله این سیاست‌ها، علاوه بر سیاست گسترده نظام نظارت بر عملکرد صنایع، می‌باید از ایجاد انواع مجتمع‌های جدید صنعتی و تقویت طراحی شهری و تکامل معماری صنعتی یاد کرد.

در چند دهه اخیر، به منظور کاهش مشکلات استقرار صنایع در شهرها و ایجاد سازگاری بیشتر میان فعالیت‌های صنعتی و بافت‌های شهری، اشکال کالبدی جدیدی برای تمرکز و استقرار واحدهای صنعتی و خدمات وابسته به آنها ابداع شده است که از دستاوردهای مثبت ساماندهی صنایع محسوب می‌شود. توسعه روزافزون «پارک‌های علمی»، «پارک‌های صنعتی»، «مراکز تکنولوژی» و انواع «مجتمع‌های صنعتی» در کشورهای مختلف، جهان، امکانات جدیدی برای مکانیابی و ساماندهی صنایع در جهت حفظ منافع اقتصادی، سلامت محیط زیست و زیبایی شهرها به وجود آورده است. از جمله

#### ضوابط منطقه‌بندی صنعتی (Industrial Zoning)

مفهوم «منطقه‌بندی» در شهرسازی جهان، ابتدا در اوایل قرن بیستم در ایالات متحده و اروپا به وجود آمد، ولی به سرعت به عنوان یکی از اصول طرح‌های جامع شهری در سراسر جهان رواج پیدا کرد. اساس منطقه‌بندی، در آغاز بر جداسازی فعالیت‌های تاسازگار، از جمله فعالیت‌های صنعتی از نواحی مسکونی استوار بوده، اما این ضوابط در چند دهه اخیر تحولات زیادی به خود دیده است.

در ضوابط اولیه منطقه‌بندی، اهمیت چندانی برای صنایع قائل نبودند و معمولاً بدترین زمین‌ها به آنها اختصاص داده می‌شد، اما به تدریج «منطقه صنعتی» به عنوان یکی از مناطق اصلی شهر (در کنار مناطق مسکونی و تجاری) اهمیت زیادی پیدا کرد و ضوابط مربوط به نحوه مکانیابی و استقرار واحدهای صنعتی، رو به توسعه و تکامل نهاد. اساس منطقه‌بندی صنعتی به طور کلی بر دو پایه یعنی «طبقه‌بندی صنایع» از یک طرف و «تعیین مکان مناسب» برای هر طبقه از صنایع، از طرف دیگر، استوار است.

رویکرد رایج در شهرسازی امروز جهان این است که اگر چه ضوابط منطقه‌بندی و از جمله ضوابط منطقه‌بندی صنعتی، در ماهیت خود، برای حفظ سلامت و هدایت توسعه شهری لازم است، اما این ضوابط به صورت قدیمی و سنتی خود با عوارض منفی بسیار همراه بوده و لازم است که مورد اصلاح و تعدیل قرار گیرد. به همین دلیل در نظام‌های پیشرفته برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در دنیا، معیارها و روش‌های جدیدی برای تدوین و اجرای ضوابط منطقه‌بندی ابداع شده که به جای جداسازی کامل کاربری‌ها، بیشتر به ایجاد تنوع، اختلاط و سازگاری میان آنها و آشتی میان صنعت و شهرگرایش دارد. از جمله باید به الگوهای جدید منطقه‌بندی مثل «منطقه‌بندی انعطاف‌پذیر»، «منطقه‌بندی چند کارکردی»، «منطقه‌بندی شناور»، «منطقه‌بندی تشویقی» و غیره اشاره کرد.

در معیارهای جدید منطقه‌بندی صنعتی، به جای جداسازی کامل صنایع و غیرمجاز اعلام کردن گروه‌های کلی صنایع، رویکرد منطقی‌تر و عملی‌تری برای مکانیابی و ساماندهی صنایع مطرح شده است. در این رویکرد، اساس طبقه‌بندی صنایع و معیارهای مکانیابی آنها، بیشتر بر نحوه کار صنایع و نحوه مدیریت آنها استوار است تا بر نوع صنایع. به این منظور برای شناسایی عملکرد صنایع از «استانداردهای خروجی» استفاده می‌شود که برای کنترل اثرات فعالیت صنعتی مثل دود، بو، صدا، گردوغبار، ارتعاش، آلودگی آب و غیره تهیه و تدوین می‌شود. این نظام را «منطقه‌بندی براساس استانداردهای خروجی» می‌نامند. در این رویکرد، به جای فهرست کردن صنایع مجاز، حداکثر میزان مجاز اثرات بیرونی، که هر صنعت در ناحیه‌ای معین می‌تواند تولید کند معلوم می‌شود. و این حد به عنوان معیار مکانیابی و نحوه

ویژگی توسعه صنعتی ناموزون در ایران همراه با رشد شتابناک شهرنشینی و شهرگرایی، در چند دهه اخیر، جدا از عوارض منفی اقتصادی - اجتماعی، اثرات بسیار نامطلوبی بر توسعه کالبدی - فضایی شهرهای کشور به جای نهاده است. از یک طرف، توزیع جغرافیایی صنایع به صورتی ناموزون در آمده و شبکه شهری کشور را دچار اختلال کرده، و از طرف دیگر، سازمان کالبدی - فضایی شهرها با انواع تراکم، تراکم و ناسازگاری روبرو شده است. بررسی چگونگی روند مکان گزینی و استقرار صنایع در شهرهای ایران و مسائل ناشی از آنها بیانگر دو ویژگی غالب است که از نظر ریشه بایستی مشکلات ساماندهی صنایع شهری و چاره جویی برای آنها اهمیت دارد:

**الف - توسعه شهری شتابناک:** این امر باعث پیدایش پدیده «دفع و جذب صنایع» یعنی «برون افکنی» صنایع و خدمات مزاحم از بافت های شهری و «اشغال مجدد» آن شده است.

**ب - تنوع و تعدد واحدهای کوچک:** انبوه واحدهای کوچک تولیدی و خدماتی کهنه و نو، به کالبد شهرهای ایران چسبیده اند، به طوری که بیشترین صنایع مزاحم و بیشترین مصداق آلودگی در شهرهای ایران، به عملکرد واحدهای کوچک تولیدی و خدماتی (تعمیرگاه های خودرو، تجاری، آهنگری، واحدهای اوراقچی و غیره) مربوط می شود تا به صنایع بزرگ.

از آغاز روند صنعتی شدن ایران و شروع برنامه ریزی اقتصادی و شهری، تا به امروز، اقدامات گوناگونی در جهت نظارت و هدایت توسعه صنعتی و توسعه شهری صورت گرفته که به عرصه های مختلف مثل مقررات شهرداری، قوانین شهرسازی، ضوابط محیط زیست، مدیریت توسعه صنعتی و غیره مربوط می شود، به منظور حفظ ایجاز، در «جدول پیوست» تصویری فشرده و خلاصه از سیر تکوینی اقدامات مربوط به مکانیابی و ساماندهی صنایع شهری در ایران ارائه شده است.

### نظامات مؤثر در مکانیابی و ساماندهی صنایع در ایران

به طوری که از تحلیل تجارب مکانیابی و ساماندهی صنایع در ایران بر می آید، در حال حاضر، نظاماتی که در نحوه مکانیابی و ساماندهی صنایع و خدمات در شهرهای کشور، تأثیر اساسی و مستقیم دارند، شامل چهار نظام مدیریتی مختلف به شرح زیر است:

الف - مدیریت توسعه صنعتی

ب - مدیریت زیست محیطی

پ - مدیریت شهرسازی

ت - مدیریت شهری

در زیر به نقش و عملکرد هر یک از این نظامات، به طور خلاصه، اشاره می شود.

باید به انواع «مجموع های صنایع شهری» اشاره کرد که اصولاً برای ساماندهی صنایع مورد نیاز شهر تشکیل می شود. مثل: «مجموع صنایع غذایی»، «مجموع صنایع مصالح ساختمانی»، «مجموع صنایع بافندگی»، «مجموع تعمیراتی خودرو».

امروزه به برکت توسعه و تکامل «معماری صنعتی»، بسیاری از کارخانه ها و واحدهای صنعتی به نحوی طراحی و ساخته می شوند که از نظر منظرسازی و ایجاد تسهیلات جنسی، نه تنها هیچ گونه آسبین به محیط پیرامون خود نمی رسانند، بلکه با ایجاد تحرک اقتصادی، تنوع فضایی و نزدیکی کار و مسکن به افزایش جاذبه و بهسازی محیط شهری کمک می کنند.

### نظری به تجارب ایران در زمینه ساماندهی صنایع

نحوه توسعه و استقرار صنایع در شهرهای ایران، از یک طرف، به روند کلی تحولات توسعه شهرنشینی و شهرسازی بستگی دارد، و از طرف دیگر تابع قوانین، تشکیلات و عملکرد نهادهای مختلفی است که با اهداف و وظایف گوناگون، در امر مکانیابی و ساماندهی صنایع و خدمات دخالت دارند.

### تحولات روند مکانیابی و ساماندهی صنایع در ایران

در شهرهای قدیم ایران، نحوه استقرار واحدهای تولیدی و خدماتی، اصولاً بر پایه نوعی سلسله مراتب عملکردی و انطباق فعالیت با مکان، براساس اصل «مردم واری» یا رعایت مقیاس انسانی استوار بوده، و در نتیجه مزاحمت زیادی به همراه نداشته است. اما در تحولات جدید شهرنشینی، به دلیل رشد سریع و بی رویه توسعه شهری، رواج وسایل حمل و نقل ماشینی، تنوع و تمرکز بیش از حد صنایع و خدمات، پدیده مکانیابی و ساماندهی صنایع شهری با مسائل و مشکلات جدیدی روبرو شده که به اختلال و عدم تعادل در روابط شهر و صنعت انجامیده است.

از یک نظر، توسعه شهری در ایران متکی به توسعه صنعتی بوده و به همین دلیل بخش مهمی از مسائل و مشکلات مکان گزینی و استقرار صنایع در شهرها، به فرایند توسعه صنعتی و توسعه شهرنشینی در ایران مربوط می شود. به طور کلی می توان مراحل توسعه صنعتی در ایران و بازتاب آن در توسعه شهری را به سه مرحله عمده تقسیم کرد:

مرحله اول، آشنایی با صنایع جدید: اواخر قاجار و نخستین تحولات کالبدی در شهرها

مرحله دوم، شکل گیری صنایع جدید: دوره رضاخان همراه با نوسازی شهرها و رشد آرام توسعه

مرحله سوم، تسلط اقتصاد صنعتی: دهه ۴۰ به بعد همراه با رشد سریع شهرنشینی و شهرسازی

## سیر تکوینی مقررات و اقدامات مربوط به مکانیابی و ساماندهی صنایع

تاریخ	نوع اقدام	مصادرات و موضوعات سداخته
۱۳۳۴ و ۱۳۴۵	تصویب قانون شهرداری و اصلاح آن	بند ۲۰ ماده ۵۵ - حق نظارت شهرداری‌ها بر نحوه فعالیت واحدهای تولیدی و خدماتی، حق تعطیل و انتقال
۱۳۴۲ و ۱۳۴۷	تأسیس سازمان صنایع کوچک و نواحی صنعتی	توسعه صنایع کوچک، تمرکز و بهبود وضع صنایع، تأسیس نواحی صنعتی -
۱۳۴۷	تصویب قانون نوسازی و عمران شهری	حق نظارت شهرداری بر طرح‌های شهری و نوسازی و تأمین رشد موزون، حق تمسک و انتقال واحدهای مزاحم -
۱۳۵۱	تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران تأسیس وزارت مسکن و شهرسازی	تصویب طرح‌های شهری، تصویب ضوابط شهرسازی (از جمله ضوابط منطقه‌بندی و کاربری زمین)، نظارت بر اجرای طرح‌های شهری، هدایت توسعه شهری -
۱۳۵۳	تصویب قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست	تعریف آلودگی، شناسایی و معرفی واحدهای آلاینده، همکاری با شهرداری‌ها -
۱۳۵۹	تصویب قانون نظام صنفی	نظارت بر عملکرد اصناف تولیدی و خدمات فنی، معرفی مشاغل فنی، همکاری اصناف با شهرداری -
۱۳۶۲	تأسیس شرکت شهرک‌های صنعتی	نظارت بر توسعه صنایع، رعایت ضوابط زیست محیطی و شهرسازی، انتقال صنایع مزاحم شهری، همکاری نهادها -
۱۳۶۹	تأسیس شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل شهر تهران	احیای بند ۲۰ ماده ۵۵ ایجاد نظام پیگیری و نظارت، تأسیس مجتمع‌های صنعتی - خدماتی و -
۱۳۷۰	تهیه طرح ساماندهی صنایع تهران	مطالعه و شناسایی صنایع تهران، طبقه‌بندی صنایع از نظر آلودگی و میزان سازگاری، ارائه ضوابط ساماندهی -
۱۳۷۱	تدوین ضوابط و معیارهای استقرار صنایع (محیط زیست)	طبقه‌بندی از نظر زیست محیطی (۱۱ گروه اصلی و ۶ گروه فرعی)، ارائه ضوابط مکانیابی برای هر گروه -
۱۳۷۳	تصویب آیین‌نامه جلوگیری از آلودگی آب	تعریف آلودگی آب و معرفی منابع آن، اقدام برای تدوین استانداردهای آلودگی آب و فاضلاب، اقدام برای جلوگیری از فعالیت‌های آلاینده -
۱۳۷۴	تصویب قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا	تعریف آلودگی هوا و معرفی منابع آن، اقدام برای تدوین استانداردهای آلودگی هوا، اقدام برای جلوگیری از فعالیت‌های آلاینده -

## نقش مدیریت صنعتی در مکانیابی و ساماندهی صنایع

از دیدگاه اقتصاد کلان و برنامه ریزی توسعه صنعتی، مکانیابی و ساماندهی صنایع، تا حدود زیادی به سیاست‌ها و اقدامات هر کشور در زمینه برنامه ریزی فضایی و آمایش سرزمین بستگی دارد. در ایران، به دلیل عدم وجود طرح‌های آمایش ملی و منطقه‌ای، روند مکان‌گزینی و استقرار صنایع، در اغلب موارد فارغ از ملاحظات برنامه‌ای و الزامات توسعه هماهنگ صورت پذیرفته است. این وضع، یکی از علل توسعه بی‌رویه و توزیع نامتوازن فعالیت‌های صنعتی در مراکز جمعیتی و بروز مشکلات زیست محیطی و کالبدی در شهرهای کشور محسوب می‌شود.

مهم‌ترین اقدام در زمینه مدیریت توسعه صنعتی در کشور، تصویب قانون «شهرک‌های صنعتی» در سال ۱۳۶۲ است. تا سال ۱۳۷۶ حدود ۲۶۲ شهرک صنعتی در کل کشور به تصویب رسیده که تعداد ۱۸۹ شهرک آن به مرحله اجرا و فعالیت درآمده است. با توجه به عملکرد شهرک‌های صنعتی در وضع موجود، به طور کلی می‌توان گفت که تجارب این شهرک‌ها در زمینه مکانیابی و ساماندهی صنایع

و خدمات شهری» چندان موفق نبوده است. دلایل اصلی این وضع این است که اولاً هنوز پیش شرط‌های لازم برای ساماندهی مطلوب صنایع (مثل طرح‌های آمایش، نظام ارزیابی زیست محیطی، مدیریت کارآمد و ...) به اندازه کافی فراهم نیست، ثانیاً در مقررات تأسیس شهرک‌های صنعتی توجه لازم و کافی به تفکیک صنایع شهری و غیرشهری و ضرورت ایجاد انواع مجتمع‌های صنعتی برای آنها، نشده است.

## نقش مدیریت زیست محیطی در ساماندهی صنایع

امروزه هرگونه اقدام در زمینه مکانیابی و ساماندهی صنایع، مستلزم رعایت دقیق ملاحظات زیست محیطی است که در جهت اهداف «توسعه پایدار» و حفظ «کیفیت محیط زندگی» (محیط طبیعی، اجتماعی و کالبدی) قرار دارد. مدیریت زیست محیطی صنایع به طور کلی براساس سه محور زیر استوار است:

- الف - نظام ارزیابی زیست محیطی اثرات صنایع بر شهر
- ب - تدوین و تدقیق استانداردهای زیست محیطی صنایع
- پ - ایجاد نظام مراقبت در عملکرد صنایع

صنعتی و خدماتی بر روی شهر، به زبان عادی و غیر تخصصی بیان شده و به همین دلیل نیازمند تشریح و تفسیر است.

اجرای مفاد بند ۲۰ ماده ۵۵ بنا به علل مختلف، همواره با موانع زیادی روبرو بوده و تا سال های اخیر معمولاً به عنوان یک قانون مهجور تلقی می شده است. از طرف دیگر، با توجه به کلی بودن این قانون و ابهامات نظری و علمی آن، اجرای مقررات آن در پهنه عمل تا حدود زیادی به نحوه تشخیص متصدیان اجرایی و صلاح دید آنان وابسته بوده است. در سال های اخیر، به دلیل حاد شدن مسائل محیطی و کالبدی شهرهای کشور، ضرورت دخالت جدی تر در زمینه ساماندهی صنایع و فعال کردن بند ۲۰ ماده ۵۵، به شدت مطرح گردید؛ به طوری که در سال ۱۳۶۹، ابتدا «شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل شهر تهران» تاسیس شد و سپس شرکت های مشابه در برخی از شهرهای بزرگ دیگر کشور (اصفهان، شیراز و مشهد) به وجود آمد. تشکیل شرکت های ساماندهی صنایع و مشاغل شهری، گام بسیار مهمی در زمینه احیای بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری و گسترش اقدامات مدیریت شهری در زمینه ساماندهی صنایع و خدمات شهری محسوب می شود. با تاسیس این شرکت ها مسائل و مباحث مربوط به ساماندهی صنایع و خدمات مزاحم و آلاینده، صورتی علمی تر، جدی تر و سازمان یافته تر پیدا کرده و نیز شناخت بیشتری در مورد کمیت و کیفیت انواع فعالیت ها و آلودگی ها به دست آمده است. به ویژه نتایج عملکرد شرکت های ساماندهی صنایع و مشاغل شهر، از سه جنبه زیر بسیار حائز اهمیت است:

- الف - تفسیر مقررات بند ۲۰ و تدقیق تعاریف و مفاهیم مربوط به آلودگی، مزاحمت، روش های رفع مزاحمت و غیره
- ب - ایجاد سازمان مستقل اجرایی برای ساماندهی صنایع و مشاغل شهری
- پ - تدوین آمارهای مربوط به انواع فعالیت های آلاینده و مزاحم اگر چه ارائه ارزیابی دقیق از عملکرد شرکت های ساماندهی صنایع و مشاغل شهر، زود است ولی می توان با توجه به برخی ملاحظات و استنباطات کلی، به کمبودهای آنها در شرایط کنونی اشاره کرد:

- ابهام در جایگاه حقوقی و قانونی شرکت ساماندهی صنایع
- ابهام در وضعیت هیات رسیدگی بند ۲۰ ماده ۵۵
- تعدد و تداخل در وظایف مختلف علمی و اجرایی
- ابهام در تعاریف و طبقه بندی صنایع و خدمات
- ابهام در تعریف و عملکرد انواع مجتمع های صنعتی - خدماتی

#### نقش مدیریت شهرسازی در ساماندهی صنایع

مدیریت شهرسازی کشور، اصولاً، از دو طریق در نحوه مکانیابی و ساماندهی صنایع و خدمات شهری دخیل و تاثیرگذار است:

بندهی است که اعمال مدیریت زیست محیطی به قوانین، تشکیلات، نهادهای علمی، استانداردهای دقیق، کارشناسان خبره، آگاهی و مشارکت عمومی، و منابع مالی کافی نیاز دارد. در واقع اعمال مدیریت زیست محیطی مستلزم فراهم کردن زیر ساخت های علمی، اقتصادی و اداری مناسب است.

سازمان حفاظت محیط زیست ایران، علاوه بر مقررات و ضوابط عمومی مربوط به محیط زیست، مجموعه مقرراتی با عنوان «ضوابط و معیارهای استقرار صنایع و مراکز خدماتی»، در سال ۱۳۷۱ به تصویب رسانده که گام مهمی در زمینه مکانیابی و ساماندهی صنایع در ایران محسوب می شود و تنها سندی است که در طرح های صنعتی و طرح های شهری مورد استفاده قرار می گیرد. اما با توجه به مجموعه شرایط موجود می توان گفت که مقررات کنونی ایران، در زمینه مدیریت زیست محیطی صنایع، از چند نظر ناکافی و غیرآمد است: اولاً؛ هنوز ضوابط کافی و دقیق برای تمام فعالیت های آلاینده و مزاحم و انواع تضاد آلودگی و مزاحمت وجود ندارد (مثل ضوابط آلودگی صوتی و ...).

ثانیاً؛ برای اجرای مقررات زیست محیطی، تمهیدات کافی فنی، قانونی، سازمانی، مالی و غیره فراهم نشده است و بنابراین ضمانت اجرایی ندارد.

ثالثاً؛ مقررات موجود، فقط به عوارض خاص زیست محیطی صنایع نظر دارد و بنابراین در زمینه تشخیص و جلوگیری از مزاحمت های اقتصادی، اجتماعی و بصری صنایع کارایی ندارد. در سال های اخیر، سازمان حفاظت محیط زیست ایران مقرراتی در زمینه اعمال «ارزیابی زیست محیطی» و تکمیل «استانداردهای زیست محیطی» به تصویب رسانده که از نظر اهداف مکانیابی و ساماندهی صنایع منبذ است ولی مشکل اجرای این ضوابط و نظارت بر عملکرد صنایع، به ویژه در مورد صنایع شهری هم چنان به قوت خود باقی است.

#### نقش مدیریت شهری در ساماندهی صنایع

در حال حاضر، شهرداری ها از طریق دو قانون، یعنی «قانون نظام صنفی» (۱۳۵۹) و «قانون شهرداری» (مصوب ۱۳۳۴ و اصلاحات بعدی) وظیفه و مسئولیت سامان بخشی و نظارت مستقیم بر فعالیت واحدهای تولیدی و خدماتی را برعهده دارند. مهم ترین ابزار قانونی مدیریت شهری برای مداخله در امر نظارت بر فعالیت واحدهای تولیدی و خدماتی مستقر در شهر و ساماندهی آنها، بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری (اصلاحیه ۱۳۴۵) است که به موجب آن اجازه جلوگیری از کلیه فعالیت های غیر بهداشتی و مزاحم برای شهروندان، به شهرداری داده شده است البته در این متن قانونی، با توجه به زمان تصویب آن (۱۳۴۵)، مفاهیم و مسائل مربوط به اثرات فعالیت

الف - مقررات و ضوابط شهرسازی، که بخشی از آنها به مقررات منطقه بندی صنعتی، ضوابط راه های شهری و ضوابط استقرار واحدهای صنعتی مربوط می شود.

ب - تهیه و اجرای طرح های شهری، تهیه کنندگان طرح های شهری (جامع، تفصیلی، هادی و ...) موظف هستند پهنه های صنعتی را براساس انواع صنایع (مزاحم یا غیرمزاحم) تعریف و ضوابط مربوط به انواع کاربری های صنعتی را تعیین کنند.

به طوری که بررسی اجمالی مقررات شهرسازی و شرح خدمات تهیه انواع طرح های شهری نشان می دهد، توجه به این مقررات و مطالعات بیشتر به تقسیم کاربری زمین و تعیین سهم کاربری های عمده معطوف بوده و کمتر در آنها به مسائل و مباحث خاص ساماندهی فعالیت های صنعتی و خدمات فنی توجه شده است. با توجه به کمیت و کیفیت مقررات شهرسازی و نتایج اجرای طرح های شهری در ایران، می توان نقایص و نارسایی اقدامات مدیریت شهرسازی را در زمینه ساماندهی صنایع و خدمات شهری، به صورت زیر خلاصه و دسته بندی کرد:

الف - ابهام در مفاهیم و مقولات اساسی، مثل ابهام و اختلاط در تعاریف مربوط به انواع کاربری ها (صنعتی، تجاری، خدماتی و ...) و طبقه بندی صنایع (سنگین، سبک و غیره)، و ابهام در تعاریف و مصادیق انواع آلودگی و مزاحمت و نظایر آن.

ب - نارسایی در کاربرد ضوابط منطقه بندی، مثل تاکید بر جداسازی صنایع و اعمال ضوابط یکسان و نادیده گرفتن ملازمت شهر و صنعت و غیره.

ب - نارسایی در تقسیمات کالبدی و سلسله مراتب عملکردی، مثل تاکید بر تقسیمات کالبدی، یکنواخت و مصنوعی و عدم توجه به شعاع عملکرد واقعی واحدهای صنعتی و خدماتی و ...

ت - نارسایی در ضوابط مکانیابی و ساماندهی صنایع: مثل تاکید بر احکام کلی و ضوابط صرفاً زیست محیطی و عدم توجه به پیش شرط های فنی، سازمانی و اجرایی ساماندهی صنایع، و عدم توجه به نقش طراحی شهری و معماری صنعتی در ساماندهی واحدهای صنعتی.

## گروه بندی مسائل و مشکلات ساماندهی صنایع شهری در ایران

نتایج ارزیابی تجارب ساماندهی صنایع شهری در ایران حاکی از این است که در این زمینه هنوز نظام سازمان یافته و یکپارچه ای وجود ندارد و فرایند مکان گزینی صنایع، به ویژه در شهرها، با مسائل و مشکلات گوناگون روبرو است. در یک جمع بندی کلی، می توان مسائل و مشکلات ساماندهی صنایع و خدمات شهری را به سه گروه عمده به شرح زیر تقسیم کرد:

## الف - مسائل و مشکلات بنیادی ساماندهی صنایع

بخش مهمی از مشکلات ساماندهی صنایع شهری از عوامل کلان و فراشهری مثل نارسایی در نظام برنامه ریزی فضایی، ناهماهنگی در برنامه های توسعه صنعتی، نارسایی در طرح های شهری و منطقه ای، ضعف ابزارهای نظارت عمومی، و مانند اینها سرچشمه می گیرد. از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- عدم طرح های آمایش ملی و منطقه ای
- ناهماهنگی در برنامه های توسعه صنعتی و توسعه شهری
- تعارض بخش عمومی و خصوصی در مکانیابی فعالیت ها
- ضعف برنامه ریزی و طراحی شهری

## ب - مسائل و مشکلات علمی - فنی ساماندهی صنایع

ساماندهی صنایع شهری به شناسایی و طبقه بندی علمی انواع صنایع، استانداردهای دقیق، ابزارهای نظارت و مراقبت، پژوهش مستمر و غیره نیاز دارد. اما در شرایط کنونی کشور کمبودهای جدی در این زمینه مشاهده می شود، که از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ابهام در تعاریف و مفاهیم مربوط به ساماندهی صنایع
- کمبود مطالعات پایه و کاربردی در زمینه ساماندهی صنایع
- نارسایی استانداردهای زیست محیطی صنایع
- ضعف نظام نظارت بر عملکرد صنایع

## پ - مسائل و مشکلات مدیریتی و اجرایی ساماندهی صنایع

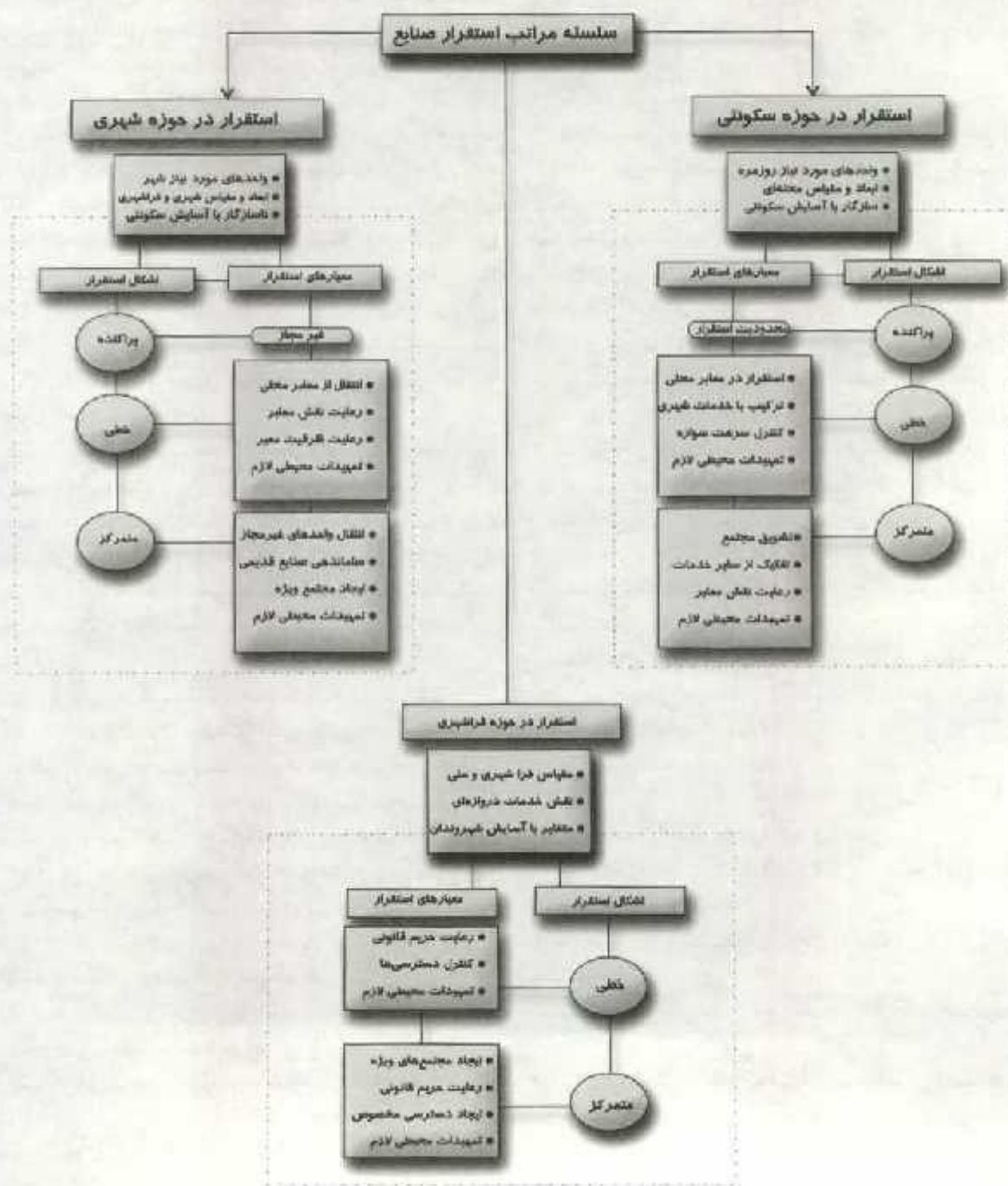
ساماندهی صنایع و خدمات شهری، اصولاً فرایندی میان بخشی است، در حالی که در شرایط موجود کشور متولیان مختلف با اهداف بخشی متفاوت در آن دخالت دارند. این وضع زمینه ساز بروز مشکلاتی است که اهم آنها به قرار زیر است:

- عدم برنامه ریزی هماهنگ و یکپارچه در زمینه ساماندهی صنایع
- دخالت نهادهای مختلف با وظایف متفاوت
- نارسایی قوانین و تشکیلات ساماندهی صنایع (فنی، اجرایی و مالی)
- ناهماهنگی در اقدامات و تداخل وظایف درون شهری و برون شهری
- ضعف مشارکت بخش خصوصی و مردمی در ساماندهی صنایع

## مبانی و معیارهای نظام پیشنهادی ساماندهی صنایع

به طور کلی سامان بخشی و نظم بخشی به فعالیت های صنعتی در شهرها، تابع دخالت عوامل متعدد (عوامل اقتصادی، زیست محیطی، کالبدی و فنی)، از یک طرف، و تابع تصمیم گیری و عملکرد نهادهای مختلف (وزارت صنایع، سازمان حفاظت محیط زیست، وزارت عسک

## نمودار ضوابط عمومی ساماندهی صنایع بر اساس سلسله مراتب عملکردی



و شهرسازی و شهرداری‌ها، از طرف دیگر، است. بنابراین فرایند مکانیابی و ساماندهی صنایع شهری به اقدامات چند وجهی، میان بخشی و سازمان یافته به صورت یک «نظام ساماندهی هماهنگ» در سطوح مختلف، نیاز دارد. با توجه به این ضرورت اساسی و در نظر گرفتن مشکلات ساماندهی صنایع در شهرهای ایران، نظام ساماندهی پیشنهادی در این مطالعات، بر پایه سه محور یا سه سطح به ترتیب زیر تدوین و ارائه شده است:

الف - ارائه تعاریف و راهبردهای ساماندهی پیشنهادی

ب - ارائه ضوابط عمومی ساماندهی انواع صنایع شهری  
ب - ارائه ضوابط اختصاصی ساماندهی (ارشته های نمونه صنایع) به منظور آشنایی کلی با نظام ساماندهی پیشنهادی، رئوس آن در «جدول پیوست» به تفکیک سطوح سه گانه، به طور خلاصه معرفی شده است.

در چارچوب نظام پیشنهادی یاد شده در این مقاله، فقط به معرفی رئوس مبانی و معیارهای پیشنهادی بسنده می شود و برای اطلاع بیشتر باید به متن گزارش های اصلی رجوع کرد.

جدول نظام پیشنهادی ضوابط ساماندهی صنایع و خدمات قتی شهری (سه سطح)

۱ - تعاریف پایه و راهبردهای ساماندهی صنایع	۲ - ضوابط عمومی ساماندهی صنایع	۳ - ضوابط اختصاصی ساماندهی (تعمیرگاه های خودرو)
۱-۱ - تعریف جامع مکانیابی و ساماندهی صنایع	۱-۲ - گروه بندی و معرفی صنایع مجاز و غیر مجاز	۱-۳ - تعاریف و طبقه بندی انواع تعمیرگاه های خودرو
۲-۱ - اهداف کلان ساماندهی صنایع	۲-۲ - الگوی عمومی ساماندهی صنایع شهری و غیر شهری	۲-۳ - اشکال آلودگی و مزاحمت تعمیرگاه های خودرو
۳-۱ - طبقه بندی انواع صنایع شهری و غیر شهری	۳-۲ - ضوابط عمومی ساماندهی صنایع غیر شهری	۳-۳ - ضوابط ساماندهی تعمیرگاه های عمومی خودرو
۴-۱ - تعریف جامع آلودگی و مزاحمت	۴-۲ - ضوابط عمومی ساماندهی صنایع شهری	۴-۳ - ضوابط ساماندهی تعمیرگاه های برون شهری خودرو
۵-۱ - رهنمودهای مربوط به مدیریت شهری	۵-۲ - ضوابط عمومی راه های شهری در ساماندهی صنایع	۵-۳ - ضوابط گالبدی - فضایی تعمیرگاه های خودرو
۶-۱ - رهنمودهای مربوط به مدیریت شهری	۶-۲ - ضوابط عمومی ساماندهی در فلسف گوناگونی شهرهای کشور	۶-۳ - ضوابط واحدهای نگهداری
۷-۱ - رهنمودهای مربوط به مدیریت توسعه صنعتی	۷-۲ - الگوی عمومی ساماندهی براساس سلسله مراتب عملکردی	۷-۳ - ضوابط واحدهای تعمیرات عمومی
۸-۱ - رهنمودهای پژوهشی در ساماندهی صنایع	۸-۲ - ضوابط عمومی ساماندهی در حوزه سکونت	۸-۳ - ضوابط واحدهای بازسازی
	۹-۲ - ضوابط عمومی ساماندهی صنایع در حوزه شهری	۹-۳ - ضوابط مجتمع های تعمیرگاهی برون شهری
	۱۰-۲ - ضوابط عمومی ساماندهی صنایع در حوزه برون شهری	

### تعریف جامع مکانیابی و ساماندهی صنایع شهری

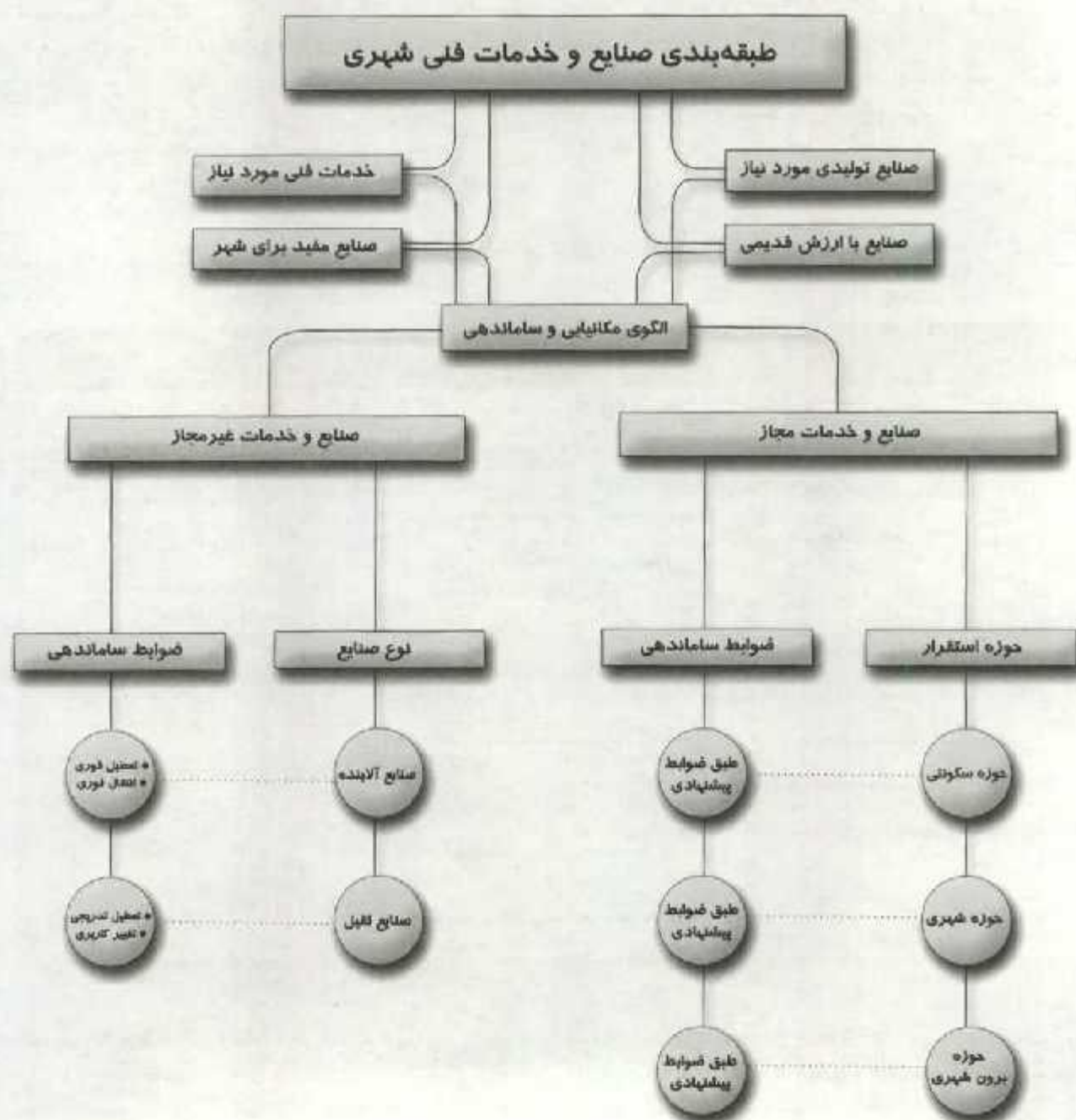
با توجه به مفاهیم «توسعه پایدار شهری» و حفظ هماهنگی میان صنعت و شهر، موضوع مکانیابی و ساماندهی صنایع شهری به صورت زیر تعریف می شود:

مکانیابی و ساماندهی صنایع شهری عبارت است از روند تعریف و طبقه بندی صنایع مورد نیاز و مفید برای شهر (معرفی صنایع مجاز و

غیر مجاز) و تعیین حوزه و شکل استقرار آنها در نواحی مختلف شهر و نظارت همه جانبه بر عملکرد آنها به نحوی که بیشترین فایده و کمترین زیان را برای شهر و شهروندان داشته باشد.

براساس این تعریف، اهداف کلان ساماندهی صنایع شهری که به حفاظت، سلامت و کیفیت زندگی در محیط شهری معطوف است به سه گروه اصلی به شرح «جدول پیوست» تقسیم می شود.

## نمودار الگوی عمومی ساماندهی انواع صنایع شهری



## اهداف کلان ساماندهی صنایع و خدمات شهری

گروه	نوع اهداف	محورهای مهم
۱	اهداف زیست محیطی	<ul style="list-style-type: none"> <li>حفاظت از منابع محیط طبیعی</li> <li>حفاظت از محیط انسان - ساخت</li> <li>کاهش آلودگی و مزاحمت</li> <li>حفظ سلامتی جسمی و روانی شهروندان</li> </ul>
۲	اقتصادی - اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> <li>تأمین نیازهای شهروندان (کالا و خدمات)</li> <li>حفظ و تقویت قدرت اقتصادی شهر</li> <li>حفظ ارزش زمین و ساختمان</li> <li>حفظ ارزش های تاریخی و فرهنگی صنایع شهر</li> <li>تقویت نوع و تحرک در محیط شهر</li> </ul>
۳	اهداف کالبدی - فضایی	<ul style="list-style-type: none"> <li>کاهش تراکم و ازدحام در محیط شهر</li> <li>تأمین دسترسی آسان و راحت به مراکز تولیدی و خدماتی</li> <li>ایجاد تعادل میان فضا و فعالیت</li> <li>زیباسازی فضای کار و فعالیت</li> </ul>

**الف - صنایع و خدمات فنی شهری:** که وجود آنها به کالبد شهر وابسته است و بنابراین مسئولیت ساماندهی آنها بر عهده مدیریت شهری قرار دارد.

**ب - صنایع و خدمات فنی غیر شهری:** که ضرورتاً ارتباط مستقیمی با محیط و کالبد شهر ندارند و مکانیابی و ساماندهی آنها مشمول ضوابط عام آمایش و توسعه صنعتی، و مقررات عمومی محیط زیست است. در «جدول پیوست»، ساختار طبقه بندی انواع صنایع شهری و غیر شهری همراه با ویژگی های مهم آنها، که مبنای تعیین ضوابط مکانیابی و ساماندهی قرار گرفته، به طور خلاصه معرفی شده است.

## تعریف جامع آلودگی و مزاحمت

از نظر برنامه ریزی و مدیریت شهری، آلودگی و مزاحمت ناشی از فعالیت های تولیدی و خدماتی، دارای ابعاد مختلف زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی و کالبدی - فضایی است و بنابراین به صورت زیر تعریف می شود:

«آلودگی و مزاحمت» به کلیه نتایج ناشی از فعالیت های تولیدی و خدمات گوناگون اطلاق می شود که در شرایط عمومی محیط زندگی انسان (محیط طبیعی و کالبدی، محیط اقتصادی - اجتماعی و محیط روانی) اثرات منفی و اختلال ایجاد می کند و به نوعی باعث کاهش کیفیت زندگی می شود.

بر اساس این تعریف، انواع مصادیق و اشکال بروز آلودگی و مزاحمت ناشی از فعالیت صنایع در محیط شهری شامل ۱۳ مورد است که در جدول پیوست معرفی شده است.

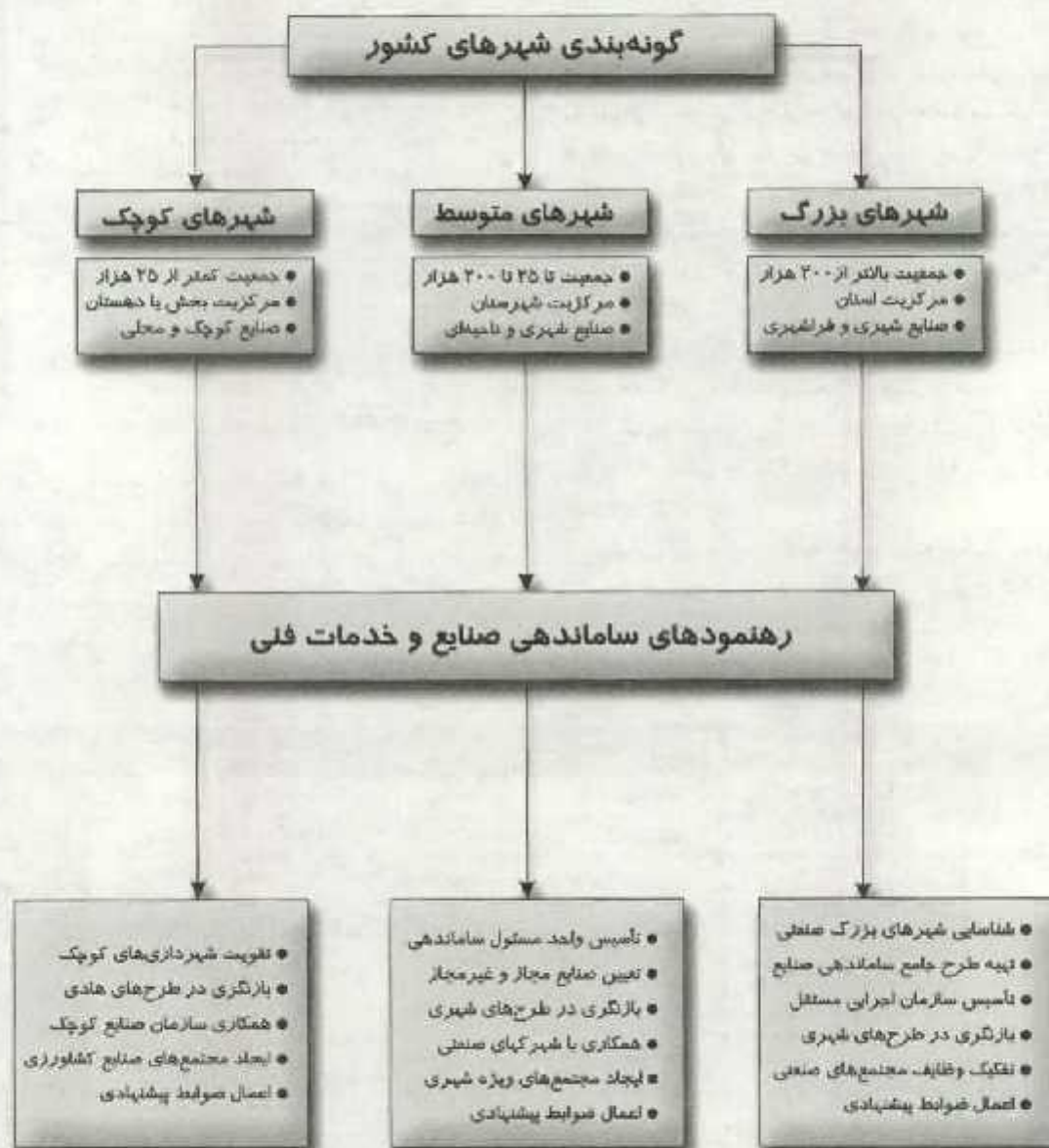
## طبقه بندی انواع صنایع شهری و غیر شهری

از دیدگاه شهرسازی و وظایف مدیریت شهری، کلیه صنایع و خدمات فنی از نظر میزان وابستگی به شهر با نیاز شهروندان به آنها، و نیز تعیین حوزه مسئولیت مدیریت ساماندهی صنایع، به دو گروه اصلی تقسیم می شوند:

## طبقه بندی صنایع شهری و صنایع غیر شهری

گروه اصلی	انواع صنایع	نمونه ها	ویژگی های عمده
الف: صنایع و خدمات شهری	۱ - صنایع تولیدی مورد نیاز	صنایع غذایی، تولید پوشاک، تولید وسایل منزل -	<ul style="list-style-type: none"> <li>مورد نیاز روزمره شهروندان</li> <li>وابسته به زیرساخت های شهری دارای مقیاس کوچک</li> <li>بدون آلودگی و مزاحمت شدید</li> </ul>
	۲ - خدمات فنی مورد تجاری	انباری، آفکتری، تعمیرات خودرو، تعمیر وسایل منزل	
	۳ - صنایع تاریخی و قدیمی معمار	صنایع سنتی، کارخانه های قدیمی -	<ul style="list-style-type: none"> <li>وابسته به ساختار کالبدی و اقتصادی شهر</li> <li>وابسته به تاریخ و فرهنگ شهر</li> </ul>
	۴ - سایر صنایع مفید برای شهر	صنایع سبک تولیدی، صنایع الکترونیک -	<ul style="list-style-type: none"> <li>کوچک به رشد اقتصادی شهر</li> <li>بدون آلودگی و مزاحمت شدید</li> </ul>
ب: صنایع و خدمات غیر شهری	۱ - صنایع سنگین	تولید فولاد، تولید سیمان، ساخت فولاد، کارخانه لوله - عدم وابستگی به شهر	<ul style="list-style-type: none"> <li>ابعاد بزرگ کالبدی</li> <li>آلودگی و مزاحمت شدید</li> </ul>
	۲ - صنایع متوسط	روغن کشی، تولید قند و شکر، بنه پاک کنی -	<ul style="list-style-type: none"> <li>تولید نسبتاً بزرگ</li> <li>آلودگی و مزاحمت نسبتاً زیاد</li> <li>عدم وابستگی زیاد به شهر</li> </ul>
	۳ - صنایع ویژه	تولید مواد منفجره، تولید سموم -	<ul style="list-style-type: none"> <li>عدم امنیت شدید</li> <li>خطرناک برای مراکز جمعیتی</li> </ul>
	۴ - سایر صنایع بسیار آلوده	چرم سازی، ذوب فلزات، تولید آسفالت -	<ul style="list-style-type: none"> <li>آلودگی و مزاحمت شدید</li> </ul>

## نمودار ساماندهی صنایع براساس گونه‌بندی شهرهای کشور



## اشکال اصلی و عام مزاحمت و آلودگی

ردیف	نوع آلودگی و مزاحمت	اثرات مهم
۱	وجود فاضلاب	آلودگی آب خاک، هوا و منظر
۲	تجمع ضایعات و ترافدها	آلودگی آب خاک، هوا و منظر
۳	پخش ذرات	آلودگی آب خاک، هوا و منظر
۴	آلودگی شیمیایی	آلودگی آب خاک، هوا و منظر
۵	ایجاد دود و بخار	آلودگی آب خاک، هوا و منظر
۶	تشعشعات زیارتی	آلودگی هوا، آب خاک
۷	ایجاد لرزش و ارتعاش	آسیب روانی و جسمانی
۸	ایجاد بوی نامطبوع	آسیب روانی و جسمانی
۹	ایجاد سر و صدا	آسیب روانی و جسمانی
۱۰	ایجاد سد معبر و کره ترافیکی	آسیب روانی و جسمانی
۱۱	مزاحمت بصری	آسیب و فشار روانی
۱۲	مزاحمت اقتصادی	کاهش ارزش اقتصادی زمین و ساختمان
۱۳	مزاحمت اجتماعی	افت کیفیت محیط و کاهش ایمنی

## گروه بندی و معرفی صنایع مجاز و غیرمجاز

به طور کلی صنایعی می توانند در محدوده شهر استقرار یابند که دارای دو خصوصیت زیر باشند:

اولاً، مورد نیاز شهر و شهروندان هستند یا برای شهر مفیدند.

ثانیاً، هیچ گونه آلودگی و مزاحمت جدی برای شهر و شهروندان ندارند.

برای تشخیص صنایعی که می توانند در محدوده شهر مستقر شوند (صنایع مجاز) و صنایعی که نمی توانند در محدوده شهر مستقر شوند (صنایع غیرمجاز) از سه دسته شاخص های زیست محیطی، اقتصادی - اجتماعی و کالبدی - فضایی استفاده شده است. بر پایه این ملاحظات، رشته های اصلی «صنایع مجاز» و «صنایع غیرمجاز» در «جدول پیوست» گروه بندی و معرفی شده اند.

## الگوی عمومی ساماندهی صنایع شهری و غیرشهری

براساس طبقه بندی صنایع به دو گروه اصلی یعنی «صنایع شهری» و «صنایع غیرشهری» مبانی الگوی عمومی پیشنهادی ساماندهی صنایع بر پایه این طبقه بندی و تقسیمات داخلی آنها استوار شده است. محتوای اصلی این الگو عبارت است از جداسازی صنایع شهری و غیرشهری از یکدیگر و تعیین ضوابط برای هر کدام و ایجاد همکاری و هماهنگی میان نهادهای مختلف مسئول در ساماندهی آنها.

در «نمودار پیوست» چارچوب الگوی عمومی ساماندهی صنایع شهری و غیرشهری، به طور خلاصه نشان داده شده است.

## ضوابط عمومی ساماندهی صنایع شهری

صنایع و خدمات فنی موجود در شهرها، به طور کلی، به دو گروه

اصلی یعنی «صنایع و خدمات مجاز» و «صنایع و خدمات غیرمجاز» تقسیم می شوند، که ساماندهی آنها تابع ضوابط جداگانه است.

## گروه بندی کلی صنایع و خدمات مجاز و غیرمجاز

نوع صنایع	گروه های اصلی	گروه های فرعی
	۱ - کلیه صنایع غیرشهری	• صنایع سنگین و متوسط • صنایع ویژه • سایر صنایع مزاحم و آلاینده
	۲ - صنایع شهری مزاحم و آلاینده	• صنایع تولیدی مزاحم و آلاینده • خدمات فنی مزاحم و آلاینده • صنایع قدیمی مزاحم و آلاینده
	۱ - تمام صنایع و خدمات شهری (غیر مزاحم)	• صنایع تولیدی مورد نیاز • خدمات فنی مورد نیاز • صنایع تاریخی و قدیمی
	۲ - سایر صنایع غیر مزاحم (صنایع مفید)	• صنایع سبک تولیدی • خدمات فنی سبک • سایر صنایع پاک

## الف، ضوابط ساماندهی صنایع مجاز

صنایع و خدمات فنی مجاز شهری شامل چهار گروه (صنایع تولیدی مورد نیاز - خدمات فنی مورد نیاز - صنایع قدیمی مستقر - صنایع مفید) است. ضوابط ساماندهی و استقرار این گونه صنایع با

شده است. رئیس این ضوابط پیشنهادی در «نمودار پیوست» ارائه گردیده است.

## ضوابط اختصاصی ساماندهی صنایع شهری (تعمیرگاه‌های خودرو)

بخش مهمی از صنایع شهری به واحدهای کوچک تولیدی و تعمیراتی (صنایع خدماتی) مربوط می‌شود که دارای ویژگی‌های زیر هستند:

اولاً: مورد نیاز مبرم شهروندان هستند و عملکرد محلی دارند. ثانیاً: تنوع و تعدد زیاد دارند و به اشکال مختلف (پراکنده، خطی، متمرکز) در میان بافت‌های شهری مستقر می‌شوند. ثالثاً: معمولاً فاقد مزاحمت ذاتی هستند ولی با انواع مزاحمت عرضی همراهند.

با توجه به این ملاحظات برای مکانیابی و ساماندهی این گونه صنایع و خدمات نمی‌توان ضوابط واحد و یکسانی ارائه داد، بنابراین باید علاوه بر ضوابط عمومی ساماندهی، برای هر گروه متجانس آنها «ضوابط اختصاصی ساماندهی» تدوین گردد.

طبق یافته‌های این مطالعات، بیشترین صنایع مزاحم و آلاینده در شهرهای کشور، متعلق به واحدهای کوچک تولیدی - تعمیراتی مثل تعمیرگاه‌های خودرو، نجاری، آهن‌گری، و مانند اینها است. به همین دلیل در این مطالعات، سه گروه از صنایع خدماتی شهری یعنی «تعمیرگاه‌های خودرو»، «کارگاه‌های فلزکاری» و «کارگاه‌های درودگری» که از فعالیت‌های مهم مورد نیاز شهروندان و در عین حال پرساله محسوب می‌شوند، به طور خاص مورد مطالعه قرار گرفته و ضوابط اختصاصی ساماندهی برای آنها پیشنهاد و تدوین شده است. در این مقاله، به منظور حفظ اختصار، فقط به رئیس ضوابط پیشنهادی در مورد تعمیرگاه‌های خودرو اشاره می‌شود.

### طبقه‌بندی پیشنهادی انواع تعمیرگاه‌های خودرو

با توجه به انواع فعالیت‌های تعمیراتی در انواع خودروها، و با در نظر گرفتن اشکال آلودگی و مزاحمت ناشی از تعمیرگاه‌های خودرو، در یک جمع‌بندی نهایی، تمام خدمات فنی - تعمیراتی خودرو، از نظر تجانس و مقیاس عملکردی، به سه گروه اصلی به شرح زیر تقسیم شده است:

الف: خدمات فنی - تعمیراتی «برون شهری» خودرو (تعمیرگاه‌های عمومی)

ب: خدمات فنی - تعمیراتی «ویژه شهری» خودرو (تعمیرگاه‌های ویژه)

پ: خدمات فنی - تعمیراتی «برون شهری» خودرو (تعمیرگاه‌های دروازه‌ای)

توجه به شعاع عملکرد و سلسله مراتب فعالیت، براساس نحوه استقرار آنها در سه حوزه عملکردی یعنی «حوزه سکونت»، «حوزه شهری» و «حوزه برون شهری» تعیین شده است.

### ب: ضوابط ساماندهی صنایع غیرمجاز

صنایع غیرمجاز شهری یا به صورت صنایع بسیار آلاینده و مزاحم هستند که می‌باید فوراً تعطیل یا منتقل شوند، و یا صناعی هستند با نقل بالا، که در کوتاه مدت باید با تمهیدات فنی و کالبدی به کاهش مشکلات آنها پرداخت و در درازمدت به تعطیل تدریجی و تغییر کاربری آنها اقدام کرد.

در «نمودار پیوست»، الگوی عمومی ساماندهی انواع صنایع شهری، به طور خلاصه نشان داده شده است.

**ضوابط ساماندهی صنایع براساس گونه بندی شهرهای کشور**  
کلیه شهرهای کشور، از نظر میزان آمیختگی کالبد آنها با انواع صنایع و مشکلات ناشی از آنها، به سه گروه اصلی تقسیم می‌شود. این تقسیم بندی براساس سه شاخص عمده یعنی جمعیت، نقش اداری و فعالیت صنعتی، استوار است که بیشترین نقش را در جذب و تمرکز صنایع و خدمات به سمت شهرها به عهده دارند. براساس آمار و تقسیمات سال ۱۳۷۵، کل شهرهای کشور (۶۱۴ شهر) شامل سه گروه زیر است:

الف - شهرهای بزرگ: ۳۲ شهر (۵ درصد شهرهای کشور)  
ب - شهرهای متوسط: ۱۸۳ شهر (۳۰ درصد شهرهای کشور)  
پ - شهرهای کوچک: ۳۹۹ شهر (۶۵ درصد شهرهای کشور)  
با توجه به تقسیم بندی فوق و با در نظر گرفتن ویژگی‌ها و مشکلات صنایع در هر گروه شهری، رهنمودهای عام ساماندهی آنها، به طور خلاصه در «نمودار پیوست» ارائه شده است.  
**الگوی عمومی ساماندهی صنایع براساس سلسله مراتب عملکردی**

در این مطالعات، با توجه به نارسایی تقسیمات عملکردی در طرح‌های شهری ایران، و به منظور کاهش مشکلات موجود و رعایت اصول تحقق پذیری و انعطاف پذیری در ضوابط پیشنهادی، مبنای سلسله مراتب عملکردی واحدهای تولیدی و خدماتی در سه رده به ترتیب زیر در نظر گرفته شده است:

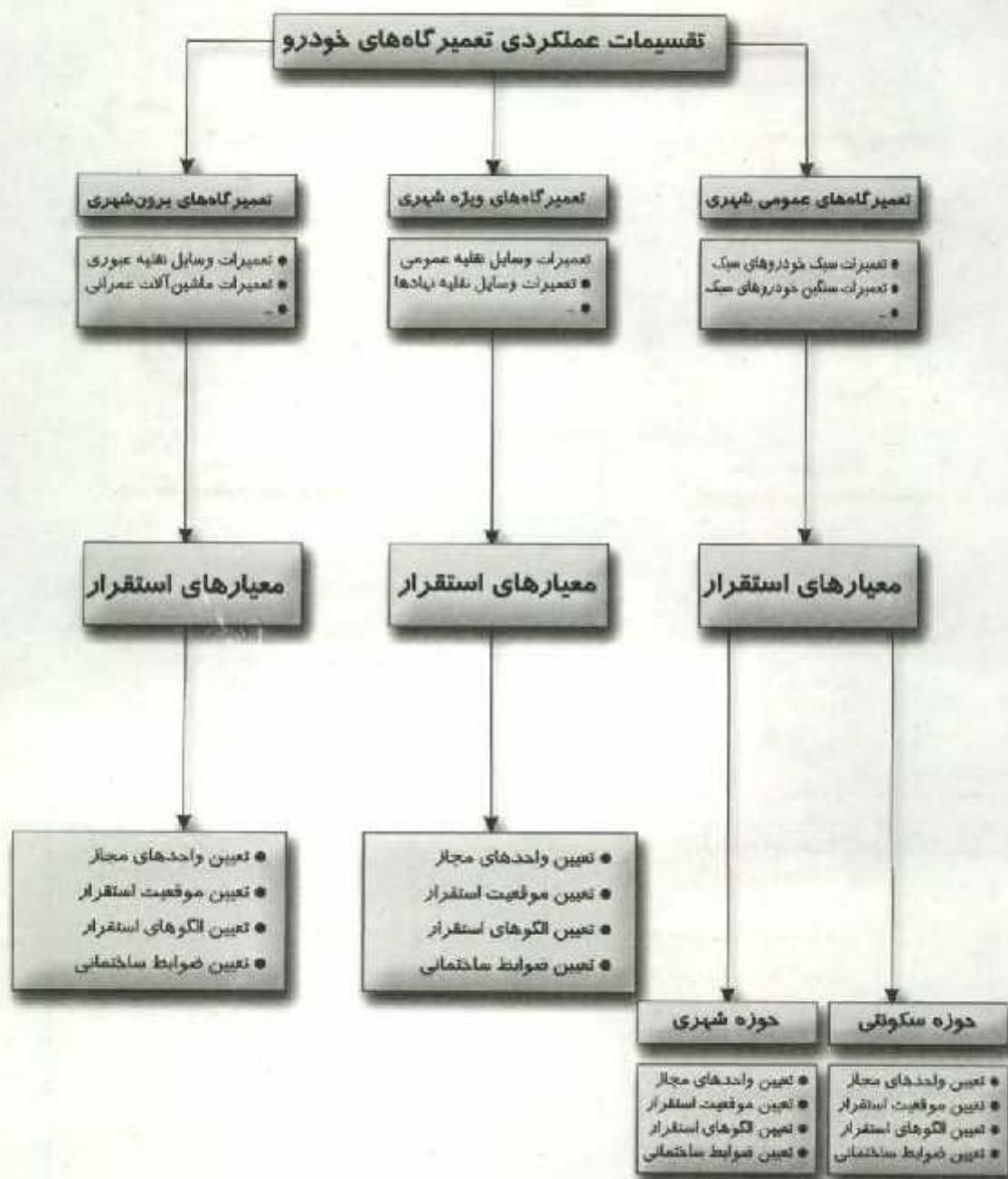
رده اول: حوزه عملکردی سکونت

رده دوم: حوزه عملکردی شهری

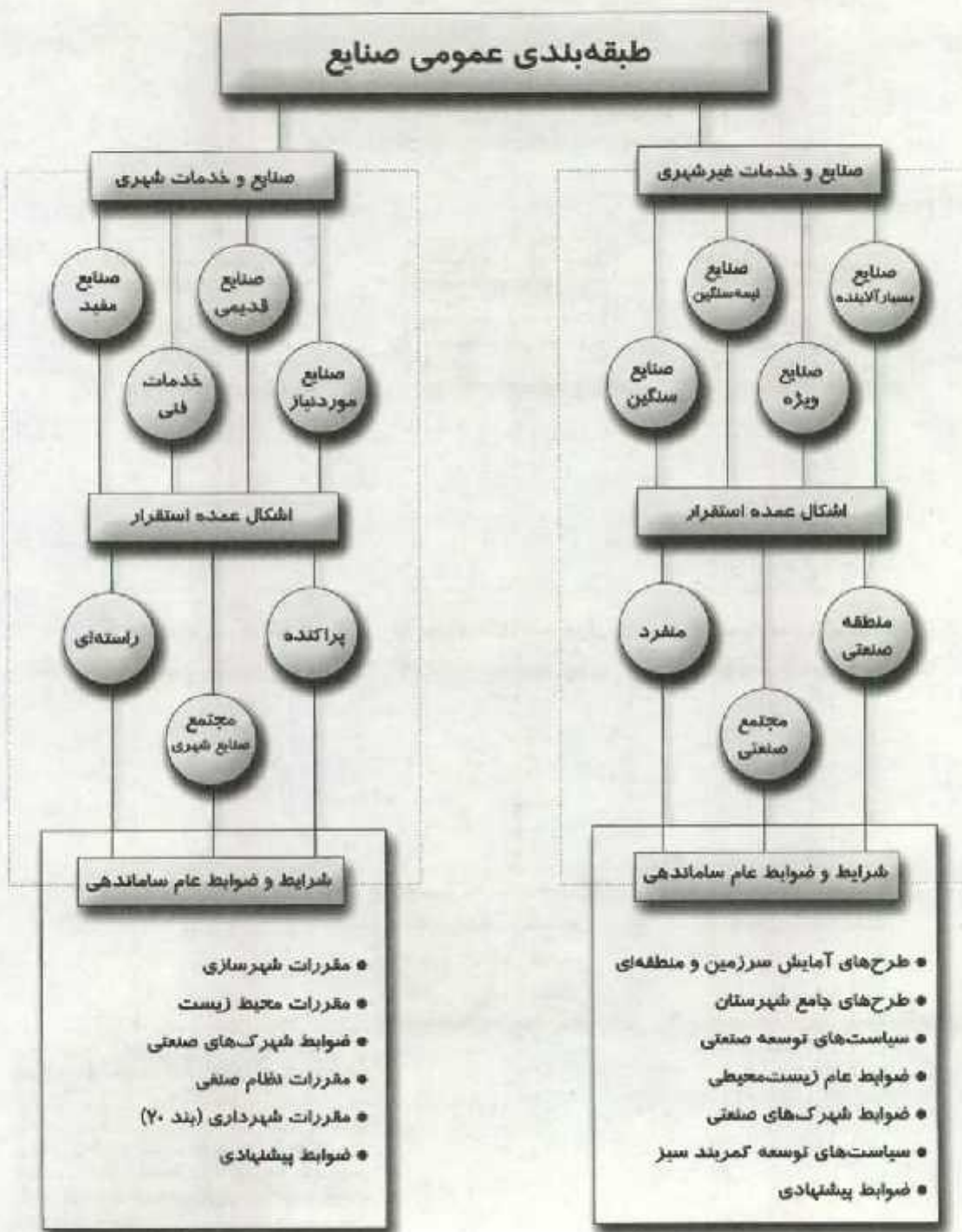
رده سوم: حوزه عملکردی برون شهری

علاوه بر این، اشکال اصلی استقرار واحدهای صنعتی در شهرهای کشور، معمولاً به صورت سه الگوی «پراکنده»، «خطی» و «متمرکز» است. بنابراین ضوابط مکانیابی و ساماندهی انواع صنایع و خدمات شهری، برای هر حوزه عملکردی، با توجه به اشکال استقرار آنها تعیین

## نمودار الگوی عمومی ساماندهی تعمیرگاه‌های خودرو



## نمودار الگوی عمومی ساماندهی صنایع (شهری و غیرشهری)





خودرو، به طور خلاصه نشان داده شده است.

#### یادداشت

این مقاله بر اساس نتایج پروژه مطالعات «تدوین معیارها و ضوابط ساماندهی صنایع و خدمات شهری است که توسط مهندسین مشاور قهرنهاد برای مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری وزارت کشور تهیه شده است.

#### منابع مهم

- ۱ - پولادزاد، محمد اصول و مبانی آمایش سرزمین در بخش صنعتی، شرکت شهرک های صنعتی، ۱۳۷۳.
- ۲ - پولادزاد، محمد، مکانیابی و کارآیی پروژه صنعتی، تهران، ۱۳۷۶.
- ۳ - تولایی، سیمین، درآمدی بر مبانی جغرافیای اقتصادی (صنعت، حمل و نقل و انرژی)، جهاد دانشگاهی تربیت معلم، ۱۳۷۵.
- ۴ - سازمان برنامه و بودجه، طرح ارزیابی طرح های جامع شهری در ایران، مهندسان مشاور زیست، ۱۳۷۲.
- ۵ - سازمان حفاظت محیط زیست، راهنمای صنعت و محیط زیست، تهران، ۱۳۷۲.
- ۶ - سازمان حفاظت محیط زیست، مقدمه ای بر ارزیابی زیست محیطی، تهران، ۱۳۷۵.
- ۷ - سازمان حفاظت محیط زیست، ضوابط و استانداردهای زیست محیطی، تهران، ۱۳۷۷.
- ۸ - شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل شهر تهران، ساماندهی با شناسیم، ۱۳۷۷.
- ۹ - شهرداری تهران، مطالعات ساماندهی صنایع تهران مهندسان مشاور زادبوم، ۱۳۷۰.
- ۱۰ - مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، مکانیابی و معیارهای استقرار صنایع، ترجمه مهندسان مشاور همگروه، ۱۳۷۱.
- ۱۱ - مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، سنجش توسعه صنعتی مناطق کشور، تهران، ۱۳۷۱.
- ۱۲ - مطیعی لنگرودی، سید حسین، جغرافیای اقتصادی ایران، صنایع جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۷۶.
- ۱۳ - جی - کی، هیراسکار، درآمدی بر مبانی برنامه ریزی شهری، ترجمه دکتر محمد سلیمانی، احمدرضا یگانی فرد، جهاد دانشگاهی تربیت معلم، ۱۳۷۶.
14. Catanes, Snyder, Urban planning, MC Graw - Hill, 1988.
15. Gallion, Eisner, The urban pattern, Delhi, 1984.
16. Goodman, Principles and practice of urban planning, 1969.
17. Whitik (Ed), Encyclopedia of urban planning, 1977.
18. Wolf, peter, The future of city, New york, 1974.

هر یک از این سه گروه، از نظر مقیاس عملکردی و اثرات محیطی - فضایی، دارای ویژگی های خاص خود هستند و بنابراین ساماندهی آنها به معیارها و ضوابط جداگانه نیاز دارد.

#### ضوابط مکانیابی و ساماندهی تعمیرگاه های عمومی خودرو

تعمیرگاه های عمومی خودرو، به انواع خودروهای سبک که مورد استفاده عموم است، خدمات سبک و سنگین ارائه می دهند. محل استقرار مجاز این گونه واحدها، براساس ضوابط تعیین شده، در محدوده قانونی شهرها اعلام شده است. با توجه به شاخص های مختلف، تعمیرگاه های عمومی می توانند در دو «حوزه سکوتی» و «حوزه شهری» مستقر شوند که ضوابط مکانیابی و استقرار هر کدام با توجه به الگوی استقرار آنها تعیین شده است.

#### ضوابط مکانیابی و ساماندهی تعمیرگاه های ویژه خودرو

تعمیرگاه های ویژه خودرو، به خودروهای متعلق به سازمان های دولتی و عمومی خدمات می دهند. این واحدها، با رعایت ضوابط عمومی ساماندهی، اگرچه مجاز به فعالیت در حوزه شهری هستند، ولی نمی توانند تنها در مجتمع ها و مکان های ویژه متعلق به نهادهای مربوط استقرار یابند.

#### ضوابط مکانیابی و ساماندهی تعمیرگاه های بیرون شهری (دروازه ای)

تعمیرگاه های بیرون شهری خودرو، به کلیه خودروهای سبک و سنگین عبوری و سایر ماشین آلات سیار (عمرانی، راهسازی و غیره) خدمات سبک و سنگین می دهند. این گونه واحدها، به دلیل نوع فعالیت و عملکرد خود می باید در بیرون از محدوده قانونی شهرها (حریم شهری) مستقر شوند. شکل استقرار آنها نیز به صورت «متفرد» یا «مجتمع» مجاز است ولی به صورت «الگوی خطی» به هیچ وجه مجاز نیست.

ضوابط اختصاصی ساماندهی تعمیرگاه های خودرو، برای هر یک از گروه های سه گانه، به طور جداگانه در چند محور به ترتیب زیر تدوین و ارائه شده است:

الف - تعیین واحدهای مجاز

ب - تعیین ضوابط موقعیت استقرار

پ - تعیین الگوهای استقرار

ت - تعیین ضوابط کالبدی - ساختمانی

در «نمودار پیوست» الگوی عمومی ساماندهی انواع تعمیرگاه های

## نیاز سنجی شهری:

## معرفی نظریه لئونارد دهل

اسماعیل صالحی

دانشجوی دکتری شهرسازی

پروفسور لئونارد دهل (Leonard J. Duhl, 1926) استاد برنامه‌ریزی شهری و بهداشت عمومی در دانشگاه‌های کالیفرنیا، برکلی و همچنین استاد بالینی روانشناسی در کالیفرنیا و سنفرانسیسکو است که در جریان مقالات خود به عنوان شهرهای روانشناسی محیطی چهره نموده است. بدین معنی که جنبه‌های متفاوت محیط را از نظر نیولینی آن در انعکاس یافتن رفتار انسانی در یک پژوهش گرد هم می‌آورد.

پروفسور لئونارد دهل را به سبب مسائلی رفتاری می‌شود که از معنوی، شهری شدن در جامعه صنعتی ناشی شده است و سالها برای دسترسی به یک روش کلی و تحلیلی در برنامه‌ریزی شهری سازده کرده است و در چنین چارچوبی است که علاوه بر مقالات متعدد، کتاب مشروط شهری را در سال ۱۹۶۲ منتشر کرده و در دهه ۱۹۸۰ مبنای نظری ایده شهر سالم (Healthy City Concept) را تبیین و ارائه می‌نماید که به سرعت با استقبال سازمان بهداشت جهانی (WHO) و صدها شهر در اقصای نقاط جهان تبدیل به یک بهجت جهانی می‌شود.

دهل در ارائه تیپولوژی نیازهای شهری نیز رویکردی متمایز نسبت به سایر نظریات عرضه می‌کند. وی نیازهای شهری را با ملحوظ نمودن الگای شهر به عنوان یک مجموعه منسجم و یکپارچه، دسته‌بندی و طبقه‌بندی می‌نماید که به لحاظ اهمیت مقوله نیازسنجی در فرایند برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، در مقاله حاضر نظریه مزبور تبیین می‌شود.

## مقدمه

پروفسور لئونارد دهل صاحب نظر معاصر است که در این مقاله قصد داریم بخشی از مهم‌ترین نظریاتش را در خصوص شهر و شهرسازی تبیین کنیم. او در مقاله‌ای در خصوص اهمیت شهر اشاره می‌کند که هر کجای تاریخ بشر را در این سیاره جستجو کنیم می‌بینیم آنچه که امروز شهر می‌نامیم، همیشه مورد توجه بوده است. شواهد این پیش فرض را در نوشته‌ها و آثار باستانی، در داستان‌های فیلسوفان و شاهان، مردان جنگی و مردمان ساده می‌یابیم. زیرا ما بیشتر زندگی خود را از تولد تا مرگ در شهر به سر می‌بریم. کار و

سرگرمی، درد و لذت و تمام فعالیت‌های مادی و معنوی زندگی انسان غالباً در شهر صورت می‌گیرد (Duhl, 1987, 18). با این شرایط طبیعی است که بخشی از دانشمندان و صاحب نظران شهر و شهرسازی از حوزه تاثیر شهر بر سلامت جسمی و روحی انسان، شهرسازی رانیز مورد نقد قرار دهند. خصوصاً آن که طی قرن معاصر الگوهای کالبدی و فضایی مدرنیستی، انسان‌ها را با بحرانهای متعدد، از جمله «بحران هویت» مواجه ساخت. قدر مسلم اثرات مدرنیسم بر روی مردم از نظر سلامت روانی مطلوب ارزیابی نمی‌شود و ناراحتی‌های روحی، استرس‌ها و احساس ناامنی حاکم بر شهروند شهر مدرنیستی، بدرامته نقد شهرسازی مدرنیسم افزوده است.

لئونارد دهل از جمله صاحب نظرانی است که ضمن مطرود دانستن الگوهای کالبدی و فضایی مدرنیسم، بر انسانی‌تر کردن هر چه بیشتر انگاره‌های شهرسازی تاکید می‌ورزد.

پروفسور لئونارد دهل (Leonard Duhl) متولد سال ۱۹۲۶، روان پزشک شهرساز، عضو انستیتو ملی سلامت ذهنی (National Institute of Mental Health de Bethesda)، همچنین استاد بهداشت عمومی و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه‌های کالیفرنیا و برکلی، همچنین استاد روان پزشکی دانشگاه‌های کالیفرنیا و سان فرانسیسکو است (Duhl, 1988, 15). از نظر لئونارد دهل «تعریف شهر سخت است، در گذشته شهرداری مرزهای مشخصی بود، یک هویت جغرافیایی با زمینه روشن جمعیت شناختی و فرهنگی معین می‌شد. در حالی که امروز محلات، اجتماعات، شهرها، مادر شهرها (متروپلیتن‌ها) و کلان شهرهای (مکالوپلیس‌ها) فراوان به عنوان پدیده‌هایی از شهر نشینی وجود دارند.

شهرنشینی صرفاً حدی از افزایش تراکم جمعیت در یک حوزه جغرافیایی است، همچنین شامل الگوی متغیر نسبت‌ها و ارتباطات نیز می‌شود. مظاهر شهرنشینی از میان فرهنگ، حکومت، سیاست‌ها، زیر ساخت‌های کالبدی و اجتماعی و جنبه‌های فراوان دیگر اظهار وجود می‌کند. همچنین جایه جایی و تمایز آشکاری از طبیعت به وسیله محیط انسان ساخت به وجود می‌آید. از نظر دهل، مهم‌ترین ویژگیهای شهرنشینی در جهان معاصر، افزایش تنوعات حاکم در شهرها و سرعت رشد شهرنشینی است (همان).

لئونارد دهل در کتاب (Urban condition, 1963) اذعان می‌دارد که: «جامعه ما دگرگونی‌های عمیقی یافته است، دگرگونی‌هایی که همیشه فرد را در فاصله‌ای زیاد با تصمیماتی قرار می‌دهد که بر او تاثیر می‌گذارند و او را در موقعیت ناآوانی نسبی قرار می‌دهند. در نتیجه عامل بی‌حرکی‌های بسیار می‌شود. از این رو باید شرکت هر چه بیشتر همگان را در تصمیماتی مجاز دارد که به گونه‌ای حیاتی آنان را دربرگیرد». دهل در سال ۱۹۸۴ با ارائه مقاله‌ای واضح «پایه

از دیدگاه لئونارد دهل: «دگرگونی‌های آشکاری که توسعه اجتماعات شهری ما را سبب می‌گردند، در واقع امر حاوی یک منطق تاریخی است. از همان آغاز، مجموعه زیستی به منظور جوابگویی به نیازهای مادی و روانی افراد، خانواده‌ها و گروه‌های اجتماعی شکل گرفته‌اند.

ریخت‌شناسی کالبدی هر گونه اجتماعی بیانگر نیازهای روانی و نظام‌های ارزشی اعضای آن است. به عنوان مثال، وقتی گرایش مسلط دفاع از خود می‌باشد، مجموعه زیستی پایک دیوار پایک خندق حفاظت‌کننده محصور شده است. کمبود زمین قابل ساخت، استقرار متراکم را سبب می‌گردد.

مراکز بازرگانی که از تقاطع‌ها و انشعابات جاده‌های زمینی و راه‌های آبی بهره برده‌اند، پیرامون میدان بازاریهای وسیع و گسترده استقرار گرفته‌اند. به زبانی دیگر، شکل اجتماع شهری به وسیله نیازهای اجتماعی و وسایلی تعیین شده است که برای اقماع این نیازها در اختیار بود... (شوی، ۱۳۷۵: ۲۸۰).

پرفسور لئونارد دهل در مقاله‌ای (۱۹۸۵) با تشبیه شهر به ارگانیزم زنده، به تعریف و تبیین نیازهای شهر می‌پردازد و دو سؤال اساسی زیر را مطرح می‌کند:

- ۱- شهر به چه چیز نیاز دارد تا به صورت یک ارگانیزم سالم توسعه یابد و به افراد امکان تکامل بدهد؟
  - ۲- نیازهای شهر در کلیه مراحل توسعه آن چه هستند؟
- دهل در پاسخ به این سئوالات به موارد ذیل به عنوان نیازهای شهری اشاره می‌کند:

به طور کلی نیازهای هر شهر به پنج طبقه قابل تقسیم است:

#### ۱- نیازهای اساسی و اولیه

هر شهر باید توانایی تامین نیازهای اساسی شهرنشینان خود مثل غذا، لباس، خانه، امنیت، مراقبت‌های بهداشتی و نظایر آن را داشته باشد.

#### ۲- نیازهای عملکردی و هنری

بر این اساس، فرایند زندگی چیزی بیش از تامین نیازهای اساسی است. بنابراین تحقق تمام عملکردهای زندگی باید امکان‌پذیر باشد. از این نظر عرصه‌هایی برای تولد، رشد، آموزش، کار، تفریح برای شهروندان هر شهر لازم است و باید قابلیت تحقق را برای همه داشته باشد (به طور کلی عرصه‌هایی که بتوان در آنها زندگی کرد، مکان‌هایی که بتوان صرفاً در آن بود (Lust Be) و وقت گذراند، با کسانی بود که به آنان علاقمندیم...) علاوه بر این، مردم باید بتوانند در فعالیت‌های مختلف شامل تجربیات زیبایی، هنری، فرهنگی و ورزشی، به صورت فعال یا منفعل شرکت کنند.

#### ۳- ارتباط و شبکه

علاوه بر نیازهای اساسی و مکان‌های غنای فرهنگی، پیوندهای

شهر سالم می‌شود و با حمایت سازمان بهداشت جهانی، نهضت جهانی شهر سالم را شکل می‌دهد. به طوری که در عرض چند سال بیش از هزار سال به این نهضت ملحق می‌شوند. دهل شهر سالم را این چنین تعریف می‌کند: «محیط اجتماعی و کالبدی با امکاناتی که انجام کلیه فعالیت‌های زندگی را به سهولت و با کارایی مطلوب امکان‌پذیر سازد».

وی همچنین مقتضیات تحقق شهر سالم را به شرح زیر تبیین می‌کند:

- اول، پاسخ‌های شهر به نیازهای گسترده مردم و سازمان‌هایش باید متناسب و مؤثر باشد.
- دوم، شهر توانایی تطابق با جزئیات سیستم و افراد را داشته باشد (شهر قادر به مقابله با ناتوانی‌های سیستم و کاستی‌های اعضای آن باشد).
- سوم، شهر بتواند خود را برای تامین نیازهای مدام در حال ظهور و متغیر، تغییر دهد (توانایی تغییر و تطبیق در مقابل تغییر و ظهور نیازهای جدید).
- چهارم، شهر باید بتواند ساکنان را قادر سازد تا از مزایای آن استفاده کنند (به عبارت بهتر کارایی داشته باشد).
- و بالاخره، اینها عملی نخواهد بود، مگر آن که شهر قادر به آموزش شهروندانش باشد.
- بنابراین تیپولوژی نیازها در شهر و شرایط حاکم بر آنها نقش بنیادی در تحقق ایده شهر سالم دارد.

#### تیپولوژی نیازها

همان طور که اشاره شد، از نظر پرفسور دهل، شهر باید بتواند خود را برای تامین نیازهای فزاینده و متغیر زندگی تغییر و تطبیق دهد. به عبارت دیگر زمانی که چیزی غلط است، شهر سالم آن را تشخیص می‌دهد و قادر است به سرعت عکس العمل نشان دهد. این ارگانیزم توانایی اصلاح خود را دارد، تا نیازهای متغیر اقامت‌های (زندگی) را تامین نماید. اگر شهر قادر به تامین این مهم باشد به احتمال زیاد از آسیب مصون خواهد ماند. در عین حال وی معتقد است که شهرها مانند مردم که از تاریخ، جغرافیا و فرهنگشان متاثرند منحصر به فرد هستند.

همچنین به نظر وی، یکی از جنبه‌های شهرهایی که به نظر می‌رسند خوب کار می‌کنند و تأثیری مثبت در تکامل انسانی دارند، شهرهایی هستند که هویت سمبلیک دارند. این هویت می‌تواند یک سمبل کالبدی یا طبیعی و یا فضای کالبدی باشد. اما وجودش عنصری معنوی در خود دارد و چیزی است که به ساکنان احساسی از هویت، که نشانی بصری از شهرشان است، می‌دهد.

تعداد اندکی از مجموعه‌های زیستی که شرافتمندانه بر آن بوده‌ایم تا رنگ و زندگی را در طرح هایمان به کار گیریم، این معانی الزاماً محکوم به از میان بردن مجموعه‌های زیستی نو نگشته‌اند» (شوی، ۱۳۷۵: ۳۸۱).

وی همچنین در این زمینه می‌گوید: «... نیازها و مکان‌ها، غنای فرهنگی و فعالیت‌ها به تنهایی نمی‌توانند شهر را سالم نمایند، نقاط و خطوط پیوند مورد نیاز است» (Duhl, 1967, 1-3). «مطالعات زیاد در نظام‌های مختلف نشان داده است زمانی که اشخاص به عنوان جزی از یک شبکه خانواده گسترده و مرتبط تلقی شده‌اند، بیماری و مرگ نایه‌هنگام کاهش می‌یابند. اشخاصی که بیمار هستند ولی با دیگران ارتباط دارند، سریع‌تر بهبود می‌یابند، به ندرت بیمارشان ادامه می‌یابد و یا تلف می‌شوند... توانایی برقراری ارتباط، اجازه ارتباط در سطوح مختلف رامی دهد که با مفاهیم استاندارد قابل اندازه‌گیری نیست. بنابراین، عضو یک خانواده یا محله بودن یا داشتن توانایی برقراری ارتباط حتی با تلفن می‌تواند از آسیب‌های گوناگون به سلامتی جلوگیری نماید...» (Duhl, 1985).

از دیدگاه دهل «جهان زیست محیطی بعضی از افراد به محدوده‌های کالبدی یا جغرافیایی یک مجموعه زیستی محدود نمی‌شود، برای این گروه محدوده‌ها متبعی برای رجوع است، حال آن که برای اعضای گروه‌های نامرغه از دیدگاه اقتصادی و اجتماعی، این محیط بخشی از خود آنان است. در واقع امر، برای اقشار فرادست جامعه، اجتماع زیست محیطی عبارت است از کل جهان، هر بار که بر آن می‌شویم که طرحی برای یک گروه از افراد مشخص دراندازیم، تمهیدات بررسی شده برای ساماندهی فضا، باید به گونه‌ای هم‌زمان وابسته به نیازهای مشترک خاص گروه و ارتباط آن با مجموعه جهان باشد. وسایل حمل و نقل و ارتباطات برای گروه‌هایی که جهان زیست محیطی آنان چنین گسترده است، اهمیتی خاص یافته است. برای دیگران، جهان بسیار کوچک است و در اغلب موارد این جهان عبارت است از جهان حلی آباد یا محلات بی‌غوله‌ای.

حتی برازیلیا حلی آبادهای خود را دارد. در این مجموعه‌های زیستی فقیر و پر هرج و مرج، زندگی بینوایان در جریان است. مفهوم سستی «باغ - شهر» در ارتباط با نیازهای آنان نیست» (شوی، ۱۳۷۵: ۳۸۱-۳۸۲).

«امروزه همان امریکایی، شکل‌های بسیاری از استقرار شهری را عرضه می‌دارد. گروه‌های جمعیتی بادر آمد بالا که در جستجوی فضایی بیشتر هستند، برای ترک مرکز شهر و استقرار در خارج از شهر و در مکانی مطابق میل خود، امکانات مالی را در اختیار دارند.

زمینی این چنین موجود، چه در مرکز شهر و چه در مناطق ناسالم برای مسکن، پذیرای جریان دائمی و انزاسی مهاجرین جدید است

ربط دهنده در شرایط مختلف نیز به عنوان نیاز مطرح است. این ابزار شامل کلیه انواع ارتباطات در ابعاد مختلف می‌گردد. شهر نیاز به راه‌هایی دارد که جریان معاش اعم از غذا و پول، عقاید و تماس‌های اجتماعی بین مردم را میسر سازد. علاوه بر این شهر نیاز به ارتباط با سایر شهرها و مراکز خارج و نیاز به تغذیه به مفهوم ارزشها، عقاید و جنبه‌های دیگر فرهنگی را دارد (همان).

#### ۴- زیر ساختها

با توجه به خصیلت اندام‌واره شهر، فعالیت‌های به ظاهر مجزا و متناظر آن بر یکدیگر اثرات گوناگون دارد. وقتی قسمتی صدمه می‌بیند، شهر به عنوان یک مجموعه رنج می‌برد. در نگاهی گذرا به شهر، ابتدا زیر ساختهای فیزیکی آن (جسم شهر) به چشم می‌آیند. اما در کنار اینها زیر ساخت‌های پنهانی نیز وجود دارد که غیر فیزیکی و منعطف هستند (soft infrastructure) مثل قوانین و مقررات، نظامات و الگوهای رفتاری، که در مجموع شکل دهنده و هدایت کننده نحوه مدیریت جامعه هستند.

#### ۵- ملاحظات اکولوژیکی

بقای جامعه موکول به ارضای نیازهای اساسی، نیازهای تفریحی و زیبایی‌شناسی، ارتباط و شبکه و زیرساختهاست، اما دهل معتقد است که در راه تلاش برای دستیابی به این موارد نباید از اساسی‌ترین نیاز غافل بود. یعنی آن طور که اکنون شاهد هستیم به طور فزاینده‌ای زمین و هوا را مورد تاخت و تاز قرار داده‌ایم و چیزی را به نابودی می‌کشانیم که در دراز مدت مهم ترین نیاز ماست و آن عبارت است از «توانایی زمین برای بازسازی و تجدید حیات خویش» (همان).

به این ترتیب، پرفسور لئونارد دهل با تأکید بر این قسمت، عملاً مفهوم توسعه پایدار را به شهرسازی نزدیک می‌سازد. بنابراین، شهرپایدار شهری است که توسعه آن نیازهای کنونی را برطرف کند، بی آن که توانایی اجتماعات آینده را برای برطرف کردن نیازهایشان در مخاطره افکند.

دهل معتقد است که نیازهای اصلی انسان نمی‌تواند در محلات شهری کلان شهرها که آکنده از بی نظمی و هرج و مرج هستند برآورده شوند. انتقادات متعدد از کلان شهرها تأیید کننده این امر است. «هم از این روست که عده‌ای ایجاد «باغ - شهرها» با ابعادی محدود را پیشنهاد کرده‌اند که می‌توانند جوابگوی همه نیازهای ساکنانشان باشند. ولی همه مردمان از «باغ شهر» به عنوان مأمی برای صمیمیت و آرامش، مأمی که به آنان امکان می‌دهد تا از سردرگمی شهر بزرگ بگریزند، استقبال نخواهند کرد. برای بسیاری از مردمان، نقشه یک شهر بهداشتی تازه ساز، می‌تواند به معنای آرامش و امنیت نباشد، بلکه افسردگی و افسوس نبود نوعی رنگ و زندگی را معنا دهد که در هیاهوی شهرهای قدیمی به فراوانی وجود دارد. در

جغرافیا و فرهنگشان بر آنها تاثیر می‌گذارد. این بینش به دیدگاه من به تشبیه شهر به عنوان ارگانیزم انسانی منتهی می‌شود. مانند ارگانیزم انسانی، هر شهر ارگانهای فراوان و قسمتهای متصل کننده دارد، آنچه باعث می‌شود هر کدام از ما انسانها کار کنیم، مجموعه‌ای از اعمال پیچیده زیست‌شناسی و روان‌شناسی است که اجازه می‌دهد اعمال مختلف انجام پذیرد. اعمال هر قسمت منحصر به فرد هستند و در هر قسمت مواد و مکانیزم هایی هستند که کمک می‌کنند آن قسمت به ارگانهای محیطی در خود ارگانیزم متصل شوند. هیچ عملی نیست که انجام پذیرد و بر تمام وجود انسان تاثیر نگذارد. در شهر هم مسائل به همین صورت است» (همان).



## منابع

- ۱- شوی، فرانسواز، شهرسازی تخیلات و واقعیات، ترجمه سید محسن حبیبی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
2. Duhl, Leonard, Planning For and getting a healthy City, Health Education unit, 1987.
3. Duhl, Leonard, The Dream of a Healthy City, Health Education unit, 1988.
4. Duhl, Leonard, The Health of Cities, Carisa & B. Newman (Eds), Issues and Trends, 1987.
5. Duhl, Leonard, The healthy city: its Function and its future, Health promotion, oxford university press, 1985.
6. Len Duhl, Leonard, Healthy Cities: myth or reality?, Healthy cities, John Ashton (ed), 1998.

باروری، روزافزون کار و توسعه صنایع مصرفی و رفاهی، به اعضای طبقه رحتکشان امکان می‌دهد تا سطح زندگی خویش را ارتقاء بخشند و از محلات بی‌غوله‌ای بگریزند. اما این حقیقت که گروه‌های جمعیتی با درآمد کم آرزو دارند که به گونه‌ای بسیار راحت‌تر زندگی کنند، لزوماً به این معنا نیست که این گروه‌ها تمایل به دگرگونی شکل زیست و سبک زندگی را دارند. درآمد هم آمدن افرادی که مفاهیم مذهبی، ارزش‌ها، سرگرمی‌ها و ساخت‌های خانواری یکسانی دارند، برای همه آنان احساس امنیت را فراهم می‌آورد. بی‌غوله اثر سلطه‌گران است ولی اثر خود سلطه پذیرندگان نیز می‌باشد» (همان، ۱۳۸۰).

به طور کلی از نظر دهل، «...هر شهر باید توانایی برخورد با نیازهای اساسی شهروندان مختلف خود را داشته باشد و باید شرایطی به وجود آورد که مردم بتوانند سهل و ممتنع زندگی کنند». برای دستیابی به آن شرایط، شهر به عنوان یک مجموعه باید نیاز قسمت‌های مختلف خود را درک نماید و به راه‌های دیگر توجه کند. تعصب، پیش‌داوری و دیدگاه انعطاف‌ناپذیر را کنار بگذارد. برای این امر مردم باید حتماً بایکدیگر صحبت و مشاوره نمایند.

باید تمام عملکردهای زندگی در شهر قابل تحقق یافتن باشد. مکان‌هایی برای تولد، رشد، یادگیری، کار و مرگ در شهر باید پیش بینی شده باشد. همچنین مکان‌هایی برای بازی، گذران اوقات و معاشرت با دوستان و مکان‌هایی برای پرورش روح باید وجود داشته باشد (این امکان در تخصیص منابع بسیار پیچیده است).

هر شهر از امیال پیچیده و اصول بنیادی نهفته ساخته شده است. مردم باید بتوانند فعالیت‌های گوناگونی که زندگی انسان را می‌سازد، انجام دهند. این فعالیت‌ها شامل تجربیات زیبایی‌شناسی، هنری و ورزشی است که در آن مردم می‌توانند به طور فعال یا منفعل شرکت کنند. این یکی از قسمتهای مهم پرورش ارگانیزم شهر است.

در شهرهایی که همه انواع عملکردها انجام می‌پذیرد، مردم با هم ارتباط می‌یابند، تمایل به تبادل نظر با یکدیگر در مورد مسائل مورد علاقه‌شان را پیدا می‌کنند و به تدریج باگسترش مسائل مورد علاقه محلی به موضوعات بزرگتر تمایل پیدا می‌کنند. هر چند آسان نیست توسعه اقتصادی و اجتماعی را در شهر با مؤلفه‌های مزبور ترکیب نمود، اما زمانی که چنین اتفاقی بیفتد، شرایط استوار و محکمی (توسعه پایدار اقتصادی) پدید خواهد آمد» (Duhl, 1987:3).

دهل اذعان می‌دارد که «... من به طور ویژه به روشی علاقه‌مند هستم که بتواند ما را قادر سازد تا دربارهٔ شهر و مشکلات آن، مردم آن و راه و روش کار آن سؤالاتی بکنیم. روشی که راه‌های استاندارد انجام کار در جامعه را انکار نکند، بلکه طیف وسیع‌تر محیط یعنی طیف‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را در برگیرد.

شهرها مانند مردم منحصر به فرد هستند. تاریخ هر کدام از آنها.

# پست مدرنیسم در شهرسازی

حسن شفیعی  
دانشجوی دکتری علوم سیاسی

(Post - Modernism) فرزند ناخلف مدرنیسم و عصر روشنگری (Enlightenment Age) پست مدرنیسم است. مدرنیسم به دنبال راسخاس، رفرف و اومانیسم شکل گرفت. اکنون توجه دوری مدرن فرزانگی انسان و عقلانیت آن بود. عقل، عاقلی، قرار گرفت که (Rationalism) و پوزیتیویزم (Positivism) توان سنجش درستی و نادرستی به یاری قضایا و گزاره‌ها را دارند. سنجش ترتیب فرد کوفی عقل، مشاهده تجربی و استقرا مبنای شدد برای شناخت واقعیت‌های فیزیکی، ریسمی، اجتماعی در علوم تجربی و علوم اجتماعی در چنین فضایی موح انتقادات سمعکین کارل پوپر، ایمره لاکاتوش، یل فایراست، توماس کوچن، میشل فوکو، ژاک دریدا، ژان فرانسوا لیوتار و دیگران به مدرنیسم و مبنای روش شناختی آن - پوزیتیویزم - به شکل گیری پست مدرنیسم منجر گردید.

از لحاظ تاریخی، پست مدرنیسم پیوند نزدیکی با اندیشمندان زمانه سست، متفکران علوم روحی (آلمان) (دیلتای و ریکرت) و به ویژه ماکس وبر و روش فهمی وی (Verstehen)، رویکرد هرمنوتیک (ریکرت)، گفتمان (فوکو)، فراروایات (لیوتار) و مانند آن دارد.

روی هم مدرنیسم و پست مدرنیسم در عرصه‌های گوناگون ادبیات، هنر، معماری، نظریه اجتماعی و شهرسازی جریان پیدا کرده‌اند و هنوز هم شواهدی حاکی از نفوذ این دو رویکرد در این عرصه‌ها دیده می‌شود. موضوع این نوشتار مروری مفصلی بر حضور رویکرد مدرنیسم و پست مدرنیسم در عرصه شهرسازی است.

## مبنای پست مدرنیسم

پنج مبنای اساسی پست مدرنیسم به شرح زیر است:

### فهم هرمنوتیکی

در هرمنوتیک برای فهم هر واقعیت اجتماعی باید زبان آن را فهمید، چون واقعیت از زبان جدا نیست و این دو تکمیل کننده هم دیگر هستند. زبان نیز شامل هنجارها و ارزشهای جامعه است. مبنای

روش شناختی هرمنوتیک، تفهم و درون فهمی وبری است که دریچه‌ای برای شناخت جهان زندگی و آشکار کننده واقعیت خارجی است.

### تأکید بر زبان

زبان ابزاری برای ارتباط میان انسانها است و با گوهر وجودی آدمی نسبت دارد. از طریق زبان فرهنگ‌های تاریخی توانستند افق وجودی فرهنگ و جهان ویژه فرهنگی خود را خلق کنند.

### رد حقیقت

تلاش برای شناخت حقیقت و اصرار بر آن چیزی جز اراده معطوف به قدرت نیست، چون چنین تلاشی دیگری را بر نمی‌تابد و به حذف و محدود کردن آن می‌پردازد. بنابراین حقیقت، گونه‌ای اشتباه است که بدون آن یک نوع نمی‌تواند به زندگی خود ادامه دهد. بی شکلی، بی نظیر بودن و دگرگونی اموری واقعی اند و ما به همسانی، شکل، بیان و مفاهیم می‌پردازیم و حقیقت را می‌آفرینیم. بنابراین حقیقت امری تاریخی است و حقیقت علمی، مطلق، ازلی و ابدی وجود ندارد. حقیقت درون گفتمان پیدا می‌شود. بنابراین جهان، جهان تفاوت‌ها است و نه شباهت‌ها.

### نشانه‌شناسی

در نشانه‌شناسی خصلت جوهری و ذاتی اشیا نفی می‌شود و بر اهمیت و ابویت نمادها (Symbols) و نشانه‌ها (Signs) و واژگان در شناخت جهانی که ذاتی نیست تأکید می‌شود. از این رو در نشانه‌شناسی (Semiology) رابطه میان واژگان و اشیا رابطه دال و مدلول است نه رابطه معنادار علی یا ثابت. بر این اساس هیچ رابطه ضروری میان واژگان و اشیا وجود ندارد و برقراری این رابطه دلخواهانه و قراردادی است. آگاهی انسان نیز در عرصه واژگان و نمادها شکل می‌گیرد و انسان وارد جهان واژگان با دال‌ها می‌شود و نه جهان اشیا.

### گفتمان و تبارشناسی

هدف تبارشناسی (Genealogy) ثبت ویژگی‌های یکتا و بی‌نظیر واقعیت خارجی فارغ از هر گونه غایات یکدست و یکنواخت است. بر این اساس نمی‌توان قائل به وجود ماهیت‌های ثابت، قوانین بنیادین و غایات متافیزیکی بود. تبارشناسی موضوع مخالف آهنگ ترفی و غایت‌مندی تاریخ است. در تاریخی‌گری انتقادی که محصول تبارشناسی است با پیدایش گفتمان‌ها و حوادث تازه، رنگ و معنای تاریخ نیز دگرگون می‌شود. با دگرگونی زمان حال، زمان گذشته نیز دگرگون می‌شود. گفتمان (Discourse) نیز ناظر به گزینش، حذف، حصر و مرزبندی میان خود و دیگری است و مانند نورافکنی به جهان تاریکی پرتو می‌افکند. جهان تاریکی همان جهان واقعیت‌ها است که انسان با گفتمان چیزهایی را در آن می‌بیند و تضمینی هم وجود ندارد که چیزهای ظاهر شده چیزهای مهمی باشند بنابراین هر تمدن،

و احیای ارزش‌های تاریخی محلی، تنوع، معنی و اصالت بخشی به همراه حفظ و احیای شهرهای قدیمی و ساخت شهرهای جدید شبیه به شهرهای قدیمی. تاکید بر هنجارها و ارزش‌های اجتماعی جایگاه بلندی یافت. شهر و فرهنگ به عنوان متن (Text) تلقی گردید و در حوزه معنا قرار گرفت و نه کارکرد.

بدین ترتیب در دهه ۱۹۶۰ نقد عقل‌گرایی، کارکردگرایی، بناهای هم شکل و انبوه، اندام وارگی یافت شهری و وداع با برنامه‌ریزی به مفهوم متداول آن رواج یافت. در عوض تقویت کثرت‌گرایی، تنوع‌طلبی، رد نظریه‌های فراگیر و نکیه بر واقعیت بی‌نظیر اوج گرفت. محصول این رویکرد پست مدرنیستی طراحی مشارکتی، توجه به علوم اجتماعی، استفاده از نهادهای تاریخی و احیای بناهای تاریخی در برنامه‌ریزی شهری بود.

روی هم شهرسازی پست مدرن با آموزه‌های اصلی شهرسازی مدرن یعنی مهندسی اجتماعی، قطعیت، پیش‌بینی پذیری، تعمیم، عقلانیت فراگیر، علیت، و تعیین‌گرایی به مخالفت برخاست. در عوض، به منطقه‌گرایی انتقادی، اصالت بخشی، نسبیّت، تکثر، تعدد، تنوع، برنامه‌ریزی موضعی و موردی، عدم تمرکز، محلی‌گرایی، طراحی بومی، محیط‌گرایی، برنامه‌ریزی وکالتی، مشارکت مردمی و مانند آن روی آورد.

در جدول زیر مقایسه میان شهرسازی مدرن و پست مدرن آمده‌است.

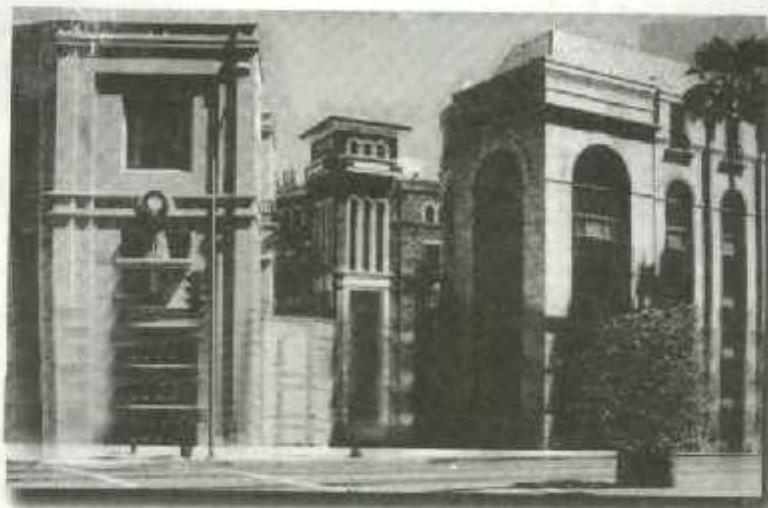
فرهنگ و جامعه از طریق گفت‌وگو پرتوی در جهان تاریکی یا جهان واقعیت‌ها می‌افتند، درک و فهمی از واقعیت‌ها پیدا می‌کند و در قید و بند این فهم باقی می‌ماند تا دگرگونی در آن پیدا شود.

### پست مدرنیسم و شهرسازی

شهرسازی نظیر هنر، ادبیات، معماری و نظریه اجتماعی یا پست مدرنیسم مواجه شده است؛ همان گونه که با مدرنیسم رو در رو گردیده است. شهرسازی مدرنیستی و پست مدرنیستی هر دو محصول زمینه‌های تاریخی جامعه غرب هستند.

پس از جنگ جهانی اول مسائل اجتماعی و شهری مهم مانند شکاف طبقاتی، فقر فزاینده، رشد مناطق مادر شهری و حاشیه نشینی سراسر اروپا را فرا گرفت. پس از بحران بزرگ اقتصاد جهانی (۱۹۲۹-۳۲)، بر اساس منشور آتن (۱۹۳۳) که در کنگره بین‌المللی معماران مدرنیستی توسط لوکوربوزیه تنظیم گردید تمایز کارکردی میان کالبد و ناکالبد در زندگی شهری مورد تاکید قرار گرفت و منطقه‌بندی (Zoning)، طرح منطقه‌ای و کمک گرفتن از تکنولوژی مدرن و متخصصان شهرساز در شهرسازی اهمیت یافت. برنامه جامع آمستردام (۱۹۳۴) که یک سال پس از تصویب منشور آتن اجرا شد نقطه عطف مهمی در شهرسازی مدرنیستی محسوب می‌شود.

در دهه ۱۹۶۰ اوج انتقادات به شهرسازی مدرنیستی شکل گرفت. اعتقاد بر این بود که بازگشت به تاریخ درمان آسیب‌های دوران مدرن است، از این جا بود که مکان اهمیت خود را از دست داد



## بررسی مقایسه‌ای شهرسازی مدرن و پست مدرن

پست مدرنیسم	مدرنیسم
۱- تاریخی‌گری، حفظه تاریخی، مدنیت	۱- قطع ارتباط با گذشته و تکرار معطوف به آینده
۲- چارچوب‌گرایی، توجه ویژه به موقعیت و مکان، منطقه‌گرایی، طراحی پویا، کثرت‌گرایی، تودمخولی، هویت و فرهنگ شهری	۲- ساختارزدایی، جهان‌گرایی، مدل‌سازی، بی‌تاریخی‌گرایی، سبک و دکور
۳- کاربست سمبولیسم، استعاره‌های متن و قرآنت، توجه به شهرهای قدیمی، نام‌های معیار شده چیز است، «بیشتر بیشتر است»، «شکل تابع ریاضی»، «رد منطقه‌بندی یا استفاده از منطقه‌بندی ترکیبی	۳- عقلانیت، تمامیت‌خواه، کارکردگرایی، استعاره ماشینی، «کم بیشتر است»، «شکل تابع کارکرد»، «تکنولوژی» و «مجاز کارکردی»
۴- سیاست‌گریزی، پرهیز از حزم‌گرایی، مخالف انویبا و آرمانخواهی	۴- اعتقاد به رفاه، انسان، بشر، دوستانه، دارای اهداف سیاسی، اعتقاد به پیشرفت خطی، علم، عقل، تکنیکمداری، قطعیت، ایمان
۵- مخالفت اقتدارگرایی، رفتار طرح‌های یا مفاهیم کوچک، اعتقاد به مشارکت مردمی، مخالف دخالت‌کننده دولت، طرفدار تمرکززدایی سیاسی، اقتصاد سیاسی، لیبرال، محافظه‌کاری جدید	۵- ضد سرمایه‌داری، متکی به اقتدار دولت و مداخلات گسترده دولت، سوسیالیسم دموکراتیک
۶- هنر در خدمت مصرف‌کننده، طراح و معمار واسطه و مشاور، خدمات عمومی	۶- هنر ابزار تبدیل به مقاصد سیاسی و پیشگام بودن طراح و معمار
۷- بازگشت به بناهای سنتی و قدیمی	۷- ساخت و ساز بناهای جدید
۸- بهره‌گیری از عواطف و احساسات، اصل خانواده‌گرایی و احترام به کانون خانواده	۸- بهره‌گیری از عواطف و احساسات در خدمت مقاصد سیاسی
۹- برنامه‌ریزی موقتی، موندی، نسبی و استراتژیک	۹- توجه خاص به استفاده از طرح‌های جامع
۱۰- تأکید بر گروه‌های محلی و مشارکت مردمی	۱۰- تأکید بر متخصصان معمار و شهرساز
۱۱- برنامه‌ریزی محدود، منعطف، چارچوب‌گرایی مشارکت مردمی و پرهیز از اتکال منحصر به متخصصان	۱۱- برنامه‌ریزی گسترده، فراگیر و نامانعطف

## یادداشت

نوشته حاضر، چکیده مقاله‌ای است با همین عنوان که فصلنامه مدیریت شهری آن را تلخیص کرده‌است.

## منابع

- ۱- احمدی، پایک، خاطرات ظلمت، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۶.
- ۲- بهرینی، سید حسین، تجدد، فراتجدد و پس از آن در شهرسازی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
- ۳- بدیع، پرتان، توسعه سیاسی، ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران: قومس، ۱۳۷۶.
- ۴- ترلر، نام، شهر هم چون چشم انداز، نگرش فراتر از قرآنگرایی به طراحی و برنامه‌ریزی شهری، ترجمه فرشاد توریان، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۷۶.
- ۵- درفوس، هیوبرت و پل رابینو، میشل فوکو: فراسوی ساخت‌گرایی و هرمنوتیک، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی، ۱۳۷۶.
- ۶- فوکو، میشل، این یک چاق نیست، ترجمه مانی حقیقی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۴.
- ۷- لیچ، فریدریش، فراسوی نیک و بد، ترجمه داریوش آشوری، تهران: خوارزمی، ۱۳۷۳.
- ۸- هولاب، رابرت، یورگن هابرماس، نقد در حوزه عمومی، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی، ۱۳۷۵.

# فرهنگ اسلامی

## و توسعه پایدار

\*\*\*

استفاده قرار گیرد که هیچ گونه اسراف و تباهی رخ ندهد؛ بیش از حد نیاز، معقول و منطقی مصرف صورت نگیرد؛ مصرف مواد و منابع در جهت بهبود کیفی و کمال انسان باشد و رویه حفظ منابع تجدیدناپذیر و بهره برداری از منابع تجدیدپذیر صحیح باشد.

### اصول توسعه پایدار شهری

اهداف بنیانی فعالیت‌های هر جامعه - از جمله جامعه شهری - ارتقای شرایط کمی و کیفی زندگی انسان است. بنابراین در توسعه پایدار شهری نیز که باین هدف تحقق می‌یابد اصول زیر قابل توجه خواهد بود:

#### ارتباط با طبیعت

با توجه به آموزه‌های فرهنگ اسلامی مبنی بر بهره‌گیری درست از طبیعت، ارتباط صحیح میان انسان و طبیعت و جلوگیری از خدشه وارد کردن به منابع طبیعی بسیار مهم است. در این زمینه توجه به جلوگیری از آلودگی‌های زیست محیطی قابل توجه است.

#### امنیت و ایمنی

ایجاد امنیت و ایمنی کمک‌کار توسعه پایدار شهری است. در این زمینه ایمن سازی فضاهای شهری و ایجاد امنیت اقتصادی سیاسی برای انجام فعالیت‌های گوناگون توسط افراد جامعه مهم تلقی می‌گردد.

#### ارزیابی

ارزیابی طرح‌ها و برنامه‌های شهری و کنترل مداوم این‌ها می‌تواند مانع از آسیب پذیری فرایند توسعه پایدار شهری شود.

#### آگاهی و دانش

از آن‌جا که نتایج اجرای طرح‌ها و برنامه‌های توسعه شهری متوجه کیفیت زندگی افراد جامعه است، لازم است نسبت به ارتقای مداوم آگاهی جامعه در زمینه اثرات و پیامدهای توسعه پایدار اهتمام شود. از این رو آموزش لازم به افراد جامعه در زمینه‌های گوناگون قوانین شهری، فرهنگ شهری، وظایف شهروندی و نظایر آن ضروری است.

#### وحدت و جامع‌نگری

برای ایجاد توسعه پایدار و مبتنی بر آموزه‌های فرهنگ اسلامی توجه به اصول وحدت بخشی در جامعه اهمیت دارد. از این رو وحدت آرمان‌ها، وحدت سازمانی، وحدت مدیریتی، وحدت رویه و وحدت میان انسان و جامعه ضروری است.

محمد تقی زاده

دکتر در طراحی شهری

تحقیق ایده توسعه پایدار (Sustainable Development) - از حلقه توسعه پایدار شهری - باید با فعالیت به ویژگی‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی جامعه صورت گیرد. موضوع این نوشتار مروجی پیر پیوند و نسبت میان فرهنگ اسلامی، مدیریت شهری و ایده توسعه پایدار است و می‌تواند حاوی نکاتی سودمند برای مدیریت شهری جامعه باشد.

### فرهنگ اسلامی و توسعه پایدار

یکی از مبانی شناسایی ایده توسعه پایدار توجه به طبیعت و هستی است. در فرهنگ اسلامی نیز اصولی می‌توان یافت که ناظر به توجه به طبیعت و هستی است. این اصول را به صورت مختصر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

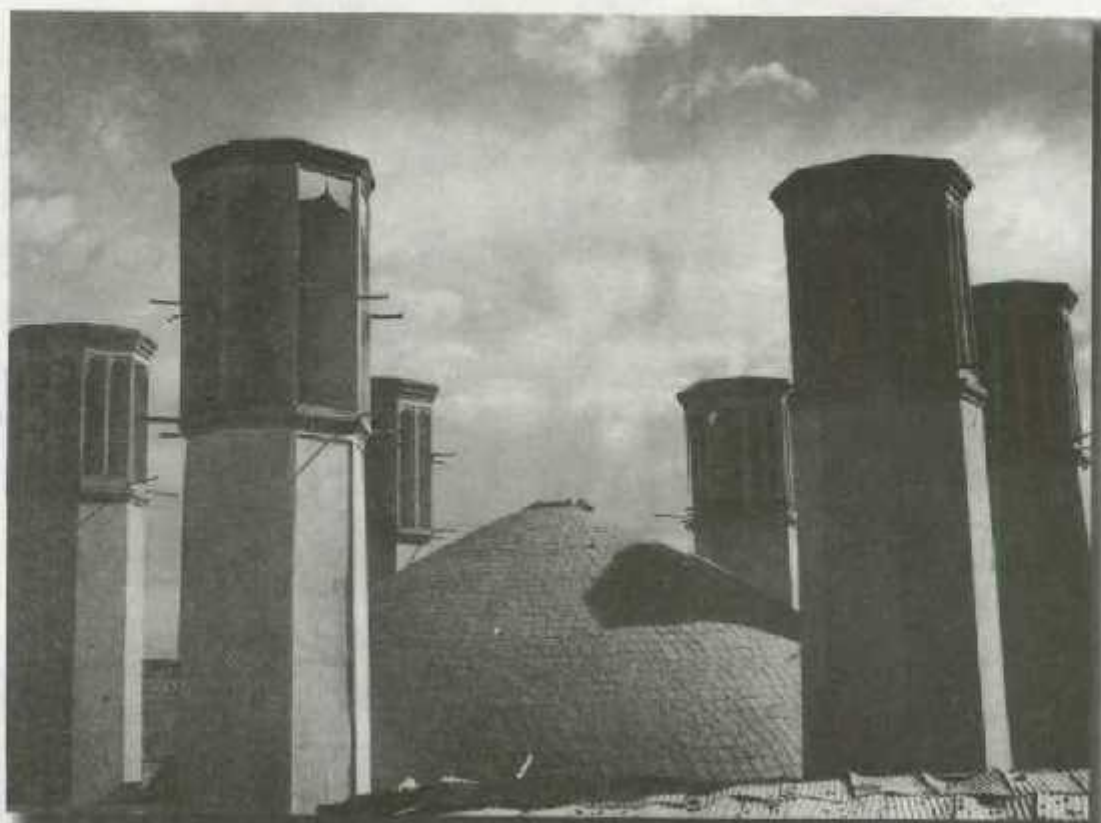
۱- «وحدت» در هستی که ناظر به ربط و نسبت میان اجزای یک مجموعه است و در این جا معطوف به رابطه میان طبیعت و انسان است.

۲- «تعادل» در مجموعه انسان - طبیعت که معطوف به هماهنگی میان اجزا است.

۳- «نظم» در هستی که حاکی از وجود قانون‌مندی است و ناظر به وجود قانون و قواعد معین برای انجام امور است.

۴- «کمال جویی» در عالم هستی که حاکی از ضرورت دگرگونی و تحول به سمت ارتقای امور و پیشرفت و رشد معنوی است.

با توجه به این نکات می‌توان گفت که جامعه‌ای در مسیر توسعه پایدار گام بر می‌دارد که در آن منابع در دسترس به گونه‌ای مورد



### تحقق توسعه پایدار شهری

با توجه به آنچه گفته شد تحقق توسعه پایدار شهری مبتنی بر تجربیات جهانی و آموزه‌های فرهنگ اسلامی مشروط و مفید به مجموعه‌ای از اصول است که باید در عمل آنها را رعایت کرد. این اصول عبارتند از:

- ۱- هماهنگی
- ۲- آموزش
- ۳- ارزیابی
- ۴- استفاده از تجربیات موجود
- ۵- همکاری و همیاری
- ۶- قانون‌گرایی و قانون‌مندی

### یادداشت

نوشته حاضر، چکیده مقاله‌ای است با همین عنوان که فصلنامه مدیریت شهری آن را تلخیص کرده‌است.

### منابع

- ۱- اردکانی، رضا. تأملی در مجموعه مفاهیم سنت - تجدد -

- توسعه، نامه فرهنگ، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۷۵.
- ۲- افلاطون، جمهوری، ترجمه رضا کاویانی و محمد حسن لطیفی، تهران، ابن سینا، ۱۳۵۲.
- ۳- جعفری، محمد تقی، نقد و تفسیر مثنوی، تهران، اسلامی، جلد ۲، ۱۳۶۰.
- ۴- جعفری، محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰.
- ۵- سهروردی، شهاب الدین، مجموعه مسنقات شیخ اشراق، تهران، انجمن فلسفه، ۱۳۵۵.
- ۶- طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمد علی گرامی قمی، قم، دارالعلم، جلد ۱۰.
- ۷- فارابی، ابونصر، السیاسة المدینة، ترجمه حسن ملک شاهی، تهران، سروش، ۱۳۷۶.
- ۸- عفتخیز، حسین، توسعه فرهنگی و فرهنگ ایرانی اسلامی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
- ۹- مطهری، مرتضی، مسأله شناخت، تهران، صدرا، ۱۳۶۷.
- ۱۰- مور، تلمس، انوبیا، ترجمه داریوش آشوری و نادر افشار نادری، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۲.
- ۱۱- نصر، سید حسین، نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۹.
- ۱۲- تقی‌زاده، محمد، مختصات نظم در شهرسازی اسلامی، تبریز، دانشگاه تبریز، ۱۳۷۶.
- ۱۳- تقی‌زاده، محمد، منابع و روش شناخت مبانی نظری معماری قدسی و شهراسلامی، فصلنامه هنر، شماره ۴۰، ۱۳۷۸.



# برنامه‌ریزی اوقات فراغت

علیرضا میکائیلی، دکتر در معماری منظر  
نرگس حسین زاده، کارشناس محیط‌زیست

امروزه اکوی برنامه‌ریزی اوقات فراغت (Recreation Planning) در برنامه‌ریزی شهری بسیاری از کشورها پیشرفته جایگاه مهمی یافته است. به طوری که می‌توان گفت اصل اساسی مورد نظر و مشترک طراحان شهری ایجاد شهر در دل پارک‌ها است، نه ایجاد پارک در شهرها. برنامه‌ریزی اوقات فراغت فرایندی است که اوقات فراغت افراد را به فضا و مکان پیوند می‌دهد. این برنامه‌ریزی هنر و علمی مرکب از اطلاعات و تکنیک‌های طراحی محیط (Landscape Architecture) و ایده‌های علوم اجتماعی برای توسعه گزینه‌های اوقات فراغت، فضا اثری و سرمایه منطبق با نیازهای انسان است. راهکار اساسی برنامه‌ریزی اوقات فراغت ایجاد توان‌پذیدار و سازگار میان منابع محدود اوقات فراغت و نیازهای اوقات فراغت انسان است. در این نوشتار نسبت میان برنامه‌ریزی شهری و برنامه‌ریزی تفریح سالم به اختصار مرور می‌شود.

پیش‌فرض‌های اساسی برنامه‌ریزی اوقات فراغت به شرح زیر هستند:

- ۱- پارک‌ها و فضاهای شهری عمومی جنبه‌های ضروری عملکردهای تفریحی شهری هستند.
  - ۲- فضاها و سرویس‌های تفریحی که خوب طراحی شده و به طور مناسب مکانیابی و نگهداری شده باشند می‌توانند نیازهای افراد را برطرف کنند.
  - ۳- شناخت نیازها و نگرش‌های افراد از طریق مطالعات اجتماعی برای برنامه‌ریزی اوقات فراغت ضروری است.
  - ۴- همکاری مشترک بخش‌های دولتی، عمومی و خصوصی برای تأمین نیازهای اوقات فراغت افراد ضرورت دارد.
- بنابراین برنامه‌ریزی اوقات فراغت ترکیبی است از برنامه‌ریزی کالبدی، برنامه‌ریزی اجتماعی، طراحی شهری، برنامه‌ریزی شهری و طراحی چشم‌انداز محیط. امروزه برنامه‌ریزی اوقات فراغت از ایده‌های جامعه‌شناسی، مهندسی عمران، جغرافیا و بوم‌شناسی کمک می‌گیرد.

## فرایند و مراحل برنامه‌ریزی اوقات فراغت

فرایند نظام یافته برنامه‌ریزی اوقات فراغت دارای سه مرحله اصلی مرتبط به یکدیگر است:

- مرحله اول: شناخت (بررسی آماری منابع اوقات فراغت)
  - مرحله دوم: تحلیل و ارزیابی (تعیین دقیق تقاضای اوقات فراغت و ابعاد عرضه و تقاضای برای آن در دراز مدت)
  - مرحله سوم: اجرا و پیشنهاد (ایجاد و تولید گزینه‌ها، تولید برنامه‌ها و طرح‌ها و اجرای طراحی و برنامه‌های اوقات فراغت و سازماندهی و مدیریت و نگهداری تأسیسات آن)
- مراحل اول و دوم برنامه‌ریزی اوقات فراغت (شناخت و تحلیل و

## پیش‌فرض‌های برنامه‌ریزی اوقات فراغت

گسترده‌گی و پیچیدگی زندگی شهری - به ویژه در جوامع پیشرفته - و نیاز افراد به کاستن از فشارهای زندگی شهری مدرن موجب شده تا اوقات فراغت (Recreation) و برنامه‌ریزی برای آن از اهمیت خاصی برخوردار شود. اوقات فراغت به گفته آلتان (Altan) دارای کارکردهای مثبت زیر است:

- تأمین سلامت روحی و جسمی افراد و جامعه
- شناخت محیط و طبیعت و کسب تجربه‌های آموزشی
- توسعه هنرهای زیبا
- بالا بردن ظرفیت کاری افراد پس از یک دوره استراحت و تمدید اعصاب
- توسعه روابط میان جوامع
- پدیدن منظور در پیش‌فرض‌های برنامه‌ریزی اوقات فراغت فراهم کردن چنین کارکردهایی ضروری است. بر این مبنا



فضاهای تفریحی

ارزیابی) در حیطه مسئولیت نظام برنامه‌ریزی و مرحله سوم (اجرا و پیشنهاد) برعهده نظام مدیریتی جامعه است.

### عوامل موثر بر برنامه ریزی اوقات فراغت

- ۱- اوقات فراغت و برنامه‌ریزی برای آن متأثر از سه دسته از عوامل است: عوامل طبیعی اوقات فراغت (شکل و موقعیت سطح زمین، اقلیم، کاربری زمین و دیگر شرایط محیطی)
- ۲- عوامل زیربنایی - رونمایی (زیربنای مکان تفریح و روینا و تأسیسات تفریحی)
- ۳- عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، روان شناختی اوقات فراغت

### یادداشت

نوشته حاضر چکیده مقاله‌ای است با عنوان برنامه‌ریزی تفریحی که فصلنامه مدیریت شهری آن را تلخیص کرده‌است.

### منابع

1. Altan, T., Kısıl Rekreasyon Alan Planlaması, (Rural Recreation Planning and Design), Adna, 1990.
2. Gold, S.M., Recreation Planning And Design, McGraw Hill, 1980.
3. Mikaili, A.R. Physical Planning of Recreational Land uses In Gilan Province of Iran. University of Gukurora, Turkey, Ph.D. Thesis, 1996.
4. Nesh, J.B., Philosophy of Recreation And Leisure, William Brown Dubuque, 1960.
5. Turowski, G. Bewertung und Auswahl Von Freizeitregionen Diss, Karlsruhe, 1972.

### اصول برنامه ریزی اوقات فراغت

اکثر برنامه‌ریزی‌ها از جمله برنامه‌ریزی اوقات فراغت ممکن است تحت الشعاع آرا و نگرش‌های مدیریت کلان جامعه و مدیریت‌های محلی قرار گیرد و به طور نسبی و محدود با مشارکت‌های مردمی همراه نباشد، بنابراین بررسی جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه در برنامه ریزی اوقات فراغت ضروری است. در این زمینه توجه به این اصول نیز سودمند است:

۱- هدایت ساختار و امکانات زیست محیطی به سمت نیازهای افراد

۲- استفاده بهینه از چشم‌انداز محیط

۳- ایجاد پیوند میان چشم‌انداز محیط و طراحی و برنامه‌ریزی

۴- رعایت حداکثر سادگی و ساده‌سازی در طراحی فضاهای

تفریحی

۵- به صرفه نمودن استفاده از فضاهای تفریحی ویژه برای افراد

کم درآمد

۶- مناسب نمودن فضاهای تفریحی با ویژگی‌های گروه‌های سنی

جامعه (کودکان، نوجوانان، جوانان، افراد میان سال، خردسالان) و گروه‌های جنسی (زنان و مردان)

۷- توجه به ویژگی‌های جغرافیایی و بوم شناختی و ریخت شناسی

# بررسی جایگاه شهرداری‌ها و شوراهای اسلامی شهرها در لایحه برنامه سوم توسعه

حبیب‌الله طاهر خانی  
دانشجوی کارشناسی ارشد شهرسازی

سومین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حالی تهیه گردیده و مراحل بررسی و تصویب خود را در مجلس شورای اسلامی می‌گذراند که فضای حاکم بر کشور در جهت کاهش باز تصدی‌های دولتی و تصویب سازمان‌های غیردولتی و ارتقاء جایگاه دولت به مقام سیاست‌گذاری و هدایت توسعه در سطح کلان است و هدف به یک مدل تبدیل دولت حداقل‌گرا کنونی به یک دولت کارآمد نظام اداره کشور است. شهرداری‌ها به عنوان یک نهاد عمومی مستقل و گسترده برنامه از اراده عمومی می‌توانند نقش بسیار پراهمیتی در تحقیق هدف مذکور ایفا کنند. و حتی از نظر رشد و توسعه اقتصادی نیاز موثر واقع گردند.

مؤلف در مقاله حاضر بر آن است که با دید انتقادی به بررسی ها و بلندهای لایحه برنامه سوم توسعه که به نوعی شهرداری‌های کشور را تحت تاثیر قرار می‌دهد، پرداخته و آثار و تبعات مولود بلندهای مرتبط را در وقایع، اختیارات و جایگاه شهرداری‌ها و شوراهای اسلامی شهر مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

## پیشگفتار

شاید ذکر شمه‌ای از وضعیت کنونی شهرداری‌های کشور از ابعاد گوناگون در آغاز مطلب به منظور اطلاع از وضعیت آنها بدون قایده نباشد. علاوه بر این، امکان مقایسه وضعیت کنونی شهرداری‌ها با آنچه در لایحه برنامه سوم آمده است، فراهم می‌گردد.  
در حال حاضر ۷۲۰ شهرداری اداره مجتمع‌های زیستی شهری را برعهده دارند، این شهرها طیف گسترده‌ای از جمعیت پایین‌تر از ۵

هزار نفر تا شهرهای میلیونی را در بر می‌گیرند.

- بودجه شهرداری‌های کشور در سال ۱۳۷۷، ۵۸۴ میلیارد تومان بوده است که از این میزان ۳۰۳ میلیارد تومان را صرف برنامه‌ها و طرح‌های عمرانی کرده‌اند. شهرداری‌ها به عنوان نهادی که بخش عمده‌ای از فعالیت‌های عمرانی را به انجام می‌رسانند حائز اهمیت‌اند.

- شهرداری‌ها در حالی وظیفه اداره امور شهرها را برعهده دارند و به عنوان مسئول در برابر مردم با واسطه شورای شهر شناخته می‌شوند که ده‌ها سازمان و دایره دولت مرکزی و نهادهای انقلاب اسلامی در اداره امور شهر دخیل‌اند و در یک ساختار ناماهم‌نگ همگی ساز خود را کوک می‌کنند.

- در سطح جامعه این تصور وجود دارد که شهرداری، بنگاهی با گردش مالی زیاد و حتی حیف و میل‌های بی‌حساب اقتصادی است. کمک‌های دولت فقط ۱/۵٪ از هزینه شهرداری‌ها را پوشش می‌دهد. این در حالی است که دولت حتی مالیات‌های محلی را خود دریافت می‌کند. همچنین ۴۷٪ از درآمد شهرداری‌های کشور از عوارض ساختمانی (به عنوان درآمد ناپایدار) تأمین می‌شود.

- کلیه شهرداری‌های کشور بدون توجه به توان مالی و تخصصی خود مقید به انجام وظایفی یکسان در کل کشور هستند. با وجود تشکیل شوراهای شهر، شهرداری‌ها از مشارکت فعال مردمی در اداره امور شهر محروم هستند.

- جایگاه شهرداری‌ها در سلسله مراتب نظام حکومتی مشخص نیست، در حالی که در کلیه کشورهای جهان به عنوان اساس حکومت محلی دارای جایگاه ویژه‌ای هستند.

- تورم نیروی انسانی در شهرداری‌های کشور چشمگیر است. همچنین از لحاظ کیفیت نیروی انسانی تنها ۵/۵٪ نیروی انسانی شهرداری‌های کشور دارای لیسانس و بالاتر هستند و حدود ۷۱٪ بی‌سوادند.

- شهرداری‌های کشور به دلیل ضعف توان مالی و نیروی انسانی هیچ‌گونه برنامه آموزشی برای جلب مشارکت شهروندان در اداره امور شهر ندارند.

- شهرداری‌های کشور با همه گستردگی وظایف و نقش آنها در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عملاً در برنامه‌های توسعه نادیده انگاشته شده‌اند و محور بررسی هیچ برنامه‌ای نبوده‌اند. کلیه دستگاه‌ها و وزارتخانه‌های موثر در تدوین برنامه‌های توسعه، نقش و تکلیفی را بدون توجه به وضعیت شهرداری‌ها و به منظور پیشبرد برنامه‌های بخش خود ایجاد کرده‌اند.

- تحقیق و پژوهش درخصوص مسائل و وظایف شهرداری‌ها چه توسط آنها و چه جامعه دانشگاهی کشور بسیار ضعیف است.

## مقدمه

برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور نهمین برنامه توسعه کلان ایران از سال ۱۳۷۷ به این طرف است. این لایحه در ۲۴ فصل و ۲۰۰ ماده به تصویب هیأت دولت رسیده است. هدف از این بررسی، شناخت نوع نگرش و همچنین شناخت وظایف و اختیاراتی است که به موجب لایحه برعهده شهرداری‌ها نهاده شده یا احیاناً از آن‌ها سلب گردیده است. شهرداری‌ها به عنوان نهاد عمومی گسترده در سطح کشور و تأثیرگذار در اشتغال و عمران شهری، متأسفانه محور هیچ یک از فصول برنامه قرار نگرفته‌اند. در حالی که این نهاد به علت گستردگی محدوده عمل و تأثیراتی که عملکرد آن می‌تواند بخش‌های اقتصادی را متأثر نماید شایسته توجه ویژه حتی از منظر توسعه و رشد اقتصادی، است. همچنین به عنوان نهادی که می‌تواند در توسعه جامعه مدنی و گسترش مردم سالاری نقش ویژه

داشته باشد شایان توجه است. در این نوشته با بررسی فصول، مواد و بندهای لایحه مذکور آن دسته از مواردی که به نوعی بر شهرداری‌ها تأثیر می‌گذارند و پیامدهای منفی و مثبت برای شهرداری‌های کشور دارند و همچنین وظایف و تکالیفی را برای شهرداری‌های کشور مشخص نموده‌اند استخراج شده‌اند و هر ماده یا بند به طور جداگانه تحلیل گردیده است. در پایان نگرش کلی برنامه سوم نسبت به شهرداری‌ها به عنوان نهاد عمومی متبعت از خواست مردمی ارائه گردیده است.

### بررسی و تحلیل مواد و بندهای مرتبط با وظایف شهرداری‌ها:

#### فصل یکم، ماده ۱، بند ب

به عنوان یکی از وظایف و اختیارات شورای عالی اداری در بند ۵ ذکر گردیده است که:

شناسایی و واگذاری وظایف، امور و فعالیت‌های قابل واگذاری دستگاه‌های اجرایی به شهرداری‌ها و بخش غیردولتی با هدف رهاسازی دولت از تصدی‌های غیر ضروری و همچنین تعیین نحوه ارتباط و تنظیم مناسبات نظام اداری با شوراهای اسلامی روستا، بخش و شهر.

این بند از لحاظ محتوایی به دو بخش قابل تقسیم است:

در بخش اول بند ذکر گردیده که وظایف قابل واگذاری دستگاه‌های دولتی شناسایی و به شهرداری‌ها واگذار شود. در طول فعالیت این نهاد عمومی، شرح وظایف آن در ایران تغییر و تحولات مکرر به خود دیده است و مستمراً بدون وجود نگرشی جامع به این نهاد، وظایف و اختیاراتی از شهرداری‌ها منفک یا به آن‌ها اضافه شده است. پس از قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴، در اثر تصویب قوانین، مقررات و

آیین‌نامه‌های مختلف به طور مکرر مواردی به این وظایف افزوده یا کاسته شده و به سازمان‌های دیگر واگذار گردیده است. مجموعاً نبود دیدگاهی جامع و منسجم نسبت به شهرداری‌ها و همچنین واگذاری یا انفکاک وظایف از آنها منجر به تعدد و تداخل در مدیریت شهر و همچنین کاهش کارایی مدیریت شهر در سطح محلی (شهرداری) گردیده است. این بند امکان نگرش جامع‌تر به حدود اختیارات و وظایف شهرداری‌ها را فراهم خواهد نمود. لازمه تحقق مطلوب این بند شفافیت نگرش به جایگاه و نقش شهرداری‌ها در ساختار حکومتی کشور است. چنانچه صرفاً وظایف و امور تصدی‌گری که زمین مانده دستگاه‌های دولتی است به شهرداری‌ها واگذار گردد، نه تنها بهبود وضعیت شهرداری‌ها امکان‌پذیر نیست بلکه نتایج بدتری را برای این نهاد عمومی باید متصور بود. همچنین نکته دیگری که باید در واگذاری وظایف به آن توجه کرد پیش‌بینی منابع اعتباری لازم برای تحقق هر وظیفه جدید است.



در صورت عدم تشکیل، رئیس شورای اسلامی شهر مرکز استان) پیش بینی گردیده است. با تشکیل سطوح بالاتر شوراهای امکان طرح مسائل و دیدگاه های کلیه شهرداری ها در این ستاد فراهم خواهد شد. در صورت عدم تشکیل شورای اسلامی استان شائبه بی توجهی به مسائل سایر شهرها در این ستاد منحل خواهد بود.

طبق ماده ۸۰ این فصل وظایف این ستاد شامل تصمیم گیری درخصوص درآمدها و هزینه ها، نحوه وصول و سیاست های اجرایی وصول درآمد، بررسی و پیشنهاد منابع جدید درآمدی و نظایر آن است. تصمیم گیری درخصوص این وظایف مسلماً شهرداری ها و عملکرد آنها را تحت تاثیر قرار خواهد داد. حضور فعال نماینده شهرداری های استان در این ستاد تضمین کننده مطابقت تصمیمات ستاد با نیازها، محدودیت ها و وظایف شهرداری ها خواهد بود.

#### فصل چهاردهم، ماده ۱۰۷

کلیه اصناف تولیدی مستقر در شهرها چنان که در قالب کارگاه های دارای ۱۰ نفر یا بیشتر متشکل شوند ضمن استفاده ویژه درخصوص واگذاری اقساطی زمین در شهرک های صنعتی از حمایت و تسهیلات اعتباری که توسط دولت تعیین می گردد، برخوردار خواهند بود. این ماده به صورت محسوسی به شهرداری ها در انجام یکی از وظایف قانونی خود (بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری) درخصوص ساماندهی صنایع و مشاغل مزاحم شهری کمک می کند و امکان انتقال صنایع مزاحم را با تسهیلات حمایتی و اعطای زمین در شهرک های صنعتی فراهم می سازد.

#### فصل هیجدهم، ماده ۱۳۱ بند ج

«تعرفه های آب بها، حق انشعاب و هزینه دفع فاضلاب، در چارچوب ضوابط و سقف مصوب شورای اقتصاد و با پیشنهاد شرکت آب فاضلاب و تصویب شورای اسلامی شهر تعیین می گردد.» نگرش این بند به جایگاه شورای های شهر حایز اهمیت است، چون به صورت مشخص تصمیم گیری درخصوص قیمت ارائه خدمت توسط نهاد دولتی را به نهادی مردمی واگذار می کند. گسترش این نگرش، شورای اسلامی شهر را به عنوان عالی ترین نهاد تصمیم گیری در عرصه شهر مطرح خواهد نمود. محدود نکردن شورای اسلامی شهر به شهرداری ها که یکی از عناصر اداره شهر محسوب می گردد از رویکردهای مطلوب این بند محسوب می گردد. عمومیت دادن آن در لایحه در موارد مشابه می توانست زمینه تثبیت شوراهای گسترش روند مردم سالاری را فراهم نماید.

#### فصل هیجدهم، ماده ۱۳۳

«به کلیه وزارتخانه ها و موسسات دولتی که دارای مراکز فرهنگی، هنری، ورزشی، بهداشتی، درمانی، آموزشی، اداری و نظامی هستند و براساس طرح های مصوب شهری الزاماً تغییر کاربری می یابند اجازه

در قسمت دوم این بند به تنظیم روابط نظام اداری و شوراهای اشاره گردیده است. یکی از اقسام شوراهای شوراهای اسلامی شهر هستند. بعد از استقرار شوراهای یکی از مهم ترین مشکلاتی که شوراهای شهر با آن مواجه هستند روشن نبودن مناسبات شوراهای و دستگاه های اداری در سطح محلی است.

وظایف شوراهای شهر مندرج در قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای، مصوب ۱۳۷۵ را می توان در سه قسمت جداگانه برشمرد:

- ۱- وظایفی که شوراهای در ارتباط با شهرداری ها برعهده دارند.
- ۲- وظایفی که شوراهای در رابطه با مردم برعهده دارند.
- ۳- وظایفی که شوراهای در رابطه با سازمان ها و دستگاه های دولتی برعهده دارند.

در مورد بند ۳ بروز مشکلات به دلیل نامشخص بودن و تداخل وظایف و همچنین نبود ساز و کار ارتباط بین شوراهای و دستگاه های دولتی قابل پیش بینی است. تداخل وظایف شوراهای با دستگاه های موثر در سطح محلی، همچنین وابسته نمودن برخی از وظایف شوراهای به نظر دستگاه های ذربیط در سطح محلی نیازمند تعریف ساز و کار ارتباطی دقیق و مشخص بین شوراهای و دستگاه ها در سطح محلی است. با تحقیق مطلوب این قسمت از لایحه امکان افزایش کارایی شوراهای در حل مشکلات شهرها و همچنین زمینه های جلب مشارکت بیشتر مردمی در اداره امور شهرها فراهم خواهد شد.

#### فصل هشتم، مواد ۶۸ و ۶۹

در این مواد به تشکیل شورای برنامه ریزی و توسعه استان به ریاست استاندار اشاره گردیده است. تعیین اعضای این شورا و کمیته تخصصی به عهده آیین نامه ذربیط قرار داده شده است. در بخش کمیته تخصصی به حضور نهادهای عمومی غیردولتی که قسمتی از وظایف عمرانی استان را به عهده دارند، اشاره صریح گردیده است. با توجه به اهمیت این شورا که عالی ترین نهاد اجرایی و تصمیم گیری در سطح استان محسوب می شود، حضور فعال شهرداری ها در کمیته ها و احیاناً ترکیب شورا را مهم می نماید. یکی از وظایف این شورا، تصویب طرح های توسعه و عمران و همچنین سلسله مراتب خدمات شهری و روستایی در قالب برنامه های توسعه استان یا رعایت سیاست های شورای عالی معماری و شهرسازی خواهد بود. حضور فعال شهرداری ها و شوراهای شهر و تصویب طرح های توسعه و عمران زمینه افزایش ضریب تحقق پذیری این طرح ها را فراهم می سازد.

#### فصل هشتم، مواد ۷۹ و ۸۰

در ماده ۷۹ تشکیل ستادی در سطح استان یا عنوان «ستاد درآمد و هزینه استان» به ریاست استاندار و عضویت رئیس شورای اسلامی

شود چیست؟ اگر منظور از آن تقویت شوراهاست هیچ گاه با چنین نگرشی تحقق نمی یابد و این روش ها حاصلی جز تششت بیشتر در مدیریت شهری ایجاد نمی کند. بنابراین در اعطای وظایف جدید به شهرداری ها (نه شوراهای) باید اصل وحدت در مدیریت شهر، نگرش به شهرداری ها به عنوان نهاد محلی برخاسته از مردم، همچنین عدم یکنواختی و همسانی وظایف شهرداری ها در رده های مختلف جمعیتی و یا توان های مالی متفاوت مورد توجه قرار گیرد.

### فصل نوزدهم، ماده ۱۳۶

«به منظور افزایش سهم تولید انبوه مسکن از کل ساخت و سازهای کشور و همچنین افزایش تولید واحدهای مسکونی کوچک، سازندگان (خصوصی و تعاونی) مجتمع های مسکونی دارای سه واحد مسکونی و بیشتر در نقاط روستایی، ۵ واحد مسکونی و بیشتر در شهرهای با جمعیت کمتر از ۲۵۰۰۰ نفر، و ۱۰ واحد مسکونی و بیشتر در سایر شهرها به شرح ذیل مورد حمایت قرار می گیرند:

بند ب: وزارتخانه های نیرو، نفت و همچنین شهرداری ها و سایر مراجع ذیصلاح موظفند در چارچوب تراکم مصوب طبق طرح جامع نحوه اخذ هزینه تامین، انتقال و حق انشعاب آب، برق، گاز و عوارض صدور پروانه ساخت را به گونه ای تنظیم کنند که سرانه هزینه دریافتی به ازای هر واحد مسکونی احداث شده موضوع این قانون حداکثر معادل هزینه های دریافتی از سازندگان انفرادی باشد. میزان و نحوه دریافت حق انشعاب عوارض فوق الذکر برای مازاد بر تراکم مصوب طرح های جامع براساس آیین نامه ای خواهد بود که به پیشنهاد وزارت مسکن و شهرسازی به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید».

افزایش تولید مسکن فی نفسه در شرایط کشور ما ضروری و مطلوب محسوب می گردد، اما نگرش بخشی در اتخاذ راهکارها موجب خسارات جبران ناپذیر در سایر بخش ها می شود و نهایتاً تحقق توسعه پایدار را با مشکلاتی جدی مواجه می نماید. بعد از لغو عوارض حق مرغوبیت مصوب مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۰، شهرداری ها از بخش عمده ای از درآمدهای خود محروم گشتند. سپس با طرح خودکفایی شهرداری ها طی برنامه دوم توسعه مجدداً شهرداری ها بخشی از درآمدهای خود را از دست دادند. به طوری که در حال حاضر تنها ۱/۵ درصد از هزینه شهرداری ها توسط کمک های دولت تامین می شود. با این روند شهرداری ها برای جبران هزینه ها و تامین کسری بودجه خود شدیداً به عوارض ناشی از صدور پروانه ساختمان وابسته شدند. طبق بودجه شهرداری ها در سال ۱۳۷۷، ۲۷/۱٪ از کل درآمد شهرداری ها حاصل از صدور پروانه است. این نسبت در شهرهای بزرگ بسیار بالاتر است. به طوری که این نسبت در تهران به ۴۹/۶٪ می رسد.

همان گونه که ذکر شد افزایش تولید مسکن به خصوص مسکن

داده می شود که مراکز را با رعایت قوانین مربوط از طریق مزایده به فروش برسانند و درآمد حاصل را به خزانه داری کل واریز و معادل آن را جهت جایگزینی، تکمیل و نوسازی مراکز مشابه و تعمیر و نگهداری طبق قوانین بودجه های سنواتی هزینه کنند».

چنانچه تغییر کاربری موجب گردد که تنها خریدار یا خواهان انحصاری آن شهرداری باشد مانند کاربری فضای سبز یا حمل و نقل (معابر)، پرداخت مبالغ کلان بابت این کاربری ها ضربات سنگینی به شهرداری ها وارد خواهد نمود. با توجه به نقش کاربری های فوق در بهبود کیفیت محیط شهری، تحمیل کردن بار مالی به شهرداری فاقد توجیه است. بنابراین برای تصرف کاربری ها طبق طرح های توسعه شهری به خصوص کاربری های که تنها خواهان آن شهرداری است باید با توجه به منافع عمومی شهر، تخفیف یا تسهیلات ویژه ای فراهم گردد.

### فصل هیجدهم، ماده ۱۳۴

«به دولت اجازه داده می شود با توجه به توانایی های شهرداری ها، آن گروه از تصدی های مربوط به دستگاه های اجرایی را که ضروری تشخیص می دهد، براساس پیشنهاد وزارت کشور و سازمان امور اداری و استخدامی کشور همراه با منابع تامین اعتبار ذیربط به شوراهای اسلامی شهرها واگذار کند».

همان گونه که در تحلیل ماده ۱ ذکر گردید تحقق این ماده و قرار گرفتن آن در جهت ارتقای توان شهرداری های کشور در اداره شهر مستلزم پیش شرط هایی است، از جمله ایجاد دیدگاهی منسجم به جایگاه شهرداری ها در قسمت آخر این ماده ذکر گردیده که وظایف به شوراهای اسلامی شهرها واگذار شود.

آیا شورای اسلامی شهر نهاد اجرایی است یا این که مقرر است نهاد اجرایی توسط شورا برای تصدی این وظایف جدید ایجاد گردد. موضوعی که قانونگذار باید آن را تصریح کند. ذکر نام شهرداری در این خصوص است. شهرداری ها نهاد اجرایی عمومی منبعت از خواست مردمی هستند که با نظر و اراده مردم و با نظارت شورای اسلامی شهر اداره می شوند. مسلماً با واگذاری هر نوع وظیفه به شهرداری ها، تصمیم گیری و نظارت بر انجام آن وظیفه به شورای شهر به عنوان نهاد تصمیم گیری و نظارتی شهرداری محول می شوند. وظیفه اجرایی به نهاد اجرایی (شهرداری) واگذار می گردد، وظیفه نظارت بر انجام وظیفه واگذار شده طبق قانون برعهده شوراهاست. کلیه وظایف تعیین شده برای شوراها در قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراها، مصوب ۱۳۷۵ از همین سنخ است.

وظایف شوراهای شهر نظارتی و تصمیم گیری است نه اجرایی. در حالی که در این ماده، وظایف اجرایی موردنظر است. مشخص نیست هدف پیشنهاد دهندگان از این که وظایف اجرایی به شوراها واگذار

عرصه بورس بازی خواهد شد.

اعتقاد کلیه کارشناسان مسکن بر این است که بورس بازی اراضی شهری یکی از موانع اساسی رکود بازار تولید مسکن محسوب می گردد. حال مشخص نیست که وزارت مسکن به چه دلیل با عرضه انبوهی از اراضی شهری آن هم به صورت مزایده ای سعی در تقویت این پدیده غیراقتصادی و انگلی دارد. آیا سنجشی درخصوص پیامدهای منفی ورود این اراضی در عرصه بورس بازی صورت گرفته است.

آیا تحلیل و سنجشی درخصوص تاثیر ورود این اراضی در عرصه بورس بازی و کاهش تولید مسکن صورت گرفته است؟ آیا تولید تعدادی واحدهای مسکونی توسط دولت تبعات رکود بازار مسکن ناشی از ورود این اراضی به عرصه بورس بازی را جبران خواهد نمود؟ در حالی که شعار دولت خروج از عرصه تصدی گری است، ورود آن به تصدی گری گسترده دارای چه مفهومی است؟

#### فصل بیستم، ماده ۱۴۴

«در دوران برنامه سوم واحدهای آموزشی و پرورشی وابسته به آموزش و پرورش و همچنین واحدهای آموزش فنی و حرفه ای از پرداخت هرگونه عوارض به شهرداری معاف هستند».

مشکلات آموزش و همچنین کمبود بودجه های آموزشی وزارت آموزش و پرورش کاملاً روشن است اما پرسش این است که با کسر درآمد شهرداری ها، این نهاد با کدام درآمد به ارائه خدمات شهری به ساکنان پردازد؟ مشخص نیست که آیا مدارس غیرانتفاعی نیز مشمول این ماده هستند یا خیر، که در این صورت تبعات سوء این ماده برای شهرداری ها را تشدید می کنند. درست در حالی که شهرداری ها از دریافت عوارض محروم می شوند که جایگزینی برای جبران هزینه ها پیش بینی نمی شود. این موضوع می تواند نشانه ای از پایمال شدن حق مردمی ترین نهاد عمومی (شهرداری) از سوی دولت باشد.

#### فصل بیست و یکم، مواد ۱۵۳ و ۱۵۴

در ماده ۱۵۳ امکان واگذاری مراکز فرهنگی، هنری، ورزشی، با تسهیلات خاص به افراد حقیقی و حقوقی دارای سوابق مربوط و همچنین شهرداری ها پیش بینی گردیده است. در ماده ۱۵۴ نیز آمده است:

به منظور استفاده از توانمندی های شوراهای اسلامی شهر و روستا در انجام امور دینی و فرهنگی، شوراهای مذکور علاوه بر وظایف مصرح در قانون تشکیل آنها موظف به انجام وظایف ذیل هستند.

الف - بررسی مشکلات و نارسائی های فرهنگی و ارائه پیشنهادات لازم به مسئولان و مراجع ذیربط.

ب - حفظ و نگهداری مراکز و بناهای فرهنگی و مذهبی موجود.

انبوه، ضروری و مطلوب است ولی راهکارهای تحقق این امر مطلوب نباید موجبات ضربه به نهادی را فراهم کند که متولی افزایش کیفیت محیط زندگی شهروندان است. سؤال این است که آیا افزایش تولید مسکن می تواند به بهای کاهش خدمات رسانی به شهروندان حاصل شود؟ آیا با وجود مسکن بدون ارائه مطلوب خدمات شهری (حمل و نقل عمومی، آتش نشانی، بهداشت محیط شهری، فضای سبز و غیره)، امکان ایجاد محیط مطلوب برای ساکنان همان مساکن ساخته شده وجود دارد؟

در قسمت دوم بند ب اشاره شده است میزان و نحوه دریافت عوارض فوق الذکر مازاد بر تراکم مصوب توسط آیین نامه ای به پیشنهاد وزیر مسکن و شهرسازی به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. عدم حضور مؤثرترین وزارتخانه در امور شهرداری ها (وزارت کشور) در تهیه آیین نامه از نقاط ضعف این بند است. تهیه آیین نامه ای که شهرداری های کشور را از لحاظ مالی متحول خواهد نمود از سوی یک دستگاه اجرایی بخشی بدون حضور وزارت کشور مسلماً برای شهرداری ها مشکلات و مسائل فراوانی به بار خواهد آورد.

#### فصل نوزدهم، ماده ۱۳۹

«به سازمان ملی زمین و مسکن (وزارت مسکن و شهرسازی) اجازه داده می شود به منظور تأمین بخشی از اعتبارات مورد نیاز اجرای قانون تشویق احداث و عرضه واحدهای مسکونی استیجاری یا اجاره به شرط تملیک، زمین های شهری در تملک خویش را به قیمت روز و به صورت مزایده یا با قیمت توافقی که از قیمت کارشناسی روز کمتر نخواهد بود به فروش رسانند».

این ماده به منظور درک روح حاکم بر لایحه درخصوص نگرش به شهرداری ها و شوراهای قابل تأمل است و از نظر تعیین تکلیف برای کالایی صرفاً محلی بدون حضور شهرداری و شوراهای شهر قابل تأمل تر. حداقل ممکن این بود که قیمت گذاری و توزیع بین واجدین شرایط به شوراهای واگذار شود.

یکی از اهداف تشکیل سازمان فوق جلوگیری از بورس بازی زمین از طریق تملک اراضی شهری اعم از موات، بایر و واگذاری این اراضی به واجدین شرایط و جلوگیری از دست به دست شدن اراضی و افزایش قیمت اراضی از طریق بورس بازی بوده است.

طبق قانون استیجاری که در زمان تصویب، مخالفت برخی از کارشناسان مسکن را برانگیخت ۱۰ درصد از تولید واحدهای مسکونی باید به صورت مسکن استیجاری باشد. طی برنامه سوم میزان تولید مسکن سالانه ۲۴۰ هزار واحد مسکونی خواهد بود که ۲۴ هزار واحد مسکونی باید توسط وزارت مسکن ساخته و عرضه گردد. برای تأمین این هزینه طی برنامه سوم، مساحت گسترده ای از اراضی شهری وارد

شهرداری های کشور تکالیفی را بر عهده این نهاد قرار می دهد. اراضی موات و بایر در محدوده خدماتی شهرها در اختیار سازمان ملی زمین و مسکن است و با این طرح شهرداریها عملاً باید اراضی مورد نیاز برای ساخت سینما را خریداری و در اختیار سازندگان قرار دهند. البته تبعات مالی این طرح نسبت به ماده ۱۳۶ بسیار محدودتر است.

### فصل بیست و یکم، ماده ۱۶۱

در این ماده شهرداری ها موظف به در اختیار گذاشتن زمین برای ساخت مسجد در شهرک های جدیدالاحداث برای سازندگان شده اند. همچنین در پارک ها حسب مورد فضا برای ایجاد نمازخانه و مسجد تخصیص داده می شود.

مواردی که درباره ماده ۱۵۹ اعلام گردید در خصوص این ماده نیز مطرح است. با توجه به اهمیت مذهبی مساجد لازم است تا دیگر سازمان ها و مراکز مربوط به امور فرهنگی و مذهبی مانند سازمان تبلیغات اسلامی و بنیاد مستضعفان در این زمینه یاریگر شهرداری باشند و تأمین هزینه ها را بر عهده گیرند. وظیفه شهرداری می تواند نظارت بر مراحل ساخت و مراقبت در هنگام استفاده باشد.

### فصل بیست و یکم، ماده ۱۶۴

«به منظور اجرای وظایف مندرج در قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور در خصوص مرمت و احیای بافتها و بناهای تاریخی، فرهنگی اقدامات ذیل انجام می شود.

الف - در شهرهای دارای بافت تاریخی ارزشمند که حدود آن طبق ماده «۳» قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی، اعلام شده و یا می شود تشکیلات شهرداری ها مورد تجدیدنظر قرار می گیرد و به منظور انجام امور مربوط به حفاظت از بافت های تاریخی این گونه شهرها سازوکار مدیریتی مناسب در شهرداری های مذکور ایجاد می گردد.

ب - شوراهای شهر درصدی از درآمد شهرداری هر شهر را متناسب با نیاز بافت های تاریخی آن شهر در اختیار مدیریت ذیربط در شهرداری قرار می دهند تا با نظارت واحدهای سازمان میراث فرهنگی کشور در جهت مرمت بناها، مجموعه ها و بافت های تاریخی همان محل به مصرف برسد. آیین نامه اجرایی ماده به پیشنهاد وزارت فرهنگ و ارشاد، کشور و سازمان برنامه و بودجه به تصویب هیات وزیران خواهد رسید».

این ماده از دو جهت قابل بررسی است:

اول: اینکه به منظور حسن اجرای وظایف سازمان میراث فرهنگی تکلیف و مسئولیتی بر عهده شهرداری های کشور قرار می دهد جای بسی توجه و تأمل دارد.

دوم: حفاظت از بافت های تاریخی به علت نقش و اهمیت آن در هویت بخشی به شهرها و همچنین جذب گردشگران علاقمند به

ح - حفاظت از ابنیه، آثار تاریخی و فرهنگی و بافتها و محوطه های فرهنگی، تاریخی و ممانعت از تغییر کاربری آنها.

واگذاری این امور به دلیل اهمیت و ضرورت آنها در حفظ بافت ها و یادمان های تاریخی و قدیمی به دلیل ماهیت مردمی بودن شوراهای فی نفسه مطلوب است. ولی واگذاری امور اجرایی و تصدی گری به شوراهای فاقد وجهت است. وظیفه شورا تصمیم گیری، برنامه ریزی و نظارت و کنترل بر حسن انجام وظیفه اجرایی است. هرگونه وظیفه اجرایی باید به شهرداری محول گردد و شورا بر انجام کلیه وظایف قانونی توسط شهرداری ها نظارت کند. البته واگذاری امور به شهرداری ها یا شرط پیش بینی اعتبار برای انجام وظیفه باید صورت گیرد. ولی عملاً چنین نیست، در ماده ۱۶۴ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز برای انجام وظایف خود از بودجه شهرداری سهمی می خواهد.

### فصل بیست و یکم، ماده ۱۵۹

به منظور بازسازی سینماها و مجتمع های فرهنگی و ساخت سینماها و مجتمع های فرهنگی جدید و تالارهای نمایش در شهرهایی که پیش از پانزده هزار نفر جمعیت دارند.

الف - شهرداری های کشور می توانند رأساً یا با مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی برای ساخت و بازسازی سینماهای موجود از تسهیلات بانکی استفاده کنند.

ب - تأمین زمین مناسب برای ساخت سینما و مجتمع فرهنگی در شهرک های جدیدالاحداث بر عهده وزارت مسکن و شهرسازی و در طرح های توسعه شهری به عهده شهرداری ها خواهد بود. زمین های مذکور در این بند به قیمت منطقه ای و به صورت اقساط دهساله در اختیار اشخاص حقیقی و حقوقی متقاضی قرار می گیرد.

ج - به شهرداری های شهرهای مذکور اجازه داده می شود زمین های مناسب برای ساخت سینما و مجتمع فرهنگی را که در مالکیت شهرداری است بدون انتقال مالکیت در قالب قرارداد با دریافت حداقل سهم پایت زمین برای مدت بیست و پنج سال در اختیار افراد حقیقی و حقوقی قرار دهند.

د - در موارد بازسازی سینماها و مجتمع های فرهنگی و یا ساخت سینماهای جدید و تالارهای نمایش شهرداری ها موظفند بدون اخذ هر نوع عوارض و دریافت هزینه، پروانه ساخت صادر و در صورت هماهنگی با طرح های جامع شهری حداکثر معادل زیربنای سالن های نمایش فیلم، مجوز ساخت تجاری و خدماتی صادر کنند. سینماها و مجتمع های فرهنگی که با استفاده از این امتیازات ساخته می شوند تا ۱۰ سال بعد از بهره برداری مجاز به تغییر کاربری نیستند.

طبق این ماده شهرداری های کشور رسماً وارد فعالیت فرهنگی می گردند. این ماده نیز بدون در نظر گرفتن وضعیت مالی

## جمع‌بندی بررسی

در مجموع از بررسی مواد و بندهای لایحه برنامه سوم مربوط به شهرداری‌ها و شوراهای شهر می‌توان این مواد را به شرح ذیل طبقه‌بندی و بررسی کرد:

### ۱- موادی که با درک ضرورت تحول در جایگاه و وظایف شهرداری‌ها و با شناخت از وظایف شهرهای کشور نگاه به بهبود وضعیت مدیریت شهری در کشور دارند.

**ماده ۱:** شناسایی وظایف و واگذاری آن به شهرداری‌های کشور و بخش غیردولتی را پیشنهاد می‌کند. همچنین به تنظیم ساز و کار ارتباط شوراها و دستگاه‌های دولتی اشاره می‌کند. مرجع تصمیم‌گیر این ماده شورای عالی اداری است.

**ماده ۱۳۳:** این ماده به صورت دقیق‌تر، به موضوع شناسایی و واگذاری وظایف جدید به شهرداری‌ها می‌پردازد. مرجع تصمیم‌گیر در این ماده وزارت کشور و سازمان امور اداری و استخدامی کشور است.

**ماده ۱۸۱:** این ماده نگاه توسعه‌ای به وضعیت شهرداری‌های کشور دارد. البته اگر شهرداری‌ها را بخشی از سازمان‌های غیردولتی و محلی موضوع این بند بدانیم (طبق تعاریف پذیرفته شده و علمی چنین است) وزارت کشور موظف به تهیه طرحی برای تقویت سازمان‌های فوق‌الذکر است. مرجع تصویب این ماده هیأت وزیران خواهد بود. اگر یکی از مصادیق تقویت سازمان‌های غیردولتی و محلی از جمله شهرداری‌ها را واگذاری وظایف و اختیارات جدید به شهرداری‌ها بدانیم به طور محسوسی تعدد و تداخل در مدیریت شهرها به لایحه برنامه سوم نیز به نوعی تسری یافته است. بدین صورت که در ماده ۱ مرجع تصمیم‌گیر درخصوص وظایف قابل واگذاری به شهرداری‌ها شورای عالی اداری کشور به ریاست رئیس جمهور است، این وظیفه در ماده ۱۳۴ به وزارت کشور و سازمان امور اداری و استخدامی کشور و در ماده ۱۸۱ به هیأت وزیران واگذار گردیده است.

### ۲- موادی که با تگرش بخشی بدون آگاهی دقیق از وضعیت شهرداری‌های کشور تکالیفی را برای آن‌ها مشخص کرده‌اند.

وجه مشترک تمامی این مواد در این است که دستگاه‌های اجرایی بخشی تحقق برخی ضرورت‌ها و نیازهای جامعه را از طریق استفاده از کمک‌های مالی شهرداری‌ها خواهان هستند، یعنی تحقق اهداف بخش خود را در بودجه شهرداری‌ها جستجو می‌کنند.

**ماده ۱۳۶:** شهرداری‌ها را از بخشی از حقوق خود در صدور پروانه ساختمانی محروم می‌کند تا بازار تولید مسکن رونق یابد.

جاذبه‌های تاریخی حائز اهمیت است. در این باره که شهرداری‌ها باید راساً در حفاظت از بافت تاریخی اقدام کنند هیچ شک و وجود ندارد اما اجباراً باید ستوال تکراری این بررسی را دوباره بیان کنیم. تحقق این وظیفه قبل از تصمیم به واگذاری با کدام منابع اعتباری صورت می‌گرفته است؟ چنانچه بهای لازم از محل اعتبارات و بودجه‌های ملی به این کار داده نشده است آیا بهای این عدم توجه را باید شهرداری‌ها با مشکلات متعدد مالی و بدهی‌های کلان بپردازند؟ همچنین شهرداری از درآمدهای اماکن فرهنگی و تاریخی محروم است. هنگامی که از شهرداری در این زمینه کمک گرفته می‌شود، در منافع آن نیز این نهاد مردمی را نباید فراموش کرد.

### فصل بیست و دوم، ماده ۱۷۵

«وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و نیروهای مسلح کشور مکلفند پس از کسب مجوز از مقام معظم فرماندهی کل قوا نسبت به فروش عرصه و اعیان پادگانها و سایر اماکن در تملک یا تصرف قانونی آنها بوده و در محدوده خدمات شهری قرار دارد (پس از اثبات مالکیت) از طریق مزایده اقدام و وجوه حاصله را به درآمدهای عمومی واریز نمایند. کمیسیون ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی معماری و شهرسازی ایران و شهرداری‌ها موظفند نسبت به تغییر کاربری این قبیل اراضی به کاربری مناسب براساس طرح‌های توسعه و عمران شهری و همچنین صدور مجوز ساخت اقدام کنند».

با تحقق این ماده امید می‌رود که شهرهای ایران بر یکی از مشکلات یعنی عدم انسجام کالبدی ناشی از استقرار مراکز نظامی در محدوده شهری غالب شوند. گسترش سریع شهرنشینی و به تبع آن گسترش افقی محدوده شهرها بسیاری از مراکز نظامی را در خود بلعیده است. استقرار مجدد این مراکز باید با توجه به محدوده گسترش شهر در آینده و همچنین جهات توسعه آن باشد تا مجدداً مشکلاتی نظیر آنچه که هم‌اکنون شهرهای ایران با آن مواجهند روی ندهد.

### فصل بیست و سوم، ماده ۱۸۱

«وزارت کشور مکلف است نسبت به تهیه طرح‌های مربوط به ایجاد و تقویت تشکلات مردمی (صنعتی - تخصصی) سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های محلی با هدف زمینه‌سازی برای واگذاری اعمال تصدی دولت به آنها و تقویت نظارت‌های سازمان یافته مردمی بر فعالیت‌های دستگاه‌های دولتی اقدام نموده پس از تصویب هیأت وزیران به مورد اجرا گذارد».

محدوده عمل این ماده هر چند بسیار گسترده‌تر از شهرداری‌های کشور است و هر چند صریحاً به شهرداری‌های کشور اشاره نکرده است ولی می‌توان برداشت کرد که شهرداری‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین سازمان‌های محلی مورد نظر این ماده قرار دارند.

منظور ساخت مسکن استیجاری، زمین‌های در اختیار خود را به صورت مزایده‌ای در کلیه شهرها به فروش برساند. با این عمل اراضی شهری در اختیار بخش خصوصی قرار می‌گیرد بدون آن که مشخص باشد در چه زمانی به مصرف تولید مسکن خواهد رسید.

در مجموع به نظر می‌رسد لایحه برنامه سوم دیدگاهی جامع و منسجم نسبت به شهرداری‌ها به عنوان مؤثرترین نهاد حکومت محلی (Local Government) ندارد. حال آن که در فصل هفتم قانون اساسی، شوراها به عنوان بخشی از حاکمیت تلقی شده‌اند و نمونه روشن تجلی حق مردم در اداره امور خود هستند.

**ماده ۱۴۴:** شهرداری‌ها حق اخذ هیچ‌گونه عوارض از واحدهای شاموزش و پرورش و قبی و حرفه‌ای را ندارند.

**ماده ۱۵۳ و ۱۵۴:** وظایف و تکالیفی درخصوص حفظ بافتها و ابنیه تاریخی به شوراها واگذار می‌کند، بدون آن که اختیارات و منابع اعتباری لازم را در اختیار آن‌ها قرار دهد.

**ماده ۱۵۹:** شهرداری‌ها به منظور رونق سینما و سینماسازی موظف به در اختیار گذاشتن اراضی برای ساخت سینماها در شهرهای بالای ۱۵ هزار نفر شده‌اند.

**ماده ۱۶۱:** شهرداری‌ها مکلف به در اختیار گذاشتن اراضی برای ساخت مسجد در شهرک‌ها و همچنین ساخت نمازخانه یا مسجد در پارکها گردیده‌اند.

**ماده ۱۶۴:** به منظور حسن اجرای وظایف سازمان میراث فرهنگی کشور، شهرداری‌ها موظف به اختصاص درصدی از بودجه خود برای حفاظت از بافت و بناهای تاریخی شده‌اند.

### ۳- موادی که زمینه تسهیل در انجام برخی امور شهرداری‌ها و امکان بهبود وضعیت شهرها را فراهم می‌کنند.

**ماده ۶۸ و ۶۹:** تشکیل شورای برنامه ریزی و توسعه استان به ریاست استاندار، تعیین اعضاء به عهده آیین نامه محول گردیده است، البته صریحاً گفته شده که شهرداری‌ها جزو کمیته تخصصی خواهند بود.

**ماده ۷۹ و ۸۰:** پیش‌بینی تشکیل «ستاد درآمد و هزینه استان» به ریاست استاندار و عضویت رئیس شورای اسلامی استان (در صورت عدم تشکیل، رئیس شورای شهر مرکز استان).

**ماده ۱۰۷:** تسهیلاتی برای اماكن و اصناف تولیدی بالای ۱۰ نفر در شهرک‌های صنعتی فراهم نموده است و عملاً به ساماندهی صنایع و خدمات شهری شهرداری‌ها کمک می‌کند.

**ماده ۱۳۱:** حق تعیین بهای آب، حق انشعاب و دفع فاضلاب در شهرها با پیشنهاد مراجع مسئول به شورای اسلامی شهرها واگذار شده است.

**ماده ۱۷۵:** نیروهای مسلح مکلف به خروج تأسیسات و پادگان‌های نظامی از عرصه شهرها با اذن مقام معظم رهبری گردیده‌اند.

**۴- ماده یا موادی که با اجرای آن جریان توسعه شهری دچار اختلال جدی خواهد شد و شهرداری‌ها را به عنوان مؤثرترین عنصر در مدیریت شهری متأثر خواهد نمود.**

**ماده ۱۳۹:** به سازمان ملی زمین و مسکن اجازه می‌دهد به



#### یادداشت‌ها

۱- کتاب بودجه شهرداری‌های کشور ۱۳۷۷، دفتر برنامه ریزی عمرانی وزارت کشور.

۲- سالنامه شهرداری‌ها، دوره جدید، سال اول، شماره ۴، یادداشت سردبیر.

۳- سالنامه شهرداری‌ها، دوره جدید، سال اول، شماره ۳، صفحه ۷.

۴- در لایحه برنامه سوم تشکیل شورای عالی اداری به ریاست رئیس جمهور به منظور تصحیح، بهسازی و اصلاح نظام اداری در ابعاد تشکیلات، سازماندهی و ساختار اداره امور کشور، سیستم‌ها و روش‌ها، مدیریت منابع انسانی، مقررات و افزایش بهره‌وری دستگاه‌های اجرایی پیش‌بینی گردیده است.

۵- سالنامه شهرداری‌ها، دوره جدید، سال اول، شماره ۴، یادداشت سردبیر.



# معرفی مراکز بین المللی مطالعات شهری و منطقه‌ای

مهرناز بیگلری

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای

subhas Road Calcutta 700 001, India

Tel: 91-33-220-1045

Fax: 91-33-400-0618

منبع: Urban age, Autumn 1998, page 36

## انجمن بین‌المللی توسعه شهری

International Urban Development Association

Address: Dillenburghstraat 44 NL - 2596 AE, the Hague the Netherlands

Tel: 31-70-324-4526

Fax: 31-70-328-0727

E-mail: inta@inta-aijn.org

website: <http://www.inta-aijn.org>

منبع: Urban age, winter 1998, page 35

## مرکز بین‌المللی شهرهای روی آب

International Center Of Cities On Water

## انجمن امور شهری Urban Affairs Association

انجمن امور شهری سازمان بین‌المللی متخصصان علوم شهری است. برای جذب نیروهای متخصص، تحقیقات و تهیه کتب علمی در این زمینه.

Address: Urban Affairs Association, University of Delaware, NewYork, De 19716 U.S.A

Tel: 302-831-1681

Fax: 302-831-4605

E-mail: [ua@mvs.udel.edu](mailto:ua@mvs.udel.edu)

website: <http://www.udel.edu/uaa>

منبع: Urban age, Autumn 1998, page 36

## مرکز بین‌المللی اسکان بشر

International Center For Human Settlement

Address: Prof.K.P Bhattacharjee, Expcutive Director, Habitat International Centre For human settlement, 25-27 Netaji

شهرهای جدید می‌توانند به عضویت این انجمن در آید.

Address in France: INTA - AIVN, 26 Rue Emerican 75015 Paris, France

Address in Netherlands: INTA - AIVN, International secretariat  
Nassen Dillenburg staat 44 2596 AE, Hagup Netherlands

منبع: جامعه مهندسان شهرسازان خبرنامه شماره ۵، پاییز ۱۳۷۷، ص ۱۴، ۱۵.

Address: San Marco 4149, 30124 Venice, Italy

Tel: 39-41-523-0428

Fax: 39-41-528-6103

E-mail: cities on water@luav.unive.it

website: hHp://www.luav.unive.it/cities on water

urban age, winter 1999, page 35 منبع

### واحد بین‌المللی احداث یا تأمین مسکن

The Building Research Unit, Ministry Of  
Land a Human Settlement

Address: Director Building Research unit, Box 1964, Dar ES  
salaam

Tel: 255-051-74003/71971

منبع: urbanage, winter 1999, page 35

### مؤسسه توسعه و برنامه‌ریزی (پژوهشکده

برنامه‌ریزی و توسعه)

Institute For Planning And Development (U.S.C)

هدف این مؤسسه فراهم آوردن میدانی برای تحقیق دست  
اندرکاران و محققان مسائل شهری در کشورهای پیشرفته و استفاده از  
تجربیات کارشناسان ممتاز در این زمینه است. اطلاعات بیشتر در  
زمینه موضوعات مورد بررسی در مؤسسه توسعه و برنامه‌ریزی از  
طریق مکاتبه با مؤسسه حاصل خواهد گردید.

Address: Anna Sai, Practitioners Institute, school of policy,  
Planning, and Development university of southern California  
Los Angeles, CA 90089 - 0042, USA

E-mail: Praicinst@usc.edu

website: http://www.rcf.usc.edu/Npracinat

منبع: urbanage, winter 1999, page 5

### مؤسسه مطالعات مسکن و توسعه شهری

Institute For Housing And Urban  
Development Studies (IHS)

### جامعه بین‌المللی شهرسازان و برنامه‌ریزان منطقه‌ای

The International Society Of City And  
Regional Planners (ISOCR)

جامعه بین‌المللی شهرسازان و برنامه‌ریزان منطقه‌ای نهادی  
جهانی است که اعضای آن را دانش‌آموختگانی که به حرفه شهرسازی  
اشتغال دارند تشکیل می‌دهند. این جامعه در سال ۱۳۶۵ تأسیس  
شده است و مرکز دبیرخانه آن در لاهه هلند قرار دارد. علت وجودی  
جامعه فوق به منظور اعتلای حرفه شهرسازی از طریق استفاده از  
نظریات و تجارب شهرسازان واجد صلاحیت در سراسر جهان است.  
جامعه بین‌المللی شهرسازان و برنامه‌ریزان منطقه‌ای (ایزوکرب)  
هر ساله در یکی از کشورهای جهان (کشورهایی که شهر سازانش عضو  
این جامعه‌اند) همایشی تشکیل می‌دهد. در این همایش شهرسازان  
جهان ضمن آشنایی با یکدیگر از فعالیتهای همدیگر نیز باخبر  
می‌شوند و از نتایج تجارب دیگر شهرسازان آگاهی می‌یابند.

منبع: جامعه مهندسان شهرسازان خبرنامه داخلی شماره ۵، زمستان ۱۳۷۷، ص ۱۱.

### انجمن بین‌المللی شهرهای جدید یا انجمن

بین‌المللی توسعه شهری

International New Town Association (INTA)  
Association International Du Ville Nouvelle (AIVN)  
International Urban Development Association

هدف اصلی انجمن فوق تبادل اطلاعات و تجارب بین‌المللی در  
زمینه شهرهای جدید، به ویژه در زمینه ساخت، مدیریت و تأمین  
مالی عمران شهرهای جدید است. بدین جهت این مؤسسه به انجمن  
بین‌المللی شهرهای جدید شهرت یافته است. طبق اساسنامه اینستا، هر  
کشور یا ارگان و هر فرد در صورت علاقه یا دخیل بودن در عمران

Fax: 312-431-9985

urbanage, Autumn 1998, page 36 منبع

**مرکز مطالعات شهری و اجتماعی دانشگاه تورنتو**  
Center For Urban And Community Studies,  
(University Of Toronto)

Address: 455 Spadina Avenue Suite 426 / Toronto, Ontario  
M5S, 2G6 Canada

Tel: 416-978-2072

Fax: 416-978-7162

E-mail: Cucs@chass.utoronto.ca

urbanage, Autumn 1998, page 36 منبع

**مرکز تحقیقات شهری**  
Center For Urban Research

مرکز تحقیقات شهری کانونی است برای جلب مشارکت و  
همکاری منحصمان علوم شهری در زمینه پژوهش های شهری در  
قاره آفریقا.

Address: Prof. R.A. Obudho, Executive Director Centre for  
urban Research university of Nairobi, Private Bag 51336,  
Nairobi Kenya

Tel: 254-2-216-574

Fax: 254-2-444-110

Urban age, Autumn 1998, page 36 منبع

**مؤسسه تحقیقات طراحی شهری**  
Urban Design Research Institute

Address: 408 Regent chambers Nariman point, Mumbai  
400021, India

Urban age, Autumn 1998, page 36 منبع

مؤسسه مطالعات مسکن و توسعه شهری بنیادی مستقل است که  
مرکز آن در روتردام هلند قرار دارد. این مؤسسه خدمات خود را در  
زمینه آموزش، پژوهش و مشاوره به کشورهای در حال توسعه عرضه  
می دارد و هدف آن کمک به تأمین منابع انسانی و توسعه نهادی این  
گونه کشورهاست.

فعالیت های مؤسسه بیش از همه در زمینه روش های مربوط به  
تأمین مسکن شهروندان کم درآمد و بهبود محیط شهری کشورهای  
در حال توسعه است.

Address: P&M Bureau

P.o. Box: 1835 / 3000 Bx Rotterdam/ The Netherlands

Tel: 31-10-4021523

Fax: 31-10-4045671

website: <http://www.ihs.nl>

urbanage, spring 1999, page 28 منبع

**دپارتمان برنامه ریزی شهری و منطقه ای**  
(وابسته به دانشگاه کرنل)  
Department Of City And Regional Planning  
Cornell University

Address: Pierre Clavel Director, Graduate Studies City and  
Regional Planning

Tel: 607255-6212

E-Mail: PC9@Cornell.edu

Website: <http://www.aapCornell.edu/crp/crp.htm>

urbanage, Autumn 1998, page 36 منبع

**انجمن برنامه ریزی آمریکا**  
American Planning Association

Address: 122 South Michigan Avenue, Suite 1600, Chicago IL  
60603, USA.

Tel: 312-431-9100 (Chicago) or 202-872-0611

(Washington D.C)

Address: The chinese university of Hongkong New Territories  
Hongkong

Tel: 852-2609-8780

Fax: 852-2603-5215

E-mail: hkiaps@cuhk.edu.hk

website: <http://www.cuhk.edu.hk/hkiaps/homepage.htm>

منبع: *Urban age*, winter 1999, page 35

### انجمن شهرها و شهرک‌های آلمان German Association Of Cities And Towns

Address: Lindenallee 13-17, Postfach 510620 5000 koln 51

Tel: 221-3771-0

Telex: 8882617

Fax: 221-3771-128

### مؤسسه سیاستگذاری توسعه حل و نقل Institute For Transportation And Development Policy

Address: 115 west 30th street, suite 1205, New York, NY 1001,  
USA.

Tel: 212-629-8001

Fax: 212-629-3033

E-mail: [mobility@lpc.apc.org](mailto:mobility@lpc.apc.org)

website: <http://www.itdp.org>

منبع: *Urban age*, winter 1999, page 35



Address: Box 32410, Braamfotein 2017 South Africa

Tel: 21-11-482-6150

Fax: 21-11-482-4739

E-mail: [DBB@zeus.hsrf.ac.za](mailto:DBB@zeus.hsrf.ac.za)

website: <http://www.prododer.co.za>

### مؤسسه کارورزهای توسعه و برنامه‌ریزی ۱۹۹۹ The 1999 Institute For Planning And Development Practitioners

مؤسسه توسعه و برنامه‌ریزی وابسته به دانشگاه برنام‌ریزی و توسعه کالیفرنای جنوبی است که در زمینه جذب نیروهای متخصص مشغول فعالیت است.

Address: Annasol, Practitioners Institute school of policy,  
planning and Development university (usc) of southern  
california Los Angeles CA 90089 - 0042, USA

Tel: 213-740-2332

Fax: 213-740-2476

E-mail: [Pracinst@usc.edu](mailto:Pracinst@usc.edu)

website: <http://www.rcf.usc.edu/Pracinst>

منبع: *Urban age*, winter 1999, page 5

### شورای توسعه اقتصادی شهری Council Of Urban Economic Development

Address: K street, NW, suite 700 Washington DC, 2000 6,  
USA.

Tel: 202-223-4735

Fax: 202-223-4745

منبع: *Urban age*, winter 1999, page 35

### مؤسسه مطالعات آسیا - اقیانوسیه (هنگ کنگ) Hong Kong Institute Of Asia - Pacific Studies

# بررسی کتاب

## مشخصات کتاب‌شناسی

نام کتاب: رهیافتی به جامعه‌شناسی شهری

An Approach to Urban Sociology

Peter H. MANN

نویسنده: پیتر ه. مان

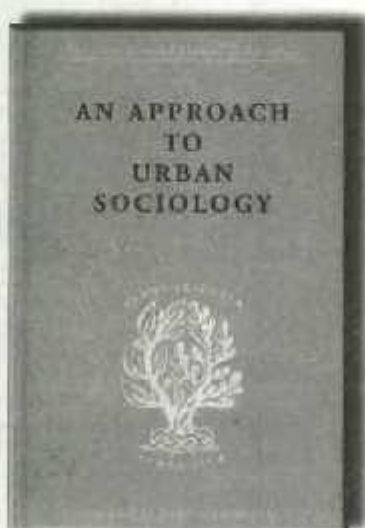
Routledge

ناشر: روتلر

تاریخ نخستین چاپ: ۱۹۶۵

تاریخ آخرین چاپ: لندن، ۱۹۹۸

تعداد صفحات: ۸۰۲۳۲



## مقدمه

این کتاب جلد نخست مجموعه ۱۳ جلدی جامعه‌شناسی شهری و منطقه‌ای است که بخشی از سری انتشارات کتابخانه بین‌المللی جامعه‌شناسی (The International Library & Sociology) به شمار می‌رود. ک. ب. ج. را کارل مانهایم (Karl Mannheim) جامعه‌شناسی شهر بنیاد نهاد. هدف آن بود تا مجموعه‌ای از بهترین کتابهای مربوط به دوره‌های مختلف جامعه‌شناسی در این قالب نشر یابد. از همین رو کتاب رهیافتی به جامعه‌شناسی شهری را با وجود قدمت انتشار، می‌توان از زمره کتاب‌هایی دانست که کلاسیک به شمار می‌رود و همواره اندیشمندان می‌توانند در آن نکات و مطالب سودمندی بیابند. بویژه آنکه نویسنده کتاب سالیانی چند دستیار پژوهشی اساتیدی مانند دکتر چاپمن (Dr. Chapman) در دانشگاه لیورپول و پروفسور اسپرات (Pr. Spratt) در دانشگاه ناتینگهام در حوزه مسائل شهری بوده است. در این نوشتار تلاش می‌شود تا چکیده تحلیلی از کتاب برای خوانندگان ارائه شود.

## ساختار کتاب

کتاب از یک مقدمه، هفت فصل و یک فصل نتیجه‌گیری به همراه یادداشت‌ها و نمایه (Index) پایان کتاب، تشکیل شده است. عناوین فصول هفت‌گانه آن عبارتند از:

فصل اول: درآمدی به مسأله

فصل دوم: مقایسه تطبیقی شهر و روستا از صفحه ۴ تا ۲۷

فصل سوم: مقایسه روستا - شهر: رهیافتی کمی از صفحه ۲۸ تا ۶۸

فصل چهارم: جامعه شهری از صفحه ۶۹ تا ۱۱۴

فصل پنجم: کنترل توسعه شهری از صفحه ۱۱۵ تا ۱۴۸

فصل ششم: توجه به همسایگی از صفحه ۱۴۹ تا ۱۸۲

فصل هفتم: دیدگاه نظری از صفحه ۱۸۳ تا ۲۱۳

فصل هشتم: نتیجه‌گیری از صفحه ۲۱۴ تا ۲۲۰

## چکیده تحلیلی

همان‌گونه که از عنوان کتاب (رهیافتی به جامعه‌شناسی شهری) پیدا است، این کتاب برخلاف سایر متون جامعه‌شناسی شهری تلاش دارد تا مسائل نظری (Theoretical) مطالعه شهرنشینی را با توجه به بریتانیا دنبال کند. موضوعی که به نظر می‌رسد در مطالعات شهری ایران به آن توجه چندانی نشده است. در مقایسه میان روستا و شهر باید به نکاتی توجه داشت. معمولاً درباره زندگی روستایی کلیشه‌ای (Stereotype) فکر می‌شود. خانه‌های روستایی غرق در سبزه و بهره‌مند از باغچه‌ای کوچک و روستاییان مردمانی قریه و خوشحال به تصویر کشیده می‌شوند. تصویرهایی کلیشه‌ای که در کارتهای تریک و در تقویمها به چشم می‌خورند. اما این کلیشه‌های مثبت از زندگی روستایی این خطر را به دنبال دارد که شهرنشینی و زندگی شهری را به عنوان مسأله و مشکل تلقی می‌کند. این تصاویر غیرواقعی از روستا و شهر مانع از دریافت واقعیت زندگی این دو جامعه می‌گردد و عموماً تأکید را بر مسائل زندگی شهری می‌گذارد. خطر در اینجا است که زندگی شهری - شلوغ و پیچیده به نظر آید و روستا محیطی آرام و

لاندیرگ، مک آیور (MacIver)، فون ویزه (Von Wiese)، بکر از جمله آنان هستند. بحث از فردیت، نویس و تقسیم بندی دوگانه او، اجتماع و جامعه (Gemeinschaft and Gesellschaft) جایگاه ویژه‌ای در این فصل دارد. در این بخش نظرات تالکوت پارسنز (Talcott Parsons) درباره تغییرهای الگو و پیوند آن در مقایسه شهر و روستا نیز مطرح می‌گردد. مرور نظرات جامعه‌شناسان کلاسیک مانند اسپنسر (H. Spencer)، دورکیم (E. Durkheim)، ماکس وبر (Max Weber) و هابهاوس (L. Hobhouse) در ارتباط با مفهوم اجتماع (Community) پایان این فصل است.

در فصل هشتم مان نتیجه‌گیری را با توجه به مباحث گسترده جامعه‌شناسی شهری کاری دشوار می‌داند و تلاش می‌کند تا تنها خلاصه کوتاهی از برخی نکات مهم فصول قبلی را بیان کند. همان‌گونه که در آغاز ذکر شد با وجود گذشت ۳۵ سال از چاپ نخست این کتاب، دقت نظر و غنای تحلیلی نویسنده، همچنان آن را کتابی الهام بخش کرده است. خواندن این کتاب به علاقمندان مسائل شهری به ویژه دانشجویان جامعه‌شناسی و شهرسازی توصیه می‌گردد.

حسین ایمانی جاجرمی

### مشخصات کتاب‌شناسی

نام کتاب: مدیران نوین بخش عمومی در اروپا

New Public Managers In Europe: Public Servants In Transition

نویسندگان و ویراستاران: د. فارنهام، اس. هورتون، جی. بارلو و آ. هاندگهام

Edited By: D. Farnham, S. Horton, J. Barlow & Annie Handeghem

McMILLAN

ناشر: مک میلان

تاریخ نخستین چاپ: ۱۹۹۶

تعداد صفحات: ۱۶۰+۳۰۸

### مقدمه

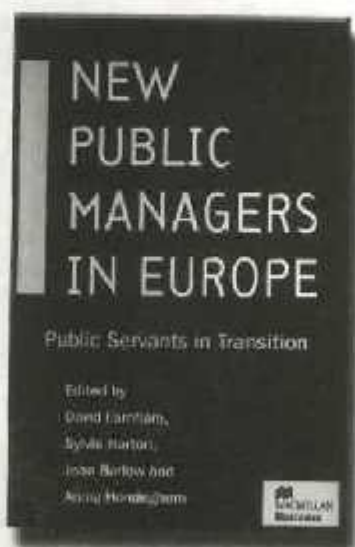
اکنون که قرن بیستم را پشت سر گذاشته و قرن جدیدی را آغاز کرده‌ایم، در مغرب زمین نغمه‌های پایان مدرنیته چونان ناقوسی آهنگ مرگ بروکراسی را سرمی‌دهند، پدیده‌ای که با ذهن کجی به آمال و مقاصد مردم نازیبان خود را بر سر و صورت ملت‌های رنجیده می‌نواخت و حاصل آن ظهور فاشیسم در آلمان و اروپا بود. در پایان جنگ دوم، همگان و به ویژه اندیشمندان اجتماعی، به این نتیجه رسیدند که توسعه، زمانی پایدار خواهد شد که انسان‌ها را هدف قرار دهد، نه وسیله. هدف بودن انسان نیازمند درایت، تدبیر، تأمل و

ساده، سوروکین و زیمرمان کوشیده‌اند تا مشخصه‌هایی برای مقایسه جامعه شهری و روستایی به دست دهند. از نظر آنان براساس هشت مشخصه زیر می‌توان این دو جامعه را با یکدیگر مقایسه کرد: اشتغال، محیط، اندازه، جامعه، تراکم جمعیت، تجانس و عدم تجانس جمعیت، تفاوت و قشربندی اجتماعی، تحرک و نظام کنش متقابل.

نویسنده در ادامه براساس این هشت مشخصه به بیان ویژگیهای جامعه شهری و روستایی و مقایسه آنها می‌پردازد. برای نمونه از نظر مشخصه محیط (Environment) روستا تحت تسلط محیطی طبیعی تا اجتماعی است و پیوند نزدیکی با طبیعت دارد. اما شهر از طبیعت جدا می‌شود و محیط انسان ساخت بر آن غلبه دارد. محیط شهری آکنده از هوای آلوده و سنگ و آهن است. مان در فصل سوم با استفاده از آمارهای منتشر شده به مقایسه کمی شهر و روستا می‌پردازد. این فصل مکمل فصل پیشین است که این دو جامعه را از نظر کیفی با یکدیگر مقایسه می‌کرد. چهارگونه عمده برای طبقه‌بندی شهری و روستایی در این فصل عبارتند از: ساختار جهت، آمار حیات، آمار بهداشتی و آمار اجتماعی.

نویسنده در ادامه براساس آمارهای رسمی به مقایسه شهر و روستا در نواحی مختلف انگلستان و ولز می‌پردازد. در فصل چهارم نویسنده می‌خواهد تا مفهوم «جامعه شهری» (Urban society) را تبیین کند. به همین منظور دیدگاه‌های صاحب‌نظران مختلفی مورد بحث قرار می‌گیرد. از جمله رهیافت بوم‌شناختی مکتب شیکاگو با نظریه ناحیه هم‌مرکز (Concentric zone) بورگس که شهر شیکاگو را به عنوان مدل برگزیده، نظریه ساختار اجتماعی شهر بحث از اندیشه‌های لوئیس ویرث، اینزبر هوارد (Louis Wirth, Ebenezer Howard)، لوئیس مامفورد (Lewis Mumford)، خلفیات شهری با نظرات رابرت لیند. در پایان نویسنده توجه می‌دهد که باید مفهوم شهرنشینی را از دو جنبه انسانی - شخصی ریزوم (The microcosmic) و مکان بوم (The Macrocosmic) بررسی کرد. موضوعی که فصل‌های بعدی کتاب را تشکیل می‌دهد. نویسنده در این فصل‌ها مسائل برخاسته از توسعه شهری (Urban Development) را با توجه به مسائل انگلستان و ولز بررسی می‌کند. مان این بحث را پیش‌بینی می‌کند که توسعه شهری می‌تواند به زمینه‌سازی برای گسترش رفتارهای داوطلبانه و دموکراتیک منجر گردد. در فصل شش مان مفهوم همسایگی را به عنوان موضوعی جامعه‌شناختی بررسی می‌کند و همچنین درباره کاربردهای واحد همسایگی به عنوان یک ایده برنامه‌ریزی به بحث می‌پردازد.

در فصل آخر، کارهای شماری از جامعه‌شناسان معروف برای بیرون کشیدن مشخصه جامعه‌شناسی شهری بررسی می‌شود.



دوراندیشی است. بنابراین برای اداره جامعه و امور حاکم بر زندگی انسان‌ها باید مدیران صاحب اندیشه را برگزید.

امروزه پژوهشگران اجتماعی با طرح جوامع مابعد صنعتی (Post Industrial) از مدیرانی در اروپا سخن می‌گویند که چونان پیچ و مهره درون دستگاه عظیم بروکراسی غوطه‌ور هستند. جان کنت گالبرایت (John C. Galbraith) در کتاب «وضعیت جدید در جوامع مابعد صنعتی» می‌گوید: «مدیران جدید به دلیل داشتن حرفه و تخصص ساختاری تکنیکی به‌وجود آورده‌اند، تصمیمات خود را بر جامعه تحمیل می‌کنند و سیاست را حرفه‌ای می‌نمایند.» ماركوزه (H. Marcuse) در کتاب «انسان تک ساحتی» از آدم‌های استاندارد شده‌ای نام می‌برد که فقط براساس تخصص و نه ایدئولوژی مدیریت می‌کنند. ویلیام وایت (William Waite) مدیران جدید اروپا را «انسان سازمانی» نامگذاری کرده است که مطابق دستگاه دیوانی تربیت شده‌اند و نوع ناب و آرمانی انسان عقلایی و بری را تشکیل می‌دهند. کتابی که در این‌جا معرفی می‌شود بررسی مقایسه‌ای - موردی از مدیران جدید بخش دولتی در اروپا است. رویکرد این کتاب، مشابه رویکرد نویسندگانی است که در بالا به آنان اشاره کردیم.

#### ساختار کتاب

ساختار کتاب به شرح زیر است:

بخش اول: پیش زمینه (۷۵ - ۳)

۱- مقایسه مدیران عمومی

۲- مدیران عمومی و مدیران خصوصی

۳- قابلیت‌های مدیران جدید عمومی

بخش دوم: مطالعات موردی (۲۷۸ - ۷۶)

۴- بلژیک، ۵- بریتانیا، ۶- فنلاند، ۷- فرانسه، ۸- آلمان

۹- ایرلند، ۱۰- ایتالیا، ۱۱- هلند، ۱۲- اسپانیا

بخش سوم: نتیجه‌گیری و ارزیابی (۲۹۶ - ۲۷۹)

۱۳- مدیران عمومی در حال گذارند؟

#### چکیده تحلیلی کتاب

بخش اول کتاب به صورت مقایسه‌ای ابعاد نظری مدیران نوین را در اروپا بررسی می‌کنند. در مقایسه مدیران بخش دولتی و بخش خصوصی نتیجه‌گیری نویسندگان این است که مدیران بخش دولتی نه در عرصه تجاری سودجویانه بلکه در عرصه سیاسی عمل می‌کنند و کارآیی آنان مستلزم وجود نظام دموکراتیک است.

بخش دوم کتاب به مطالعات موردی می‌پردازد. در بلژیک، مدیریت بخش دولتی در حال گذار است. در حالی که در بریتانیا از سال ۱۹۷۹ فرهنگ مدیریتی در حوزه‌های حکومت محلی و خدمات شهری نیز نهادینه شده است. در فنلاند، اقتدار و مسئولیت میان

مدیران و سیاستمداران تقسیم شده است.

در آلمان به دلیل وجود نظام پیچیده فدرالی و سایر موانع حقوقی - سیاسی مدیریت بخش دولتی دچار تحولات اساسی نشده است. در این کشور واژه مدیر دولتی صرفاً در مورد مؤسسات دولتی به کار می‌رود. آلمان در پایین‌ترین رده طیف اصلاحات در مدیریت عمومی قرار می‌گیرد. در ایرلند، بخش عمومی کاملاً متحول شده است. این تحول روابط میان نهادهای اداری - سیاسی را کاملاً تغییر داده است. در ایرلند در اصل اساسی مدیریتی مورد توجه دقیق قرار گرفته است. (۱) احترام به قانون؛ (۲) کارآیی نظام اداری.

در هلند با تأثیر پذیرفتن از تغییرات بریتانیا و بحران‌های حاد بودجه‌ای آن کشور، تغییراتی در مدیریت بخش دولتی صورت گرفته است. در این کشور ۳۰٪ مدیران بخش دولتی را اشراف تشکیل می‌دهند. موضوع فعالیت این مدیران مواردی از قبیل حسابداری و اجرای بودجه، همانند مدیران بخش خصوصی است.

در اسپانیا، نتایج تغییرات محدود و کند بوده است و مدیران بر اساس تجارب بخش خصوصی عمل می‌کنند.

بخش دوم کتاب نتایج مطالعات ملی را از طریق مکالمه موردی ۹ کشور استخراج می‌کند و نتیجه می‌گیرد که گذار از نظام کارمندان دولتی سنتی به مدیران بخش دولتی در اروپا رخ داده است. بیشترین تغییرات در بریتانیا بوده است. آلمان و اسپانیا کمترین تغییرات را

نیز بوده است. به ترتیبات حقوقی و قانونی در برخی کشورها همراه با تغییرات در نظام اداری آنها صورت گرفته است. کشورهای فاره اروپا با داشتن نظام مدون حقوقی اداری کمتر دچار تغییر شده اند در حالی که کشورهای جزیره ای به ویژه بریتانیا به دلیل نداشتن نظام حقوقی مدون بیشتر تغییر کرده اند.

در این تغییرات زمینه سیاسی و کارگزاری سیاسی نیز مؤثر بوده است. در بریتانیا به دلیل وجود قوه مجریه مقتدر و از لحاظ ایدئولوژیکی متعهد و دارای اکثریت در پارلمان بیشترین تغییرات در حوزه عمومی صورت گرفته است. کشورهای فاره اروپا کمتر از کشورهای آنگلوساکسون تغییر کرده اند. دلیل این امر را عوامل فرهنگی و زبانی تشکیل می دهند. در جمع بندی کلی نویسندگان ویژگی های مدیران جدید بخش دولتی در اروپا به شرح زیر است.

تقریباً همه مدیران نوین مرد هستند و در رأس امور قرار دارند. زنان اگر هم باشند، در سطوح پایین تر هستند؛ اغلب میان سال هستند و از لحاظ آموزشی هیچ تمایزی میان مدیران سبک قدیم و سبک جدید وجود ندارد. مدیران نوین نه تنها از لحاظ مدیریتی بلکه از لحاظ سیاسی هم دارای حساسیت و موضع گیری هستند.

اغلب مدیران جدید از دورن سازمانهایشان ارتقاء می یابند؛ بیشتر آنان هنوز منزلت مستخدم مدنی را دارند.

مدل بوروکراتیک کلاسیک مدیریت بخش دولتی بر پایه این مفهوم بود که سیاست را نخبگان سیاسی تعیین می کنند و اجرای آن بر عهده کارمندان دولت است. مدیریت جدید امروزه به تمرکز زدایی و استقلال بیشتر مدیران گرایش دارد. مدیران نوین در برابر هیئت دولت مسئولند نه وزیر، در برخی کشورها از جمله بلژیک، هیئت دولت قدرت سیاسی زیاد دارد. در برخی کشورها مانند بریتانیا، مدیران جدید مستقیماً در برابر پارلمان مسئول هستند. این مدیران جدید، سیاستمداران خطوط کل را ترسیم می کنند و مدیران آنها را اجرا می کنند. مقامات سیاسی در مورد استراتژی های کلی، مقاصد سیاسی اجرای استانداردها و بودجه تصمیم می گیرند، در حالی که مدیران بخش دولتی مسئول اجرای برنامه های سیاسی هستند. این مدیران در منابع سازمانی، مالی و انسانی برای اجرای مؤثر و مکفی برنامه هایشان آزادی عمل دارند؛ اقتدار، مسئولیت و پاسخگویی از ویژگی های این مدیران به شمار می رود.

مدیریت دولتی نوین نه تنها با مکفی و مؤثر انجام دادن امور، بلکه با بهترین چیزها برای جامعه سر و کار دارد. البته نمی تواند تمامی معضلات از قبیل تبعیض، بیکاری، بی عدالتی و نابرابری را حل کند. این معضلات اساسی سیاسی راه حل های سیاسی می طلبد بنابراین بعد از ظهور مدیران بخش دولتی نوین، سیاستمداران جدید هم ظهور خواهند یافت. □ حسن شفیعی

داشته اند. نتیجه این است که تغییر به سوی مدیریت بخش دولتی بستگی به عوامل و توانایی های فرهنگی، حقوقی، سیاسی و اجتماعی و نبود نهادهای مختل کننده تغییر داد. مدیریت بخش دولتی را نمی توان به مدیریت خصوصی تقلیل داد و مدیریت کارآمد به تنهایی نمی تواند معضلات سیاسی جوامع پیچیده مدرن را حل کند.

بخش سوم کتاب ارزیابی و نتیجه گیری از مباحث نظری و مطالعات موردی است.

جمع بندی نویسندگان این است که تغییر در سازمان و مدیریت دولتی اروپا ریشه اقتصادی دارد. تقریباً در اغلب کشورهای اروپایی افزایش مخارج و پدیده دولت و موازنه منفی بودجه دولتی در دهه ۱۹۸۰ به معضلی اساسی تبدیل شده بود. بر این اساس بود که تضمین ارزش پول و استفاده مؤثر و ممکن از منابع، اساس سیاست دولت های اروپایی را تشکیل داد. این وضعیت اقتصادی با تغییر شرایط سیاسی در اروپا همراه شد. با به قدرت رسیدن «ریگان» و «تاچر» در آمریکا و انگلیس به نئولیبرالیسم به ایدئولوژی مسلط جهان غرب تبدیل شد و مخالف با دولت و طرفداری از خصوصی سازی رایج گردید؛ بازار و مؤسسات خصوصی مدعی حل تمام معضلات اقتصادی - اجتماعی حکومت ها شدند و عقیده این بود که بخش دولتی نباید از بخش خصوصی به منظور افزایش تولید و مسئولیت در برابر نیازهای اجتماعی پیروی کند. در برخی کشورها، حکومت ها با معضل مشروعیت هم مواجه شده بودند. شهروندان نومیثانه انتظار داشتند حکومت مشکلات بیکاری، افزایش جرم و فقر را کاهش دهد. شهروندان به منظور رسیدن به استانداردهای معتبر آموزشی، سیاستمداران را مورد انتقاد قرار می دادند و تقاضای داشتن قدرت سیاسی داشته آنان خواهان عدالت در ارائه خدمات و تغییر ساختار لوروکراتیک نسبتی بودند. خدمات عمومی از قبل بر مبنای مدل لوروکراتیک کلاسیک با پشتوانه قوی قانونی بودن و اجرای منظم کارکردهای سازمان دهی شده بودند تغییرات عمده شامل بازبینی ساختار سازمانی بود تغییر این ساختار در اولین گام نظام مدیریتی را متحول ساخت. سازمان های جهانی از قبیل بانک جهانی، جامعه اروپا، صندوق بین المللی پول و پیمان ماستریخت در این تحولات مؤثر بوده اند. مدیران بخش دولتی جدید تحت فشارهای اقتصادی و مالی خارجی به وجود آمدند. این نکته مؤید نظریه لکاسیک کروزیئر (Cruiser) است که بروکراسی فقط در شرایط بحرانی و کارگزاری از خارج نظام تغییر می یابد. مدیران نوین برآمده از تغییرات با پذیرش و درونی کردن ارزش های جدید اکنون خود را مدیر می دانند تا اداره کننده. در نتیجه نظام مدیریتی جدید شکل می گیرد.

تغییر در نظام مدیریت کلاسیک و ظهور مدیران جدید علاوه بر فشارهای اقتصادی و تغییرات تابع عوامل قانونی، سیاسی و فرهنگی

construction methods, which in turn provided new possibilities in the architecture and city planning. Likewise, the western societies witnessed a profound alteration in the economic areas, which deeply influenced their life styles.

The productive regime formed during the early decades of the 20th century, stressed on the mass production, standardized merchandises, accumulation and centralization. At the same time, the necessary policies to support the middle class as the mere consumers, were exerted.

The growth and development policies, dominating the Europe, in the post - war era and the increasing share of the government in the public economy sector, resulted in more production, as well as the growth of the consumers' markets in the city regions. On the other hand, the implementation of the industrial development policies adopted by the governments, led to wider centralization and urbanization.

The rapid growth of industrialism, the settlement of industries in the cities and outskirts, the violent environment pollution, the building accumulation, over population, the lack of housing, and the heavy traffic, all, have concerned the experts to modify their stance, and carry out reforms regarding the industrial city.

The movement of the modern architecture was developed under such circumstances. In 1933, the Athen charter, as the result of the fourth international congress of modern architecture, to improve the urban environment was issued. The logic behind the modern city planning, enjoys standardization, and cities are viewed as the industrial merchandise that can be standardized and mass produced. In this view, a city is more like a tool, whose parts are to be precisely put together. After the lapse of six decades of the execution of the Athen charter, and proposals put forward by modernism, mechanization, standardization, centralization, functionalism and the ignorance of the cultural issues on one hand, and assigning wide duties to the architects with shaky knowledge of management on the other hand, have brought about some severe problems, including

pollution, lack of security, loneliness, unemployment, nervousness, mental illnesses and many others.

In such conditions, the charter of 2000, including seven principles, was propounded, aiming at presenting the best designs and successful practical methods, in accordance with the latest changes of the city life.

Furthermore, the compatibility and coordination of urbanization with the natural systems and environmental sustainability, recognition of independent identity for different regions, based on the climatic, topographic, cultural, social and economical differences, have been emphasized. Finally, the renewal of the existing urban spaces, with regard to the social and behavioral needs, have been stressed.

Since the ideas of the Athen charter were implemented in different cities in Iran as a pattern for pre - industrial society, yielded certain hardships, undoubtedly, the waves of the charter of 2000, would touch the country. Therefore, in order to take lesson from the past and benefit the present experiences in this regard, the two charters have been put into comparison, to detect their strong and weak points.



and strengthening the urban political, social and cultural aspects.

As long as the execution of the urban development project is carried through group participation, thus, the close cooperation of the citizens, households, groups, organizations institutions, private and public sectors, seem to be essential.

The role of the public participation in the development process, including urban development, is a fact that is not deniable. The realization of the urban participation is obtained through the urban participation culture, which in turn, is due to the proper education and cultural promotion.

The establishment of the financial, social, political and cultural structures, proportional to the urban participation in the local, regional and national levels, with the presence of the urban management systems, is among the vital prerequisites.

Due to the importance of the awareness of the urban management system (municipalities and the city councils), this article investigates the two (major) projects of the urban development and the urban participation with regard to the sociological aspects of the new paradigm.

## Economic Rent in the Urban Development Plans

M. Meraatnia

Due to their control and supervision over the urban landuse, the urban development plans bring about some value added or economic rent. Some of the land owners unjustly benefit the economic rent, while some others will inevitably incur a loss. Furthermore, the project executive expenses and the required budget to purchase the lands, have been unexpectedly increased. Thus, the fulfillment of the plans, due to the lack of the financial resources, has proved difficult.

Once the revenue obtained through the economic rent is not distributed justly, then it acts as an impediment to the economy growth, and consequently the active forces of the society are attracted to seek rent profit.

The evaluation of the urban development plans, is indicative of the fact that, finding a proper means to attract the rent obtained from the urban development plans, and its distribution in the city, not only provides the lion's share of the plans financial requirements, but also prevents the financial injustice, with regard to the execution of these plans.

Based on the experiences procured from the urban comprehensive plans, the preparation of the financial programs in order to determine the revenues and expenses, and the applicability of the plans, seems to be a vital clue.

The three main elements to be considered in the preparation and the execution of the financial program of the urban development plans, include the organization in charge of the city affairs, the city expenses, and revenues.

This article presents the different concepts of the economic rent, and then surveys its theoretical foundations. Afterwards, the role of the economic rent in the urban development plans has been investigated. To survey the added values obtained from the urban plans, three city groups, in large, medium and small sizes, namely, Tehran, Ardebil, and Mianeh have been chosen.

In these series of investigations, through the comparison of the urban plans expenses, and the obtained revenues, the importance of the partially absorption of the revenues has been stressed. Finally, some suggestions have been made to insure the executive success of these plans.

## Athen Charter and the Charter of 2000; the two turning points of the city planning in 20th century

H. Mohammadzadeh Titkanlou

The immense changes in the 20th century, in the scientific, economic and technical fields, provided a suitable grounds for the rapid growth of the modernist thoughts all over the world. In the domain of the city planning, modernism brought about particular changes in the utilization of the materials and

## ABSTRACT

### A Survey of the Delphi Method

By: H. Imani Jajarmi

Man has always wished to predict future. In the past, the foretellers, magicians, astronomers and philosophers forecasted the future events. Later on, with the expansion of science, the intellectuals carried the duty of prophecy and new methods were devised.

Among all the methods dealing with prophecy, Delphi method from the applicability view point, enjoys a particular stance. Delphi, is a scientific method to forecast future. This method is carried out through the indirect participation of the related experts. Thus, there is no need for all individuals to enter the process of research, nor any sampling is required.

Based on the subject, the qualified experts, assist to fulfill the requirements of the method. The relation between the participants is paved through a mediator. The duty of the mediator is to summarize the information in each round of talk, and then inform the participants and receive their responses.

The prominent policymakers and managers, in the developed countries, utilize the Delphi method as a tool for policy making, macro planning and achieving a full agreement concerning the recognition, and solution of the complex problems. For some fields of study, in which the expert knowledge of the experts from the different states is required, then the Delphi method gets wider dimensions, asking for higher expenses, more time and complex processes. Therefore, those organizations and centres with relatively suitable financial status, such as the army, large industrial and commercial organizations can benefit this method.

The present article, while providing the background, the aims, the execution process, the weaknesses, and the strong points associated with the Delphi method, sets out to present one of the research, in which the Delphi method has been

implemented.

### The new paradigm of urban management, urban development and urban participation

S. M. Nejaty Hossaini

The increasing growth rate of urbanization and urbanism, with the complex system of the urban society, and the shortcomings of the current methods in urban management, have all made the experts and policy makers adopt a new paradigm for the urban development management. However, during the last few decades, particularly in 1990's, a new pattern of urban management, has attracted a large attention among the international organizations, the local organizations (municipalities), the local officials (city councils), and that of the citizens.

The paradigm enjoys new roles and functions both for the urban management system (municipalities and city councils), as well as the citizens, to participate in planning, policy making, supervision and logical guidance of the city life.

During the last session held in the United Nations, concerning the Human Settlements, the new ways to improve the city life and the global urban management, aiming at elevation the quality of the functional criteria of the urban management were presented. Furthermore, the citizens participation in the city affairs was encouraged. Thus, the new paradigm of the global urban management is based on two main projects of urban management and urban participation, acting as the key factors for the urban management systems, (municipalities and the city councils).

The urban development project can be considered as the basis for the renewal of the financial, social, political and cultural structures, with the direct participation of the citizens. The second goal underlying the project accounts for the improvement of the urbanization process, amendment of the urban environment, amelioration of the urban financial status.



IN THE NAME OF GOD



## CONTENTS

<b>Editors' note:</b>	4
<b>Thought:</b>	5
The New Paradigm in the Urban Management	11
<i>Seyyed Mohammad Nejaei Hosseini</i>	
The Athens Charter, and the Charter of 2000, the Two Turning Points in the 20th Century City Planning	25
<i>Hemideh Mohammadzadeh Tilkanlou</i>	
Citizenship and Modernism, The Modern Sociology of the Citizenship	35
<i>Morris Rocha</i>	
<i>Translated by: Nasereddin Ghorab</i>	
<b>Methodology:</b>	
A Survey of the Delphi Method and Its Application in the Decision Making	40
<i>Hossein Imani Jajarmi</i>	
<b>Research:</b>	
Economic Rent in the Urban Development Plans	49
<i>Mansoureh Marastnia</i>	
Organizing the Industries and the Urban Services	66
<i>Javed Mahdizadeh</i>	
<b>View point:</b>	
Presenting Leonard J. Duh's View	70
<i>Esmagel Salehi</i>	
Post Modernism in the Urban Planning	73
<i>Hassan Shafiei</i>	
The Islamic Culture and the Sustainable Urban Development	75
<i>Mohammad Naghizadeh</i>	
Recreation Planning	77
<i>All Reza Mikaeelian, Narges Hosseinzadeh</i>	
<b>View and Opinions:</b>	
Surveying the Municipalities and Islamic City Councils Standpoint in the Third Plan Development Bill	85
<i>Habibollah Taher Khani</i>	
<b>Scientific Centres:</b>	
Urban and Regional Research Centers	89
<i>Mehrnaz Bigdeli</i>	
<b>Book Review:</b>	

### Licensee - Holder:

The Interior Ministry / The Iranian Municipalities Organization (I. M. O.)

Managing Editor: Ahmad Khomeni

Editorial Chief: Ali Nozarpour

Editor Assistant: Nasser Imani Jajarmi

Editor Board Assistant:

Seyyed Mahmoud Nejaei Hosseini

Editor Board:

Mohammad Islami, Hossein Razaee Seem

Navid Saeedi Razvarz, Esmagel Salehi

Habibollah Taher Khani, Nasereddin Ghorab

Mohideh Mohammadzadeh Tilkanlou

Soleimani Assistant of Thought Section

Dr. Zaker Khan

Project Manager: Mehraz Bigdeli

Art Director: Bahman Rezaei

Editor: Naser Bensikpoor

Page Designer: Babak HajAhmadi

Type-Setting: F. D. Farahani

O. Mafi, S. M. G. Mirzaei

Sample Reading: L. Shafiei

English Abstract: V. Ebrahimi

The Contributors to this issue:

Mohammad Reza Houshmand

Pantea Lotfi, Narges Akbari

Bahar Momeni

Mehrsoudi Oghazian

Lithography, Print and Binding:

Nikpendar Publication

I. M. O. Publication

The Institute and its publications are not responsible for the views of the contributors. The Institute and its staff do not accept any liability for the content of the articles. The Institute's responsibility for the content of the articles is limited to the extent of the information provided in the articles.

Research Center For Urban Planning

Add. No. 16, 5th Alley, Gandhi St., Tehran, Postal Code: 15716

Phone and Fax: 8880226, 81312610, 8798537 E-mail: RCUP@HOTMAIL.COM



انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور اقدام به انتشار کتب و نشریاتی در زمینه‌های مختلف علوم شهری نموده است. علاقمندان میتوانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفنهای ۸۸۸۰۲۲۶ - ۸۷۹۸۵۳۷ - ۶۱۳۱۲۶۱ تماس حاصل نموده و یا به آدرس تهران، خیابان گاندی، کوچه پنجم، پلاک ۱۶، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری وزارت کشور مراجعه نمایند.

# 1

QUARTERLY JOURNAL  
OF MANAGEMENT AND  
URBAN PLANNING  
VOL 1, NO 1, SPRING 2000  
3000 RIALS

## URBAN MANAGEMENT

- ✓ The New Paradigm of the Urban Management
- ✓ The Making Delphi Method and Decision Making
- ✓ Economic Rent and Urban Development
- ✓ Estimating Urban Requirements
- ✓ Urban Research Centers
- ✓ Citizenship and Modernism
- ✓ The Athen Charter and Charter of 2000
- ✓ Post-Modernism and Urban Planning
- ✓ Municipalities, Islamic Urban Councils and the Third Development Plan

